

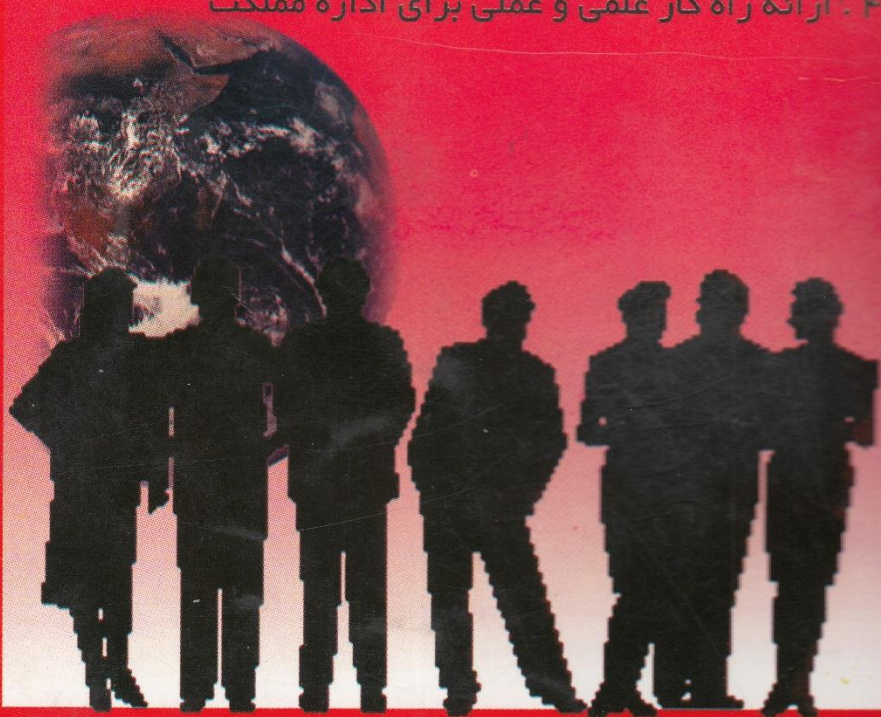
فرصت های آشنا فرصت های آشنا

۱ . فعالیتهای موجود در یک مملکت

۲ . وظیفه هیئت حاکمه در قبال مردم

۳ . اطلاع و آگاهی مردم از وظایف خود و دولت

۴ . ارائه راه کار علمی و عملی برای اداره مملکت



عبدالحسین سلحشور

فرصت های آشنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۴۲ سلحشور ، عبدالحسین

ف ۶۳۴ س فرصت های آشنا/عبدالحسین سلحشور. - فرخ شهر: جهانین ، ۱۳۸۶

ص ۲۴۵

شابک: ۶ - ۰۹ - ۲۶۳۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱. حقوق اساسی. ۲. دولت. الف. عنوان.



انتشارات جهانین

فرخ شهر - بلوار ولیعصر - خ باهنر - کوچه ۲ پلاک ۹

تلفن: ۰۳۸۲۲۴۲۳۸۲۰ - ۰۹۱۳۳۸۲۲۲۸۱

نام کتاب: فرصتهای آشنا

مؤلف: عبدالحسین سلحشور

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر افست شهرکرد ۳۳۳۹۷۹۷ - ۰۳۸۱

سال انتشار: ۱۳۸۶

شابک ۶ - ۰۹ - ۲۶۳۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - 09 - 6 978 - ISBN

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه:.....
۳	دلایل نامگذاری کتاب بنام فرصت های آشنا.....
فصل اول: علمی	
۵	همیشه راه بهتری (برتری) وجود دارد.....
۱۳	نیازها.....
۲۰	انجام کارهای مفید.....
۲۱	آگاهی.....
۲۵	کمیت و کیفیت.....
۲۹	بزرگترین آفتی که انسانها (نسل جوان) را تهدید می کند.....
فصل دوم: فرهنگی	
۳۴	فرهنگ.....
۴۱	اصلاح فرهنگی.....
۴۵	آموزش و پرورش.....
۵۰	اصلاحات اخلاقی.....
۵۱	اصلاحات اجتماعی.....
۵۶	مطبوعات و رسانه ها.....
۵۸	فرهنگها و آداب و سنن قوم ها و گروهها در کشور.....
۶۵	پرستش.....
۶۶	پایداری در بیان واقعیت.....
فصل سوم: سیاسی	
۷۰	فرار مغزها.....
۷۲	مساله قانونگذاری و نقش آن در بهبود اصلاح ساختارهای اجتماعی.....
۷۷	کارگزاری دولتی.....
۷۹	مجلس در قوه مقننه، دادگستری در قوه قضائیه.....
۸۰	انتخابات.....
۸۲	سیاست خارجی.....

حزب..... ۸۵

سیاست داخلی..... ۹۱

فصل چهارم: اقتصادی

صنایع..... ۹۷

واردات..... ۱۰۱

صادرات..... ۱۰۵

هدف از رشد و توسعه اقتصادی در یک مملکت..... ۱۰۹

تکنولوژی و فن آوری..... ۱۱۱

پول..... ۱۱۵

شغل دوم..... ۱۱۸

اوقات فراغت از کار..... ۱۲۴

((گردشگری)) و توریست..... ۱۲۶

وام..... ۱۳۰

بیمه..... ۱۳۳

پس انداز..... ۱۳۵

فصل پنجم: اجتماعی

مواد مخدر..... ۱۴۰

بازنشستگان..... ۱۴۳

حقوق کودکان..... ۱۴۹

شادی و مظاهر آن..... ۱۵۶

بخش خصوصی..... ۱۶۴

مالکیت..... ۱۷۰

قضاوت..... ۱۷۳

فصل ششم: خدماتی

زمینه های توسعه روستاها و جلوگیری از مهاجرت..... ۱۷۹

شهرداریها..... ۱۸۳

راه..... ۱۹۳

دفع موادزاید..... ۱۹۸

پیشه وری..... ۱۹۹

فصل هفتم: زنان

- زنان..... ۲۰۵
- ازدواج..... ۲۰۷
- زنان بی سرپرست و سرپرست خانواده..... ۲۱۱

فصل هشتم: مدیریت

- مدیریت..... ۲۱۷
- کمیسیون خبرگان..... ۲۲۰
- ساختار انسانی..... ۲۲۴

فصل نهم: نظامی

- آفت های نظام..... ۲۲۹
- سیستم دفاعی کشور..... ۲۳۱
- نیروهای مردمی (بسیج)..... ۲۳۴

فصل دهم: بهداشتی و سلامتی

- تربیت بدنی «ورزش»..... ۲۴۱
- بهداشت و سلامتی..... ۲۴۸
- تغذیه..... ۲۵۱
- افراد غیر نرمال..... ۲۵۵
- پزشک خانواده..... ۲۵۶
- بیماریهای صعب العلاج..... ۲۵۹
- آب..... ۲۶۰

فصل یازدهم: اشتغال

- اشتغال و زمینه های آن..... ۲۶۶

به نام آنکه پیوند می دهد دل
حکیم بی ریا در حل مشکل
فزاینده محبت بر قلوبان
صلای مرحمت بخش دل و جان

نقش حکومتها در توسعه پیشرفت جامعه و برآوردن نیازهای مردم و توانمندی در اجرای وظایف محوله از مسائل بسیار مهم و حیاتی است. امروزه کشورها را براساس نوع حکومت، دین، زبان، فرهنگ، نیروی انسانی ماهر، سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیائی، منابع طبیعی، توسعه اقتصادی، قهرمانان، دانشمندان، محصول یا محصولات برتر شناسایی و معرفی می کنند. دولتها مسئولیت مستقیم در توسعه و پیشرفت و تأمین و برآوردن تمامی نیازهای مردم در کشور را دارند و اگر بر مبنای صحیح و اصولی انتخاب شده باشند و با عمل به اینکه می دانند چه وظایفی دارند و وظیفه آنها در قبال ملت چیست؟ در آن صورت به همه مسائل مملکت با دید کلی و نگرش سیستمی نگاه می کنند. این کتاب به نام فرصتهای آشنا دستور العمل تقریباً کاملی است برای مردم که بدانند دولت منتخب آنها چه وظایفی دارد و برای دولتیان راهنمایی است که بدانند وظیفه آنها در قبال ملت چیست؟

منابع استفاده در تدوین این مجموعه: قرآن، نهج البلاغه، کتب اسلامی و صدها منابع معتبر علمی و تجربی، تاریخی و جغرافیایی، اجتماعی، روانشناسی، جامعه شناسی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، پزشکی، بهداشتی، ادبیات،

مدیریت ورزشی ، مجلات ، روزنامه ها ، سخنرانی ها ، گفته ها و نظرات مردم بوده است. نحوه استفاده به گونه ای نبوده است که از روی متن عیناً رونویسی شده باشد (جائیکه از منابع استفاده شده است منبع ذکر گردیده است.) مطالعات کامل انجام شده است و با ترکیب آنها با یکدیگر و برداشت سیستمی و فلسفی و فکری اقدام به تالیف و نگارش کتاب کردم در نتیجه طبق روال کتابهای دیگر در پایان ذکری از منابع نشده است.

در این کتاب خواننده با اهم فعالیتهای هیئت حاکمه آشنا می شود و ضمن تشریح این فعالیتهای ارائه راه کار علمی جهت تحقق این فعالیتهای ذکر گردیده است

سعی شده است فعالیتهای رایج توضیح و تشریح شود ممکن است فعالیتهایی از قلم افتاده باشد که انشاء... با اطلاع و راهنمایی خوانندگان در چاپهای بعدی اضافه خواهد شد.

مطالعه این کتاب را به همه اقشار جامعه به مصداق دانستن حق مردم است توصیه می کنم.

عبدالحسین سلحشور

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

بهار ۸۶

دلایل نامگذاری کتاب بنام فرصت های آشنا

مردم خواسته ها و نیازهایی دارند که تحقق آنها منوط به تصمیمات و برنامه ریزی اصولی و دقیق هیئت حاکمه می باشد.

فرصتهایی وجود دارد که به دولت و مردم مجال می دهد تا این اهداف تحقق پیدا کنند این فرصت ها برای دولت و مردم مبهم و ناآشنا نیستند بلکه به درستی با این فرصتها آشنا هستند اما به دلایلی از جمله کارهای روزمره کمتر توجه شده است در حالی که با شناخت این فرصتها و با فکر برتر بهتر می توان اهداف را تحقق بخشید.

به همین دلیل کتاب بنام فرصتهای آشنا نامگذاری گردید تا توجه مردم و مسئولین را به فرصتها معطوف دارد.

کتاب حاوی ۱۱ فصل و ۸۳ موضوع (فرصت) می باشد که به صورت مجزا توضیح و مورد بحث قرار گرفته اند.

فرصتهای آشنا به مصداق دانستن حق مردم است تکلیف مردم و مسئولین را در قبال راهکارهای عملی در جامعه محقق می سازد.

فصل اول

علمی

همیشه راه بهتری (برتری) وجود دارد

هزاران راه به خوشبختی منتهی میشود اگر یکی مسدود شد راه دیگری را انتخاب کنید. (یورسن)

در جامعه مشکلات و گرفتاریها جلو انسان ها قرار می گیرند و آنها را دچار دردسر می کنند چگونگی غلبه بر این مشکلات و پیدا کردن راه حل ، دغدغه انسان هاست مراجعه به مشاوران ، ادارات ، بزرگان ، متخصصان ، کتابها ، علمای دینی ، دستورالعملها ، قضات ، و ... برای پیدا کردن راه حل و غلبه بر مشکلات است.

گاهی مشکل بوجود نیامده است بلکه انسان می خواهد به بهترین وجه ممکن کارش را انجام دهد و کارش را متمایز از دیگران نماید ، شرکتهای تولیدی و خدماتی و مراکز آموزشی معمولاً برای رقابت و جلوگیری از ورشکستگی ، جذب ارباب رجوع و رسیدن به تولید و خدمات بیشتر و بهتر نیاز دارند که به دنبال راه حل بهتر و برتر باشند در بسیاری از مراکز آموزشی ، تولیدی و خدماتی گروهی را مشغول تحقیق و تفحص می کنند تا از نتیجه تحقیقات آنان در زمینه فعالیت موسسه برای کارایی بیشتر و بهبود شرایط کار استفاده کنند اینکه چگونه کار را با حداقل نقص انجام دهند؟ لازم است که از خصوصیات و ویژگیها و شرایط انجام کار اطلاع داشته باشند.

ویژگیها و خصوصیات پیدا کردن راه برتر و بهتر می تواند موارد زیر باشد.

۱- علم ۲- فکر ۳- تلاش ۴- صبر ۵- عشق ۶- موقعیت و امکانات

علم

علم و دانش کلیدی است که تمام درها با آن باز می شود (اناتول فرانس)

مجموعه دانستیهای بشر که از راه تجربه ، حس ، نوشتارها ، اخبار و اطلاعات و ... بدست می آید.

زمانی دانستیهای بشر بصورت علم خاص شکل می گیرد که توسط فرد سازماندهی شده باشد حال این سازماندهی یا توسط فردی که مطالعه می کند صورت می گیرد مثل اینکه شخصی به دانستیهای تاریخ ، شیمی ، ریاضی ، الکترونیک و ... علاقمند است در نتیجه سعی می کند در این زمینه به مطالعه و تحقیق و آگاهی پردازد و یا اینکه فرد در موقعیت آموزش قرار می گیرد تا علوم مورد نظر را دریافت دارد نمونه آن علمی است که در مدارس آموزش داده می شود و در دانشگاهها این علوم تخصصی می شوند مثل پزشکی ، آمار ، ریاضیات ، مدیریت ، و ... برای حل مشکل و پیدا کردن راه حل برتر علم به عنوان ابزار اولیه مدنظر است و از کسانی که این پایه از علم را ندارند نمی توان انتظار داشت که بتوانند راه حل برتر را جستجو کنند ، اصولاً ظرفی که خالی است با تکان دادن پر نمی شود.

فکر

دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش بلا (حکمت هندو)

هر چند که علم و فکر همراه یکدیگر نمود پیدا می کنند اما بین اینان تفاوت است همانطور که در مورد علم توضیح داده شد علم مجموعه دانستنیهای انسان است و این دانستنیها می توانند مورد استفاده قرار بگیرند و می شود هم مورد استفاده واقع نشوند چه بسیار افرادی هستند که علم دارند اما از آن استفاده بهینه به عمل نمی آورند.

تفکر یعنی استدلال کردن، تجزیه و تحلیل نمودن و استخراج راه حل جدید، علم خمیرمایه تفکر است، تا علم و زمینه های تفکر در انسان وجود نداشته باشد انسان نمی تواند تفکر کند اصولاً تفکر ریشه در علم دارد.

گاهاً افراد مطالعه می کنند و اطلاعاتی را بدست می آورند ولی نمی توانند از کنار هم گذاشتن آن اطلاعات به نتایجی دست یابند مثال بارز قرآن است که به عنوان دستورالعمل و راهنما اطلاعات را بخوبی به انسان می دهد و پس از دادن علم و اطلاعات از انسان ها می خواهد که تعقل کنند، استدلال کنند و با تجزیه و تحلیل از این اطلاعات بدرستی استفاده کنند، حتی کسانی را که فکر نمی کنند و اندیشه سطحی و پایدار دارند را به کر و کور و لال تشبیه می کند و می گوید نمی فهمند صم بکم عم فهم لا یعقلون همچنین پیامبر اسلام (ص) می فرماید: ارزش یک

ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت بیشتر است علت این است که با تفکر مشکلات جامعه ، مردم ، فرد و خانواده حل می شود و راه حل جدید و بهتری حاصل می گردد.

تلاش

پیروزی نصیب کسانی می شود که بیش از همه استقامت دارند. (ناپلئون)

تلاش یعنی فعالیت و کوشش با فعالیت انسان می تواند هم علم را فرا گیرد و هم تفکر کند ، انسانهایی که تلاش نمی کنند باید بدانند که علم و تفکر را نمی توانند به راحتی بدست آورند انسان ها باید تلاش کنند که مشکل خود و جامعه را حل کنند باید به دنبال راه حل برتر بگردند و حق ندارند نا امید شوند و اگر به راه حل نرسیدند فکر کنند که راه حلی وجود ندارد اگر چنین افکاری در جامعه بوجود آید تغییرات مطلوب در زندگی آن جامعه رخ نخواهد داد برای پیدا کردن راه حل برتر و بهتر سعی و تلاش و عدم یاس و ناامیدی است تلاش اراده قوی است که انسان با داشتن آن مالک همه چیز می شود.

چکیده دانشهای آدمی دو کلمه است صبر و امیدواری (الکساندر دوما)

این که صبر چه نقشی می تواند داشته باشد؟ و چگونه با صبر به راه حل برتر می توان دسترسی پیدا کرد؟ نیاز به تعمق دارد اگر علم و تفکر و تلاش وجود داشته باشد اما نتایج لازم کسب نشود چه باید کرد؟ آیا باید ناامید شد و دست از فعالیت برداشت؟ و یا اینکه امیدوار باشیم و بدانیم که انجام هر کار نتیجه آنی نخواهد داشت و بسیاری از فعالیتها در دراز مدت نتایجشان معلوم می شود

به عنوان نمونه فعالیتهای اقتصادی، فعالیتهای ورزشی فعالیتهای آموزشی و ... البته به شرطی می توان صبر کرد که برنامه ریزی وجود داشته باشد برای روشن شدن مبحث چند مثال آموزشی ذکر می شود آیا با چند جلسه کلاس درس توسط معلم مقصود (یادگیری) حاصل می شود؟

هر سال تحصیلی اهداف خاص خود را دارد که در پایان سال اهداف حاصل می شود انتظار آن است که با صبر و حوصله به آن اهداف دست پیدا کرد نباید عجولانه تصمیم گرفت و انتظار داشت که فوراً و ظرف یک مدت کوتاه دانش آموزان به همه اهداف از پیش تعیین شده دسترسی پیدا می کنند.

به همین دلیل است که می گویند معلم همانند شمع باید بسوزد تا در سایه این سوختن محفلی روشن شود یعنی دانش آموزان یاد بگیرند.

همین طور اهداف مقاطع مختلف تحصیلی (ابتدایی ، راهنمایی ، متوسطه) در پایان دوره تحصیلی حاصل می شود و اهداف آموزش و پرورش نیز در پایان طی شدن همه مقاطع تحصیلی است ، هم خانواده ها و هم مرییان و ... باید به این موضوع آگاهی داشته باشند و صبر کنند و امیدوار باشند تا نتایج حاصل شود اصولاً تربیت و یادگیری امری تدریجی است و زمان بر ، در سایر فعالیت های جامعه نیز باید نتیجه اقدامات را با صبر پیگیری کرد.

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

«حافظ»

عشق

عشق اصل همه چیز ، دلیل همه چیز ، خاتمه همه چیز است (لاکورد)

عشق یعنی علاقه ، انگیزه ، احساس رضایت از کار ، گاهی می گویند طرف عاشق است ، عاشق علاقمند است و این علاقمندی همیشگی است مثال کسی که از بازی فوتبال و ورزش خوشش می آید هر چه بیشتر نگاه می کند بیشتر لذت می برد و اگر کارش در زمینه ورزش باشد با جدیت بیشتر کار می کند. تصور کنید علم ، تفکر ، تلاش و صبر باشد و عشق هم به آن اضافه شود آنگاه است که نیروی محرکه بسیار قوی از درون فرد را به ادامه فعالیت بیشتر وادار می سازد ، در حقیقت عشق همان نیروی درونی خواستن و عامل تحرک فرد برای فعالیت است.

بسیار اتفاق افتاده است که افراد فعالیت چهارگانه (علم، تفکر، تلاش و صبر) را انجام داده اند و به نتایج خوب هم دسترسی پیدا کرده اند اما با بی تفاوتی و احساس سرد به آن نگاه می کنند فرد زمانی ارضاء می شود که نتیجه دلخواه را کسب کند. علاقه موجب می شود که فرد به سوی حل مشکل و پیدا کردن راه حل برتر اقدام کند.

مثالهای متعددی را می توان در این زمینه ذکر کرد.

در مدارس اگر مربیان علاوه بر موارد چهارگانه (علم، تفکر، تلاش و صبر) عشق به کار را نیز داشته باشند موفقیت بیشتری دارند و راهنمایی های آنها مثرتر خواهد بود و پیگیری تا رسیدن به اهداف را دنبال می کنند و از این کار لذت می برند گماردن افراد به کار اگر بر مبنای عشق و علاقه باشد نه تنها کم کاری و نارضایتی از کار وجود نخواهد داشت که انگیزه برای انجام کار در آنها چند برابر می شود در مسئولیتهای اداری و مملکتی نیز همین قانون حکم فرماست در غیر این صورت بیکاری پنهان حاصل خواهد شد و پیشرفتی در کار نخواهد بود به همین دلیل است که می گویند افراد باید عاشق کار باشند و از انجام آن لذت ببرند.

موقعیت و امکانات

امکانات (پول، سرمایه، زمین، منابع انسانی) مبنای انجام کار هستند زیرا که برای انجام هر کاری وسایل انجام آن نیاز است.

وجود منابع انسانی، مالی و فیزیکی لازم است چون هیچ کاری در خلاء انجام نمی گیرد همیشه برای انجام کارها و اینکه فکرها را عملی سازند یک سری امکانات و تجهیزات لازم است بدون امکانات و تجهیزات نمی توان کاری انجام داد، طرحها، برنامه ها و پیدا کردن راه حل برتر و بهتر ناچار زمینه اجرا می خواهد.

شرایط انجام کار و عملی ساختن راه حل برتر همه منابع را به نسبت نیاز دارد گاهی تصمیم گیرندگان و مسئولان رده بالای سازمانها و نهادها و وزارتخانه ها فکرهای برتری دارند اما کسانی که می خواهند این فکرهای برتر را عملی سازند یا تعدادشان کم است و یا وجود ندارند و یا شرایط مالی و فیزیکی مطلوب ندارند. باید توجه کرد که با امکانات موجود هم می توان راه حل برتر را اجرا کرد مهم این است که بدانی راه حل بهتری وجود دارد و اگر شرایط و امکانات آماده باشد آن راه حل را انجام می دهی اما راه حلی را که الان با توجه به امکانات انجام می دهی بهترین است. ضعف آنجا است که با توجه به همین امکانات راه حل در حال انجام بهترین نیست و راه حل های برتر دیگری وجود دارد که فرد به آنها فکر نکرده است.

زمینه های استفاده از مراحل ششگانه راه حل برتر می تواند در محدوده کاری هیئت دولت، برنامه ریزان اقتصادی، مجلس، مدیران مدارس، مربیان تعلیم و تربیت، پلیس، صدا و سیما، راه و ترابری، ورزش، شهرداران شهرها، مدیران صنعتی، ارتش، مراکز بهداشتی، انرژی، و ... نمود بیشتری داشته باشد چون تصمیمات اینان نقش غیر قابل انکاری در زندگی مردم دارند.

رعایت این مراحل نقش مهمی در زندگی افراد و اجتماع دارد بکارگیری اصولی این مراحل انسان را از ناامیدی و یاس باز می‌دارد و او را به سوی آینده‌های روشن هدایت خواهد کرد و می‌داند که برای غلبه بر مشکلات و بهبود شرایط کار و زندگی همیشه راه حل برتر و بهتری وجود دارد.

و به قول فردوسی

همه کارهای جهان را در است بجز مرگ کان را در دیگر است

نیازها

هر نظام حکومتی برای خدمت‌رسانی به مردم و اداره امور جامعه فعالیت‌های خود را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بهداشتی، نظامی و اعتقادی و هنری و ... شکل می‌دهد هدف حکومت اداره مطلوب کشور است بگونه‌ای که افراد آن جامعه برای رسیدن به رشد و تعالی و تأمین نیازهای خود به سهولت دست یابند.

شک نیست که نیازها و خواسته‌های افراد و جامعه متنوعند و افراد برای رسیدن به این خواسته‌ها تلاشهایی را باید انجام دهند نیازهای انسان یا فردی است یا جمعی.

نیازهای فردی حاصل تلاش یک نفر برای رسیدن به خواسته‌هایش می‌باشد اما نیازهای جمعی حاصل تلاش یک مجموعه است برای تحقق نیازها بستر سازی لازم

است به همین دلیل مردم افرادی را از میان خود انتخاب می کنند و قدرت تصمیم گیری به آنها می دهند تا آنها در غالب یک هیئت یا دولت با برنامه ریزی و بوجود آوردن بستر مناسب زمینه های بروز و تحقق این نیازها را میسر سازند نیازهای انسان متنوع و فراوانند و با توجه به ارزش زمانی آنها اولویت دارند.

نیاز اقتصادی:

خوراک ، پوشاک ، مسکن ، شغل ، ماشین ، لوازم زندگی ، پس انداز ، و ...

نیازهای اجتماعی:

تعلق گروهی ، پذیرفته شدن در جمع ، مسئولیت اجتماعی ، روابط انسانی ، آداب و سنن - کمک به هم نوع ، آزادی ، قانونمندی ، اطلاع رسانی ، استفاده از رسانه های خبری و ...

نیازهای فرهنگی:

تعلیم و تربیت ، بستر سازی پذیرش طرح یا ایده جدید ، تقویت آداب و سنن پسندیده ، فرهنگ سازی و ...

نیازهای اعتقادی:

پذیرش فلسفه زندگی ، اعتقاد به توحید و نبوت ، اعتقاد به روز جزا ، انجام کارهای خیر ، دوری از مظاهر شرک و گناه و ایجاد مراکز تقویت نیاز اعتقادی و ...

نیازهای سیاسی:

روابط بین کشورها و ملل نحوه اداره کشور، تدوین قوانین مورد لزوم کشور، استقلال مملکت، آینده نگری در تمام زمینه ها و ...

نیازهای بهداشتی:

حفظ سلامت بدن، دارو، درمان، ایجاد مراکز درمانی در دسترس، بیمه همگانی، بهداشت محیط زیست و دفع مواد زاید، سیستمهای شبکه آب و فاضلاب و ...

نیازهای هنری و سرگرمی:

ساخت فیلمها و سریالها، در دسترس بودن رسانه های خبری مثل رادیو و تلویزیون، پرکردن اوقات فراغت، ساخت پارک و تفریحگاه، مسافرت به مناطق خوش آب و هوا، ایجاد کتابخانه، خط و نقاشی و مهارت اندوزی، موسیقی، تقویت روحیه و ایجاد مراکز شادی.

نیازهای ورزشی:

ایجاد مکانهای مخصوص ورزش، در دسترس و ارزان بودن وسایل ورزشی، وجود نیروی انسانی برای آموزش (مربی). ایجاد بستر مناسب جهت تماشای مسابقات و

....

نیازهای امنیتی:

ایجاد امنیت داخلی، رسیدگی به شکایت مردم، حفظ و تمامیت ارضی کشور، آمادگی انسانی و تجهیزاتی، جلوگیری از هرج و مرج. مقابله با قانون شکنان، امنیت شغلی و ...

همه این نیازها باید بطور همجانبه تقویت و برنامه ریزی شوند هر کدام اهمیت خاص خود را دارند شکی نیست که پرداختن بیش از حد به تامین یک نیاز غافل شدن از سایر نیازهاست البته دولتها موظفند ترتیب اهمیت نیازها را برای فعالیت خود معلوم دارند.

مزلو: نیازهای انسانی را دسته بندی کرده است و برای آن سلسله مراتب در نظر گرفته است.

احتیاجات جسمی و عضوی، احتیاجات ایمنی، احتیاجات عشق و محبت، احتیاجات قدر و منزلت، احتیاجات خودیابی. منظور از سلسله مراتب احتیاجات این است که وقتی یکی از احتیاجات برطرف گردید احتیاج دیگری نمودار می شود در بررسی نیازها، نیازهای اولیه باید مدنظر باشد.

بحث کمیت و کیفیت

کمیت نیاز اولیه است ولی کیفیت بهتر انجام دادن آن است در این مورد چند مثال ذکر می شود فرض کنید که در مناطقی بچه ها از نعمت سواد محرومند در این صورت دولت و مسئولین امر برای با سواد کردن بچه ها تلاش می کنند و کلاسها را در خانه های اجاره ای ، چادر ، مسجد و مکانهای رو باز به طریق ممکن دایر می کنند از بچه ها می خواهند زیر انداز برای خودشان بیاورند از وجود افرادی که سواد دارند و می توانند تدریس کنند حتی با روشهای ابتدایی و سنتی و قدیمی استفاده می شود هدف اولیه با سواد کردن افراد است و هر چه بتوانند تعداد بیشتری را تحت تعلیم قرار دهند به همان نسبت موفقیت دارند و مثال دیگر در آمد دولت کم است و نمی تواند راه سازی و جاده بین شهر و روستاها را آسفالت کند در این صورت وجود جاده های شوسه نیز کفایت می کند.

مثال دیگر عده زیادی مستاجر هستند و فاقد مسکن حال اگر افراد فاقد مسکن به طریقی توانستند صاحب خانه ارزان قیمت شوند کار بسیار مهمی انجام گرفته است. در مثال اول کمیت مطرح بوده است و زمانی که امکانات و شرایط مهیا شد آن وقت هم به کیفیت کلاسهای درسی سیستم خنک کننده و حرارتی و روشنایی ، سرویس بهداشتی ، آزمایشگاه ، کارگاه و برنامه مدون اقدام خواهد شد و همچنین از وجود معلمان با تجربه بالا و کارآمد استفاده می شود و برنامه ریزی جهت تدوین کتب درسی و مواد امتحانی و بازآموزی معلمان انجام می گیرد. در این صورت

دیگر بحث کمیت است و در بحث کیفیت ، زیرسازی و آسفالت ، جدول بندی ، پل سازی و ارتباط کمیت است و در بحث کیفیت ، زیرسازی و آسفالت ، جدول بندی ، پل سازی و تابلوهای راهنمایی و رانندگی و ... مطرح می شود.

در مورد مسکن در درجه اول سیاست دولت انبوه سازی و تلاش برای با خانه کردن افراد مطرح است (کمیت) و بحث آب و برق و گاز و تلفن فاضلاب ، رنگ آمیزی ، سرویس آشپزخانه ، اثاثیه خانه ماشین و ... مطرح می شود که این دیگر مربوط به بحث کیفیت است این مثالها نشان دهنده این تفکر است که توجه به نیازهای مردم در روستاها ، شهرها ، استانها ، کشور و باید اولویت بندی شود و به تدریج از بحث کمیت به کیفیت تبدیل گردد. گاهی هدف ایجاد یک کارخانه تولیدی یا یک صنعت یا کشت محصولات کشاورزی یا پرورش دام و ... است وقتی این تاسیسات و خدمات ایجاد شد باید سیاست گذاری در بعد کیفیت انجام پذیرد. بطور کلی اول باید فرهنگ را ایجاد کرد و افراد را علاقه مند کرد و افراد به عنوان یک خواسته قبول داشته باشند و در مرحله بعدی توجه به کیفیت مطرح می شود سالهای قبل در ایران جهت شستشو تبلیغ پودرهای لباسشویی می شد و هر کس از این پودرها می خرید گاهی جایزه ای می برد که از قیمت پودر بیشتر بود این سیاست فرهنگ سازی آن قدر ادامه پیدا کرد تا مردم مصرف پودرهای شستشو را در برنامه زندگی خود قرار دادند و فهمیدند به وسیله این پودرها آسانتر و راحتتر می توان مواد شستنی را شست وقتی خوب جا افتاد و جزء فرهنگ مردم شد به

راحتی برای خرید پودر پول خرج کردند دیگر نه تنها جایزه ای در کار نبود بلکه قیمت های واقعی را نیز باید خریدار می پرداخت. حال خریداران توجه به نوع محصولات تولیدی دارند و اجناس را با توجه به کارآیی و کیفیت آنها خریداری می کنند بنابراین دولت می بایست اول بصورت کمی فرهنگ سازی کند و پس از فرهنگ سازی توجه خودش را به بعد کیفیت معطوف دارد. در این زمینه مثالهای متعددی را برای روشن کردن ذهن خوانند می توان بیان کرد استفاده از ماشین آلات کشاورزی، در مقایسه با قبل، مخابرات و خطوط تلفن و کارهای خدمات دهی آن به مشتری و صدها مثال دیگر در زمینه امنیت اول نیرو به اندازه لازم در اختیار قرار بگیرد آنگاه این نیروها بتدریج آموزش تخصصی ببینند یا در رابطه با دفاع، دفاع از مرزها اولویت اول است.

یا در زمینه دانشجو برای مراکز دولتی:

دولت ها با توجه به درآمدی که دارند. سالیانه و از میان خیل عظیم جوانان داوطلب به مراکز آموزش عالی درصد خاصی را می توانند سرویس دهی کنند مثلاً اگر یک میلیون نفر داوطلب باشد دولت به ظرفیت دانشگاهها، هزینه های مدرسان، فضای فیزیکی و ... ۲۰۰۰۰۰ نفر را می تواند از میان یک میلیون نفر گزینش کند تا تعداد مورد نظر جذب شوند ناچار به انجام کنکور است بعد از جذب ۲۰۰۰۰۰ نفر آنگاه توجه بعدی او کیفیت بخشی به سیستم آموزشی باید باشد در اینجا مشاهده می شود که کمیت در درجه اول و کیفیت در مراحل بعدی مدنظر است. به همین ترتیب در

تمامی فعالیتها توجه دولت به نیازها باید جدی باشد و با برنامه ریزی خود زمینه تحقق آنها را فراهم کند.

انجام کارهای مفید

بشر در زندگی مشغول انجام فعالیتهایی است که وقت او را پر می کند و شاید این تصور برایش نیز بوجود آمده باشد که برای انجام فعالیتها بدنی آمده است و باید این فعالیتها صورت گیرد فعالیتهای معمول و مرسوم مثل: کار، نظافت، تفریح، ورزش، عبادت، رفت و آمدها، سرگرمیها و ...

برای انجام این امور و اینکه بهتر بتواند به مقصود برسد نیازمند کمک دیگران از جمله دولت است، مثلاً در اشتغال که یا بوسیله افراد غیر دولتی فعالیت انجام می گیرد تا تاسیساتی بوجود می آید و یا کارهای خدماتی صورت می گیرد و یا کار تولید انجام می شود که فرد به این طریق مشغول فعالیت می شود و یا توسط دولت یا موسسات و یا کارگاههای تولید و خدماتی و کشاورزی بوجود می آید و برای راه اندازی آنها نیاز به نیروی انسانی است که از بین مردم عده ای انتخاب می شوند.

ایجاد زمینهای ورزشی، سالن، استخر و دیگر اماکن، دستجات ورزشی، باشگاهها بوجود می آید که یا دولتی هستند و یا خصوصی مردم فکر می کنند که این کارها مفید هستند و همه اقشار جامعه به فعالیتهای نظیر فعالیتهای فوق می پردازند.

قوانین و مقرراتی خاص برای بهتر انجام گرفتن این فعالیتها بوجود آمده است و یا بتدریج و با توجه به موضوع جدید به وجود خواهد آمد مهم این است که همه فعالیت ها و تلاش ها در جهت انجام کارهای مفید باشد باید پرهیز شود از انجام کارهایی که سود ندارد و به قول یکی از نویسندگان مدیریت: کار عبث و بیهوده و بدون استفاده چرا باید به خوبی و دقت انجام شود. گاهی قوانین ضعیف و مشکل ساز هستند که نه تنها مشکلی را حل نمی کنند بلکه مشکلاتی را نیز به وجود می آورند نباید برای انجام این کارهای بی ثمر دقت لازم به عمل آید و تلاش شود که به خوبی صورت گیرند که این کار مصداق گفته آیت الله خامنه ای است که فرمودند: بعضی از کارها و گفته ها همانند تمیز کردن شیشه با پارچه کثیف است.

آگاهی

آگاهی به معنی اطلاع داشتن و علم به موضوع، پدیده و یا جریانهای فکری است. آگاهی حد و حدودی دارد و معمولاً برای انسانها محدودیت دارد هر کس به فراخور تجربه و دانش و تلاش که انجام داده است از آگاهی برخوردار است آگاهی امر اکتسابی است عده زیادی در فراگیری آگاهی تلاش نمی کنند باید توجه داشت که انسانها در دانستن یکسان نیستند با توجه به علوم متنوع و خاصیت طبیعت و تنوع جریانها فکری افراد بعضاً در یک زمینه خاص تبحر پیدا می کنند و در سایر زمینه ها که به نوعی به زندگی روزمره آنان ارتباط دارد از حداقل اطلاعات برخوردارند. در جوامع انسانها براساس آگاهیهایی که دارند امرار معاش

می کنند آگاهیهای پزشکی ، اقتصادی ، اجتماعی ، روان شناسی ، فرهنگی ، جامعه شناسی ، سیاسی ، نظامی ، تربیتی ، اعتقادی ، فلسفی ، ریاضی ، زبان شناسی ، جغرافیایی ، تاریخی ، صنعتی ، مکانیک ، فضا ، انرژی ، تغذیه ، کشاورزی ، دامداری ، الکترونیک ، الکتریسته ، ورزشی ، قانونگذاری ، قضاوت و داوری و

از انواع آگاهی هستند که انسان ها با تلاش می توانند کسب کنند باید توجه کرد که هیچ انسانی نمی تواند در همه زمینه ها آگاهی تخصص پیدا کند وقتی به مردم یک شهر نگاه می کنیم آنها را از نظر آگاهی یکسان نمی بینیم بعضی تخصص دارند و وسیله ای را تعمیر می کنند ، بعضی فروشنده و مایحتاج مردم را در اختیارشان قرار می دهند ، بعضی کارهای خدماتی انجام می دهند ، عده ای کارهای کشاورزی ، عده ای کارهای عمرانی ، بعضی معلم و بعضی کارگزار دولتی و خلاصه یک ترکیب ناهمگون و بنوعی هم به یکدیگر به خاطر تخصصهایشان نیازمندند عده ای هم کودک و نوجوان و مشغول علم آموزی هستند. در تجزیه و تحلیل مسائل همه از نگاه و منظر خویش و با توجه به حرفه ای که دارند می اندیشند یکی مسائل را از دید لوازم یدکی ماشین و قیمت خودروها ، دیگری از آموزش و پرورش کودکان ، عده ای از گرانی اجناس ، عده ای از وضع مسکن ، و بعضی هزینه های پزشکی ، و ... گله می کنند.

اینها انتقاد می کنند و پاسخی را نیز می شنوند ، احياناً قانع هم می شوند و تا اندازه ای پی به علت می برند و از آگاهی حرفه ای خاصی برخوردار می شوند در حالی که آگاهی منحصر به این چیزها نیست آگاهی فراتر از این مسائل است.

خداوند انسان را بگونه ای خلق کرده است که پتانسیل تسلط بر طبیعت را دارد انسان دارای قدرت و توانایی درونی و استعداد نهفته ای است که تا زمینه ظهور پیدا نکند نمی تواند به آن دست رسی پیدا کند انسان باید اول خود را بشناسد زیرا شناخت از خود و انسانیت موجب می شود که در تلاش برای دانستن نا امید نشود و بداند آنچه را که می خواهد میتواند با علم آموزی و تجربه و تلاش و کوشش بدست آورد و این امر شدنی است وقتی انسان متوجه شد که فعالیت او نتیجه دارد تحرک پیدا می کند در چنین شرایطی است که به فعالیت می پردازد و در وهله اول به آنچه در جهان وجود دارد و حاصل تلاش دیگر انسانها بوده است آگاهی پیدا می کند در وهله دوم تلاش می کند که بر رمز گشایی و بر معلومات دنیا بیفزاید و این امر را دور از دسترس نمی داند.

اگر زمینه ها بگونه ای مهیا شود که مردم آگاهی لازم را داشته باشند در آن صورت هم در انتخاب نمایندگان ، رئیس جمهوری ، عملکرد مسئولین دقت نظر خواهند داشت هم این آگاهی موجب می شود که بی جهت زمام امور مملکت را بدست افراد نااهل نسپارد و دیگر اینکه وقتی مسئولین و دست اندرکاران متوجه شدند مردم می فهمند و حواسشان جمع ست در نحوه برخورد با آنان و همچنین در

انجام وظایف خود تجدید نظر می کنند البته باید توجه داشت همیشه بین کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند تفاوت است وقتی قرآن می فرماید ما از دانشمندان تعهد گرفتیم پس آگاهان مسئولیت دارند.

از نظر انسانی هم بر مردم لازم و واجب است که تلاش کنند تا بدانند و آگاهی داشته باشند و هم بر دولت لازم است که زمینه های دانایی را فراهم آورد تا استعداد مردم شکوفا شود.

دانستن حق مردم است خصوصاً در رابطه با حکومت و اینکه مسئولیت را بدست چه کسانی می سپارند و از آنها چه انتظاری باید داشته باشند.

لازم است همه مردم اعم از وکیل ، وزیر ، کارگزار دولتی ، پزشک ، معلم ، بازاری ، کشاورز ، کارگر و سایر اقشار وظایف دولت را بدانند و آگاهی لازم را داشته باشند تا دولتیان نتوانند آنها را بفریبند و وظایف خود را به گروهها و سازمانهای دیگر ربط دهند و از وظایف خود شانه خالی کنند آگاهی از عملکرد دولت پیش زمینه می خواهد اطلاع کافی از وظایف و مسئولیت های دولت و آگاهی از سایر نظامهای حکومتی رایج در دنیا تا هر دو نوع آگاهی را در هم ادغام و پایه اطلاعاتی خود قرار دهند انسان آگاه و مطلع حرفی که می زند مستند است ، انتقاد سازنده و بجا ، به راحتی توجیه نمی شود ، تلاش برای رشد و آگاهی مردم و آگاه شدن آنها دولت توانمند بوجود می آورد نباید مردم چون سایه باشند باید از قشر خاکستری

کم کرد و بر قشر روشن افزود توجه داشته باشیم مردم آگاه بهتر از کیان مملکت دفاع می کنند تا ناآگاهان هر چه قدر تجزیه و تحلیل مسائل توسط مردم بیشتر باشد به همان نسبت موجودیت مملکت حفظ خواهد شد اگر ملتی به توانمندی فکری و آگاهی رسید ملتهای دیگر برای آنها احترام ویژه ای قائلند و از نظریاتشان استفاده می کنند و به چشم حقارت به آنها نگاه نمی کنند و به عکس هر چه آگاهی مردم کمتر باشد در میان ملتهای دیگر به عنوان ملت آگاه شناخته نمی شوند و به چشم حقارت به آنها نگاه می کنند.

کمیت و کیفیت

کمیت یعنی جامعه آماری که قابل اندازه گیری و شمارش است و معلوم می کند مقدار و تعداد و اندازه، ظرفیت و خلاصه توصیف است یکی از راههای دسترسی به توسعه توجه به شاخصهای کمیت و کیفیت می باشد اگر هدف توسعه بهبود شرایط زندگی برای همگان است که طبعاً درست هم هست در این صورت توسعه به هر شکل و به هر نوع، باید نیازهای اساسی آحاد ملت را برآورد سازد به این ترتیب توسعه که نتیجه تغییر کمی و کیفی است باید مد نظر باشد. هر جامعه و فرهنگ باید راه توسعه خویش را بیابد و با تحقق بخشیدن به آرمانهای راستین ملت راه وصول به توسعه را هموار نماید آن چیزی که می تواند بعنوان راهنمای عمل در دستور کار دولت قرار گیرد شناخت از وضع موجود مملکت از نظر منابع انسانی و مادی و مالی است و بدلیل اینکه برنامه ریزی در خلا صورت نمی گیرد و نهایت

برنامه روی عواملی صورت می گیرد داشتن پایگاه اطلاعاتی که بتواند برنامه ریزان را در تدیون برنامه های کلان و خرد یاری دهد ضرورت پیدامی کند پایگاه اطلاعاتی باید کامل و نظام یافته باشد و وثوق آنها تقریباً ۹۵٪ باشد در برنامه ریزی اطلاعات آماری نیاز است. مثال در کشور و استان و شهرها در حال حاضر تعداد کلاس درس، طول راهها و جاده ها، انرژی مصرفی و تولیدی، وزن مواد خالص صادرات و واردات، نرخ ازدیاد جمعیت، منابع درآمد ارزی و داخلی (درصد کشاورزی؟، معادن؟ انرژی؟ صنایع؟ و...)، تعداد کامیونها و تریلرها، اتوبوس و هواپیما، ترنها؟ جمعیت کشور چند میلیون نفر است؟ پراکندگی جمعیت در شهرها و روستاها چگونه است؟ درصد رشد جمعیت چقدر است؟ هرم سنی افراد کشور چگونه است؟ (درصد کودکان، درصد نوجوانان، درصد میانسالان و درصد بزرگسال؟) وضعیت مسکن چگونه است؟ توزیع جمعیت از نظر جنسیت؟، نیروی انسانی ماهر و کارآمد در رشته های متنوع؟ تعداد بیکاران هر منطقه؟ تعداد دانش آموزان مدارس در هر منطقه؟ تعداد کسانی که در دانشگاهها به تحصیل ادامه می دهند؟

چه مقدار گوشت قرمز؟ مرغ و ماهی؟ گندم؟ سبزیجات و میوه جات؟ حبوبات؟ میزان تولید هر کدام از مواد غذایی در مملکت چه مقدار است؟ چه مقدار مواد غذایی از خارج وارد می شود؟

در زمینه های تکنولوژی ، پوشاک ، وسایل صوتی و تصویری ، مقدار فروش نفت و گاز و ... مسئولین و برنامه ریزان نیاز دارند که اطلاعات لازم را بدست آورند تا در برنامه ریزی از آنها استفاده نمایند بدون داشتن اطلاعات نمی توان برنامه ریزی کرد باید توجه داشت که برنامه ریزی نقشه کشیدن برای نیل به هدف و یا مقصود برای دستیابی به خواسته ها است اگر پایگاه اطلاعاتی که بتواند اطلاعات لازم را در اختیار مسئولین و برنامه ریزان قرار دهد وجود نداشته باشد و یا ناقص باشد طبعاً برنامه ریزی علمی و اصولی انجام نخواهد گرفت اما برای بدست آوردن اطلاعات می توان از طریق داده های سرشماری آماری جمعیت کشور ، آمار و بودجه و آمار وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمانهای بین المللی برای مقایسه تطبیقی ، دانشگاهها و مراکز تربیت معلم ، نهادهای خصوصی ، اتحادیه های کارگری ، شوراهای شهر و روستا ، نمایندگان مجلس ، شهرداران ، وصول مالیات ، درصد رشد جمعیت ، درآمدهای ارزی و جاری ، تولید ناخالص ملی ، درآمد سرانه به عنوان یک شاخص اقتصادی در مقایسه بین کشورها استفاده کرد. توجه داشته باشیم که شرط لازم برای توسعه و بهبود شرایط زندگی و بهزیستی هریک از آحاد مردم رشد اقتصادی است به این ترتیب برنامه ریزی در بعد کلان در جهت رشد که از تغییرات کمی در طول زمان حاصل می شود وظیفه دولت است دولت با داشتن آمار دقیق بهتر می تواند برنامه ریزی کند در جایی می بایست توجه به رشد در زمینه کمیت بشود بعنوان مثال اگر در کشوری تعداد زیادی از کودکان زمینه حضور در

مدرسه را ندارند دولت باید در وهله اول بگونه ای برنامه ریزی کند که کودکان در کلاس درس حاضر شوند در چنین شرایطی ممکن است معلمان زبده نباشند، ممکن است بچه های ۱۰/۹/۸/۷/۶ ساله در کلاس اول ثبت نام شوند. دغدغه مسئولین و برنامه ریزان است که کلاسها دایر شود و یا در زمینه صنعت یک نوع تکنولوژی در کشور نیاز است تلاش دولت این است که در نقطه ای از مملکت این صنعت ایجاد شود در این صورت ممکن است کارشناسان خارجی هم بیایند و افرادی هم جهت آموزش به خارج از کشور فرستاده شوند. یادر زمینه خدمات جاده ها و راهها در شهرها و روستاها مشکل باشد در چنین موقعیتی هدف آن است که جادههای شوسه جهت ایاب و ذهاب ایجاد شود و مثالهای از این نمونه اما کیفیت که تکمیل کننده کمیت است. در مثال اول در رابطه با محرومیت کودکان از تعلیم پس از راه اندازی که در بعد کمیت بود توجه به بعد کیفیت در وهله دوم است در این صورت کلاسها باید مطلوب و مناسب باشد معلمان آموزش دیده باشند تعداد دانش آموزان در کلاسها متناسب باشد فقط کودکان هم سن مثلا ۶ ساله ها یا ۷ ساله ها یا ۸ ساله ها و ... هر کدام در یک کلاس باشند.

در مثال دوم صنعت: بعد از راه اندازی توجه به زیبا سازی کارخانه، توجه به نوع تولید، ساعات کاری کارکنان، حقوق و دستمزد آنان، استاندارد تولید، استفاده از کارشناسان داخلی زمینه های کیفیت است؛ در زمینه جاده ها و راهها پس از ایجاد جاده، ترمیم آنها، آسفالت و جدول بندی، نصب تابلوی راهنمایی و رانندگی،

عریض کردن جاده ، زدن پل ، اصلاح پیچهای خطرناک ، برنامه ریزی کیفیتی خواهد بود . بهر حال در زمینه مملکت داری توجه به آمارهای اطلاعاتی کمی و کیفی لازم و ضروری است در کیفیت بخشی توجه به آموزش و پرورش و شیوه فراگیری و یادگیری کیفیت است توجه به آموزشهای دانشگاهی کیفیت بخشی است ؛ خصوصیات دختران و پسران در سنین مختلف و نحوه آموزشی به هر گروه سنی کیفیت است ؛ توجه به خودروهایی که آلودگی کمتری دارند و سوخت کمتری مصرف می کنند کیفیت است ، استفاده از ماشینهای کشاورزی جدید برای کشت و برداشت محصول ، ایجاد سیستمهای فاضلاب و آب رسانی ، ساخت خانه هایی که با کمترین هزینه خنک و گرم می شوند ، استفاده از سیستمهای مخابراتی و ماهواره ای و چاپخانه ها ، دستگاههای تکثیر ، استفاده از رادیو و تلویزیون ، روان نویس ، کنترل تلویزیون ، کامپیوتر ، آیفن ، نمونه های از کیفیت و کیفیت بخشی است .

بزرگترین آفتی که انسانها (نسل جوان) را تهدید می کند

هر موجودی خاصیتی دارد و مجموع این خواص ماهیت آن موجود را می سازد اما بعضی از خواص هستند که نسبت به سایر خواص از اهمیت بیشتری برخوردارند و آن موجود را به دلیل داشتن آن خصوصیت می شناسند خاصیت خورشید نور و پرتو افشانی است خاصیت شب تاریکی است .

ماهیت گرگ درندگی است گرگ اگر درنده نباشد گرگ نیست عقرب اگر نیش
نزند عقرب نیست .

نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعتش این است

خاصیت مار نیش و سم است خاصیت روغن چربی است خاصیت آب تری است و
... اما انسان به عنوان اشرف مخلوقات چه مشخصه ای دارد که او را از سایر
موجودات متمایز می کند؟ چرا انسان می تواند جهان را مسخره خود کند چرا می
تواند در جهان تغییرات ایجاد کند چرا می تواند ابزار بسازد چرا می تواند مسیره‌های
طولانی را در زمان کوتاهی طی کند و صدها چراهای دیگر این انسان چه مشخصه
ای دارد؟

مشخصه آدمی عقل و تفکر است انسان برای تفکر و تعقل آفریده شده است و
اساسی ترین رسالت انسان تعقل و اندیشیدن است .

یادگیری در حیوان بر اساس آزمایش و خطا صورت می گیرد حیوان وقتی به
مشکلی بر می خورد به جای تعقل و تفکر به فعالیت های بدنی می پردازد اما انسان
به عقل و خرد مجهز است لذا پیش از انجام یک کار ، نفع و ضرر آن را می سنجد.

وقتی از عقل و تفکر استفاده شد روی تمامی موضوعات در دسترس می اندیشد و
هدف گذاری می نماید هدف از خلقت انسان را می فهمد شکر گزاری را بهتر و
آگاهانه تر انجام می دهد عملی که بر اساس عقل و تفکر انجام گیرد ارزشمند تر از

اعمالی است که از روی تقلید و بی تفکر صورت گیرد امام صادق (ع) : به میزان عقل و خرد افراد اعمالشان ارزش پیدا می کند .

باید از این نعمت خدادادی استفاده کرد و زمینه هایی فراهم آورد تا مردم راه اندیشیدن را یاد بگیرند و بفهمند که می توانند نیازهایشان را بوسیله اندیشه برآورده سازند و ضررها را با اندیشه از خود دور نمایند و برای حرکت وسایلی را طراحی و بسازند کسانی که از عقل و تفکر استفاده می کنند نسبت به کسانی که استفاده نمی کنند ارزشمندتر هستند زیرا با تفکر و تعقل مشکلات خود و جامعه را حل می کنند ولی فردی که تعقل نمی کند نه تنها قادر به حل مشکل خود نیست که دیگران باید مشکل او را حل کنند و برای اجتماع نفعی ندارد پیامبر اسلام (ص) : هیچ چیز برتری و والاتر از عقل در بین مردم تقسیم نشده است حتی خواب و استراحت شخصی عاقل از شب زنده داری غیر عاقل ارزشمند تر است .

بر پدران و مادران ، معلمان و مربیان فرض است که بجای پرداختن به امور سطحی به پرورش عقل و خرد فرزندان جامعه قیام کنند و آنان را بگونه ای تربیت نمایند تا بچه ها بتوانند از مغز خود استفاده کنند این یک خطر جدی است برای مملکت اگر جوانان اندیشه نکنند و نتوانند با مشکلات موجود مبارزه فکری کنند آنوقت دیگران باید به جای اینان اندیشه کنند و تصمیم بگیرند تصمیمی که دیگران برای جوانان ، مردان و زنان و جامعه بگیرند معلوم است چیست ؟ طبعاً آنان برای سلامت مملکت ما تصمیم نخواهند گرفت نباید کار بجائی برسد که از خارج بجای نسل

جوان فکر کنند در آن صورت اداره مملکت با مشکل مواجهه خواهد شد هویت کشور از بین خواهد رفت آنچه قابل ستایش است و در تاریخ ماندگار می ماند چهره های فکری و دانشمندان هستند که تفکرشان موجب اصلاح زندگی مردم و پیشرفت بشریت گردیده است در جامعه بشریت افراد فکری ارزشمند هستند، تاریخ نامی از بیسوادان و آنهاييکه تعقل نداشته اند نبرده است اصولاً تاریخ را عقل و تفکر می نویسد نه جهل و نادانی؛ وای بحال ملتی که نخبه نداشته باشد. بین انبار کردن اطلاعات و فکر کردن تفاوت است اینکه چیزهایی را حفظ کنیم و در ذهن خود آنها را جمع آوری نماییم و از آنها استفاده نکنیم .

انیشترین : ذهن را برای فکر کردن مورد استفاده قرار دهیم نه برای انبار کردن اطلاعات و آگاهی .

وظیفه دولت است که با برنامه ریزی جریان تعلیم و تربیت را بگونه ای مهیا نماید تا در مراکز آموزشی مربیان بچه ها را طوری تربیت کنند که قوه تعقل آنها پرورش یابد و از مغز خود کمک بگیرند .

فصل دوم

فرهنگی

فرهنگ

فرهنگ مجموعه ای از آداب و رسوم و اعتقادات و داشته های تاریخی گذشته یک ملت، یک قوم، یک نژاد است که در زندگی روزمره از آن استفاده می کنند. شناسایی ملتها در دید ملتهای دیگر بدلیل داشتن همین فرهنگهاست برای مثال فرهنگ دینی یا اعتقاد دینی اسلام را توضیح می دهیم. در اسلام یک مسلمان یا تمامی مسلمانان بر اصول اعتقادی خویش (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) اعمالی را تحت نام احکام انجام می دهند مثل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت زکات و خمس و ... پدران و مادران و علمای دینی آداب و رسوم را به فرزندان و افراد جامعه تعلیم می دهند و بوسیله کتاب و جزوه، سخنرانی، تبلیغ اسلام، جهت یادگیری را بعمل می آورند انتظار دارند که پس از پذیرش این اصول اعتقادی توسط فرزندان جامعه آنها نیز این اعتقاد را به نسلهای بعد از خود انتقال دهند انجام اینگونه تبلیغات و پذیرش احکام دین اسلام برای مردم فرهنگ شده است و مردم از آموزش و تبلیغ تعجب نمی کنند و خود بنوعی مسائل را می دانند و در برابر افکار منتقد حداقل دفاع را بعمل می آورند و متوجه هستند که چه اعمالی خوب و پاداش دارد و چه اعمالی بد و کیفر دارد و سعی می کنند رفتارهای اجتماعی خویش و روابط اجتماعی را بر اساس این اصول اعتقادی پایه ریزی کنند وضع قوانین اجتماعی، سوگند برای تشخیص خوب از باطل، ازدواج و طلاق و، رفت و آمدها، وضع حجاب، حلال و حرام و ... و یادر

بعد ملی عید نوروز اول فروردین هر سال را جشن می گیرند و به دید و بازدید یکدیگر می روند و یا روز ۱۳ فروردین را روز خاصی می شمارند و به دامن صحرا و کوه و طبیعت می روند و تفریحی طبیعی را برای خود بر می گزینند و برای اینکه مردم به دامن صحرا و سبزه و ... بروند و در خانه نمانند و قدر طبیعت را بدانند گفته اند که هر کسی بیرون نرود و در خانه بماند این روز برای او نحس است در حالی که می دانیم چنین نیست و روز نحس در ایام سال وجود ندارد بهر حال ترکیب اصول اعتقادی و ملی، فرهنگی را بوجود آورده است که مردم بر اساس آن روابط اجتماعی و زیستی خود را شکل میدهند.

اما بحث فرهنگ وسیعتر از اینها است چرا که جامعه هر روز در گذر تحول و دگرگونی است و ناچاریم فرهنگی را رها کنیم و فرهنگ جدیدی را جایگزین آن نماییم و یا اینکه با توجه به علم و فن آوری و تغییرات تکنولوژی و صنعتی و استفاده از علوم و صنایع جدید فرهنگ جدیدی را بوجود آوریم و اعمال کنیم.

با دو کنش در فرهنگ مواجه هستیم:

۱- ایجاد فرهنگ (فرهنگ جدید) ۲- اصلاح فرهنگ (تغییر)

باید توجه کرد که در اصلاح فرهنگ یا ایجاد فرهنگ جدید در بین مردم کاری بس دشوار در پیش رو داریم زیرا همیشه مقاومت در بین مردم خصوصا طبقه سنت گرا وجود دارد .

۱- فرهنگ جدید :

شیوه های جدیدی زندگی ، امکانات صنعتی و الکترونیکی و استفاده از این تحول در زندگی بشر جامعه را برای پذیرش فرهنگ جدید آماده می کند . ذکر چند مثال موضوع را بدرستی برای خواننده تفهیم خواهد کرد .

استفاده از گاو آهن برای شخم ، استفاده از گاری و درشکه و اسب و شتر برای حمل و نقل ، خانه گلی یا سنگی یا سقف چوبی ، چراغهای روشنایی نفتی ، جاروی دستی و ...

جای خود را به تراکتور و کمباین در کشت و برداشت محصولات کشاورزی وسایل موتوری و خودرو ماشینی در حمل و نقل ، خانه بتونی و آجری و سقفهای آهنی و سیمانی ، الکتریسیته در روشنایی و جارو برقی و ... داده است بعلاوه تکنولوژی جدید مثل مخابرات ، الکترونیک ، رادیو و تلویزیون ، شیوه دوخت لباس ، کارخانجات پارچه بافی ، مدل‌های جدید لباس ، وسایل متنوع خانگی ، فرشهای ماشینی ، صنعت چاپ ، کتابخانه ، تصفیه آب ، استفاده از گاز بعنوان منبع انرژی ، رشته های متنوع ورزشی ، میادین ورزش ، فن آوری و علوم جدید در آموزش و یادگیری ، کلاسهای درسی و تجهیزات آن ، شوینده ها ، چگونگی دفع مواد زائد ، آپارتمان نشینی ، فروشگاهها و فروشندگان ، کنترل عبور و مرور ، استفاده از انرژی آب ، باد و سایر سوختها ، انرژی اتمی ، مراکز امنیتی و قضایی ،

سیستمهای امنیتی داخلی و خارجی ، روابط بین المللی ، علم پزشکی و هزاران هزار تغییرات جدید که به نوعی در زندگی انسانها تاثیر دارند فرهنگ جدیدی را می طلبد و هر کدام فرهنگ استفاده مخصوص به خود را دارند .اینکه چه موقع از عرض خیابان عبور کنیم ؟در چه جایی توقف ؟ از کدام سمت خیابان عبور کنیم ؟ چگونه فاصله با خودرو جلو را رعایت کنیم ؟ و اگر تصادفی به عمل آمد چه کسی مقصر است ؟ مصدوم را به چه جایی باید رساند ؟ چه جایی نباید بوق زد ؟ کدام ماشینها می توانند از کنار ما سبقت بگیرند ؟ (امبولانس و امداد و پلیس) جلوگیری از آلودگی صوتی ، استفاده از چراغ راهنما در سر چهار راه ، شناخت تابلوهای نصب شده در کنارخیابانها ، داشتن مجوز (گواهی نامه) جهت رانندگی ، احترام به پلیس ، پذیرفتن رای پلیس و کارشناس جاده و ترافیک و ... اینها فرهنگ مربوط به راهنمایی و رانندگی است آیا همه مردم اصول و قوانین مربوط را می دانند؟ آیا آنهائیکه می دانند خود را ملزم به رعایت می کنند و صدها آياهای دیگر ؟ در دیگر موارد جدید تغییرات زندگی هر کدام قوانین و طرز استفاده مخصوص به خود را دارد اینکه مردم می دانند و رعایت می کنند؟ بستگی دارد به قدرت آگاهی ، ایجاد آگاهی نقش اصلی را دارد یعنی همه مردم باید بدانند : این کالا یا علم یا تکنولوژی چه استفاده ای دارد ؟ چگونه می توان از آن استفاده کرد؟

در چه مواقعی باید از آن استفاده کرد؟

اگر آسیب دید چه مراکزی آن را تعمیر می کنند؟ وسایل یدک را از کجا تامین می کنند؟ درست و صحیح و به موقع استفاده کنند. سازندگان تکنولوژی جدید موظفند که دستورالعمل ها و بروشورهای استفاده را به اطلاع مصرف کنندگان برسانند تا آنها با علم و اطلاع از این نوع امکانات استفاده کنند مثلاً کسی که می خواهد به دیدن مسابقه فوتبال برود اول باید بلیط تهیه کند بعد در جای مناسب اسکان یابد تیمها یا بازیکنان را بشناسد از بازی بازیکنان یا تیم مورد علاقه لذت ببرد و بی خودی به جار و جنجال نپردازد و مزاحمت برای دیگران درست نکند و توجه داشته باشد که او تنها نیست که بازی را تماشا می کند بلکه دیگران هم هستند و چه بسا کودکانی باشند که رفتار تماشاگران را مد نظر دارند و از حرفهای آنان برداشت می کنند حال اگر حرفی خارج از نزاکت زده شود چه تاثیری روی کودکان خواهد گذاشت بستگی دارد به فرهنگ و علم و آگاهی تک تک تماشاگران گاهی دختر بچه ها در استادیوم هستند گاهی خبرنگاران زن جهت تهیه خبر آمده اند و گاهی تیم یا تعدادی از تماشاگران زن هستند و بعضی با خانواده آمده اند رعایت ادب و نزاکت باید به عمل آید تا بدآموزی نشود تماشاگر باید بداند چه حرف رکیک بزند و چه حرف خوب نتیجه بازی بستگی به حرفهای وی ندارد و بازیکنان در زمین کارشان را انجام می دهند گاهی تیم مورد علاقه پیروز و گاهی هم شکست دارد تماشاگر باید با این دید وارد ورزشگاه شود که هر احتمال

ممکن است رخ دهد در این مورد می گویند تماشاگر نما و کسانی که اطلاع از وضع و موقعیت بازی ندارند . چرا که ممکن است تیم مورد علاقه فلان تماشاگر در مقایسه با تیم حریف از نفرات ضعیفتری از نظر تکنیک و تاکتیک بهره ببرد مثلاً گاهی ایران با برزیل یا ایتالیا یا آلمان یا فرانسه یا هلند بازی دارد در اینجا احتمال برد ایران وجود دارد همچنین احتمال مساوی و احتمال برد حریفان ولی این احتمال درصد دارد تماشاگر آگاه می گوید : در بازی ایران و برزیل ۱۰٪ احتمال دارد ایران برنده شود و ۳۰٪ احتمال مساوی و ۶۰٪ احتمال برد برزیل پس وقتی احتمالات این گونه است دیگر جای داد و فریاد نیست اینکه آنوقت به بازیکن و مربی و دست اندرکاران تیم ناسزا بگویند از روی عقل نیست نتیجه میگیریم که فرهنگ ریشه در علم و اطلاع و آگاهی افراد دارد و بر مسئولین امر لازم است که این علم و اطلاع و آگاهی را به تیم ها و تماشاگران برسانند . در رابطه با هر موضوع و فن آوری و تکنولوژی و صنعت و ... باید فرهنگ خاص خودشان در بین مردم تبلیغ شود البته نباید از نظر دور داشت که اطلاع از قوانین و دستورالعمل ها هم علاقمندی می آورد و هم بر فرهنگ افزوده می گردد و تاشناخت مقدماتی از رشته ورزشی ، علوم جدید فن آوریها ، و غیره نباشد کشش و رغبت هم بسوی آنها نخواهد بود و اگر کشی هم باشد آگاهانه نیست .

هر تحولی که به وجود آید کالا یا خدماتی برای استفاده بشر درست شود فرهنگی را بدنبال دارد یعنی مردم با توجه به نوع کالا یا خدمات زندگی خود را شکل می

دهند اینکه می توانیم با فشار روی یک دکمه به صاحبخانه اطلاع دهیم که ما پشت در هستیم و با زدن یک کلید چراغی روشن می شود و یا در شب هم می توانیم به استادیوم ورزشی برویم و بازی را از نزدیک تماشا کنیم چرا که نور افکن های ورزشگاه فضای ورزشگاه را مثل روز روشن می کنند و به فاصله کمی می توانیم از شهری به شهر دیگر از کشوری به کشور دیگر برویم در حقیقت خود را با موقعیت های جدیدی روبرو کرده ایم . فرهنگ جدیدی را پذیرفته ایم و آگاهی جدیدی به ما دست داده است اینکه می توانیم با سایر کشورها ارتباط برقرار کنیم از نظرات آنها استفاده نمائیم تحولی در زندگی ما رخ داده است این تحول فرهنگ جدیدی را بوجود آورده است که به تدریج وارد زندگی ما می شود .

بوسیله کامپیوتر و بازیهای آن ، اخبار اینترنتی و ... خود را سرگرم کرده ایم و قسمتی از اوقات خود را صرف کرده ایم فرهنگ جدیدی را پذیرفته ایم استفاده از وسایل خانگی مثل جاروبرقی ، لباسشویی ، فرش ، سیستمهای برودتی و حرارتی ، تلویزیون و کامپیوتر، میزکار، سرویس های بهداشتی اجاق گاز های مدرن و... هر کدام فرهنگی دارد دستورالعمل استفاده دارد بوجود آمدن ایده های جدید نوع نگرش انسانها به طبیعت و منابع آن، تلاش در جهت رفع بی سوادی بوجود آمدن سازمانها و ادارات با وقت خاص رفتار این سازمانها ، زمان کارایی این سازمانها در مایجاد فرهنگ خواهد کرد یعنی یاد می گیریم که چه موقع به ادارت رجوع کنیم هر اداره مربوط به کدامیک از کارهای ماست وقت مراجعه به ادارات چه زمانی

است افراد شاغل در این سازمانها و ادارات پذیرفته اند که چه ساعاتی برای کار در اداره داخل شوند و چه کارهایی را انجام دهند و چه موقع خارج شوند چه زمانی باید غذا بخورند حال اگر بخواهند میهمانی بروند، مسافرت بروند، طبعا در وقت تعطیلی ادارات و در زمان مسافرت باید مرخصی بگیرند.

رفتارهای سازمانی تاثیر مستقیمی بر زندگی افراد خواهد داشت و رفتار آنان منبعث از سازمانی است که در آنجا مشغول به کار شده اند در اینجا فرد فرهنگ جدید را پذیرفته است همچنین گاهی آوردن تکنولوژی و صنعتی به کشور لازم است اما کشورها به راحتی این فن آوری را به ما نمیدهند اینکه از چه راهی وارد شویم و چگونه آنها را متقاعد کنیم فرهنگ روابط پا به میان می گذارد در اینجا نیز علم و اطلاع و آگاهی به صورت فرهنگ جلوه گری می کند بنابراین در دنیایی که ما زندگی می کنیم تحولات بسیار دارد و فرهنگ های جدیدی را نیز به همراه خود می آورد باید آمادگی پذیرش اینگونه فرهنگ ها را در خود تقویت کنیم و آماده جهت تعدیل و پذیرش واقعیتها بنمائیم.

اصلاح فرهنگی : (تغییر)

انسانها در دوران زندگی تابع اصول و قوانینی هستند که یا از پدران و نسلهای گذشته بدانها رسیده است و یا جامعه و قوانین اجتماعی به آنها تحمیل کرده است همچنین تکنولوژی و تغییرات زندگی نیز اصول و قوانینی را ایجاد می کند انسانها

بر اساس موجودیت جامعه زندگی می کنند به این نوع روابط انسانی و اجتماعی فرهنگ گفته می شود اما باید توجه کرد که بعضی از آن رسوم و قوانین و روابط برای زمان خاصی کاربرد دارد و در این زمان یا زمانهای آینده کاربرد ندارد و دیگر رنگ و بویی ندارد و باید فرهنگ جدید جایگزین فرهنگ منسوخ و غیر کاربردی شود در اصلاح فرهنگی همیشه عواملی وجود دارد که نمی توان به راحتی از فرهنگ گذشته چشم پوشی کرد این عوامل عبارتند از :

۱- عدم آگاهی از تحول جدید .

۲- عادت کردن به فرهنگ قبلی .

۳- ترس از ایجاد فرهنگ جدید .

۴- ترس از دست دادن فرهنگ موجود .

بهر حال همیشه در برابر ایده جدید نوعی مقاومت دیده می شود در طول تاریخ نیز چنین بوده است پسر نوح حرف پدر را گوش نکرد و با کافران غرق شد ، همچنین قوم نوح حاضر نشدند از عقیده خود دست بکشند و به نوح ایمان آورند .

قوم هود ، صالح و ابراهیم استدلال پیامبرشان را در رابطه با قدرت خداوند و یکتایی او قبول نکردند .

قوم شعیب نیز پند و اندرز را قبول نداشتند لوط که عمل شنیع قوم را دید هرچه تلاش کرد نتوانست آنها را تغییر عقیده دهد .

در زمان فرعون سحر و جادو توسط ساحران رواج پیدا کرده بود موسی نیز نتوانست با استدلال فرعونیان را تغییر عقیده دهد عیسی با آن همه معجزه و شفای بیماران باز هم نتوانست حتی خود را از به صلیب کشیدن نجات دهد و سرانجام پیامبر اسلام (ص) که با خرافه و کهنه پرستی مبارزه کرد . قرآن مرتباً یادآوری کرد که افکار پدران و گذشتگان هرچند باطل باشد را قبول می کنند؟ ولی خداشناسی را فراموش می کنند بت را به جای خدا پرستیدند اینقدر دامنه خرافات و فرهنگ محیط گذشته حاکمیت داشت که به راحتی مقاومت می کردند حتی حاضر بودند جانشان را نیز برای حفظ آن فرهنگ از دست بدهند . گاهی عقل حکم می کند که دیگر روشهای قدیمی کاربرد ندارد نمی توان با آن روشها جامعه را اداره کرد چرا از عقل استفاده نکنیم مثلاً اینکه دائماً از خدا بخواهیم دشمنان را نابود کند نوعی گرایش به مبدا قدرت است اما باید توجه داشت که زمینه نابودی دشمن را خداوند در وجود تو قرار داده است .

ان الله لا یغیر و ما بقوم حتی یغیر ما بانفسکم

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آن قوم خود بخواهند تغییر دهند .

قوه تعقل ، قلم و نوشتن ، تفکر ، نیروی جسمانی ، هجرت و سیر در جهان و دیدن شگفتیهای آن ، اختراعات بشری ، استفاده از علوم ، چگونگی استفاده از ابزار ، خاصیت مواد مثل مغناطیس ، استفاده از انرژی و ... مسائلی هستند که ریشه در آگاهیهای انسان یا رشد و فرهنگ انسانی دارد استفاده از اینها برای تحقق کارها کنار گذاشتن فرهنگی (شیوه قبلی) را می طلبد باید آماده باشیم و به استقبال تغییرات اجتماعی برویم و اصلاح کنیم و ترس شکست را از خود دور کنیم و واقع گرا باشیم وقتی وسیله ای اختراع می شود و به وفور در خانه وارد می گردد و جمعیتی از آن وسیله استفاده می کنند منتظر عواقب بد آن نیز باید باشیم مثلا وقتی فیلم را می بینیم از طریق تلویزیون ، سینما ، cd ، و ... برداشتی که فیلم بر بزرگسالان ، زنان ، مردان و کودکان گذاشته را نیز باید بپذیریم در فیلم مسائل علمی ، عاشقانه ، جنائی ، داستانی ، کمدی ، گانگستری ، جنگی ، قهرمانی و ... به چشم می خورد و هر سوژه مخاطبان خاص خود را دارد تاثیری که دیدن این فیلم در زندگی افراد می گذارد یک واقعیت است و باید آن را پذیرفت و به عواقب آن نیز توجه کرد اینها اصلاح فرهنگی است آمادگی جهت تغییر فرهنگ است باید پذیرفت و فرهنگ نقادی را جایگزین فرهنگ خود محوری کرد وظیفه مسئولین و دست اندر کاران و رهبران و هیئت حاکمه است که آگاهانه اطلاع رسانی کنند تا بی جهت مقاومتها بوجود نیاید .

آموزش و پرورش

جامعه برای تعلیم تربیت نوباوگان خود، افرادی را آموزش داده است تا این افراد با شرایط خاصی اقدام به انتقال دانش، تکنولوژی و نوع آوری نمایند این افراد را معلم می گویند آموزش و پرورش با سوادترین وزارتخانه هر کشور است و وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان کشور را بر عهده دارد.

اکثر قریب به اتفاق کسانی که مشغول امر تدریس هستند مدرک علمی و دانشگاهی دارند و به دلیل حساسیت کاری انتخاب و گزینش اینان می بایست با ظرافت خاص انجام پذیرد معلمان علمی را فرا گرفته اند جامعه فرزندان خود را برای دریافت این علوم به مدرسه و معلمان می سپارند وظیفه معلمان است که با توجه به ابعاد تخصصی خود دانش و علوم روز را به دانش آموزان بیاموزند و فرزندان جامعه را به گونه ای تربیت کنند که در همه ابعاد (ذهنی، فکری، جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، اعتقادی و ...) تربیت شوند.

معلمان باید به عنوان اسوه و الگوهای عینی به راهنمایی دانش آموزان بپردازند برای تحقق این امر لازم است معلمان در ارائه و انتقال و توسعه دانش روز و علوم خاصی که در آن تبحر و تجربه دارند از خود میل و رغبت نشان دهند و تلاشهای خود را به آن معطوف نمایند معلمان باید اوقاتی را در کلاسهای درس با دانش آموزان بگذرانند اوقاتی را نیز به راهنمایی دانش آموزان خارج از ساعات کلاس درس

صرف کنند و ساعاتی هم به دانش اندوزی و راههای انتقال این دانش ، به دانش آموزان صرف کنند مضافاً ساعاتی را هم باید به زندگی شخصی خویش اختصاص دهند این امر میسر نیست مگر اینکه آنان (معلمان) دغدغه معیشتی نداشته باشند اگر معلمان از نظر درآمدهای رسمی تامین باشند با سعی و تلاش و جدیت این وظایف را به بهترین وجه انتقال می دهند و پاسخگوی نیازهای دانش آموزان ، اولیاء جامعه دولت خواهند بود . دولت موظف است برای تحقق این امر نهایت تلاش خود را به عمل آورد تا این وظایف به نحو ممکن انجام پذیرد اما اگر وضعیت به گونه ای باشد و درآمد کفاف زندگی آنها را ندهد و هزینه های زندگی بیشتر از درآمد باشد در چنین موقعیتی اوقات فراغت به طریقی که دخلی برایشان داشته باشد صرف می گردد و ناچاراً به شغلی که بعضاً تناسبی با تعلیم و تربیت ندارد روی می آورند بتدریج رفتن به کلاسهای درس یک امر ساده و پیش پا افتاده برای آنها تلقی می شود و تنها به معلومات گذشته خود اکتفا می کنند و در پی کسب علوم جدید بر نمی آیند . دیگر از راهنمائی ها خبری نیست و حوصله حرف زدن با دانش آموزان کم می شود ، فرصت شناخت استعدادهای فردی دانش آموزان بوجود نمی آید . علوم جدید فرا گرفته نمی شود و خلاصه در کلاس درس ، فکر جای دیگری است میل و رغبت کم می شود و در چنین حالتی آنانکه ضرر می کنند دانش آموزانند .

دگر کس غمش خورد و بدنام کرد

هر آنکس که فرزند را غم نخورد

وقتی دانش آموزان فاقد کار آیی و تخصص لازم شدند جامعه و کشور ضرر جبران ناپذیری خواهد دید، و همگام و هماهنگ با پیشرفتهای علمی دنیا رشد نخواهند کرد و بتدریج از سایر کشورها در زمینه نوآوری، توسعه، خلاقیت، پیشرفت و تکامل فاصله می گیرند نباید این تصور غلط در اذهان رسوخ کند که مراکز آموزشی مصرف کننده هستند باید توجه کرد که تولید مراکز آموزشی انسانهای فرهیخته ای هستند که در قالب پزشک، مهندس، معلم، دکتر، ققیه، ریاضی دان، فیلسوف، افسر، تکنسین، هنرمند، وکیل، موسیقی دان، ورزشکار، پیشه ور، کشاورز، دانش آموز، دانشجو و... چرخه فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور را به حرکت در می آورند باید توجه داشت که نهاد آموزش و پرورش به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای اجتماعی نقش اصلی و اساسی و زیر بنائی در رشد و توسعه پایدار و همه جانبه جامعه دارد از میان اجزاء و عناصر آموزش و پرورش عنصر نیروی انسانی متخصص و کارا و توانمند بیشترین تاثیر را در موفقیت و دستیابی نظام تعلیم و تربیت پیش بینی شده ایفا می نماید دولت باید به این امر توجه ویژه داشت باشد تا اهل علم در مضیقه و دغدغه معیشتی قرار نگیرند ارزش علم را جامعه و دولت تایید کنند. در تمامی دنیا قوانینی وضع شده است و دولتها موظف شده اند که همه کودکان را تحت تعلیم قرار دهند و این روال را تا سنین خاصی ادامه می دهند تعلیمات اجباری تصویب کرده اند البته توجه داریم که علمی وجود دارد و نیاز است به فرزندان جامعه تعلیم داده شود امروزه

برای هر موضوعی، علمی وجود دارد عده ای آن علم را فرا می گیرند (مدرسین، معلمان، مرییان و...) در آن تخصص پیدا می کنند و با تخصص خود به بشریت خدمت می کنند گستردگی علم و پی بردن به اسرار طبیعت به حدی است که دیگر نمی توان کسی را پیدا کرد که ادعای چند تخصص را داشته باشد در گذشته دامنه علوم محدود بوده و گاهی یک نفر هم طیب بود و هم فیلسوف و هم ریاضیدان و هم فقیه و هم موسیقیس دان، به عنوان مثال زیر مجموعه علم پزشکی به قدری گسترده است که نمی توان طبیعی را پیدا کرد که در چند تخصص مهارت داشته باشد با توجه به زیر مجموعه پزشکی این حقیقت را بهتر می توان شناخت. تخصصهای پزشکی نظیر: چشم و گوش و حلق و بینی، مغز و اعصاب، کلیه و بیماری های ادرار، قلب و عروق، استخوان و ارتوپدی، مو و پوست، دستگاه گوارش، دندانپزشک، مامایی و نازائی، تغذیه، رشد، روانپزشک، لکنت زبان به همین منوال رشته های فلسفه، فقه، موسیقی، ریاضی، مکانیک، الکترونیک و الکتروتکنیک، معماری، هنر و... هر کدام به زیر مجموعه هایی تقسیم می شوند و هر کس در تخصص خود مهارت پیدا می کند توجه به امر تعلیم و تربیت و اینکه همه تخصصهای موجود و تخصصهای جدید باید بطریق ممکن به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود. بر دولت است که با کمک علمای تعلیم و تربیت بگونه ای برنامه ریزی کنند که اولاً برای همه تخصصها مدرس به قدر کافی وجود داشته باشد و مکانهای آموزش با امکانات لازم مهیا شود و از همه مهمتر از تخصصی

که فرا گیر می آموزد بنحو مطلوب در جامعه استفاده شود و این طور نباشد که در مدارس علوم تدریس شود و یادگیری حاصل گردد ولی در جامعه کاربرد نداشته باشد و از آنها استفاده نشود اگر چنین شد افرادی را تربیت کرده ایم که به کار جامعه نمی آیند و بقول یکی از نویسندگان معروف کاری که ارزش ندارد و سودمند نیست به چه درد می خورد که به درستی انجام گیرد نباید هزینه های کلانی را صرف نیروی انسانی (معلم) مکانهای آموزشی و تجهیزات آموزشی و ... کرد نباید سرمایه مملکت را بی خودی هدر دهیم و سوددهی نداشته باشد البته باید توجه کرد که یک چهارم بودجه مملکت صرف آموزش و پرورش می شود بهتر آن است که آموزشها و دریافت تخصص ها در رابطه با فعالیتهای اجتماعی جامعه باشد . امروزه عوامل و مسائل عمده ای سبب تغییر و تحول نظام و برنامه ها و روشهای اجرائی آموزش و پرورش شده است هر از چند گاهی بر تعداد این عوامل در سبک های نوین افزوده می شود برخی از این عوامل عبارتند از :

پیشرفت علوم و فنون و توسعه حجم دانش بشری ، افزایش جمعیت لازم التعلیم ، تغییر شرایط و امکانات زندگی فردی و اجتماعی ، نفوذ تکنولوژی و صنعت در روابط و مبادلات ملی و بین المللی ، نقش زمان و سرعت در سرنوشت ملتها ، ظهور مشاغل و تخصصهای جدید ، تغییر نیازهای جوامعه و آگاهی ملتها و ... به طور مستقیم و غیر مستقیم و به صورت فشارهای بیرونی و انگیزش درونی در تغییر و تحول هدفها ، مقاصد و نظام آموزشی کشورها اثر می گذارد و آن را متحول می

سازد از آنجا که آموزش و پرورش هر کشوری مسئول تعلیم و تربیت نسل آینده است برای خوشبختی و سعادت جامعه فردا از امروز باید تصمیم گیری و برنامه ریزی شود و روشها و تکنیکها و امکانات آموزشی موثر و متناسب انتخاب گردد .

اصلاحات اخلاقی

علی (ع) : مجاهده و کوشش در راه پاکسازی و اصلاح جامعه از جمله اموری است که زمینه سعادت کامل آدمی را مهیا می سازد . « غرر الحکم »

اگر در جامعه ای فساد اخلاق گسترش یابد قبح گناهان از میان می رود و امر به معروف و نهی از منکر بی اثر می گردد در چنین جامعه ای افراد با ایمان در اصلاح مردمان خود سر تکلیفی ندارند و در پیشگاه الهی مسئول گناهان و پاکیهای آنان نخواهند بود در این موقع موظف به فعالیت در اصلاح خود و خانواده می باشند .

قرآن کریم در سوره ۶۶ آیه ۶ می فرماید ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید بکوشید تا خود و خانواده خود را از آتش دوزخ مصون دارید .

اگر مفسد اجتماعی و بیماریهای اخلاقی به محیط خانواده های سالم نیز سرایت کرد و پسران و دختران جوان و پاک را نیز آلوده کرد وظیفه پدر و مادر است که وظایف دینی آنها را گوشزد کند و از گناه و ناپاکی بر حذرشان دارد در این صورت اگر فرزندان تحت تاثیر جامعه فاسد قرار گرفتند و اعتناء نکردند و رفتار زشت و نادرست خویش را ادامه دادند در چنین اوضاع و شرایط وظیفه اصلاح

خانواده نیز از قلمرو تکلیف دینی فرد با ایمان خارج می شود و فرد مسئول نخواهد بود در این صورت مسئولیت اعمال خویش را دارد .

برای علاج بیماری اخلاقی چهار شرط را باید انجام داد :

۱ - آگاه شدن بیمار از وجود بیماری

۲ - شناخت منشأ مرض و تشخیص راه علاج آن

۳ - تصمیم مریض برای درمان

۴ - انجام دادن برنامه های درمانی (گفتارهای فلسفی)

در زمینه اصلاح اخلاقی علاوه بر فرد و دیگر افراد خانواده که بنوعی احساس مسئولیت می کنند دولت نیز باید زمینه های لازم را جهت اصلاحات اخلاقی بوجود آورد یعنی زمینه ها برای شناخت مرض ها و کمک به بیمار برای علاج خود وجود داشته باشد و با راهنمائیها و مشاوره به افراد کمک کند تا آلودگی ها را از خود بزدايد و گرد ناپاکیها نگردد .

اصلاحات اجتماعی

وقتی بچه بودم دلم می خواست دنیا را عوض کنم بزرگتر که شدم گفتم دنیا بزرگ است کشورم را تغییر می دهم در نوجوانی گفتم کشور خیلی بزرگ است بهتر است شهرم را دگرگون سازم جوان که شدم گفتم شهر خیلی بزرگ است محله

را تغییر می دهم به میان سالی که رسیدم گفتم از خانواده ام شروع می کنم در این لحظه های آخر عمر می بینم که باید از خود شروع می کردم اگر تغییر را از خود آغاز کرده بودم خانواده ام ، محله ام ، شهرم ، کشورم و جهان را به قدر توان تغییر می دادم . « یک کشیش در بستر مرگ »

آیا در اسلام به تغییر توجه شده است؟ آیا تغییر ریشه اسلامی دارد؟ آیا اسلام در برابر تغییرات اجتماعی واکنش خاصی دارد؟ آیا تغییر از نظر عقل باید باشد؟ آیا توجه به تغییرات باعث پیشرفت است؟ آیا نظراتی که امروزه درباره تغییرات و اصلاحات می دهند فکر جدیدی است؟ آیا تغییرات و اصلاحات مخالف دین است؟ و صدها آنها و اگرها و چراهای دیگر که نیازمند پاسخ هستند .

وقتی به تاریخ بشریت و ادیان الهی نظر می کنیم به عینه مشاهده می شود که فرستادن پیامبران از طرف خداوند متعال برای راهنمایی بشر ایجاد تغییرات بوده است مشاهده می شود که مردم در رفتارهای اجتماعی خود دچار نوعی انحرافات و خرافات و واپس گرایی شدند خداوند برای هدایت آنها پیامبرانی را می فرستاد تا آنها را از جهل برهاند و توجهشان را به آینده معطوف دارد و فکر جدید در آنها ایجاد کند و آنها را بحرکت درآورد .

در تاریخ بشریت می بینیم که هر گاه مردم انسانهای اصلاحگر را در بین خود نمی دیدند در عقل و تفکر جمود پیدا می کردند بگونه ای که در وجودشان جهل و

خرافات ریشه دوانده و رفتارهای اجتماعی خود را بر اساس همان جهل سازماندهی می کردند .

حضرت نوح (ع) چند صد سال پیامبری کرد و با این نوع تفکرها به مبارزه پرداخت و خواستار اصلاح تفکر مردم و نواندیشی بر پایه عقل و تفکر نمود اما در پایان چنان در مقابل تفکر اصلاحی و خدایی نوح (ع) ایستادند و مقاومت نشان دادند و از خود انعطاف نشان ندادند که نوح (ع) از خداوند خواست یاری کند خداوند برای اصلاح از قوه قهریه استفاده کرد و نهایت بجز سرنشینان بقیه در آب غرق شدند . در رسالت حضرت ابراهیم (ع) باز هم جمود فکری به آن حد می رسد که بت خانه درست می شود و مردم به آسانی و بدون اجبار به زیارت بتها می رفتند و در برابر منطق ابراهیم مقاومت نشان می دهند و نهایت به افکندن ابراهیم در آتش می شوند و باز هم معجزه خداوندی به فریاد می رسد تا در برابر جهل و خرافات و واپس گرایی حکومت و مردم بایستد این امر نشان دهنده این مطلب است که واپس گرایی و جهل در فکر و عقل مردم ریشه و مقاومتهای آنان را زیاد می کند که حاضرند تا پای مرگ از این اندیشه خرافی دفاع کنند و کشته شدن و آسیب دیدن را جزء افتخارات خود بدانند .

هر عصر و زمان خرافات و رفتارهای اجتماعی مخصوص بخود دارد زمان حضرت موسی (ع) خرافات نوع دیگری است سحر و جادو و ترس از حکومت ، فقر و استبداد فرعون ، موسی با فرعون به مباحثه و مجادله برمی خیزد و خواستار آن است

که قوم بنی اسرائیل را رها کند تا از جهل بیرون آیند ولی مقاومتها شروع می شود و موسی با ابزار خود آنها به جنگ آنها می رود و در نهایت وقتی پیروزی حاصل نمی شود باز هم معجزه بفریاد می رسد و عبور از نیل و غرق شدن فرعون و عده ای از پیروان او در نیل باز هم به نوع دیگری فکر مردم را تحت تاثیر قرار می دهند بعد از نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون باز هم در غیاب موسی سامری از جهل مردم استفاده می کند و دوباره به راه خرافاتی کشیده می شوند. در نبوت حضرت موسی باز هم برای نجات مردم از جهل و خرافه و اصلاح رفتار خداوند به یاری می آید نبوت عیسی (ع) اوج مقاومت فکرها در برابر تفکر و منطق جدید که نهایت عیسی به صلیب کشیده می شود و بعد از آن مردم به مرور آگاه می شوند. رسالت نبی اکرم (ص) و وضعیت اجتماعی آن در همه زمینه ها جهل بود، جهل فکر، جهل بت پرستی، جهل رفتارهای اجتماعی، جهل اقتصادی، سیاسی، جهل علمی و از همه مهمتر جهل پرستش و اعتقاد، پیامبر با همه توان و در همه زمینه ها به مبارزه پرداخت مبارزه با خرافه، بت، دنیا پرستی، جهل و ... پیامبر اسلام با منطق قوی و استدلال از مردم می خواهد که اندیشه کنند و فرمود: یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت بهتر است باز هم معجزه ای قوی تر از قبل به وقوع می پیوندد و آنها قرآن.

قرآن: آیا کسانی که می دانند با آنهائیکه نمی دانند مساویند؟ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود آن قوم بخواهند سرنوشت خویش را تغییر دهند.

صدها آیه دیگر در زمینه اندیشه و تفکر و تغییر و حرکت در سرنوشت انسانها تاثیر دارد بیان می شود.

انسانها را به آفرینش جهان و طبیعت و انسان تذکر می دهد و می گوید تفکر کنید، خلقت جهان، گردش ستارگان، پیدایش شب و روز، پیدایش انسان، مقایسه بین دانیان و کسانی که نمی دانند، سرگذشت پیشینیان و پیامبران، انواع و اقسام مثل از کوچکتیریت جزء تا بزرگترین آنها را بیان می کند، اما آیا بشر امروزه توانسته است خود را با این تعلیمات همساز کند؟ اسلام آخرین دین الهی و تکمیل کننده سایر ادیان است لازم است انسانها زمینه فکری خود را بر مبنای این دین الهی تطبیق و همزمان با توجه به تغییرات طبیعی و اجتماعی پیش روند؛ چرا که اگر رکود فکری بر جامعه ای مسلط شد و صرفاً به گفته های گذشتگان اکتفا گردد و عمل ارتجاعی و واپس گرایی در بطن جامعه بعنوان معیار و ملاک قرار گرفت در آن صورت زمانی خواهد رسید که یافته های قدیم دینی که از بطن آنها باید زمینه های توسعه و ترقی و تغییرات بیرون کشیده شود دیگر جوابگو نباشند

پس باید همانطور که اسلام دین استدلال و منطق است و سفارش به تدبیر در جهان را وظیفه علما و دانشمندان و بشریت دانسته ما هم از علما گرفته تا دیگر روشنفکران و نویسندگان همراه با تغییرات جهانی و علمی پیش برویم و آمادگی لازم را داشته باشیم چه بسا که تغییرات بوجود آمده در جهان معاصر ریشه در آیات قرآن، و کلمات پیامبر و ائمه اطهار داشته باشد که ما نتوانسته ایم از این راه آنها را کشف کنیم، و دیگران بدون توجه با این آیات و گفتار ابتکار کرده اند ولی ما بدلیل عدم اندیشه آنها را مخالف و فتوی مخالف سر دادیم.

وظیفه دولت و سیاستگزاران است که به بعد اصلاحات و تغییرات جهانی توجه نموده و مردم را آگاه کنند تا بی جهت مخالفت و مقاومت از خود نشان ندهند.

مطبوعات و رسانه ها

رسانه ها ابزار اطلاع رسانی می باشند در مملکت حوادث و اتفاقات و مسائلی رخ می دهد که دانستن آنها برای مردم لازم است مردم حق دارند که خبرهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، ورزشی، نظامی، اعتقادی، محیطی، جغرافیایی، خانوادگی، مدنی، انتخاباتی، علمی، فضایی، مدیریتی، فن آوری، پزشکی، ترافیک، آب و هوایی و ...

را بدانند آنها مایلند عملکرد مسئولان دولت، مجلس، و قضا" را بشنوند، بدانند و نقد کنند و در روند اجرایی مملکت قرار گیرند و متوجه شوند که متولیان امر چگونه

مملکت را اداره می کنند رسانه ها علاوه بر اطلاع رسانی باعث سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت مردم نیز می شوند پخش فیلمها و سریالها ، برنامه های متنوع ، مسابقات علمی و ورزشی ، جدول ، رمان ها و ... موجب سرگرمی خواهد شد و قسمتی از اوقات فراغت را پر می کند .

برای تهیه گزارش و خبر و فیلم وجود افراد خبره ضرورت پیدا می کند خبرنگاران روزنامه نگاران با قرار گرفتن در بطن جریانها حاصل برداشت و مشاهده و شنیدههای خود را در رسانه ها منعکس می کنند و مردم را در جریان امور وقایع انجام گرفته قرار می دهند و باعث آگاهی مردم و قضاوت صحیح از امور می گردند .

رادیو و تلویزیون ، روزنامه ها ، مجلات ، کتابها و ... وسایل انتقال خبرها بصورت فیلم و گزارش و مصاحبه ، عکس ، نمودار و ... به مردم می باشند کسانی که در کسوت خبرنگار انجام وظیفه می کنند باید در ارائه افکار و عقیده و گزارش وقایع و ورود به مراکز مخصوص تهیه خبر آزاد باشند و محدودیت نداشته باشند تا خبرهای ارسالی آنان مورد وثوق مردم باشد البته در انعکاس خبرها باید توجه داشته باشند که استقلال و حاکمیت ملی زیر سوال نرود و دشمنان و بیگانگان از این نوع اطلاعات سوء استفاده نکنند . وفور مطبوعات در موضوعات متنوع لازم و ضروری است رسانه ها باید به آسانی در دسترس آحاد مردم قرار گیرند بدین ترتیب مردم با اطلاع از اوضاع و احوال مملکت و مسائل اجتماعی به پیشباز

مشکلات می روند وقتی مردم از آگاهی مطلوب برخوردار شدند آنگاه هم سطح توقع آنها از مسئولین ودست اندرکاران منطقی می شود و هم از توانایی آنان در اداره کشور باخبر می شوند،وظیفه دولت است که امنیت شغلی را برای خبرنگاران و روزنامه نگاران فراهم کند وقتی مسئولین متوجه شدند که عملکرد آنها از نگاه تیزبین خبرنگاران مخفی نمی ماند در انجام وظایف دقت لازم را به عمل خواهند آورد نباید از نظر دور داشت که مردم حق و حقوقی دارند و دولت در قبال این حق و حقوق مدیون است یکی از وظایفی که دولت بر عهده دارد و زیر بنای فعالیت های متنوع اوست آگاه کردن مردم است در نتیجه این شعار باید در سر لوحه کارهای مسئولین و تصمیم گیرندگان قرار گیرد که دانستن حق مردم است و کسی نباید مانع دانستن مردم شود .

فرهنگها و آداب و سنن قوم ها و گروهها در کشور

مردمی که در یک کشور زندگی می کنند معمولا از آداب و سنن خاصی برخوردار هستند و معمولا دارای لهجه های متفاوتی می باشند و با لهجه خود صحبت می کنند و به راحتی به فرزندان انتقال می دهند لهجه ها و گویش های متفاوت ، آداب و سنن متفاوت ، نوع لباس و پوشش متفاوت ، اشتغال متفاوت ، حساسیتهای متفاوت ، علاقه های متفاوت ، سرگرمیهای متفاوت ، تفریحات متفاوت ، اعتقادات دینی ، تغذیه متفاوت ، رنگ پوست متفاوت .

حال کشوری مثل ایران را با توجه به موارد فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم .
اولا ایران متشکل از قومها و قبيله ها با لهجه ها و گویشها و آداب و سنن مخصوص می باشد . گویشهای لری ، بختیاری ، عربی ، ترکی ، گیلکی ، ترکمنی ، کردی ، ارمنی ، یزدی ، بلوچی ، بوشهری ، بندرعباسی ، خراسانی و گویش های بخشهای مرکزی ایران . با توجه به نوع گویشها آداب و سنن هر کدام نیز فرق می کند مراسم های ازدواج ، شادی ، سوگواری و رفت و آمدهای (روابط اجتماعی) خاص خودشان را دارند . مناطقی کوهستانی و سرد ، مناطق کویری و خشک و مناطق گرمسیری و شرجی افراد بر اساس این نوع آب و هوا تربیت شده اند تحمل این نوع آب و هوای دارند و نوع تغذیه آنان با توجه به محصولات و فراورده های محیطی خودشان شکل می گیرد مثلا ماهی در مناطق جنوب و شمال که کنار دریا هستند جزء غذاهای اولیه مردم آن مناطق محسوب می شود مناطقی که برنج به وفور کشت می شود برنج غذای اصلی است عشایر و کوچ نشینان و دامداران غذای اصلی شان فرآورده های لبنی است ، رفتارهای اجتماعی مناطق بایکدیگر فرق می کند آنها به بعضی از مسائل حساسیت نشان می دهند و از کنار بعضی از آنها به راحتی می گذرند تاثیرات اخلاقی پدر و مادر ابا و اجداد و پیوندهای قومی و قبيله ای در رشد شخصیت و رفتارهای انسانی و اجتماعی آنان نقش پایه ای دارد . علاوه بر ژنتیک تاثیرات آب و هوا روی پوست افراد به مرور زمان اثر گذاشته است و سفید ، سیاه و مابین . بعضی از مناطق بسیار مذهبی محدودیت های کاری و نوع کار

به شدت اعمال می شود و پرداختن زنان به بعضی از فعالیتها اصلا امکان پذیر نیست کارهای خانگی و دستی که زنان انجام می دهند در بعضی از شهرها با تشویقها و کلاسها باز هم استقبال درستی انجام نمی گیرد ولی در بعضی از نقاط کشور زنان همپای مردان در فعالیت های اجتماعی تلاش می کنند فعالیت زنان در پرورش و امور دام و فرآورده های دامی در کشاورزی کشت و برداشت محصول فعالیت های دستی مثل قالی و گلیم و گلدوزی و ... بایک مقایسه سطحی بین زنان عشایری و روستائی با زنان شهری متوجه می شویم که دامنه فعالیت زنان عشایری و روستائی خیلی بیشتر است تحمل سختیها، ندریها، مقاوم بودن در برابر مشکلات، توقع کم، ساختن با شرایط و امکانات موجود از خصوصیات بارز این زنان است. نوع اشتغال، مناطق مختلف کشور نیز فرق می کند بجز صنایع بوجود آمده در مناطق در مسائل دیگر اشتغال تفاوت دارد قالی بافی، امور کشاورزی، دامداری، کوزه گری، ماهیگیری، فروشندگی، آرایشگری، خیاطی، حمل و نقل و ارتباطات و ... زمینه های متفاوت اشتغال هستند. گاهی در مناطق سردسیر صنایعی ایجاد می شود بیشتر کسانی که به این نوع آب و هوا عادت دارند تحمل کار در این مناطق را دارند و به عکس در مناطق گرمسیر و جنوب افرادی تحمل کار در این منطقه را دارند که به این نوع آب و هوا عادت کرده اند و یا در شرایط سخت تحمل زندگی کرده اند علاوه روحیه و اراده نیز تاثیر گذار است. همچنین کشور متشکل از ادیان دینی است مسلمانان که به دو شعبه بزرگ شیعه و سنی تقسیم می شوند هرچند اکثریت

جمعیت کشور را شیعیان تشکیل می دهند ولی باید توجه داشت که قسمتی از سرزمین کشور ایران را ایرانیان سنی مذهب تشکیل می دهند و در بعضی از احکام با شیعیان تفاوت دارند، توجه داشته باشیم نهایت مسلمانیم و در توحید و نبوت و معاد وحدت نظر داریم ادیان دیگر مثل مسیحی، یهودی، زردشتی نیز ایرانیانی را داریم که بر مبنای آیین مذهبی خود زندگی می کنند حساسیت ها، عیدها، مجالس شادی و عزا و بعضی از روابط اجتماعی آنان مخصوص به خود است و بر اساس آن زندگی خود را شکل می دهند باید توجه داشته باشیم که ایران متشکل از همین قومها، قبیله ها و نژادها با پراکندگی در پهنه کشور و با ایده ها و مرام ها و آیینهای خاص است همانطور که حضرت علی (ع) در عهدنامه به مالک اشتر در مورد روش برخورد با مردم می فرماید: روشی را که بزرگان امت بر اساس آن رفتار کرده اند و به سبب آن در میان مردم الفت برقرار شده و اصلاح جامعه بر پایه آن بوده از بین ببر و روشی را که به روشهای گذشته ضرر می زند به وجود نیاور، که پاداش و اجر برای کسی است که روشهای درست را برپا کرده و گناه از بین بردن آن روشها برگردن توست.

کارهایی که بصورت طنز و جوک و شوخیهای بی مزه در ارتباط با زیر سوال بردن یک قوم و قبیله باشد گاهی در کشور در بین مردم مشاهده می شود جز تحقیر و بی فرهنگی و اهانت هیچ چیز دیگر در پی نخواهد داشت حال بر حاکمان است که در برنامه ریزی توجه به این پراکندگی جمعیت با آداب و سنن داشته باشند و زمینه

های اشتغال را به گونه ای فراهم آورند که جابجایی مردم بصورت مهاجرت کمتر صورت گیرد هرچند با هجرت انسان با فرهنگ های جدید آشنا می شود و زمینه های توسعه و رشد را در می یابد و در بازگشتها می توانند از افکار و مهارت بدست آمده در منطقه خودشان بهره برداری کنند و موجب رشد و اعتلای منطقه خود گردند ولی باید توجه داشت مهاجرت بی رویه برنامه ریزان را بامشکل مواجه می کند و ناهماهنگی در اجرای برنامه بوجود خواهد آمد .

اما آنچه موجب خوشنودی مردم می شود و با جدیت هرچه تمام تر از زندگی کردن لذت می برند این است که از درآمدهای خود در جهت تفریح و سرگرمی استفاده کنند البته نوع سرگرمی متفاوت است و بستگی دارد به این که افراد چگونه یاد گرفته اند و عادت کرده اند که خود را سرگرم کنند ، این امر مهم است بعضا مشاهده می شود افراد در سنین بزرگسالی و کهولت مشکل مشغول کردن خود را دارند و اطرافیان از این بابت رنج می برند حتی مراکز بهزیستی و آسایشگاه سالمندان هم با این مشکل مواجه هستند و بیشتر

افراد سالمند را به آسایشگاه می فرستند دلیل این است که سالمندان حوصله شان در خانه سر می رود و نمی توانند یا اصولا بلد نیستند خود را سرگرم کنند.

بگذریم مردم نیاز به تفریح و سرگرمی دارند و بعضی از تفریحات و سرگرمی ها جزء فرهنگ افراد شده است برای مثال ترکمنها با دیدن مسابقات اسب دوانی ،

بعضی ها ورزش بومی محل خود، بعضی ها مسابقات ورزشی از قبیل فوتبال ، کشتی ، وزنه برداری ، ورزشهای رزمی از نزدیک و از طریق رسانه ها ، بعضی ها روزنامه ها و مجلات عده ای با کتابخوانی خود را سرگرم می کنند در بعضی از نقاط ایران شاهنامه فردوسی ، سعدی ، حافظ ، مولوی ، بعضی از مناطق قرآن و کتابهای دینی و مراسمهای مذهبی ، بعضی از مناطق زیارت ، بعضی از جاها مسافرت ، بهرحال نوع سرگرمی مردم در سراسر کشور فرق می کند گاهی یکنفر با دیدن آبشار لذت می برد و فرسنگها مسیر را طی می کند تا روزی را کنار آبشار به سر برد ولی مردمی که آنجا زندگی می کنند دیدن آن ابشار برایشان جذاب نیست و توجه ندارند ، انجام کارهای کشاورزی ، دریا رفتن ، ماهی گیری و ... از انواع سرگرمی است . لازم است دولت با توجه به فرهنگ و سنن و آداب هر استان و مناطق آن زمینه هایی را فراهم کند که مردم بتوانند آداب و سنن خود را بنحو مطلوب انجام دهند و با آداب و سنن خرافاتی و نامطلوب به مبارزه برخیزند و بتدریج زمینه های ترک آن را بین مردم بوجود آورند این که گفته اند یادگیری تدریجی است برای این است که هر کاری یا امری اگر یک آن و ناگهانی بخواهد ترک شود موانع پیدامی کند و برای مردم قابل قبول نیست ولی اگر بتدریج شروع شود در طی چند سال بی رونق و کساد باشد در نهایت کنار گذاشته می شود، مبارزه فرهنگی نیز باید بتدریج صورت گیرد و در این امر نقش جانشینی بسیار مهم است یعنی اگر چیزی گرفته

شود باید چیز دیگری جایگزین شود با همه تنوع فرهنگی مردم در چند چیز نیز نقطه مشترک دارند و وظیفه دولت است که با برنامه ریزی آنها را تقویت کند .

اشتراکات :

اعتقاد به مبدا و معاد و نبوت : مردم به این سه اصل معتقدند ولی بگونه ای باید تبلیغ شود که اولاً دین اکثریت حاکمیت داشته باشد ثانیاً مقایسه نقطه نظرات در مسائل اعتقادی و اخلاقی به عمل آید تا شناخت بهتری صورت گیرد ثالثاً توهین به سایر ادیان نشود و آنها در کمال آرامش و با امنیت کامل تکالیف شرعی خود را انجام دهند .

۲- وطن دوستی : مردم از هر قوم و قبیله ای که باشند با هر مرام و مسلک و در هر نقطه و مکانی از کشور اولاً ایرانی هستند و تمامیت اراضی کشور بر آنها واجب است و برای حفظ و حراست از تمامیت و استقلال کشور باید نهایت تلاش را به عمل آورند ثانیاً در بکارگیری نیروها در رده های مختلف حاکمیت هیچ محدودیتی وجود نداشته باشد ثالثاً در مسائل انتظامی و قضائی در هر نقطه و مکانی از کشور باشند باید در برابر قانون یکسان و قضاوت به عنوان مجرم و شاکی ایرانی بحث شود رابعاً در برنامه ریزی در توسعه مناطق هیچ محدودیت فکری و منطقه ای وجود نداشته باشد در هر مکانی که صلاح دیده شد صنایع و مراکز توسعه ایجاد شود .

۳- فرهنگهای مورد پذیرش اکثریت: بگونه ای تبلیغ شود تا همه گیری در تمامی مملکت پیدا کند.

۴- زبان: زبان مکتوب و قانونی زبان فارسی است باید ترویج و در مملکت همگانی شود بر دولت و سیاست گذاران و قانونگذاران فرض و واجب است که توجه ویژه بعمل آورند و در گفتار و نوشتار تدوینی برنامه ها اولاً کلان نگر باشند و با دید کلی به مملکت نگاه کنند و ثانیاً جهت یابی به سمت و سوی خاص و منطقه ای خاص نداشته باشند و با خرد جمعی به مسائل بیاندیشند.

پرستش

امام علی (ع): و لایحمد حامدا الاربّه: نباید هیچ ستایشگری جز خدا را بستاید.

قدرت از آن خداوند است و هرکسی نیاز دارد باید فقط از خدای متعالی کمک بخواهد و لاغیر

دولت می بایست در حد متعارف بوسیله رسانه های جمعی خود به اعیاد و مراسم های سوگواری پردازد و از آنچه قاطبه ای از مردم می خواهند و درخواست تبلیغ دارند پرهیز کند قانونگذاران سعی کنند در تدوین قانون در موضوعات مختلف از کلام الهی، سخنان پیامبر (ص) و ائمه اطهار استفاده نمایند و گفته ها و مطالب آنان را بصورت قانون تدوین کنند.

نباید این باور در مردم شیوع پیدا کند که باز کردن گره مشکلات و توسعه جامعه و رشد و ترقی و پیدا کردن روزی، بدون فعالیت، علم اندوزی و فراگیری علوم جدید، ابتکار و اختراع و کشف امکان پذیر است به کنجی نشستن دعا کردن و خواستن که کارها حل شود کاری اصولی نیست باید بدانند که کارها حل شدنی نیست که اگر چنین بود پیامبر (ص) فعالیت نمی کرد و ائمه با دعا و خواستن به مقصود می رسیدند درحالی که می بینیم خداوند به انسان قوه تعقل عطا کرده است و او را مختار گردانیده که اما شاکرا و اما کفورا.

این همه در کتب الهی سفارش به اندیشیدن شده است خصوصا اسلام که دین استدلال است در قران در مورد تعقل و دانستن این همه آیه نازل شده است و این همه از انسان خواسته شده که در گردش شب و روز، گردش ستاره گان، دریا و نعمتهای آن، ابر و باد و باران حتی کیفیت خلقت شتر و ... تفکر و اندیشه کند.

کمک به تبلیغ خرافه و کهنه پرستی چه معنا می تواند داشته باشد باید به کمک مردم آمد نباید کمک کرد تا مردم در جهل بمانند.

نباید این تصور باشد که از این جهل بهتر می توان استفاده و حکومت کرد.

پایداری در بیان واقعیت

اسلام دین واقع گرایی است این واقع گرایی باید در همه زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی باشد.

در نتیجه مسائل همانطور که بوده است با همان شرایط که اتفاق افتاده است و حقیقتی که وجود دارد باید مد نظر باشد .

گذشتگان خصوصا پادشاهان، سلسله ها هم خدمات داشته و تاثیر گذار بوده اند و هم ضعف داشته اند باید با دید واقعیت گرایی و حقیقت جویی به این مسائل پرداخته شود ضمن اینکه بجز عده اندکی از پادشاهان مابقی در حفظ و حراست از مرزها و موجودیت ایران تلاش کرده اند و جنگهایی داشته اند و خود در جبهه جنگ بوده اند و جنگیده اند و بعضا هم مجروح یا کشته گردیده اند و این نشان دهنده تلاش و فداکاری آنها بوده است و اصولا در آن زمانها این افراد بصورت شاه و فرمانروا و حاکم مسئولیت داشته اند، زمینه های فکری و ابزار لازم برتری بر سایرین را داشته اند ، و افراد کم عقل و کودن نبوده اند چون افراد فاقد فکر و اندیشه نمی توانستند بر مردم حاکمیت پیدا کنند و مملکت را اداره کنند هرچند در زمان آنها افراد فکری و توانایی زندگی می کردند و از توان آنها استفاده نشده است و این امر در همه دورانها صادق است حتی در همین زمان . بسیاری از پادشاهان ادب دوست و شاعر پرور بودند و بسیاری خدمات عمرانی داشته اند و عده زیادی از آنها خصوصا سر سلسله ها آدمهای با نبوغی بودند و بقیه بدلیل آموزش نحوه اداره مملکت، تقریبا سر آمد تر از دیگر هم دوره ای های خود بودند گاهی در برنامه هافیلیم سازی می کنند که انگار شاهان و اطرافیان آنها و سایر دست

اندر کاران افراد کم عقل ، خرافی ، بی شخصیت ، گول خور بوده اند در حالی که میدانیم چنین نبوده است ، اگر چنین بود که پیروزی بر آنها لطفی نداشته است .

البته بحث وابستگی به بعضی از کشورها ، راههای کنترل مردم و مملکت ، راههای تولید و بدست آوردن منابع مالی ، برخورد خشونتی با منتقدین ، دست درازی عمال به حقوق مردم ، تلاش عمال برای استحکام پایه های حکومت ، برنامه ریزی غیر اصولی در بعضی از مسائل ، توجه بیش از حد به بعضی از مسائل و عدم توجه به مسائل دیگر و جود داشته است . نظام های حکومتی هم محسناتی (نقاط قوتی) داشته اند و هم نقاط ضعفی ، بهتر است در محاوره و نوشتارها آنچه که بوده است گفته شود از اظهار واقعیت چه بد و چه خوب وحشت نداشته باشیم نقاط قوت حکومت های قبل گفته شود اگر شفافیت وجود داشته باشد دلگرمی افراد بیشتر است و مردم دلایل خوب و بد بودن حاکمان قبل را تجزیه و تحلیل می کنند و به نتایجی می رسند و برنامه ریزی برای آینده می کنند توجه داشته باشیم که هر گلی بویی دارد و بی جهت سلسله ها نمی توانستند از ۵۰ تا ۵۰۰ سال حکومت کنند باید عملکرد گذشتگان درس آیند باشد تا از نقاط قوت آنها استفاده و از نقاط ضعف آنها پرهیز شود .

بزرگش نخواند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد

فصل سوم

سیاسی

فرار مغزها :

سرمایه انسانی مهمترین و بزرگترین عامل توسعه در یک کشور محسوب می شود هیچ سرمایه ای بالاتر از توان فکری و قدرت استدلال و راه حل مسائل کشور نیست به همین نسبت که بر تعداد جمعیت انسانی افزوده می شود به همان نسبت هم مسائل و مشکلات و پیچیدگی امور افزایش می یابد . انسانها در حال حاضر خواسته های دارند و سطح نیازهای آنان معلوم است در سالهای آتی خواسته هایشان تغییر پیدا می کند انسانهایی که پا به عرصه هستی می گذارند خواسته هایی را به همراه خواهند داشت خواسته امروز با خواسته دیروز فرق دارد خواسته امروز با فردا نیز فرق خواهد داشت نیازهای جوانان ، تحصیل کردگان در زمینه های اجتماعی سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، بهداشتی ، ورزشی امکانات و رفاه و ...متنوع است با توجه به توسعه و فن اوری ، به دست آوردن امکانات و استفاده از مظاهر تمدن آرزوی جوانان است آنها علاقمندند بطریقی از تواناییهایشان استفاده کنند و اگر احساس کردند در مملکت خود از توانایی آنان استفاده نمی شود به کشورهای که از توانائی آنان استفاده می کنند و رفاهیات لازم را در اختیار شان قرار می دهند مهاجرت می کنند .

دولتهای اروپایی و آمریکائی بدلیل نرخ رشد جمعیت پایین با کمبود نیروهای جوان روبرو هستند به همین دلیل برای جذب جوانانی که میل به ادامه تحصیل دارند و هفتاد درصد مسیر را در کشور خود پیموده اند و علاقه وافری به ادامه تحصیل

دارند تسهیلاتی را در نظر گرفته اند جذب آنان در مراکز دانشگاهی و بورسیه
موسسات صنعتی و خدماتی و احیاناً پرداخت هزینه به آنها مقدمات ادامه
تحصیلاتشان را فراهم می آورند .

الف) مزایای مهاجر پذیری :

همراه خود ارز می آورند و به اقتصاد کشور کمک می شود .

از خدمات فارغ التحصیلان در کارهای پزشکی ، مهندسی ، فضایی ، خدماتی ،
صنعتی و ... استفاده می شود .

ب) ضررهای که از خروج این نوع نیروها نصیب مملکت می شود :

بتدریج مملکت از افراد نخبه و توانا خالی می شود .

والدین برای ادامه تحصیل فرزندانشان مقداری از سرمایه خود را بصورت ارز به
کشور مقصد می فرستند و به این ترتیب قسمتی از سرمایه مملکت خارج می شود .

افرادى که برای ادامه تحصیل از کشور خارج می شوند بتدریج فرهنگ بیگانه را
جانشین فرهنگ خود می کنند و به اصطلاح غرب زده می شوند .

از مجموع کل افراد خارج شده درصد بالایی به کشور باز نمی گردند و همه توان و
انرژی خود را در کشور میزبان قرار می دهند .

بدیل استحاله فرهنگی و ازدواج بتدریج هم در اعتقاد بی تفاوت و هم زبان و ادبیات خویش را بفراموشی می سپارند .

افراد نخبه و دانشجویان ادامه تحصیل به خارج اکثر قریب بالاتفاق مرد هستند و بازگشت کمتری به وطن دارند به همین تعداد دختران در مملکت فرصت ازدواج را از دست می دهند .

باید زمینه هایی را فراهم کرد تا شرایط ادامه تحصیل در مملکت فراهم آید و این جوانان علاقمند به تحصیل را جذب و با دادن امکانات مناسب از فرار مغزها به خارج از کشور جلوگیری گردد .

مساله قانونگذاری و نقش آن در بهبود اصلاح ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و آموزشی و اقتصادی ، سیاسی و اعتقادی :

قانون : قراردادی است که توسط عده ای از مردم وضع می شود تا بر اساس آن روابط اجتماعی شکل گیرد و کارها با روابط خاصی انجام پذیرد و از اعمال قدرت ، غصبها ، زورگوئی ها ، تجاوزات ، نامردیها ، جلوگیری شود و بوسیله آن دستور العملها ، آیین نامه ، پیش نگریهها ، استفاده از توانائی های افراد توسعه علم ، برآوردن نیازها و خواسته ها ، حد و حدود افراد و... تدوین می شود .

و همچنین نتیجه تخلف از عدم توجه به قانون و یا خلاف در قالب دستورالعملهای مجازات افراد و اینکه چه کسانی باید افراد را مجازات کنند و چه دستگاهی ؟ و در

کجا باید باشد؟ مدت آن چقدر باشد؟ جریمه نقدی چگونه دریافت شود؟ چگونه افراد بخشیده شوند؟ و ...؟

همه از مواردی است که انسانها وضع کرده اند و بصورت قراردادهای اجتماعی آنرا پذیرفته اند و عمل به آنها در سرلوحه کار و در صورت تخلف مجازات در پی خواهد داشت این قوانین به چند صورت وضع می شوند

الف) قانون اساسی

شکل حکومت و سازمان قوای سه گانه را مشخص می کند حقوق مردم و تکالیفشان را نسبت به دولت بیان می کند .

قانونی است که با توجه به اصول اعتقادی و کنشهای موجود در جامعه و رسوم، عاداتها، بصورت یک اصل کلی توسط عده ای از مردم که نماینده اکثریت یک کشور هستند تدوین می شود و پس از رای مردم بصورت دستور العمل کلی و اولیه که در آن وظایف افراد و دستگاهها و ... مشخص است راهنمای عمل خواهد بود .

ب) اساسنامه ها

در شرکتهای معتبر تجاری و دولتی توسط مجلسیان و در شرکتهای خصوصی و روابط تجاری بین خود مردم بشرطی که با اصول اولیه (قانون اساسی) مخالف نباشد (مثلا احزاب . سند یگانهها . شرکتهای و ...) وضع می شود

ج) قانون مصوب مجلس :

قوانینی که با توجه به قانون اساسی نمایندگان مردم جهت انجام کارهای دولت و گشایش کار مردم وضع می کنند .

چون همه مردم نمی توانند در یک مکان گرد هم آیند و در جوی آرام و منطقی به وضع قانون اقدام کنند ناچار و بر حسب ضرورت و با توجه پیچیدگی کارها و مراکز خدمات رسانی و ... از بین خود کسانی را انتخاب می کنند تا در جوی آرام و مکانی خاص اقدام به قانونگذاری نمایند این افراد {نماینده} با توجه به تقسیمات کشوری تعدادشان معلوم است وقت و زمان حق قانون گذاری آنها هم معلوم ، دامنه فعالیت آنها مشخص و بناست که بجای مردم بیندیشند .

فردی که به عنوان وکیل مردم به مرکز قانونگذاری می رود و اقدام به تصمیم گیری می کند و تصمیماتش را به صورت قانون تدوین می کند .

در درجه اول باید مسائل و مشکلات موجود مملکت را بشناسد و آنها را طبقه بندی واهم و مهم کند .

در درجه دوم باید توانائی لازم برای گرفتن تصمیمات راداشته باشد یعنی از سلامتی فکری و جسمی برخوردار باشد .

به خردان مفرمای کار درشت که سندان شکستن نشاید به مشت (سعدی)

در وهله سوم باید از علم روز دنیا بهره مند و اطلاع کافی داشته باشد و توانائی استخراج قانون مورد نیاز از بین علوم متنوع دنیا را داشته باشد .

در مرتبه چهارم توجه داشته باشد که اگر قانونی ضعیف تصویب شد بر همه فعالیت‌های (سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اعتقادی ، علمی و نظامی و ...) جامعه تاثیر بد خواهد گذاشت .

مدبر که قانون بد می نهد ترا می برد تا بدوزخ برد (سعدی)

در گام پنجم اگر قانون اصولی تدوین نکردند نه تنها مشکلات مملکت حل نخواهد شد بلکه موجب بوجود آمدن مشکلات دیگری نیز خواهد شد .

توجه باید کرد که گاهی از دیگر افراد جامعه می خواهند و یا از منتقدین که اگر طرح یا نظری دارید بدهید و یا اگر بهتر می توانید شما بنوازید این حرف بسیار غلطی است اگر مردم به فردی روی کردند و او را برای تصمیم گیری انتخاب نمودند بدین معناست که این فرد با سایر همکاران خود به جای آنها باید بیندیشد و فکر کند و اگر فاقد چنین توانایی‌هاست یا باید لب فرو بندد و یا از این مسئولیت خطیر کنار برود که در هر دو صورت به نفع مردم و مملکت خواهد بود. نمایندگان مردم باید فکرهای کلان و خرد را انجام دهند و در قانونگذاری به کار گیرند و توجه داشته باشند که در حال حاضر فقط اینان هستند که می توانند اندیشه خود را

به صورت قانون در آورند دائما با فکر و اندیشه به مسائل توجه کنند و افرادی را بکار گیرند تا اطلاعات لازم را به آنان برسانند .

نمایندگان از یک طرف مسئولیت دارند که در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی ،قانون وضع کنند در نتیجه پاسخگوی همه مردم هستند و از طرف دیگر چون به عنوان وکیل عده ای از مردم در یک منطقه خاص انتخاب می شوند پاسخگوی نیازها و مشکلات مردم همان منطقه نیز می باشند در حقیقت پل ارتباطی بین مردم و قوای سه گانه می باشند باید جلساتی با مردم داشته باشند و گفته ها و نظرات آنان را که می شنوند در صورت لزوم به صورت قانون در آورند بعلاوه نظارت کامل بر اجرای مصوبات توسط قوه مجریه باشند.

آنان باید شناسنامه ای {شهروروستا} از حوزه انتخابیه خود داشته باشند .

یک شناسنامه بدین شرح :

۱- تعداد جمعیت

۲- ترکیب جمعیت از نظر جنسیت

۳- ترکیب جمعیت از نظر سنین مختلف

۴- محدوده روستا یا شهر

۵- تعداد مدارس و ادارات موجود

۶- امکانات موجود روستاها یا شهرها

۷- کمبود های روستاها و شهرها از نظر بهداشتی ، تفریحی ، ورزشی ، خدماتی ،

راه و ...

۸- شغل های موجود در شهر و روستاها و ذکر شغل های غالب

۹- آب آشامیدن ، نوع انرژی مورد مصرفی ، سیستم مخابراتی ، و ...

۱۰- قابلیت های توسعه ، زمینه های اشتغال زایی و ...

این شناسنامه به او کمک می کند تا آنچه را که دارند توسعه دهند و آنچه را که می خواهند بوجود آورند و در پایان دوره نمایندگی می توانند گزارشی از عملکرد کار خود را ارائه دهند که در این مدت چگونه عمل کرده است هر چند هر وزارتخانه خود مسئولیت دارد که در زمینه های کارهای شهر و روستا فعالیت کند اما اگر نیازها و مسائل اولویت بندی شوند و اهم و مهم صورت گیرد طبعاً مردم بهتر به خواسته های واقعی و اصلی خود خواهند رسید و وزارتخانه با مشاوره و همکاری با نماینده مردم بهتر می تواند خدمات رسانی کنند .

کارگزاری دولتی :

موجودیت یک کشور به داشتن دولت بستگی دارد یعنی کسانی که به طور مستقیم و غیر مستقیم توسط مردم انتخاب می شوند و مسئولیت برنامه ریزی و تصمیم گیری در تمام زمینه ها را بعهده دارند بطور کلی تعداد کسانی که در کارهای

دولتی مشغول می شوند بیشتر از تعداد شغل‌هایی است که افراد دیگر مشغول به کار می شوند و فعالیت می کنند .

معمولاً دولت کارهای خود را در قالب فعالیتهای تخصصی انجام می دهد دولت ها در بخشهای صنعتی ، کشاورزی ، خدماتی و عمرانی ، تولیدی ، علمی و هنری فعالیت می کنند . و فعالیتهای تخصصی مثل

۱- صنعتی : صنایع سنگین ، نفت ، نیرو ، معادن

۲- کشاورزی و دامداری

۳- خدماتی : پست و مخابرات . راه و ترابری . ارتش و . شهر داریها . امنیتی و

...

۴- فرهنگی علمی و هنری : آموزش و پرورش ، آموزش عالی ، ارشاد ، صدا و

سیما ، سیما ، بهداشت و درمان ، ورزشی رسانه های خبری

۵- سیاسی : وزارت خارجه ، وزارت کشور ، دفاع

۶- برنامه ای : اقتصاد و دارایی ، برنامه و بودجه . دادگستری

۷- اجتماعی : کار و امور اجتماعی

۸- عمران : مسکن

علاوه بر فعالیتهای فوق فعالیتهای جنبی دیگری نیز وجود دارد که کارگزاران دولتی باید به ان اهتمام داشته باشند .

مانند محیط زیست ، ورزش ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی ...

مجلس در قوه مقننه ، دادگستری در قوه قضائیه

با توجه به برنامه ریزی که برعهده دولت می باشد کارهای دولتی متنوع و بسیارند و چون مسئولیت برنامه ریزی تصمیم گیری نظارت ، کنترل ، امنیت ، بهداشت ، سلامتی و پاسخگویی به عهده دولت است طبعا تعداد زیادی از شاغلین در دولت بعنوان کارگزاران مشغول به خدمت هستند ، هیچ شغلی به اندازه شغل دولتی نیرو ندارد اگر نیروها بر اساس تخصص و کاربردشان به کار گرفته شوند و خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند و بر کارانها نظارت باشد بدرستی از عهده وظایف برخوردار آمد در غیر این صورت صرف هزینه از جیب مردم و بیت المال هدر دادن است بر مسئولین رده های بالای سازمان واجب است که در اعمال زیر دستان دقت نظر داشته باشند و حوزه فعالیت خود را بگونه ای پویا کنند که مردم نقش آنها را در زندگی خویش احساس کنند با توجه به وجود بخش خصوصی و انجام کار توسط آنها دولت اگر در تصمیم گیری تمرکز پیدا کند و اولویت ها را معلوم دارد و نظارت دقیق بر فعالیتهای بخش خصوصی و دولتی به عمل آورد نتیجه کار مطلوب خواهد بود .

تجربه تاریخی نشان می دهد عواملی که موجب شکست حکومتها و احزاب در سده های اخیر گردیده است مسائل اعتقادی و اقتصادی و ناراضی بودن کارگزاران ،

نیروهای نظامی و انتظامی بوده است معمولاً حکومت‌های دور اندیش توجه ویژه‌ای به بدنه حکومت (کارگزاران) و نیروهای نظامی دارند و بوسیله آنان بر مردم حکومت می‌کنند اگر اینان راضی باشند سعی می‌کنند مردم را راضی نگه دارند ولی اگر ناراضی بودند بعناوینی موجب نارضایتی مردم می‌شوند عواملی نظیر، کودتا، شکست در جنگها، فسادهای اجتماعی، رشوه، اختلاس، دزدی، غصب، پارتی بازی، کم کاری و ... نتیجه عدم توجه دولت به زیر مجموعه خود است، دولتهای عاقل در این زمینه حواسشان خیلی جمع است.

انتخابات

در کشورهای دموکراسی و در حال حاضر در اکثریت کشورهای دنیا مردم حداقل برای یک بار در طی ۴ سال پای صندوق‌های رای می‌آیند و نمایندگان خویش را انتخاب می‌کنند در کشورهای پادشاهی برای انتخاب نمایندگان مجلس و در کشورهای جمهوری انتخاب رئیس جمهور نمایندگان مجلس و شورای شهر و روستا، همیشه هیئت حاکمه سعی می‌کند افرادی به مجلس راه پیدا کنند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از دل دولت بیرون آمده باشند این کار انتخابات و دولت را زیر سوال می‌برد زیرا با این کار عملاً راه بر ورود دیگر افراد مجرب بسته می‌شود زمینه تبلیغات به نوعی گرایش پیدا می‌کند که سرنخ و ارتباط آن بصورت غیر مستقیم دست دولتیان است البته هدف از این کار ادامه روند کنونی اداره کشور می‌باشد. بنظر می‌رسد اگر در قانون انتخابات در نحوه گزینش افراد

برای مجلس و شورای شهر و روستا اصول علمی حاکم شود آنگاه اگر فردی انتخاب شد مردم ضرر نخواهند کرد به عنوان مثال در ایران در حالی که اکثریت آن با سواد و تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی آن فراوان هستند بهتر است حداقل مدرک تحصیلی فوق لیسانس باشد تا انتخابات بین افراد کارشناس برگزار شود و اگر کسی انتخاب شد مردم و مملکت ضرر نکنند، افراد از سلامت جسم و روان برخوردار باشند وطن دوست و اعتقادی باشند ولیاقت نماینده مردم بودن را داشته باشند سابقه بد و انحراف اخلاقی نداشته باشند و سوابق این افراد در زمان ثبت نام بررسی شود و اگر فردی فاقد این موارد بود ثبت نام نشود به این ترتیب تعداد داوطلبان نمایندگی کم می شود و همه این درخواست را ندارند و متقاضیان سعی می کنند با تلاش و پشتکار به این شرایط دست یابند.

سازمانی خاص همانند سازمان سنجشی که کنکور را زیر نظر دارد و آزمون به عمل می آورد برای این منظور به وجود آید که فقط کارش انتخابات و برگزاری انتخابات باشد در حال حاضر وزارت کشور این مهم را برعهده دارد و نهایتاً از دل دولت نمایندگان دولتی بیرون خواهد آمد پیشنهاد دیگری که به نظر می رسد مهم باشد این است که همه انتخابات ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی، خبرگان، در یک سال و در فاصله ۱۰۰ روز به عمل آید تا اگر حزب و دسته ای پیروز شد به مدت چهار سال زمام امور مملکت را در دست گیرد. با این کار اولاً تصمیم گیرندگان تقریباً از جناح خاصی انتخاب می شوند و فرصت دارند با همفکری

یکدیگر مدت چهار سال برای مملکت فعالیت کنند تکلیف همه مشخص است ثانیاً مردم انگیزه لازم جهت شرکت در انتخابات را خواهند داشت مردم چهار سال یکبار می خواهند در انتخابات شرکت کنند در نتیجه از احساسات دوری و با شوق و آگاهی در انتخابات شرکت می کنند .

باید با سعه صدر و گذشت همه انتخابات را در یک سال برگزار کرد باید به افرادی که رای می آورند و می خواهند به جای مردم تصمیم گیری کنند فرصت داد تا آنچه در توان دارند در قانون گذاری پیاده کنند البته بر افراد داوطلب نمایندگی نیز لازم است که اگر توانائی لازم را ندارند خود را وام دار مردم نکنند باید این تفکر از مغزها بیرون رود که به این وسیله می توان پیشرفت کرد، نباید نفع شخصی بر نفع اجتماعی و مملکتی تفوق داشته باشد .

سیاست خارجی

سیاست اصول خط و مشی است که انسانها برای رفع نیازهای فردی و جمعی بکار می برند تا از پرتو آن به نیازهای خویش دست یابند . سیاست علم کاربردی است در خانه توسط پدر به کار گرفته می شود تا اعضای خانواده اداره شوند ، تاجر به کار می برد تا کالایش را بفروشد ، مدیر مدرسه به کار می گیرد تا مدرسه را اداره کند ، مربی ورزش به کار می گیرد تا تیمش نتیجه بگیرد . سیاست یعنی تکنیک به کار گیری ابزار و راه کار برای رسیدن به مقصود ، وزارتخانه ها برای رسیدن به

اهداف از قبل تعیین شده سیاستی را به کار می گیرند ، سیاست بدون پس و نند فقط یک روش و شیوه است و تعریفی بیش نیست اما زمانی که پسوند گرفت متوجه می شویم که سیاست در چه رابطه ای است در چه موضوعی است نیروی انتظامی با چه شیوه و روشی شهر را کنترل کند ؟ سیاست ایران خود رو در تولید چگونه است ؟ وزارت کشور برای اداره کشور چه سیاستی را به کار می گیرد ؟ کارخانه ذوب آهن چگونه اداره می شود ؟ روشی که مفید است کدام است ؟ مدیران چگونه از توان نیروهای زیردست استفاده کنند ؟

بدین ترتیب متوجه می شویم که سیاست در قالب پسوند معنی پیدا می کند علاوه بر شیوه های اداره مملکت در داخل که نهادهای بسیاری بوجود آورده اند و هر کدام بطریقی وظایفی را انجام می دهند و در نهایت همه یکی می شوند و انهم اداره کشور است . در بعد خارجی مساله خیلی مهم است در زمانی زندگی می کنیم که به آسانی می توانیم از نحوه حکومت کشورها ، وزارتخانه های آنها ، محصول غالب آنها ، اعتقاد مذهبی آنان ، درامدی که دارند ، مصرف آنان ، جمعیت و پراکندگی ، حد و مرزها ، مساحت کشورها ، ترکیب جمعیت ها ، مراکز دانشگاهی ، تکنولوژی و فن آوری ، زمینه های اشتغال ، نیازمندهای آنان ، صنایع موجود ، مراکز تفریحی ، گردش گری و... آشنا شویم ، همچنین تلاش در جهت آشنا کردن مردم دیگر کشورها با کشور در تمامی مسائل ذکر شده مقدمات خروج و ورود سران کشورها و مقامات بلند پایه آنان جهت بحث و تبادل نظر با مقامات کشورمان

نیز مد نظر است . امروزه کشورها بایکدیگر ارتباط دارند و کارهای دیپلماتی انجام می دهند و در تمام زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، بهداشتی ، ورزشی ، نظامی و ... همکاری می کنند . درسیاست خارجی اساس کار باید بر سه اصل عزت ، مصلحت و حکمت استوار باشد .

در روابط با کشورها و عقد قراردادهای اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی ، ورزشی ، اجتماعی ، ، بهداشتی ، هنری نباید به عزت کشور خدشه وارد شود و از موضع ضعف برخوردار شود بلکه اقتدار مملکت باید حفظ شود افرادی که بعنوان سفیر و دیپلمات انتخاب می شوند از افراد خیره باشند به زبان بین المللی و حتی الامکان به زبان آن کشور آشنایی داشته باشند از نظر علمی و شخصیت اجتماعی و حتی تیپ شخصیت و نوع لباس پوشیدن و بهداشت خیره کار باشند و نماینده شایسته برای کشور باشند و کشور را با تمام وجود دوست داشته باشند .

زگفت و شنودن توانا بود

فرستاده باید که دانا بود

در روابط توجه به دو بعد حکمت و مصلحت لازم است .

اگر روابط با این کشور در زمینه اقتصادی بصرفه است در روابط فرهنگی چطور؟ و همچنین در سایر فعالیت چگونه است؟ حکمت یعنی داشتن عقل و تدبیر و به مصلحت کشور و مملکت باشد قرارداد یک طرفه نباشد، تمام طرفها به کار گرفته شده باشد و اینکه این روابط چقدر به نفع کشور است، در داخل چه قشری از این

روابط سود می برند و چه قشری ضرر می کنند؟ آیا در این روابط خدشه ای به استقلال مملکت وارد نمی شود؟ نباید بخاطر روابط با کشوری استقلال و فرهنگ خودمان را بفروشیم و یا کم رنگ کنیم، و توجه داشته باشیم که در همه حال استقلال سیاسی مملکت در صدر گفتگوها باشد نباید اجازه داد افرادی وارد این حوزه شوند که در سالهای بعد براحتمی اطلاعات را در اختیار خارجیان قرار دهند افرادی که در سیاست خارجی نقش داشته و دارند مطلوب تر است که در همین کشور در پایان مأموریت و یا بازنشستگی زندگی کنند چرا که اگر برای زندگی دائمی به خارج از کشور رفتند معلوم می شود در انتخاب اینها قبلاً اشتباه صورت گرفته بود و کسی که از محدوده خارج شد می تواند مشاور خوبی برای دشمنان و دیگر کشورها باشد.

حزب :

وجود احزاب برای هدایت امور مملکت لازم است و مردم باید بطریقی با اصول و خط مشی سیاسی و اعتقادی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی و نظامی و ... اداره کنندگان مملکت آشنا شوند حزب یکی از مطلوب ترین راههای آشنایی مردم با این فعالیت هاست در شکل گیری نهادهای اجتماعی برای انجام فعالیت نقش بسزایی دارد مردم با توجه به خواسته ها و برداشتی که از جامعه دارند به برنامه های احزاب رای می دهند .

احزاب در اجتماعی شدن مردم نقش بسزایی دارند و بصورت تشکیلاتی می توانند منتقد دولت باشند و راه حل اساسی ارائه دهند و در رابطه با فعالیت دولت‌ها گروه فشار محسوب می شوند .

احزاب بدلیل داشتن تشکیلات و وفور نیرو و وقتی بقدرت رسیدند در چیدمان نیرو برای انجام فعالیت مشکل ندارند .

احزاب برای فعالیت نیاز به برنامه دارند تا بر اساس آن فعالیت نمایند محتوی برنامه احزاب می تواند :

- ۱- قانون اساسی
- ۲- آزادی
- ۳- سیاست خارجی
- ۴- تولید
- ۵- کشاورزی
- ۶- صنعت
- ۷- آموزش و پرورش
- ۸- آموزش عالی
- ۹- بهداشت و درمان
- ۱۰- اشتغال و زمینه های ان

۱۱- سیستم دفاعی کشور

۱۲- تجارت و بازرگانی

۱۳- معادن

۱۴- تربیت بدنی

۱۵- اوقات فراغت و تفریحات

۱۶- سیاست داخلی

۱۷- خدمات شهرداریها

۱۸- مطبوعات

۱۹- سینما و هنر

۲۰- نقش زن

۲۱- منابع تامین درآمد

۲۲- مسائل اعتقادی

۲۳- بیمه

۲۴- بانکداری

۲۵- تورم

۲۶- کنترل جمعیت و ...

هر کدام از موارد فوق نیاز به برنامه خاص و مدون دارد هرچند که بندرت حزبی پیدا می شود که بتواند در همه امور برنامه مدون داشته باشد ، با این حال در بعضی از امور مهم که از اهمیت خاصی برخوردارند باید برنامه داشته باشند .

اگر حزبی در انتخابات توانست رای اکثریت مردم را کسب کند باید جلسات حزب بصورت کارشناسانه تشکیل و از نمایندگان خواسته شود که به محتوای برنامه های حزب جامعه عمل بپوشانند و در چنین مواقعی چون حزب از همه طرف تحت فشار است نیاز است که از تنش های سیاسی بکاهد و تمام توان را در اداره امور مملکت بکار گیرد در صورتی که حزب حاکم وارد گود شده ، دائما بخواهد به مخالفان پاسخ دهد فرصت اندیشیدن را از دست خواهد داد و یک وقت متوجه می شود که زمان از دست رفته است حزب حاکم فقط با عمل باید پاسخ دهد البته توجه به انتقادات احزاب و گروه های مخالف لازم است در مورد معضلات کشور و راه های بکارگیری نیروها و امکانات را مد نظر قرار دهد . آگاه باشند و چیزی غیر معمول برایشان نباشد که همیشه احزاب و گروه های مخالف توانشان را علیه هیئت حاکمه یا حزب حاکم بسیج می کنند پس اگر حزبهای بدون مسئولیت فعالیت سیاسی کنند و حزب حاکم هم سیاسی و تئوری عمل کند و مدام بخواهد پاسخ نقادها را بدهد و توان نیروها را در این مسیر صرف نماید در این صورت حزب حاکم بدرد نمی خورد . احزاب تلاش می کنند تا بقدرت برسند و آنچه را که در تفکر دارند و در برنامه های حزبی آنان است به مرحله اجرا در آورند بنابراین باید توجه داشت که

حزب حاکم نباید وارد مباحث و مسائل سیاسی موجود که از افراد و گروهها و احزاب مخالف نشات می گیرد شوند و تا لازم نباشد نیاز به پاسخگویی نیست باید با تمام توان کار اجرایی انجام دهند و توجه داشته باشند که مردم عملکرد را می بینند نه نظرات و گفته ها را .

فعالیت حزب ممکن است در یک یا چند زمینه باشد ممکن است حزبی فقط اعتقادی باشد و یا علاوه بر اعتقادی ، سیاسی هم باشد و ممکن است جمعیتی در یک استان یا همزیانها در استانهای دیگر وحدت نظر در زمینه هایی داشته باشند مثل بختیاریهای مقیم تهران یا آذربایجانیهای مقیم اصفهان و یا ممکن است بصورت صنف باشد مثل صنف کارگردانان ، فرهنگیان ، پیشه وران ، فیزیکدانان ، مهندسیین ، پزشکان و ...

بهرحال حزب از هرنوع که باشد باید برای جذب عضوهای جدید و همچنین در صحنه نگهداشتن افراد عضو برنامه های خاص داشته باشد احزاب در چارچوب قانون بوجود آمده اند و بر طبق قانون به فعالیت می پردازند قانونی که اصول و خط مشی حزب بر مبنای آن شکل می گیرد قانون اساسی است .

قانون اساسی اصولی است که رعایت موارد آن لازم است و در موضع گیر سیاسی افراد و احزاب نباید خدشه پیدا کند تا زمانی که اصول قانون اساسی تغییر نکرده است رعایت آن بر همه واجب و لازم است اگر ایرادی به بعضی از مواد قانون اساسی وارد است باید از طریقی که قانون پیش بینی کرده است در جهت اصلاح و تغییر اقدام نمود .

از جمله اصولی که در قانون اساسی می توان در نظر گرفت ۱-نوع حکومت (جمهوری ، پادشاهی ، پارلمانی و ...) .

۲- نوع اعتقاد ۳- پایه های حکومت (آزادی ، پرچم ، استقلال ، زبان ، خط ، انتخابات و ...) ۴- توجه به زمینه های بهداشت ، آموزش و پرورش ، رفع فقر ، اشتغال و ... باشد .

حزب باید برای اجرای قانون اساسی و بهره مندی از مزایای قانون در چارچوب قانون اساسی راههای سهل الوصول پیش بینی نماید و طبق این راهبردها و ارائه آنها به مردم در پی جلب افکار عمومی قرار گیرد و تحت هیچ شرایطی وابسته فکری به بیگانگان نباشد و به عنوان ستون پنجم بیگانگان قرار نگیرد و نباید برای رسیدن به قدرت از کمکهای بیگانگان و استعمار گران استفاده کند و اگر در انتخابات شکست خورد حاضر بفروش مملکت برای رسیدن به قدرت نباشد و امیدوار باشد که با تغییر در برنامه های خود دوباره امکان موفقیت خواهد داشت و توجه به این

نکته ضروری است که تشکیل حزب برای اداره قدرتمندانه همراه با توسعه و تامین آزادیهای مشروع و حفظ و تمامیت و استقلال و اداره کشور در محیطی آرام و بدون تشنج و رعایت حقوق آحاد مردم و برنامه ریزی صحیح و اصولی است زیرا که کشمکشهای سیاسی و رقابت های جناحی توان و انرژی را در مسیری غیر از مسیر اصلی تخلیه می کند .

سیاست داخلی :

فعالتهایی در مملکت وجود دارد که اگر به موقع و مناسب انجام نشود خلل در اداره امور بوقوع می پیوندد ، مردم دارای سنن و آداب قومی محلی و منطقه ای خاص خودشان هستند هرچند ممکن است بعضی از این آداب و سنن با شیوه رایج در مملکت هم خوانی نداشته باشد اما باید توجه کرد که آنها برای رسم و آداب خود ارزش قائلند و حاضر نیستند به آسانی از این آداب و سنن بگذرند .

سیاست داخلی حکم می کند که آداب و سنن و نوع لباس ، جشنها ، مراسم های خاص در هر منطقه شناسایی شود و حرکت و تنش هایی بوجود نیاید تا مردم تحریک شوند سعی شود با مردم بر اساس آیین و آداب و رسم آنان برخورد شود ، باید فرهنگ سازی بوجود آید و آگاهی لازم از سنن و آداب حاصل گردد آنگاه اگر ان آداب و سنن مناسب نبود در جهت تقییر ان اقدام نمود ، شناسایی گروهها و دستجات و افراد سرشناس که مورد وثوق مردم هستند لازم است تادر برخورد با آنان رعایت جوانب امر به عمل آید تا با معاضدت و همکاری آنان بتوان در

آرامش شهر و روستا و همچنین در تغییرات و تصمیمات اتخاذ شده سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اقتصادی و ... کمک گرفت .

افراد و گروهها و احزاب نقش بارزی در اجرای تصمیمات اتخاذ شده دولت دارند آنها نظریاتی دارند اگر خوب توجیه شدند و از آنان مشورت خواسته شد و بانتقادات آنان هر چند تند باشد روشنفکرانه و منطقی برخورد گردید و از تخریب و حملات تند علیه آنان خود داری شد و آگاه بود که آنان امروز حرفی می زنند و خواسته ای را عنوان می کنند و روز دیگر راه حل میدهند بعد از آن منتظر عکس العمل دولتند اگر عکس العمل دولت را خصمانه ندیدند فعالیت خود را انجام می دهند و همیشه پشتیبان دولت هستند ولی اگر دولت جبهه گرفت آنها نیز جبهه خواهند گرفت . در سیاست داخلی توجه به بافت جمعیت از نظر جنسیت ، تحصیلات ، اشتغال ، تراکم و فضاهای آموزشی ، تفریحی و ورزشی ، تسهیلات ، امکانات ، جاده ، ترافیک ، امنیت ، جغرافیا ، آب و هوا ، وسایل حمل و نقل ، صنایع ، بافت شهر (آپارتمانی ، ویلایی) باید مد نظر باشد جمعیت یک شهر چند نفرند ؟ سطح تحصیلات آنان چگونه است ؟ تعداد مراکز دانشگاهی ؟ فارغ التحصیلان دانشگاهی و دبیرستانی ؟ اشتغال عمده مردم ؟ چه کارهایی جهت اشتغال زایی باید انجام داد؟ چه صنایعی وجود دارد ؟ چه صنایعی باید ایجاد کرد؟ مراکز تفریحی کفایت می کند ؟ اگر کفایت نمیکند چگونه باید ایجاد کرد ؟ نوع آب و هوایی چگونه است (گرم ، سرد و مرطوب)؟ مردم عصرها و شب ها بیرون می روند و یا بطور معمول در روز و اوایل شب ؟ توجه به روشنایی خیابانها و کوچه ها ، و معابر ، نیازمندیهای انرژی (برق ، گاز ، نفت) ، و سایر سوختها به همه نقاط کشور و پیش بینی برای تمام فصول ، توسعه جاده ها و راههای کشور ، کنترل ترافیک ، توجه به تولیدات داخلی و توجه به موارد مصرف آنان ، امنیت قضایی و انتظامی ، توجه

به تغذیه مردم و فراهم آوردن زمینه های تهیه انواع محصولات غذایی و در دسترس عموم قرار دادن ، دفع صحیح مواد زائد از جمله فاضلاب و زباله و بازیافت آنان ، توجه به صنعت خودرو سازی در کشور (به همان مقدار که خودرو تولید می شود و در دسترس مردم قرار می گیرد به همان نسبت توسعه خیابان ها و جادهها و عریضتر شدن آنان باید گسترش یابد ضمن اینکه ماشینهای فرسوده به تدریج از رده خارج و به جای آنها ماشین نو جایگزین شود توجه داشته باشید صاحبان خودروهای فرسوده هزینه های زیادی برای نگهداری خودرو خود به عمل می آورند و اصولاً تعمیر کاران و لوازم فروشان بیشتر از جیب صاحبان این گونه خودروها ارتزاق می کنند و معمولاً صاحبان خودروهای فرسوده آدمهای کم درآمد هستند آنهائیکه وضع مالی شان خوب است چند سال خودرو نو را استفاده می کنند و زمانی که به خرج افتاده با قیمت پایین به افراد کم درآمد می فروشند).

اگر دولت برای خارج کردن اینگونه خودروها به صاحبان خودرو مجانی هم بدهد نکرده است زیرا خودروهای فرسوده موجب آلودگی و تصادف ، ترافیک و مصرف بی رویه سوخت می شوند و ضررهای جبران ناپذیری هم به مردم وهم به اقتصاد مملکت وارد می کنند . اخبار شهرستان باید طی نشریه ای در دسترس ساکنان قرار گیرد برای رشد و آگاهی مردم مطبوعات به وفور در موضوعات متنوع وجود داشته باشد یکی از راه های فرهنگ سازی وجود همین مطبوعات هستند صدا و سیما باید با جذابترین برنامه ها نسبت به پر کردن اوقات فراغت مردم اقدام کند .توجه به ایام خاص لازم و ضروری است ایامی مثل اعیاد روزهای ملی ، ولادت ، وفات و شهادتها در اعیادی مثل نوروز ، کریسمس ، عید فطر ، قربان و...

پوشاک ، میوه ، شیرینی و...باید از ماهها قبل فکر شود . درچنین ایامی شرایط ویژه ای بر مملکت حکمفرماست با توجه به تعطیل بودن ادارات از نظر امنیت و پاسخگویی به مشکلات و مسائل دیگر باید آمادگی لازم وجود داشته باشد .

با برنامه ریزی از نارضایتی مردم کاسته خواهد شد، مردم انتظار دارند دولت در وظایف مربوطه برنامه ریزی داشته باشد دولت فاقد برنامه از نظر آنان و جاهت قانونی ندارد در سیاست داخلی توجه به همه نیازمندیهای مردم و مملکت لازم و ضروری است .

قبل از اینکه اتفاقی رخ دهد و حوادث و جریانهایی بوجود آید باید آمادگی لازم را داشت و به پیشباز حوادث رفت ضمن اینکه زمینه های بروز حوادث باید از بین برود و به قولی پیشگیری کرد زیرا در پیش گیری هزینه ها کمتر از درمان است در مملکت جلوگیری منطقی و اصولی از بروز مسائل ، کار عمده مسئولین است سیاست کشور داری حکم می کند که در محیط عاری از تشنج به برنامه ریزی و اجرای برنامه پرداخت .

خواسته های صنفی جمعیت ها اگر قابل حل است و می تواند برآورده شودمسئولین مربوطه سریعاً اقدام کنند و باعث و بانی اجتماعات اعتراض آمیز نشوند اصولاً دولت در سیاست اداره کردن باید به تمامی قشرهاعم از حقوق بگیر و غیره توجه

داشته باشد که ایادر آمد مردم با هزینه های آنان مطابقت دارد؟ اگر مطابقت ندارد

کدام قشرها آسیب پذیر هستند و چگونه باید به درآمد آنان افزود؟ به قول سعدی:

ببند ای پسر دجله در آب کاست

که سودی ندارد چو سیلاب خواست.

فرصت های آشنا

فصل چهارم

اقتصادی

صنایع :

تولید و تبدیل انواع و اقسام مواد مصرفی و تجهیزاتی ، زینتی ، آسایش و راحتی ، حرکت ، انرژی ، خودرو و هواپیما و... توسط صنایع بوجود می آید و اصولاً جز در کشاورزی و دامداری که تولید اولیه آنها مواد غذایی است در بقیه موارد نیاز به صنعت است امروزه وقتی اشیا کنار خود نگاه می کنیم بیشتر آنها را حاصل صنعت می بینیم و اگر صنعت نبود شاید این اشیا هم وجود نداشتند انواع و اقسام خودرو برای جابجائی افراد و کالاها ، بوجود آمدن فلزات نتیجه واکنش هایی است که در صنایع بوقوع می پیوندد ، شیشه ، فرشهای ماشینی ، پارچه ها ، تلویزیون ، رادیو ، ضبط صوت ، وسایل آشپزخانه ، بخاری ها ، رادیاتورها ، کولر ، یخچال ، کاغذ ، کتاب ، دارو ها ، تجهیزات بیمارستانی ، و وسایل بهداشتی ، وسایل ورزشی ، ابزارهای کشاورزی و صدها هزار از انواع و اقسام کالاها و خدمات حاصل نتایج فعل و انفعالات صنعت است امروزه زندگی بدون صنعت و فرآورده های آن مشکل و در بعضی از موارد غیر ممکن است ، لوله های آب و فاضلاب و گاز ، سیم های برق و مخابرات ، تجهیزات مخابراتی و ماهواره ای و الکترونیکی ، رادیو و تلویزیون ، دوربین های فیلم برداری ، ضبط صداها ، ترنرها ، استخر و تولید فلزات و مواد معدنی ، تصفیه آب ، نفت ، وسایل سرد کننده مثل (یخچالها ، فریزرها ، سردخانه ها...) ، کمدها ، میزها ، صندلیها ، آرمیوه گیری ها ، چرخهای خیاطی ، گوشت و وسایل برقی ، روشنائی ، کالا و وسایلی هستند که مورد لزوم می باشند و

مردم زندگی خود را بر اساس استفاده از این نوع کالاها و خدمات پی ریزی کرده اند. تقریباً بر اثر عادت و موارد استفاده از وسایل صنعتی و اینکه بدینوسیله بهتر و راحت‌تر زندگی می‌کنند هر روز نیازشان به تولیدات صنعتی بیشتر می‌شود برای مسافرت از شهری به شهر دیگر و یا استانی به استان دیگر نیاز نیست که چندین روز طول بکشد تا فاصله این شهرها یا کشورهای اطراف را طی کنند بلکه با برنامه ریزی بسیار اندکی می‌توانند این مسیر را طی کنند. بدین ترتیب متوجه می‌شویم که صنعت نقش غیرقابل انکاری در زندگی انسانها دارد و لزوم توجه به صنعت بیش از پیش احساس می‌شود. کشورها ناچارند علاوه بر کشاورزی در زمینه صنعت نیز فعالیت نمایند در دوره ای زمینه های اشتغال اکثریت مردم در فعالیتهای کشاورزی بود و در زمان دیگر با توجه به انقلاب صنعتی فعالیتهای کشاورزی در میان مردم کاهش یافت و فعالیتهای صنعتی رونق پیدا کرد و اکثریت از طریق صنعت و فعالیتهای صنعتی امرار معاش کردند هرچند امروزه صنعت بسمت علوم الکترونیکی، ماهواره ای، دیجیتال و هسته در جریان است ولی باید توجه داشت که وسایل الکترونیکی و ماهواره ای و دیجیتال و هسته ای اجباراً باید در صنایع تولید شوند بهر حال هر اتفاقی بخواهد رخ دهد صنایع باید این تغییرات را بوجود آورند. لازم است دولت با برنامه ریزی صنایع را در کشور با توجه به زمینه های بروز آن گسترش دهد برای این کار الف - شناسایی ابزار و کالا و خدماتی که نیاز به تولید دارند ب- یک شناسائی کامل از استانها و شهرهای کشور داشته باشند (مسائل

مربوط به جنس خاک ، جمعیت ، نیروی انسانی ، آب وهوا ...)ج- ضرورت محل
مورد نظر از لحاظ نزدیکی به دریا ، به راه اصلی، به معادن یا مواد اولیه د- تقسیم
بندی صنایع به گونه ای باشد که همه استانها دارای صنایع باشند تا عدالت اجتماعی
رعایت شود . مزایای تقسیم بندی در همه استانها این خواهد بود که : ۱- منجر به
جلوگیری از مهاجرت های استانی خواهد شد ۲- زمینه های اشتغال در محدوده
استانی بوجود خواهد آمد ۳- و مردم استان خودشان را در سرنوشت کشور از نظر
تولید حداقل محصول سهم می دانند .

برای راه اندازی صنایع مکانهای خاصی را باید در نظر گرفت .

- ۱- صنایع خارج از شهر باشند .
- ۲- زمین های ساختمانی و فعالیتهای بازار و تجاری باید در جهت وزش باد
نباشند . مثلا اگر باد از سمت غرب به شرق می وزد صنایع و کارخانجات در
سمت شرق احداث شوند .
- ۳- محدوده مکانی صنایع با توجه به آینده نگری وسیع انتخاب شوند .
- ۴- خانه های کارگران از صنایع فاصله داشته باشند تا در معرض آلودگی صوتی
، بهداشتی ، پسابها ، رفت و آمدهای حمل و نقل قرار نگیرند .
- ۵- از نظر آلودگی محیط زیست دقت به عمل آید و از فیلترهای خاصی استفاده
شود .

۶- به زمین های کشاورزی آسیب نرساند .

- ۷- فضای درونی و بیرونی صنایع از فضای سبز و درختکاری برخوردار باشد .
- ۸- صنایع جهت کارکنان و فرزندان آنان فضای ورزشی با امکانات مناسب ، مراکز تفریحی ، (پارک ، سینما ،سالنهای نمایش و آواز ، کتابخانه و ...) برای صرف اوقات فراغت تدارک ببینند .
- ۹- در استخدام نیروی کار ترتیبی اتخاذ شود که کلیه نیروهای خدماتی از نیروهای بومی باشند (نیروهایی مثل کارگر ، نیمه ماهر و ساده و آبدارچی ، انتظامات ، و ...) در مرحله دوم حتی الامکان از نیروهای متخصص بومی استفاده شود به این وسیله هزینه ایاب و ذهاب و مسکن برای صنایع تقلیل می یابد .
- ۱۰- تولیدات صنایع در منطقه و استان بدلیل هزینه های کم ایاب و ذهاب و هزینه های دیگر باید ارزانتر در دسترس مردم قرار گیرد .
- ۱۱- راههای ارتباطی و راههایی که به صنایع ختم می شود مناسب و صنایع در توسعه این راهها با مسئولین مربوطه همکاری داشته باشند .
- ۱۲- هر صناعی به مرور کارخانه های جنبی و تکمیلی در کنار خود بوجود می آورد لازم است محدودیت این گونه صنایع تبدیلی و تکمیلی مشخص شود و پیش بینی لازم به عمل آید .

۱۳- از همه مهمتر در ایجاد صنایع استعدادهای خاصی مثل نیروی انسانی ماهر

زمین ، آب ، مواد معدنی ، مواد اولیه جهت تولید ، راههای ورودی و

خروجی ، راههای توزیع و ... در نظر گرفته شود .

۱۴- در طراحی و احداث و ایجاد صنایع توجه لازم به مصرف کننده به عمل آید

آیا محصولی که تولید می شود در داخل کشور خریدار و مصرف کننده دارد

؟ و یا برای خارج از کشور تولید می کند؟ توزیع و در دسترس قرار دادن

محصول برای مشتری از نظر مسافت مناسب است ؟ بوسیله بارکش های

شهری این کار انجام می شود ؟ یا بوسیله ترن و هواپیما و یا از راه دریا و

بوسیله کشتیها ؟ بهر حال با توجه به بعد مسافت و وسیله محل کالا مکان

احداث کارخانه باید با دقت معلوم شود . بر دولت و هیئت حاکمه فرض است

که به دقت و با وسواس هرچه بیشتر نسبت به ایجاد صنایع بر اساس نیاز

کشور و استانها و مردم اقدام نمایند و نظارت دقیق به عمل آورند باید توجه

داشت که یکی از عاملهای اشتغال وجود صنایع است که می تواند میلیونها

نفر را به کار مشغول کند .

واردات

ممکن است همه محصولات تولیدی داخل مملکت به اندازه نیازهای مردم کشور

نباشد و یا محصول جدیدی در خارج از مرزها تولید شده باشد که مردم کشور به آن

نیاز داشته باشند و یا محصولاتی با کیفیت مطلوب در خارج تولید می شوند که در

داخل کشور به آن محصولات نیاز است علاوه نیاز مملکت به علم و تکنولوژی و فن آوری، صنعت، نوآوری های الکترونیکی، ماهواره ای، مخابراتی، پتروشیمی، محصولات غذایی و بهداشتی، رادیویی و ... نیازمند است.

زمانی که در کشور بدلائل متعدد نتوان این نیازها را برطرف نمود ناچار می بایست به سراغ کشورهای که این محصولات یا خدمات یا نوآوری و ... را دارندرفت و به فراخور حال به اندازه ای که مورد نیاز است از بیرون مرزها تامین کرد. در مقوله واردات نکاتی را باید مراعات کرد و با مطالعه و کارشناسی اقدام به وارد کردن نمود نکات زیر لازم و ضروری است.

۱- کشورهای دارنده محصول درخواستی مشخص شوند.

۲- درصد نیاز مملکت به این محصول تعیین شود.

۳- کیفیت محصولات وارداتی در کدام کشورها مطلوبتر است؟

۴- با وارد کردن این محصول چه طبقه ای سود می برند و چه طبقه ای زیان می بینند؟

۵- از وارد کردن این محصولات چه ضربه ای ممکن است بر تولیدات و تولیدکنندگان داخلی وارد شود.

۶- درقبال وارد کردن این محصولات چه محصولاتی را می توانیم به آن کشورها صادر کنیم.

۷- آیا امکان ساخت یا تولید این محصول در داخل با کیفیت خارجی وجود دارد؟

۸- میزان وابستگی کشور از نظر سیاسی (استقلال)، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، از وارد کردن اینگونه محصولات یا خدمات چقدر است؟

۹- اهداف کشورهای صادر کننده محصولات یا خدمات مد نظر قرار گیرد که صرفاً اقتصادی است؟ یا هدفهای دیگری مد نظر است؟

۱۰- چه مقدار کاربری ارزی برای مملکت دارد؟

۱۱- نوع معامله چگونه است در قبال نفت، گاز، معادن، محصولات کشاورزی محصولات صنعتی و یا صرفاً ارز است.

۱۲- خدمات پس از وارد کردن محصولات یا خدمات چگونه است اگر کالا خودرو باشد لوازم یدکی چگونه در دسترس قرار می گیرد؟ تعمیر محصول وجود دارد؟

۱۳- توانایی علمی، تخصصی و سیاسی و تجربی افراد مامور خرید محصول، کالا، خدمات چقدر است؟

۱۴- گروهی مسئولیت نظارت بر واردات را داشته باشند و جریان واردات را کامل زیر نظر بگیرند.

گروه کارشناسان خیره لازم است با توجه به نیازهای مملکت برنامه ریزی کنند و اگر بخش خصوصی می خواهد محصولی را وارد کند بررسی دقیق به عمل آید بنظر

می رسد برای واردات سیاست تمرکز مطلوبتر است دولت کنترل و نظارت داشته باشد و مشخص کند که ورود چه کالا و خدماتی مجاز است و بخش خصوصی مجوز لازم را از دولت دریافت دارد. به این ترتیب اولاً کالاهای وارد مملکت می شوند که مورد نیاز هستند ثانیاً از ورود کالاهای غیر ضروری جلوگیری می شود ثالثاً اقتصاد داخلی از ورود کالاهای و خدمات وارداتی ضربه نمی خورد رابعاً کالاهای و خدمات با کیفیت مطلوب وارد می شوند.

کالای قاچاق

کالاهای قاچاق که بدون مجوز از مسیرهای غیر قانونی وارد می شوند ضربه عظیمی به اقتصاد مملکت وارد می کنند باید از ورود اینگونه کالاهای جلوگیری به عمل آید و افرادی که بعلت سود جویی و عدم پرداخت عوارض اقدام به وارد کردن این کالاها می نمایند شناسایی و جریمه شوند تا عبرت دیگران گردند.

ورود کالاهای قاچاق موجب خسارت زیر می شود

۱ - کنترل محصولات داخل مملکت بهم می خورد یعنی گاهی واردات بعضی از کالاها از آنچه مملکت نیاز دارد بیشتر می شود و حساب و کتاب از دست برنامه ریزان خارج می شود.

۲- افرادی که مجوز واردات را دارند و فروشندگانی که بر مبنای نیاز منطقه خود این کالاها را تهیه می کنند ضرر می کنند زیرا کالای قاچاق بازار را کساد می کند .

۳- سودجویان (قاچاقچیان) بدلیل عدم پرداخت عوارض گمرکی این کالاها را با قیمت ارزان تر بفروش می رسانند و به سودهای کلانی می رسند این در حالی است که مالیات دارایی هم پرداخت نمی کنند .

۴- قاچاقچیان محصولات و کالاها بدلیل عدم کنترل و کیفیت معمولاً از تولیدات شرکتها محصولات درجه ۲ و ۳ و بی کیفیت را وارد می کنند و به این ترتیب اختلال در نوع محصولات وارداتی به کشور ایجاد می کنند و از این بابت شهروندان و مصرف کنندگان نیز دچار خسارت می شوند .

صادرات

گاهی در کشور محصول یا خدماتی مازاد بر مصرف داخلی تولید می شود محصولاتی داریم ولی تکنولوژی لازم برای تبدیل آنان را نداریم در این صورت به سایر کشورهایی که به این نوع محصولات نیاز دارند صادر می کنیم .

در صادرات مسائلی بشرح زیر را باید مورد توجه قرارداد .

۱- نوع کالاها یا خدمات صادراتی باید از نظر مرغوبیت و کیفیت مناسب باشد
تصور عامه مردم این است که اگر بعضی از کالاهای مصرفی آنها که متعلق
به کشوری خاص است مطلوب بود نظر مساعد روی سایر کالاها نیز خواهند
داشت و اگر نظر منفی بود این نظر منفی نسبت به سایر کالاهای تولیدی آن
کشور تعمیم پیدا می کند در حال حاضر تولیدات صنعتی بعضی از کشورها
خریدار قابل توجهی دارد .

۲- در صورتی که بتوان که بتوان مواد اولیه و معدنی را در کشور تبدیل و
پالایش کرد بهتر آن است که بصورت خام خارج نشوند در این زمینه باید
کارشناسی شود و قیمت آنرا هم اگر مقرون به صرفه است پرداخت نمود .

۳- باید مشخص شود که کالاها و خدمات صادراتی چه هستند؟

و بدون فکر و اندیشه اقدام به صدور نشوند این احتمال وجود دارد که بر اثر
صادرات بی رویه مقدار محصول در کشور کم و تقاضای داخلی زیاد شود در
این صورت نارضایتی بوجود خواهد آمد

به علاوه ممکن است این کالاها و خدمات بصورت قاچاق خارج شوند .

۴- باید از خروج مواد و کالاهای تولیدی بصورت غیر قانونی (قاچاق)
جلوگیری شود و اگر دقت لازم به عمل نیاید اثرات نامطلوبی بر صادرات
کشور خواهد گذاشت قاچاقچیان بدون کنترل کالا و مواد اقدام به خروج این
گونه کالاها می کنند عدم توجه به تاریخ تولید و کنترل کیفیت ، خروج

اجناس در جه ۲ و پایین تر توسط قاچاقچیان موجب تبلیغات منفی مردم کشوری که از اینگونه کالاها بدستشان رسیده است علیه کشور تولید کننده می شود و ضرر جبران ناپذیری به وجه تولید کشور وارد خواهد شد .

۵- در انعقاد قرارداد صدور کالا و خدمات رعایت زمانبندی معلوم شود و به موقع به تعهدات عمل گردد .

۶- موسسه استاندارد وظیفه اش کنترل کیفیت کالاها و محصولات تولیدی در مملکت است بجای مردم نظر می دهد اگر این موسسه به وظیفه قانونی خود عمل کند هم کارخانجات و تولید کنندگان (کالا و محصولات و خدمات) دقت بیشتری در کار خود می کنند و هم مردم با اطمینان بیشتری نسبت به مصرف کالا و خدمات با مهر استاندارد اقدام می کنند اما اگر این موسسه در کارش خلل ایجاد شود و از عهده وظایفش بر نیاید بدینی نسبت به محصولات تولیدی کشور بوجود خواهد آمد ضمن اینکه موسسه استاندارد هم در زمینه واردات و هم در زمینه صادرات مسئولیت دارد .

۷- بازاریابی : نیروی بالقوه برای خرید چه تعداد است؟

گاهی محصولی می تواند در کشوری به همه خانه ها برده شود در اینصورت بازاریابی جهت توزیع لازم و ضروری است در صادرات هم توجه به کشورهای که متقاضی محصول یا کالای تولیدی داخلی هستند لازم است و هم توجه به قدرت خرید آن مردم و پتانسیل آنها جهت خریدهای بعدی ضمن اینکه نوع

معامله باید مشخص شود کالا در برابر کالا، نقدی (ارز) قرضی و همچنین ممکن است در برابر خدمات مهندسی، مدیریتی، تحقیقاتی و ... باشد.

۸- نوع بسته بندی: محصولاتی که صادر می شوند از نظر شکل و بسته بندی، جلد و ... نوع پوشش همراه با تاریخ تولید و آرم و توضیح مناسب (بروشور) و آدرس مشخص شود شکل ظاهری و بسته بندی باید نظر مشتری را بخود جلب کند اگر محصولی در خارج از کشور مشتری پیدا کرد و تقاضای تولید و خرید داشت رعایت دقیق بسته بندی به عمل آید و هر دفعه از دفعات قبل مطلوبتر باشد.

۹- صادرات سود آوری برای مملکت دارد هم ارز وارد مملکت می کند و هم قدرت تولید را افزایش می دهد هم از ورشکستگی کارخانجات و تولید کنندگان جلوگیری می شود البته در تجارت کشور باید رابطه خوبی با سایر کشورها داشته باشد الحاق شدن به تجارت جهانی به نفع کشور است زیرا ملحق شدن موجب می شود که نوع کالاهای تولید شده در استاندارد جهانی قرار گیرند تا بتوانند برای خود بازار پیدا کنند هرچند ممکن است ضربه به تولیدات داخلی وارد آید ولی راه پیدا کردن به بازارهای جهانی فعلا از این طریق است.

هدف از رشد و توسعه اقتصادی در یک مملکت:

آنچه نیازهای انسان را تامین می کند کالا و خدمات است کالاهای می توانند مواد غذایی، پوشاک، مسکن و خدمات که شامل: امنیت، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، ورزش و تفریحات سالم و... باشند. افراد تلاش می کنند، سطح زندگی خود را بالا ببرند یعنی در حدی قرار بگیرند تا در ازای پولی که در قبال فروش کار و خدمات بدست آورده اند بتوانند کالاهای و خدمات مورد نیاز را کسب کنند سطح زندگی بالا در کشوربستگی به توسعه اقتصادی آن کشور دارد هرچه مملکت از توسعه اقتصادی مطلوب تری برخوردار باشد به همان نسبت مردم آن کشور از سطح زندگی بالاتری برخوردار خواهند بود. توسعه اقتصادی زمانی بوقوع می پیوندد که در مملکت ۱- تولید: هرچه بیشتر وجود داشته باشد مملکت فاقد تولید به سمت توسعه اقتصادی گام بر نخواهد داشت ۲- تحول در چگونگی تولید محصولات: کالاهایی که تولید می شوند معمولا نواقصی دارند که باید در مراحل تولید بعدی از کیفیت بهتری برخوردار باشند اصولا اگر در مراحل تولید تحول ایجاد نگردد کالاهای تولیدی دیگر کشورها بازار را از کشور خواهند گرفت.

۳- تجدید نظر در تخصیص منابع مادی و انسانی به شعبه های مختلف تولید:

برای تولید بیشتر توجه به منابع مادی و فیزیکی و همچنین نیروی متخصص

جهت تولید لازم است.

۴- تلاش مطلوب در جهت کمال بهزیستی و چیرگی روز افزون بر دنیای خارج با استفاده از فکر و نبوغ بشری : همیشه در مملکت موانع و محدودیتهایی وجود دارد که مانع کامیابی انسان می شود عواملی نظیر محدودیتهای عرضه ، افزایش روز افزون تقاضا و واسطه های تبدیل (سازمان) از رشد و توسعه اقتصادی جلوگیری می کنند . برای توسعه اقتصادی لازم است ۱- از افزایش بی رویه روز افزون تقاضا ها کاسته شود و در مصرف کاهش ایجاد گردد .

۲- توسعه فیزیکی منابع بویژه سرمایه : از طریق جذب سرمایه های خصوصی و دریافت وامهای بین المللی .

۳- افزایش بهره وری : توجه به کیفیت مدیریت مراکز متنوع صنعتی و خدماتی و بهبود وضعیت کشاورزی حاصل گردد که نتیجه آن خوراک ، پوشاک ، مسکن و خدمات بیشتر و ارزان تر می باشد .

۴- عامل انسانی : نقش عواملی که در افزایش سطح بهره وری در سازمانها موثرند نظیر بهبود کیفی عامل کار و تکنولوژی را نباید نادیده انگاشت برای توسعه و رشد اقتصادی مملکت دولت باید وظیفه برنامه ریزی را برعهده گیرد تا با مدیریت صحیح به تحقق اهداف از قبل تعیین شده دسترسی پیدا کند زیرا با این کار به کالبد سازمان روح می دمند و چرخ واحدهای مولد را

به گردش در می آورد. دولت در زمینه نقش مدیریتی خود باید نهایت تلاش را بوجود آورد .

تکنولوژی و فن آوری

تکنولوژی و فن آوری عبارت از تبدیل دانش کسب شده به نتیجه صنعتی عملی ، یک پروژه شیمیایی ، ساخت یک ماشین جدید یا تکمیل یک ماشین قدیمی ، روش منظم طراحی ، اجرا و ارزیابی در کل فرایند تدریس و آموزش می باشد . در تدریس از وسایل کمک آموزشی و شیوه های جدید استفاده شود تا فراگیر بهتر بتواند یاد بگیرد مثلا استفاده از کامپیوتر ، تلویزیون ، رادیو ضبط ، فیلم ، پروژکتور ، نقشه ها ، پوسترها ، چارتهای ، تابلوها ، کتابها و ...

و یا بررسی در مورد حرکت و زمان ، با استفاده از : ماشین ، ترن ، کشتی ، هواپیما ، چرخ ، موتورسیکلت ، اسب و سایر حیوانات باری . استفاده از انواع انرژی : بخار آب ، باد ، برق ، اتم ، گاز ، نفت ، سوختهای فسیلی . علوم پزشکی و درمان بیماریها و بهداشت ، تولید ابزار و تجهیزات صنایع تبدیلی و تکمیلی و

صدها مورد دیگر تکنولوژی و فن که امروزه در دنیا مورد استفاده واقع می شود.

برای بهتر استفاده کردن از تکنولوژی و فن آوری باید موارد زیر را رعایت کرد .

۱- نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده

تا نیروی انسانی آموزش لازم و تخصص مربوط را فرا نگرفته باشد نمی توان انتظار داشت که از تکنولوژی جدید بتوان استفاده کرد، دولت مکلف است نیروهای را برای فراگیری علوم مختلف و تکنیک های جدید در داخل و یا خارج از کشور در نظر بگیرد .

۲- شناخت تکنیک های جدید (تکنولوژی)

دولت به وسیله خبرگان (نخبه ها) مرتبا در جریان تحولات علمی و فن آوری جدید قرار گیرد و آنها را بشناسد و کاربرد آنها را بداند .

۳- ایجاد و توسعه صنایع جدید براساس علم

هم کادر فنی و متخصص و هم مطالعه همه جانبه در زمینه مقررات و محاسن این صنایع را می طلبد.

۴- فرهنگ سازی

یکی از مسائلی که باید در جامعه رونق پیدا کند فرهنگ سازی است برای نشر فرهنگ ابتدا باید موارد استفاده و مزایا شرح داده شود و دوم باید در دسترس افراد باشد یعنی سیستم توزیع همه گیر باشد سوم باید ارزان باشند این فرهنگ سازی در مورد کلیه مسائل جدید و مسائل علمی و فنی لازم و ضروری است . بعنوان مثال

فرهنگ استفاده از مسواک دندانها، استفاده از شوینده ها، استفاده از ماشین، استفاده از تلویزیون و رادیو، استفاده از کتاب، استفاده از روزنامه ها و مجلات، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و ... در فرهنگ سازی مردم اول قوانین را یاد می گیرند و سپس علاقمند می شوند.

یکی از دلایلی که بیشتر مردم به فوتبال علاقه مند هستند این است که کم و بیش قوانین داوری و بازی فوتبال و استفاده نکردن از دست را می دانند و هنر استفاده از قسمت های دیگر بدن مثل سر و پا را تماشا می کنند و برایشان جالب است اگر در مملکت صناعی داریم که محصولات تولیدی آنها در مقایسه با سایر محصولات مشابه در دنیا کارایی لازم را ندارند باید با برنامه ریزی و استفاده از فنون جدید خط تولید عوض شود و محصولاتی به بازار آید که تازگی داشته باشد ضمن اینکه باید پیوسته در تلاش بود که محصولات تولیدی از نظر کارایی، شکل، سیستم و غیره تغییرات مطلوب را داشته باشند. نباید محصولات تولیدی چندین سال یکنواخت تولید شوند در هر کارخانه و صنایع تولیدی باید گروهی مخصوص تغییرات مطلوب باشند و کارگران و کارشناسان را مرتب در معرض آموزش قرار دهند تا با نوآوری هماهنگ باشند. گاهی دولت و ملتی به آنچه دارند قانع هستند می گویند با همین سرمایه و در آمد می سازیم و ملتی قانع هستیم باید توجه کرد که این تفکر بسیار خطرناک و کودکانه است زیرا ملل و سایر کشورها به سرعت پیشرفت می کنند و توسعه می یابند و کشور در حالت رکود باقی و از رسیدن به

کشورهای صنعتی و توسعه یافته باز می ماند باید توجه داشت که هر علمی زمان کاربرد دارد باید با زمان پیش رفت نباید به بهانه مناقشات سیاسی با بعضی از کشورها، از علم آنها استفاده نکرد پیامبر اسلام (ص) فرمود: علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد در آن زمان با توجه به بعد مکانی و زمانی و وسایل ایاب و ذهاب چین خیلی دور بوده است. علم ذائقه و اندیشه بشر است و خداوند این بشر را خلق کرده است که از توانایی خود استفاده نماید و به کشف و اختراع و ابداع پردازد تا بشر هم از مواهب طبیعی استفاده و هم اینکه زندگی را بر خود سهل و آسان کند انسانها روی کره زمین پراکنده اند پس گاهی تغییرات از شرق است و گاهی از غرب و زمانی از مرکز و زمانی از شمال و زمانی از جنوب فراگیری علوم عار نیست و بنا هم نیست که فقط یک ملت در چهار چوب مرزی همه اختراعات و اکتشافات و خلاقیت و نوآوری ها را انجام دهد همه تکلیف دارند زیرا که همه مخلوق خداوند، و دارای نعمت فکر و تعقل و تفکر و اندیشه اند گاهی برای بعضی ها این زمینه فراهم می شود استفاده می کنند و گاهی زمینه فراهم نمی شود بسیاری از نوابغ بدون اینکه از علم آنها جامعه بشری استفاده کند از دنیا می روند زیرا زمینه بروز استعداد برایشان فراهم نشده است بنابراین علم را از هر کجای دنیا، فن آوری را از هر جای این کره خاکی باید فراگرفت بقول حضرت آیت الله خامنه ای: هزینه های آن را نیز باید پرداخت کرد. باید توجه داشت همانطور که همه منابع طبیعی در یک کشور جمع نشده اند و در روی کره زمین پراکنده اند

مثلا كشوري نفت خيز است ، كشوري استعداد محصولات كشاورزي نيشكر ، كشوري معادن مس ، كشوري معادن آلو مينيم ، كشوري جنگل و چوب ، كشوري منابع آب شيرين ، كشوري طلا و ... به همين نسبت انسانها روي كره زمين پراكنده اند و هر کدام توانائي نبوغ بعضي از تحولات جامعه را دارند مثلا اوج علم طب توسط ابن سينا در شرق تا مدت‌ها در تمام دنيا رواج داشت مركز فلسفه در يونان و توسط فيلسوفان بزرگ نظير افلاطون ، ارسطو ، سقراط و ...

نتيجه اين مي شود كه عيب نيست علم و فن را از ديگر ممالك بدست آورد. غفلت و بي توجهي نتيجه اي جز واماندگي و دور افتادن از ديگران را در پي نخواهد داشت. بگفته سعدي

خواب نوشين بامداد رحيل بازدارد پياده را ز سبيل

پول

رايج ترين و عمومي ترين شاخصي كه بيانگر توسعه كلييه زمينه هاي اقتصادي اجتماعي سياسي فرهنگي است پول به صورت قطعه اي از طلا و نقره ، مس يا تركيب فلزات ديگر كه از طرف دولت سكه زده مي شود و همچنين مي تواند بصورت اسكناس و حواله هاي و اعتباري باشد مردم در قبال خريد مسكن ، مواد غذايي ، پوشاك ، زمين ، ماشين ، كار و ... پول مي پردازند ذخيره كردن براي آينده و سرمايه گذاري در معاملات بوسيله پول صورت مي گيرد. سرمايه گذاري

عبارت از صرف و جوهی است که توسط بنگاهها در بازار کالاها و خدمات انجام می شود ، و شامل سرمایه گذاری ثابت و سرمایه گذاری در موجودی انبارهاست .

پول با ارزش ترین نوع مبادله کالا است وسیله ای برای اندازه گیری ارزشهای اقتصادی است ، وسیله ای برای ذخیره ارزش است ، عامل تحریک یا رکود فعالیت های اقتصادی است ، امروزه همه فروشندگان و خریداران بوسیله پول داد و ستد می کنند مردم انتظار دارند که در زمینه سرمایه گذاری خودتضمین داشته باشند آنها حق دارند اگر پولی را پس انداز کردند برای روز مبادا و اتیه خود بکار گیرند ارزش این پول کم نشود و این پول دارای ارزش باشد اگر ارزش پول در برابر کالا و خدمات و سایر ارزشهای خارجی آن قدر نوسان داشته باشد که مردم روی آن حساب باز نکنند سرمایه گذاران خارجی و کسانی که برای گردش گیری و یا خرید کالا به کشور می آیند سردرگم هستند از سرمایه گذاری منصرف می شوند وقتی ارزش پول در داخل کشور در نوسان باشد قیمت کالاها هر روز افزایش می یابد به این ترتیب در آمد افراد و حقوقی که می گیرند فاقد ارزش است و وقتی که می بینند یک کالا امروز در بازار ده هزار است و هفته بعد دوازده هزار ولی حقوقی که می گیرند این افزایش را ندارد متوجه این امر می شود که پول داخلی از ارزش لازم برخوردار نیست به این ترتیب مسکن ، مواد غذایی ، پوشاک ، خدمات ، وسایل تولیدی و ... افزایش سرسام پیدا می کنند . در آمد ملی که عبارت از مجموع تمامی درآمدهای بدست آمده بوسیله خانوارها از جمله دستمزد ، اجاره ها

، بهره های دریافتی و سود در طول یکسال است معلوم نمی شود سرمایه گذاری انجام نمی شود و مردم پولشان را به بانک ها نمی سپارند نقدینگی در بخش خصوصی و خصوصا کارهای خدماتی افزایش می یابد چون ارزش پول نامعلوم است صاحبان سرمایه ترجیح می دهند که سرمایه خود را در خرید و فروش بکار گیرند و در بخش تولید سرمایه گذاری انجام ندهند و زمانی که در مملکت سرمایه گذاری در بخش تولیدات انجام نشود آینده آن مملکت در پرده ای از ابهام باقی می ماند. جوانان و صاحبان تخصص و مهارت سعی می کنند در خارج از کشور و در کشورهای دیگر از تخصص خود بهره ببرند و حاصل تلاشهای آنان موجب رونق اقتصاد بیگانگان خواهد شد و مغزها از مملکت خارج می شوند کشورهای خارجی برای جذب مغزها حاضر به دادن امکانات و تسهیلات می شوند هر چند باید توجه کرد که کاهش پول در اقتصاد می تواند سبب کاهش سطوح فعالیت های اقتصادی و رکود شود زیادی پول نیز باعث رونق کاذب اقتصاد و تورم می شود. زمانی یک مملکت از ثبات اقتصادی برخوردار است که واحد پول این کشور نوسان قابل ملاحظه ای نداشته باشد. وقتی گفته می شود با یک دلار می توان این کالا را خرید یا این خدمات را انجام داد باید سالهای بعد باز هم قیمت آن کالا و خدمات یک دلار و دوسنت باشد نه چند دلار. دولت باید بگونه ای برنامه ریزی کند که سیاست پولی برای کشور مفید باشد در کشوری که واحد پول آن در طی ۱۰ سال نوسان داشته باشد و مردم به عنوان موضوع شگفت و یاد آوری به یکدیگر بگویند

که آن زمان یک ماشین آخرین سیستم مثلا ۳ میلیون بود و حالا همان ماشین ده میلیون است در چنین کشوری باید گفت چیزی بعنوان اقتصاد وجود ندارد تا چه رسد به ثبات اقتصادی اینگونه کشورها مشکل دارند البته برای ثبات اقتصادی و اینکه بتوان با پول ارزش اقتصاد را اندازه گیری کرد باید سطح تولید را بالا برد، پشتوانه مالی مناسب داشت، صنعت توریست را رواج داد. سیستم مالیاتی برنامه ریزی شده ای وجود داشته باشد، قدرت خرید بوسیله پول در داخل و خارج از کشور یکسان باشد و نرخ کالا و خدمات نوسان نداشته باشد باید دستمزدها به گونه ای باشد که از درآمد بدست آمده علاوه بر هزینه زندگی روزانه مبلغی هم پس انداز برای آینده و همچنین هزینه های اضافی مثل مسافرت، مسابقات ورزشی، سینما، درمان، رفاهیات، کمک به مستمندان، کمک به مراکز آموزشی، انجام امور خیریه، خرید مجلات و روزنامه ها و ... وجود داشته باشد. ضمن اینکه باید توجه داشت نرخ تورم، سرمایه گذاری و اشتغال از علائم حیاتی یک اقتصاد است.

شغل دوم

شغل دوم به شغلی گفته می شود که انسان علاوه بر شغل و کار اصلی در باقی مانده اوقات مثلا بعد از ظهرها روزهای تعطیل و یا برای بعضی ها یک روز در میان و یا در حین انجام کار رسمی به آن مشغول باشند و از این راه درآمدی را کسب نمایند.

علت شغل دوم: ۱ - عادت ۲ - درآمد کم ۳ - چشم و هم چشمی

عادت: بعضی نمی دانند اوقات فراغت خود را چگونه بگذرانند و بقول خود از بیکاری به شغل دوم می پردازند تا سرگرم باشند.

درآمد کم: عده ای درآمدهای حاصل از شغل رسمی کفاف زندگیشان را نمی دهد و بعضا هم مستاجر می باشند.

و هزینه های آب، برق، گاز، تلفن، اجاره، همچنین هزینه خوراک، پوشاک، پس انداز، درمان، مهمانی و ... بقدری است که با دریافت موجود سازگاری ندارد و ناچار به پیدا کردن شغل دوم هستند تا بگونه ای دخل و خرج را مساوی کنند.

چشم و هم چشمی: بعضی ها به اندازه ای که امرا معاش کنند و از زندگی متوسط برخوردار باشند بهره دارند اما می بینند دیگران چیزهای دارند و علاوه بر شغل خود به شغل دیگری نیز می پردازند و درآمد بیشتری دارند و از لحاظ هزینه های زندگی و امکانات در رفاه هستند مثل داشتن ماشین، فرش، مبل، سرویس آشپزخانه، سیستم صوتی و تصویری، خانه مجلل و ... آنها هم برای بدست آوردن این وسایل و امکانات به شغل دوم می پردازند.

نمونه هایی از شغل دوم: مسافر کشی، دست فروشی، کشاورزی، دامداری، مغازه داری، نگهبانی، تاکسی سرویس، بنگاه داری، حسابداری، کار در شرکتها و موسسات، آرایشگری، خیاطی و ...

کارکنان شاغل در وزارت خانه ها که محل رجوع مردم می باشند و به نوعی خدمات رسانی می کنند و مسائل و مشکلات و حل اختلاف انجام می دهند اگر در پایان ماه آنچه را که از صندوق دولت دریافت می دارند کفاف زندگیشان را ندهد بتدریج به فکر منبع درآمد دیگری می شوند و اوقات خود را تقسیم می کنند و بدنبال کارهایی می روند که در اوقات خارج از کار رسمی به آن پردازند این تفکر بتدریج در همه افراد باب می شود و جوی بوجود می آید که هرکس کار دوم نداشته باشد ادم بیکاری است افکار حاکم بر کاردوم و نگهداری و توسعه آن تمام فضای فکر کارمند دولت را پر میکند و تا آنجا رسوخ پیدا می کند که از کار اصلی کم کند و بنوعی از زیر کار شانه خالی کند تا توان انجام کار دوم را داشته باشد ، کارهای امروز را به فردا حواله دادن ، ناقص انجام دادن ، کم کاری ، زیرمیزی و... موجب نارضایتی ارباب رجوع خواهد شد ، گاهی درآمدهای کار دوم بیشتر از کار رسمی می شود و فرد با بی اعتنایی سر کار حاضر می شود و برایش مهم نیست که مورد توبیخ مقام بالا تر قرار گیرد و حتی در معرض اخراج باشد. به عنوان مثال شغل دوم فرهنگیان توضیح داده می شود .

معلمان علوم را فرا گرفته اند و جامعه فرزندان خود را برای دریافت آن علوم به معلمان می سپارند ، وظیفه معلمان است که با توجه به ابعاد تخصصی خود دانش و علوم روز را به دانش آموزان انتقال دهند و فرزندان جامعه را به گونه ای پرورش دهند که در ابعاد ذهنی و فکری ، جسمی ، اخلاقی ، اجتماعی ، روانی و ... تربیت

شوند و بنوعی اسوه و نمونه و الگو باشند برای راهنمایی دانش آموزان ، خطای جامعه را به آنان گوشزد کنند و بقدری آزمایش و خطا انجام دهند تا شهروندان فرهیخته ای تحویل نظام اجتماعی جامعه دهند .

برای تحقق این امر نیاز است معلمان در توسعه دانش روز و علوم خاصی که در آن تبحر دارند میل و رغبت نشان دهند و تلاشهای خود را معطوف به آن نمایند طبعاً انجام این کار میسر نیست مگر اینکه خود دغدغه معیشتی نداشته باشند تا علوم روز جهانی را به آسانی بدست آورند ، معلمان باید اوقاتی را در کلاس درس با دانش آموزان بگذرانند و اوقاتی را نیز برای راهنمایی دانش آموزان در خارج از ساعات کلاس در نظر بگیرند و اوقاتی را نیز برای دانش اندوزی و راههای انتقال این دانش به دانش آموزان صرف کنند و اوقاتی را هم به زندگی خویش سروسامان دهند .

اگر معلمان از نظر درآمدهای رسمی تامین باشند سعی می کنند این وظایف را به بهترین وجه ممکن انجام دهند و پاسخگوی نیازهای دانش آموزان ، اولیاء ، جامعه و دولت باشند اما اگر وضعیت بگونه ای دیگر باشد به طریقی که درآمد کفاف زندگی آنها را ندهد و هزینه های بیشتر از درآمد باشد در چنین موقعیتی اوقات فراغت خود را به طریق دیگری که دخلی هم برای آنها داشته باشد صرف می کنند و ناچاراً به شغلای دیگر که تناسبی هم با شغل تعلیم و تربیت ندارد می پردازند .

بتدریج رفتن به کلاس درس و تدریس یک امر ساده و پیش پا افتاده برای آنها تلقی می شود و به معلومات گذشته خود اکتفا می کنند و در پی کسب علوم جدید بر نمی آیند دانش آموزان از چنین معلماتی چیزی فراموش نمی گیرند وقتی توسعه علم نباشد، وقتی علوم جدید فرا گرفته نشود، وقتی اطلاعات علمی جدید برای معلم نامفهوم باشد، وقتی حوصله حرف زدن با دانش آموزان نباشد، وقتی فرصت شناخت استعدادهای فردی دانش آموزان وجود نداشته باشد، وقتی حاضر به ماندن در مدرسه در پایان زنگ آخر کلاس نباشد، وقتی فرصتی برای دعوت از اولیاء برای تبادل نظر در مورد آموزش و تربیت دانش آموزان نباشد، وقتی در کلاس درس فکر جای دیگری مشغول باشد، وقتی اطلاعات بعضی از دانش آموزان در مواردی بیشتر از معلمان باشد، وقتی شیوه مطلوب ارائه درس نباشد، وقتی تاخیرها و غیبتها زیاد باشد، وقتی میل و رغبت کم باشد

وقتی کتابخانه ها از معلمان خالی شد وقتی کتابهای جدید در اختیار معلمان قرار نگرفت، وقتی فرصت مطالعه پیدا نشد، وقتی فکر معلم در حول و حوش مسائل اقتصادی قرار گرفت، وقتی معلم راننده شاگرد خود شد، وقتی معلم فروشنده شد، وقتی معلم دستفروش شد، وقتی معلم نگهبان شد، وقتی معلم دلال مسکن شد، وقتی معلم حسابدار قرض الحسنه و بنگاه های اقتصادی شد، وقتی ایام تعطیلات تابستانی که باید تجدید قوا کند و خود را مهیای کلاس درس در سال جدید نماید در شرکتها و پیمانکاریها و بنایی و کارگاههای ساختمانی مشغول شد، وقتی معلم آرایشگر شد

، وقتی خیاط شد، وقتی توان او برای تعلیم و تربیت کم شد بتدریج کمکاری، بی علاقه‌گی، بی مسیولیتی، بی تفاوتی ورها کردند... بوجود می‌آید دیگر چه انتظاری باید از فارغ التحصیلان مدرسه داشت؟ چه به او تعلیم داده‌اند که باید آنها را تحویل اجتماع بدهد؟ نتیجه‌ان میشود که بچه‌ها از علوم و فنون روز، از تعلیم و تربیت، مراقبتهای درسی و اخلاقی، شکوفای استعدادها و علاقمندی به مدرسه و تحصیل بازمانند.

همه این شغلها خوب هستند و عده‌ای باید به این شغلها پردازند و به مردم خدمات رسانی کنند اما این شغلها برای کسانی که در صف اول تعلیم و تربیت قرار دارند و وظیفه هدایت جامعه را به دوش می‌کشند و باید انتظارات جامعه را برآورد کنند مناسب نیست.

مگر انسان چقدر توان دارد و چند کار باید انجام دهد مگر می‌شود هم معلم خوبی بود و هم راننده تاکسی سرویس خوب هم معلم خوبی بود و هم آرایشگر بهر حال پرداختن به یکی رها کردن دیگری را به همراه دارد. بقول نظام الملک: هرگز یکنفر را دو کار نفر ما چون اگر به یکی به جدهمت گمارد از دیگری بازماند شک نیست که انسان اوقاتی دارد و باید بطریقی آن را بگذارد.

اوقات فراغت از کار

افراد در طول روز ساعاتی را به کار مشغول می شوند که بطور رسمی ۸ ساعت است مانند کارمندان ادارات و در بعضی از شغلها کمتر از این مقدار ساعت است مثل معلمان مدارس و در بعضی از شغلها بیشتر از ۸ ساعت است مانند کسبه ، راننده تاکسی ها و بعضی از شغلها هم چند روز کار است و چند روز استراحت مانند راننده های اتوبوس و ماشینهای باربری و نگهبانی و ...

با این تفاسیر علاوه بر اوقات کاری اوقاتی اضافه می آید که باید بطریقی صرف شود .

وقتی برای خرید مایحتاج زندگی صرف می شود ، وقتی هم برای دید و بازدیدها از فامیل و دوستان،

وقتی صرف مطالعه کتب و روزنامه ها ، وقتی برای رسیدگی به کارهای خانه ، وقتی برای بهداشت و نظافت شخصی ، وقتی صرف امور خانواده و تحصیل فرزندان

وقتی صرف تماشای تلویزیون و گوش کردن به رادیو ، وقتی برای دیدن مسابقات ورزشی و تربیت جسمانی می گردد . انگیزه برای صرف اوقات فراغت ، در بین افراد شدید است و از فرصتها نهایت استفاده را می برند و بعضی مایل هستند که برای خود برنامه ریزی کنند تا نهایت استفاده را از زمان فراغت ببرند.

حال اگر بدلیل ناچاری و کمبود منابع مالی و عدم تامین معیشتی بالاجبار بخواهند همه یا قسمت اعظمی از اوقات فراغت خود را صرف کسب درآمد نمایند طبعاً همه یا قسمت اعظمی از وقت فراغت صرف کار درآمد زایی می گردد و از نعمت استفاده از وقت در موقعیتهای ذکر شده دور می مانند و به مرور حوصله صحبت کردن در خانه و ایجاد ارتباط عاطفی و منطقی از فرد دور می شود .

دید و بازدیدهای فامیلی کمرنگ ،پرداختن به امور خانه و ارتباط با فرزندان و همسر و کمک در حل مشکلات درسی و تربیتی کم می شود ، پرداختن به ورزش و تربیت بدنی از دست می رود ،عدم مطالعه کتاب و مجلات و روزنامه ، کمبود وقت برای دیدن برنامه های تلویزیون و گوش کردن به رادیو و ... بوجود می آید.

خستگی ناشی از شغل دوم ، موجب بی حوصلگی و کسالت ، خمودگی و بی تحرکی می گردد وقت برای تربیت فرزندان و سرکشی به مدارس فرزندان پیدا نمی شود ، گوش نکردن به حرف اعضای خانواده موجب بروز اختلافات داخلی می گردد .

در نتیجه فرد قدرت تصمیم گیری عقلایی را از دست می دهد و به دلیل عدم تمرکز فکر از راهنمایی اصولی دیگران نیز نا توان می شود .

پیدا کردن راه حلها برای غلبه بر مشکلات و راهنمایی دیگران و ... فرصت فکر کردن می خواهد برای کسی که اوقات بیکاری ندارد این امر بی معنی است شاید

بدلیل همین بی وقتی ها و مشغولیات کاذب باشد که انرژی در راههای غیر اصولی و منطقی صرف می شود و خانواده ها فرصت شناخت اخلاق و روحیات فرزندان را هم پیدا نمی کنند و بدنبال روانشناسان و مشاوران برای حل مشکلات بوجود آمده هستند . پدران و مادران وظیفه دارند اصولی نظیر آداب اجتماعی ، رسوم پسندیده ، مهارتهای زندگی ، قسمتی از معلومات خود و مهارتهای حرفه ای و ... را به فرزندان بیاموزند اما مشکلات معیشتی و پرداختن به کسب منابع درآمد آنها را از این کار باز می دارد .

این که بعضی از پسران سیگاری ، معتاد ، بزهکار و ... و بعضی از دختران نیز رفتارهای نامطلوب از خود بروز می دهند و احیاناً بزهکار می شوند نتیجه عدم مراقبت والدین از آنهاست .

((گردشگری)) توریست

در روی زمین مناظری وجود دارد که دست طبیعت در طی سالها آنها را آرایش داده و بوجود آورده است دیدن این مناظر چنان بشر را مجذوب خودمی کند که هرچه بیشتر می بیند و تماشا می کند لذت بیشتری می برد و میل و رغبت بیشتری در او پدید می آید که برود و همه مناظر طبیعی را ببیند کوه ها ، جنگلها ، آبشارها رودخانه ها ، دریاچه ها ، جزایر ، دره ها ، گله های حیوانات ، چشمه ها و ... سایر مناظر طبیعت . علاوه بشر در طول تاریخ تغییراتی را بر روی زمین بوجود آورده

است و با توجه به نوع امکانات زمانی، چنان در طبیعت بکر نفوذ کرده است که وقتی متوجه امکانات عصر آنها می شویم در حیرت فرو می رویم که چگونه توانسته اند این تغییرات را به وجود آورند کاخها، منازل مسکونی، سدهای آب بند، نوع ابزار مورد استفاده، نوع معماری پله ها، قبرها، سنگ نوشته ها، خیابان ها، فروشگاهها، میدین ورزشی، آداب و سنن اجتماعی و ...

همه اینان ذهن بشر کنجکاو را بخود مشغول کرده است بگونه ای که تلاش می کند تا از نزدیک شاهد مناظر طبیعی و آثار انسانی باشد. افرادی که به عنوان توریست به کشورهای باستانی و کشورهای که دارای مناظر طبیعی شگرف مسافرت می کنند چند گروه هستند:

- ۱- محققان، مدرسان، دانشجویان و اهل علم
- ۲- علاقه مندان به سفر و تفریح که از وضع مالی خوبی نیز برخوردارند.
- ۳- دولتیان و خانواده آنان که شغل آنان ایجاب می کند در کشوری ساکن شوند.
- ۴- بازرگانان و تجار

توریستها کسانی هستند که وقتی وارد کشوری شدند همراه خود پول می آورند و کمک شایانی به مردم آن کشور می کنند کمکهایی که توریستها می توانند انجام دهند عبارتند از:

- ۱- بلیط رفت و برگشت که معمولا به وسیله هواپیما انجام می شود.

۲ - خرید از فروشگاههای آن کشور .

۳ - هتل دارها ، آژانسها ، مراکز خاص گردشگری (آثار باستانی یا مراکز

دیگر) .

۴ - هزینه پرداخت غذایی در تمام مدتی که در کشور میزبان هستند چون پول

مصرفی آنان ارز است به همین نسبت ارز وارد مملکت می کنند بر دولت و

مسئولین گردشگری لازم است که ضمن توجه مواردی را مدنظر داشته باشد از جمله:

۱ - نهایت تلاش در جهت پذیرایی و امنیت توریستها به کار گرفته شود .

۲ - مراکز امکان اسکان (هتلها و ...) مناسب و استاندارد باشند .

۳ - مراکز مورد بازدید توریستها از نظر نظارت ، نگهداری مورد توجه قرار گیرند.

۴ - توجه داشته باشند که هر توریست یک سفیر است و سفیر می تواند سفیران

دیگر را جایگزین خود کند و عکس آن نیز صادق است .

۵ - کشور میزبان آژانسهای مسافرتی ترتیب دهد تا رفت و آمد بسهولت انجام

گیرد.

۶ - سعی شود هزینه ها را کم کنند تا توریستها فکر نکنند اینها کیسه دوخته اند .

۷- آثار باستانی و مناظر طبیعی در هر شهر و استان شناسایی شوند و راهنماها در خدمت توریست ها باشند و وقتی فردی وارد کشور شد سعی شود هم آثار باستانی را ببیند و هم مناظر طبیعی و پیشرفت صنعتی و خدماتی را .

در زمینه جذب توریست درایران مشکلاتی وجود دارد و بنظر می رسد از عهده دولت خارج باشد یکی از آنها مسئله حجاب است برای خارجیها که معمولا دانشجویان زن و مرد و گردشگران خانوادگی هستند مشکل است ،رعایت حجاب درست که بر مسلمانان واجب و لازم است و اعمال آن آسان است ولی برای مردمی که در کشور خودشان و در سایر کشورها تقریبا رعایت نمی شود رعایت آن مشکل است به همین دلیل حاضر نیستند به ایران سفر کنند اگر برای اهل کتاب و آنهاییکه غیر مسلم هستند منعی نداشته باشد و یا از حداقل پوشش استفاده کنند با توجه به این که ایران جزء کشورهای اولیه دنیاست و آثار باستانی زیادوهمچنین مناظر زیبایی هم دارد میل و رغبت افزایش خواهد یافت .

اگر مسئله حجاب حل نشود طبعاً صنعت گردشگری بیشتر از این که هست رونق نخواهد یافت .

باید توجه کنیم که کشورهای اروپائی ، آمریکا ، کانادا پیشرفت خود را مرهون توریست ها هستند مردم سایر قاره ها براحتی مدتی از سال را در این کشورها بسر می برند و هزینه می کنند در نتیجه بازار آنها ، تولیدات ، آژانسها ، هتل داران ،

اغذیه فروشان ، سینما گران و ... از اینها استفاده می برند و رشد اقتصادی پیدا می کنند . بسیاری از کشورها از راه همین گردشگری (توریست) اداره می شوند حتی در کشورهای عربی نظیر مصر { اهرام } و عربستان که شهرهای مذهبی مکه و مدینه در آنجا قرار دارد سالیانه بیش از چندین میلیون نفر برای اعمال حج عمره و تمنع مسافرت می کنند چه در آمدی که این کشور علاوه بر فروش نفت از این راه به جیب می زند . باید به گردشگری به دید یک صنعت نگاه کرد و برای آن برنامه ریزی کرد که اگر چنین شود سالیانه میلیاردها دلار به جیب دولت و مردم خواهد رفت باید توجه کرد که گاهی بر پایی نمایشگاه ها ، جشنواره ها ، سمینارها ، کنفرانس ها و دعوت از شخصیتها ، مسابقات ورزشی ، مسابقات علمی ، روابط حسنه با کشورها ، تشنج زدایی و ... می تواند تاثیر گذار در جذب توریست باشد .

وام

وام مترداف با قرض و دین است انسانها برای برآوردن نیازهای خود تلاش می کنند تا به منبع مالی و پول برسند و نیازهای خود را با پرداخت پول برآورده سازند نیازهایی مثل مسکن ، اتومبیل ، هزینه ازدواج ، وسایل خانه ، وسایل آشپزخانه ، تزئین خانه ، بدست آوردن وسایل دیجیتالی و الکترونیکی صوتی و تصویری ، پوشاک ، تغذیه ، تجهیز کتابخانه ، هزینه تحصیل فرزندان ، خرید مغازه ، خرید لوازم فروشگاه ، کشت زمین ، باغ داری ، درخت کاری ، ماشین های کشاورزی ، تکنولوژی جدید ، کارآفرینی ، تعویض خط تولید ، توسعه کارگاه ، کرایه ، زیارت

، مسافرت و...پیش روی انسان است افراد تلاش می کنند آنها را به دست آورند آن قدر هم پس انداز نکرده اند که بتوانند این نیازها را مرتفع نمایند .

اصولا مردم در نیازهای تغذیه ای خرجشان به روز است و خرجهای روزمره دیگری هم وجود دارد که امکان پس انداز کلان را از آنان سلب می کند انسانها ناچارا باید وام بگیرند . اصل وام چیز بدی نیست در قرآن هم سفارش شده است کسانی که وام را بصورت قرض الحسنه می دهند و ربا دریافت نمی دارند صواب در نظر گرفته است با گرفتن وام زمینه های شغل و گشایش برای افراد بوجود می آید در حکومت مراکزی باید وجود داشته باشد تا این سرمایه را در اختیار افراد متقاضی قرار دهد . وام از تجمیع پولهایی است که مردم به سیستم های بانکی سپرده اند و تحت شرایطی در اختیار افراد قرار می گیرد دولت ها باید هر ساله مبلغی را به سیستمهای عامل تزریق کنند تا در اختیار مردم قرار دهند افرادی که وام را دریافت می دارند معمولا از درآمد خوبی برخوردار نیستند و در باز پرداخت هم با مشکل مواجه می شوند چون هدف دولت خدمات رسانی به مردم و خودکفا کردن آنان است نرخ بهره باید پایین باشد اگر نرخ بهره بالا باشد قیمت کالاهای تولیدی ، کارهای خدماتی ، توزیع مواد و کالا ، افزایش می یابد در این صورت تورم افزایش و قشر تهیدست و آسیب پذیر کم درآمد به سختی زندگی می کنند و توانایی تغییر در زندگی خود را از دست می دهند .

این در مورد مردم است اما دولت بعنوان متولی کارهایی را باید در سطح کشور انجام دهد در آمد دولت آنقدر نیست که بتواند از پس انداز سالیانه خود کارهایی را که در نظر دارد انجام دهد اصولا اگر دولت بخواهد با در آمد موجود اقدام به برنامه ریزی در کارهای خدماتی، سدسازی، صنایع نظامی، صنایع کشتی سازی، صنایع خودرو، پالایش مواد، تولید فلز و تبدیل آن، کارخانجات صنعتی متنوع، توسعه و انتشار و استخراج معادن، راه سازی، پل سازی، توسعه راه آهن، آماده سازی زمین های کشاورزی، تصفیه آب شیرین، توسعه خط هوایی، ایجاد فرودگاه، ماهیگیری، ساخت استادیوم های ورزشی، توسعه مترو، دفع مواد زائد، سیستم فاضلاب، صنعت پتروشیمی، پالایشگاه نفت، صنعت تبدیل مواد معدنی به آلی، آموزش و پرورش، خیابان کشی، حفر تونل، سیستم مخابرات، آسفالت و ... را انجام دهد از عهده بر نمی آید اگر به دلیل کمبود منابع مالی در حد توان بخواهد کار کند از توسعه عقب می ماند و از دیگر کشورها فاصله می گیرد و سالهای بعد نیز این فعالیتها افزایش می یابد در مجموع مردم هم از خدمات دولتی محروم می شوند و مسیر انتقادات از دولت زیاد می شود در چنین اوضاع و احوال دائما دولتها عوض می شوند. بنابراین چون دولت پول پس انداز شده یکجا ندارد باید قسمتی از در آمد خود را در صندوق ذخیره بانک جهانی پس انداز کند و برای اتمام طرح های عمرانی و تولیدی و خدماتی وام دریافت دارد هیچ اشکالی هم ندارد اما توجه مهم این است که وام برای هر منظوری دریافت شده است در همان موضوع و کاری

که به خاطر آن وام دریافت شده است صرف گردد نباید وام برای سد سازی گرفته شود ولی تمام یا قسمتی از آن بعنوان حقوق کارکنان دولت پرداخت گردد و یا صرف امور دیگر گردد و اگر چنین شد نه تنها وام خوب نیست که ضرر هم دارد. در وام شخصی به افراد نیز رعایت محل مصرف وام معلوم باشد نظارت و کنترل و دقت زیادی باید به عمل آید تا کارها روال داشته باشد جز دولت که مجری قانون است کسی نمی تواند برنامه ریزی نظارت و کنترل نماید.

بیمه

بیمه به منزله آینده نگری برای وضعیت معیشتی آینده است و اینکه انسان بداند زمانی خواهد رسید که مثل دوران جوانی از قدرت و نیروی لازم جهت انجام دادن فعالیت های اقتصادی برخوردار نیست و یا اینکه نهایت در دوران فعالیت ممکن است اتفاقاتی ناخواسته برایش پیش آید و او را ناتوان از انجام فعالیت نماید و یا به مرضی دچار شود و قادر به تامین زندگی خود و خانواده خود نباشد امر کاملاً منطقی است. انسان باید بداند هر چیزی پایانی دارد نیروی جسمی از قبیل ستون فقرات، حرکت دست و پاها، ضربان قلب، ماهیچه های حرکتی و داخلی، فرسودگی دندانها، کم کاری معده، اندامهای گوارش و تنفس، ضعف اعصاب، بیماری های چشم، ریزش مو و سفید شدن آنها و ... نمی توانند در سنین پیری مثل دوران جوانی کارآیی داشته باشند علاوه وجود فرزندان و نوه ها و دامادها و عروسها و رفت و آمدهای فراوان طبعاً وضعیت اقتصادی مطلوب می خواهد اصولاً

افراد مسن در دوران بازنشستگی و از کار افتادگی نباید سربار دیگران باشند افراد فاقد درآمد فاقد اعتبار نیز می باشند اطرافیان تا حدودی می توانند به پیران و از کارافتادگان توجه داشته باشند از حد که گذشت به مرور از آنها دور می شوند و بیزار می گردند اگر پیران درآمدی داشته باشند از درآمد خود می توانند هزینه نگهداری خود و خانواده را پردازند به این ترتیب بیمه تضمین زندگی آینده آنان است .

صنعت بیمه باید رونق داشته باشد و همه مردم مبلغی از درآمد خود را برای روز مبادا پس انداز کنند در حقیقت بیمه پس انداز ، زمان نیاز است هزینه های دارویی و درمانی و نگهداری در دوران کهولت زیاد است از عهده مردان و زنان فاقد درآمد بر نمی آید .

بر دولت لازم و واجب است تا همه مردم را تحت پوشش بیمه در آورد اما بیمه مختص فرد نیست که مبلغی را در دوران نیاز جهت هزینه های درمانی ، معیشتی ، نگهداری و ... دریافت بدارد .

بلکه بیمه می تواند فعالیت های اقتصادی و فرهنگی را نیز پوشش دهد فعالیتهایی نظیر بیمه محصولات کشاورزی ، مسکن ، آتش سوزی ، عمر ، حمل و نقل ، حوادث منابع و معادن ، سرقت و ... اینگونه بیمه ها ریسک پذیری افراد را بیشتر

می کند باید توجه داشت که باریسک پذیری انسان می تواند تاثیر گذار باشد همچنین اگر حوادثی موجب شکست شود فرد نابود نمی شود .

اگر همه مردم بیمه باشند در اینصورت فقر که ریشه تمامی ناهنجاریهای اجتماع است ریشه کن می شود .

پس انداز

مجموع درآمدی که هر سال جامعه دارد اگر بر تعداد افراد جامعه (کشور) تقسیم کنیم سرانه هر فرد بدست می آید با توجه به رشد کند تولید و افزایش رشد جمعیت سهم افراد از درآمد ملی کمتر می شود اگر به رشد جمعیت فعلی رشد سریع جمعیت جوان را هم بیفزائیم که نیمی از جمعیت مصرف کننده محسوب می شوند و در تولید نقش کمتری دارند تمام تلاش گروه تولید کننده و شاغلین در جهت فراهم کردن مایحتاج زندگی از جمله خوراک و پوشاک صرف می شود و به این ترتیب یک نفر کار می کند و تعداد زیادی مصرف می کنند و یک نفر باید عده زیادی را تامین کند . در نتیجه افراد نمی توانند هزینه های لازم برای زندگی خود را تامین کنند و پس انداز داشته باشند و یا اگر پس اندازی هم داشته باشند به آن حد نیست که در جایی سرمایه گذاری شود و یا برای خرید مسکن ، خودرو و سایر نیازمندها بتوان روی آن حساب باز کرد این در حالی است که افراد نیاز دارند پس انداز داشته باشند تا در موقع لزوم از آنها استفاده شود بیماریهای خود و

اعضای خانواده با هزینه های بیمارستانی ، ازدواج فرزندان ، مهمانیها ، خرید مسکن ، مسافرت ، تفریح ، گردش و بازدید از شهرهای کشور و احیاناً مسافرت خارج از کشور، زیارت ، خرید وسایل الکترونیکی و مخابراتی جدید برای استفاده از فن آوری ، مطالعه و خرید کتاب و مجلات و روزنامه ها ، تعمیرات مسکن ، تغییرات دکوراسیون خانه ، دیدن مسابقات ورزشی ، سینما و تئاتر ، سالنهای موسیقی ، کمک در امور خیریه مثل مدرسه سازی ، بنای مساجد ، کمک به نیازمندان و آسیب دیدگان سیل و زلزله ، خرید وسیله تعلیم ، شرکت در سمینارها و کنفرانسهای علمی و ... پس انداز می خواهد ملتی که مردم آن پس انداز نداشته باشند و دغدغه معیشتی نیاز اولیه آنان باشد این ملت رشد نخواهد کرد و این دغدغه ها اجاز عبور فکر به مراحل بالاتر را نمی دهد و همیشه بحث و گفتگو در زمینه نیاز اولیه زندگی است در چنین مملکتی مردم فقر فکری خواهند داشت کشور و مردم ساکن در چنین کشوری در میان کشورها کم ارزش می شوند زیرا که هیچ الگویی برای سایر کشورها نخواهند بود هرچند از نظر اخلاقیات هم خوب باشند .

با یک نگاه اجمالی در احکام اسلام درمی یابیم که فرموده اند هر جا که فقر وارد شود از در دیگر ایمان خارج می شود در اسلام تاکید زیادی در مورد زکات ، خمس ، حج ، جهاد ، کمک به مستمندان ، همسایگان ، امور خیریه گردیده است با دقت در آیات قرآن در می یابیم که خداوند به بندگان پاداش اقتصادی وعده داده است .

آنان در بهشت به سریر زر بفت مرصح تکیه زنند پسران زیبا گرد آنها به خدمت می گردند با کوزه های بلورین مشربه های زرین و جامهای پر از شراب هر چه نوشند نه هرگز دردسری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار کشند و میوه خوش برگزینند و گوشت مرغان و هر غذا مایل باشند و زنان سیه چشم زیبا صورت که در بهاء و لطافت چون در لولو مکنونند بر آنها مهیاست نه آنجا هیچ حرفی لغو و بیهوده شنوند و نه به یکدیگر گناهی بر بندند در سایه درختان پر برگ و سایه دار در طرف نهر آبهای روان زلال و میوه های بسیار که هیچوقت منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوه ها منع نکند و فرشهای پر بها و زنان همیشه باکره و شوهر دوست جوان و همسال (واقعه)

وقتی متوجه می شویم که اسلام به بندگانش وعده پاداش اقتصادی می دهد و نهایت با داشتن وضع اقتصادی خوب و خرج کردن آن و انفاق در راه خدا می توان به پاداش الهی دست پیدا کرد چرا باید حکومت که تصمیم گیرنده است و وظیفه اش است که دست مردم را بگیرد و آنها را راهنمایی کند و زمینه رشد و ترقی آنها را فراهم آورد در کار خود کوتاهی کند و توجه به این موارد نداشته باشد هر چند که بر تک تک افراد لازم و واجب است که در جهت فقر زدایی و پس انداز برای روز اتفاق تلاش لازم را از راههای اصولی به عمل آورند علاوه وقتی دولت تلاش دارد که سرمایه های مردم و پول در اختیار آنها را در بانکها جمع آوری کند تا چرخه

اقتصادی و اجتماعی بچرخد به همان نسبت هم باید برای دارا شدن مردم تلاش کند.

ضمن اینکه توجه دولت را به این مساله بسیار مهم جلب می کنیم که دولت هم ، باید در بانک جهانی و پس انداز داشته باشد طرحها و برنامه ها و اتفاقات ، وام دادن برای دولت پیش می آید در همه حال آماده و مهیا باشد دولت فقیر و نیازمند فاقد کارایی است و مردم را دلسرد می کند گاهی نیاز به اجرای طرح و برنامه ریزی دولت در گوشه ای از مملکت است یا حادثه های طبیعی مثل سیل و زلزله و ... رخ می دهد که خسارت وارد می آید و نیاز به مبلغ مالی برای رفع بحران است .

حوادث غیر مترقبه ای بوجود می آید حوادثی مثل جاده ، آتش سوزی ، ساختمان و ... نیاز به جیب پر است خرید لوازم و تجهیزات نظامی و غیر نظامی بصورت غیر معمول ، وام دادن به کشورهای دیگر که درخواست می کنند ، هزینه برای حفظ موقعیت در خارج از کشور و احیاناً در داخل ، گاهی به کشورها باید کمک کرد تا از رای آن ها ، در زمان مناسب استفاده شود و یا در آینده بتوان در آن کشورها ، سرمایه گذاری کرد گاهی باید وام داد و بخشید و پس نگرفت بزرگی ریخت و پاش می خواهد بهر حال دولت باید از درآمدهای خود برای روز مبادا مبلغی پس انداز کند .

فصل پنجم

اجتماعی

مواد مخدر :

اعتیاد عادت کردن و یاد گرفتن است و به صورتهای مختلف نمود پیدا می کند مثل اعتیاد غذایی، موادی، کارفکری، کار ورزشی، تماشای بازی، تفریح و سرگرمی و... اعتیاد بدنی عادت عضو به ماده خاص است که به تدریج در اثر نرسیدن این ماده به بدن عضو یا اعضای بدن از خود تمایل نشان می دهند به گونه ای که آرام و قرار را از فرد می گیرد و فرد با مصرف آرام می شود. در مصرف مواد خصوصا مواد دودی شخص ابتدا کیف و نشاطی را در خود احساس می کند و لی به تدریج فعالیت اندامهای بدن تابع مواد مصرفی می شود و بر اثر تکرار زیاد و عادت کردن، قسمتی از درآمد خود را صرف خرید این گونه مواد می کند و وقت خاصی را هم به این امر اختصاص می دهد در زمان کار، نمی تواند کار کند از توان لازم برای انجام فعالیتهای برخوردار نیست فرد عادت کرده به مواد را معتاد گویند فرد معتاد برای بدست آوردن مواد دست به هرکاری می زند فروش وسایل خانه، قرض از دیگران، دزدی، خواهش، خود فروشی، ناموس فروشی، قتل و دست به هر ناهنجار اجتماعی، هیچ کس و... هیچ چیز ارزشمند تر از خواسته های خودش نیست نه تنها هزینه های زیادی برای ساختن خود می کند و از این بابت کمک به تولید کنندگان و توزیع کننده های مواد مخدر می نماید که با کوچکترین تلنگر بیمار می شود. مصرف کننده دارو در کشور، مشتری بیمارستان ها، بانای اختلافات خانودگی و از هم پاشیدگی خانواده، مانع رسیدن افراد خانواده

به درآمدهای بیشتر و نیازمندیهای خود، باعث انحراف خانوادگی، بدآموزی، انحرافات اجتماعی، عامل دزدی‌ها، همچنین عضو مفید و موثر در بخش تولید کشور نیست، در برابر دشمن نمی‌تواند مقاومت کند به عنوان سربار و عضو غیرمفید جامعه محسوب می‌شود. در اعتیاد و معتاد شدن سه عامل نقش دارند الف : تولید کننده ب : توزیع کننده ج : مصرف کننده

تولید کننده: بعضی از کشورهای دنیا مثل افغانستان کشت خشخاش دارند و مردم بدون هیچ محدودیتی اقدام به کشت می‌نمایند و محصول به دست آمده رایا بصورت خام (تریاک) و یا تبدیل به مواد افیونی دیگر مثل هروئین توسط قاچاقچیان مواد مخدر به کشورهای همجوار و سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی جهت توزیع ترانزیت می‌کنند همچنین در آمریکای جنوبی نیز کوکائین و خلاصه در دنیا عده ای سودجو اقدام به تولید مواد مخدر می‌نمایند وظیفه دولت است که اجازه ندهد داخل کشور تولید مواد مخدر صورت گیرد و باید با تمام توان جلوگیری کنند و با عاملان برخورد شدید نمایند.

توزیع کننده:

قاچاقچیان و باندهای حرفه ای و بین المللی در داخل کشور از جوانان و معتادان استفاده ابزاری می‌کنند قاچاقچیان گاهی برای توزیع مواد بصورت ترانزیت اقدام می‌کنند و خود را مسلح به سلاحهای جنگی می‌نمایند وظیفه دولت است که

عواملان توزیع را شناسایی و دستگیر کرده و با آنها بشدت برخورد نماید همچنین راههای هوایی، زمینی و دریایی ورود محموله های مواد مخدر را بسته و با دقت نظر کنترل لازم به عمل آید، تیمی که برای مبارزه با مواد مخدر تشکیل میدهد با قدرت عمل کرده و تحت هیچ شرایطی به قاچاقچی مواد مخدر ترحم نکند.

چرا که :

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

مصرف کننده :

مصرف کنندگان می توانند جوانان و بزرگسالانی باشند که بطریقی به این مواد اعتیاد پیدا کرده اند تولید کنندگان مواد مخدر برای توزیع نیاز به مصرف کننده دارند. به همین منظور زمینه فعالیت خود را معطوف به کشورهای می نمایند که پذیرای مصرف این مواد هستند معمولا اگر در کشوری فعالیتهای ورزشی، زمینه های تفریح، فعالیت های هنری، اشتغال و تعهدات دولت وجود نداشته باشد و یا کم رنگ باشد در چنین شرایطی زمینه مساعد برای مصرف مواد مخدر ایجاد خواهد شد همچنین عدم اطلاع و آگاهی افراد و بی توجهی والدین و تهاجم فرهنگی زمینه های گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر هستند.

با توجه به اینکه سودجویان این مواد را تولید و عده ای هم انرا توزیع می کنند اگر مصرف کننده وجود نداشته باشد بازار آنها کساد خواهد شد. پس بر دولت و

واجب است که زمینه فعالیت جوانان را با تفریحات سالم، فعالیت های ورزشی، سالنهای موسیقی، فعالیتهای هنری، سینما و تئاتر، برنامه های جذاب رادیو و تلویزیون، گسترش مراکز فرهنگی و کتابخانه ای، و... مهیا کند باید توجه کرد که کشورهای بیگانه با سرمایه گذاری و تهاجم فرهنگی سعی در بی اعتمادی مردم از دولت را دارند و از همه مهمتر عدم توجه دولت به امور زیر بنایی و صرف هزینه لازم برای مصونیت سازی جامعه، از عواملی هستند که زمینه ساز اعتیاد بیشتر را فراهم می کند با این همه باید متذکر شد که وظیفه خانواده ها، و افراد است که خود را حفظ کنند و مواظب اطرافیان و نزدیکان خود باشند و به امید اینکه دولت ابزار لازم را بکار گیرد تا از اعتیاد جوانان جلوگیری شود نباشند بلکه خود آستین بالا زده و اقدام کنند.

بازنشستگان

بازنشستگان کسانی هستند که مدتی از دوران عمر خود را به فعالیت خاصی گذرانده اند این مدت از عمر آنها معمولاً بین سنین ۲۴ تا ۵۴ می باشد درست زمانی که انرژی لازم را دارا هستند. اوج عظمت و بزرگی و توانمندی انسان فاصله بین سنین (۲۴ الی ۵۴) آغاز شروع و وارد شدن به جرگه جمعیت کشور و مرحله بزرگسالی است و مدت ۳۰ سال دوران بزرگسالی انسان است و افراد در طی این مدت منشاء خدمات مفیدی برای موسسه، کارخانه، مزارع، تعلیم و تربیت و ... هستند فرد پر انرژی و پر کار است.

همزمان در سالهای آغاز ورود به مرحله بزرگسالی ، مشغول به کار می شوند ازدواج می کنند و تشکیل خانواده می دهند دارای فرزند می شوند و بنوعی اکثر دانش آموزان مدارس والدین بین ۲۷ تا ۵۴ ساله دارند .

این گروه سنی مسئولیت های تعلیم و تربیت فرزندان ، فراهم کردن اوقات فراغت اعضای خانواده ، کمک به شکل دهی شخصیت فرزندان با کمک آموزش و پرورش ، دفاع از مملکت ، تولید مواد غذایی ، انجام کارهای خدماتی ، مسافرتها و ... را بر عهده دارند .

بقولی در ادامه زندگی دستشان در جیب خود شان است بر خلاف قبل از این سن که دستشان در جیب والدین بود مسئولیتشان چندین برابر افزایش یافته است مسئولیت نگهداری از پدر و مادر که الان در سنین کهن سالی بسر می برند را بر عهده دارند در حالی که فرزندانشان مشتری پزشکان می باشند و نیاز به درمان و دارو دارند در چنین شرایطی خودشان بندرت مشتری مراکز پزشکی و درمانی هستند قبراق بانشاط و انرژی هستند قسمت اعظم اعتراضات اجتماعی توسط آنها صورت می گیرد نتیجه کار این سنین نقش بارزی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور و جامعه و خانواده دارد مشتری اول مراکز اقتصادی اند . مسائل مملکت را بدقت زیر نظر دارند و پی گیری می کنند دائما نقشه برای آینده خود و اعضای خانواده می کشند اگر لازم شد برای کسب درآمد هجرت می کنند و در این هجرت گاهی از شهری به شهری دیگر و از استانی به استان دیگر و از

کشور به سایر کشورها و هر جا را که احساس می کنند بهتر تامین می شوند به آنجا می روند مرکز و معدن سرمایه و درآمدند تبلیغات بنگاههای اقتصادی و دولت، بانکها برای جذب سرمایه گذاری روی این سنین است و زمانی که بعضی از این گروه سنی موفق به کسب درآمد و سرمایه گذاری در موسسه ای گردیدند برای اداره موسسه خود از وجود فرزندان استفاده می کنند و تفویض اختیار می کنند اعضای خانواده خصوصا فرزندان و خانم مانور اجتماعی و اقتصادشان روی جیب آنهاست علیرغم این فعالیت و مفید بودن برای جامعه، مسئولیت تشکیل ساختار اجتماعی مملکت را بر عهده دارند بعضی از آنها برای کسب درآمد راههای دیگری انتخاب می کنند و در اصطلاح جامعه شناسی افراد نابهنجاری هستند که در آمدهای خود را از راههایی نظیر کلاهبرداری، رشوه، اختلاس، زورگویی، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، قاچاق کالا استثمار انسانها و... بدست می آورند و موجب آسیبهای اجتماعی می شوند و ناچار مراکزی برای کنترل و نگهداری اینان جامعه تدارک دیده است، و کسانی که نقش عمده در کنترل های اجتماعی دارند و تصمیم گیرندگان اصلی محسوب می شوند باز هم بین سنین (۲۴-۵۴) هستند. خلاصه این سنین اوج و مطلوبترین سالهای زندگی انسان است و بهتر از این سالها برای انسان در چرخه فعالیت و مسئولیت وجود ندارد در این سنین شاهد فرزندان و فراگیری علوم آنها هستند و بتدریج همه خوبیها و بدیها و سختی ها و شادیها فرزندان برایشان خاطره است و در اواخر این سنین شاهد بزرگ شدن فرزندان و اشتغال و

ازدواج آنان می باشند. هزینه های دوران کودکی فرزندان در مقایسه با هزینه مستقل کردن آنها چون یکباره انجام می شود فشار مضاعف بر والدین وارد می کند و از اینجاست که غمها و ناراحتیها و ندراری ها سر باز می کنند .

افرادی که پس از مدت زیادی فارغ از کار قبلی می شوند وباصطلاح بازنشسته می گردند (البته باید توجه کرد که بازنشسته از یک شغل مستمر گردیده است نه بازنشسته از سایر فعالیت های اجتماعی) نباید یاس و نومیدی به خود راه دهند و فکر کنند که به آخر خط رسیده اند بلکه باید توجه داشته باشند که تغییر مسئولیت داده اند ، مسئولیت قبلی را رها کرده اند و مسئولیتهای جدیدی را عهده دار گردیده اند.

مسئولیتهای جدید بسیار موثر تر از فعالیت دوران اشتغال هستند فعالیت های نظیر مطالعه و انجام کارهای نوشتنی ، راهنمایی افراد خانواده مثل دختران ، پسران و دامادان و عروسان و مراقبت برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی که احياناً به طلاق و جدایی کشیده نشوند با راهنمایی خود کانون گرم خانواده را عاطفی می کنند و واژه دوست داشتن را به میان آنها می کشانند .

مراقبت ویژه از فرزندان کوچک خود و همچنین نوه ها در زمینه تعلیم و تربیت و تذکر مسائل اخلاقی ، اجتماعی ، مرکز کانون خانواده برای سرکشی اعضاء خانواده و در دسترس بودن آنها ، گشت در مراکز شهر و محل زندگی و دیدن نقاط ضعف در رابطه با مسائل اجتماعی و فرهنگی ، ساختار شهر ، فضای سبز ،

پارکینگها، مراکز ورزشی، و سایر مسائل شهر و اطلاع به مسئولین ذیربط و ارائه راه‌های مفید برای حل معضلات.

گشت و نشست با سایر بازنشستگان، بحث و مذاکره در رابطه با مسائل بهبود زندگی خود و خانواده و شهروندان، حل مسائل مربوط به فامیل، مردم محل زندگی خود و جلوگیری از درگیری‌ها و تنشهای اجتماعی، پرداختن به ورزشهای مخصوص این سن و هم‌چنین تماشای مسابقات ورزشی از نزدیک، و دهها فعالیت دیگر و...، انجام این فعالیتها مزایایی فراوانی برای دولت دارد.

از جمله مراجعان دادگاهها و مراکز انتظامی تقلیل می‌یابد به این ترتیب تعداد نیروی انتظامی برای کنترل و تعداد بازپرس و قاضی برای تشکیل پرونده و مراکز نگهداری مجرمان (زندانها، بازداشتگاهها) که هزینه‌های بسیاری برای دولت دارند کم می‌شود. وقتی ارباب رجوع در زمینه درخواست طلاق، نفقه، درگیریها و مسائل جزئی مالی، زد و خوردها و بسیاری از مسائل به مراکز کنترل و ارزیاب و قضاوت و نگهداری نرسید در آن صورت وقت این نیروها صرف حل سایر مشکلات خواهد شد.

همچنین گزارش مسائل شهری، به مسئولین مربوطه کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری درست و اصولی و به موقع اتخاذ نمایند. نشست با همسالان و رفقا موجب پرداختن به امور سرگرمی و تفریح می‌شود و روحیه افراد شاد و کمتر در معرض آسیب

های روانی قرار می گیرند، چرا که افراد در میان جمع و مشغول شدن به فعالیتی که دوست دارندهم امید به زندگی برایشان بیشتر می شود هم بیشتر عمر می کنند علاوه فرصت به فرزندان و دیگر اعضای خانواده می دهند تا به فعالیت روز مره خودشان پردازند و دائما نخواهند از اینان نگهداری کنند اصولا در این سن بزرگترین و مطلوبترین و مناسبترین نوع نگهداری بزرگ سالان سرگرمی و تفریح است و اینکه بزرگسالان خود را به فعالیتی سرگرم کنند در حقیقت خود را نگهداری می کنند حوصله آنها سر نمی رود فکر بی کسی و اینکه به او توجه نمی کنند را از سر بیرون می کنندباید توجه داشت که مراکز نگهداری بزرگسالان بیشتر برای کسانی است که فاقد توانایی سرگرم کردن خود هستند ، تماشایی مسابقات ورزشی از نزدیک ، علاقه مندی به تیم خاص ، مطالعه ، نویسندگی ، ورق ، تماشای فیلم ، بازیهای کامپیوتری ، گوش کردن به موسیقی ، عبادت ، مرجع بودن برای حل مسائل خانوادگی ، باغبانی ، تعمیر لوازم خانگی ، پارک رفتن ، مسافرت ، انجام کار کشاورزی ، دید و بازدید ، بازی بانوه ها ، پارک ، پیدا کردن همسالان و صحبت کردن با آنها ، حل جدول ، مطالعه روزنامه ها و مجلات ، مشاوره خواستن ، و ... همه ازاموری است که می تواند از سالمندان نگهداری کند .وظیفه دولت است در برنامه ریزی مشاغل و پرداخت حقوق به بازنشستگان و پرداخت بعد از بازنشستگی را طوری معین کند که تحت هیچ شرایطی فرد بازنشسته نخواهد به کار دیگر پردازد برنامه ریزی دولت باید به گونه ای باشد که

همه احاد مردم از سنین خاص تحت پوشش بیمه قرار گیرند و در ایامی که مشغول به کار هستند قسمتی از درآمدشان را به بیمه پرداخت کنند تا برای دوران بازنشستگی درآمدی از خود داشته باشند و محتاج دیگران نباشند چرا که فرد نیازمند و محتاج دیگران بعنوان سر بار محسوب می شود و از همه طرف سرکوفت می شنود و به دلیل عاطفه شدید خود خوری می کند از نظر روانی به هم می ریزد و دچار بیماریهای دیگری می شود در آن صورت مشتری بیمارستانها می شود و فرزندان دلخور از والدین و بطریقی سعی در ترک آنان را دارند .

وقتی افراد مسن منابع درآمد داشته باشند به فرزندان و نوه ها و دیگر افراد کمک می کنند و دور آنها همیشه شلوغ است ضمن اینکه یادآوری می شود بر همه افراد لازم است در سنین مدارس و بعد از آن در زمانی که عضو جمعیت فعال هستند به سرگرمیهای چند عادت کنند تا بتوانند در دوران بزرگسالی و کهنسالی بوسیله این سرگرمیها خود را مشغول کنند .

حقوق کودکان

ثمره ازدواج زن و مرد کودک است بودنش مشکل و نبودنش نیز مسئله ساز، زن و مرد پس از طی یک دوران کوتاه یک الی دو سال احساس می کنند که نیاز به فرد سومی دارند از این رو بی صبرانه منتظر تولد فرزندشان هستند کانون خانواده آنها با بودن فرزند رنگ و بوی دیگری دارد با خنده کودک شاد و خندان می شوند و با

گریه و ناراحتی او افسرده و غمگین، بی هیچ تکلفی اقدام به نظافت کودک می کنند به موقع به او غذا می دهند برایش اسباب بازی می خرند، بدون اخم بر چهره از درآمد خود غذا، لباس، اسباب بازی و... تهیه می کنند، به سرو پای کودک نگاه می کنند و از دیدن چهره و قیافه او لذت می برند مراقبت می کنند تا یاد بگیرد راه رفتن، حرف زدن، دویدن، غذا خوردن، شناسایی اشیاء و افراد و مستقل کارهای خود را انجام دادن و نهایت تعلیم دیدن. بچه ها تا بدنیایامده اند در قبالشان تکلیفی نیست اصولاً وقتی فردی وجود ندارد مسئولیتی نیز نخواهد بود خانواده ها گاهی یک فرزند دارند و گاهی تعداد فرزندان به ده نفر نیز می رسد خانواده در برابر همه فرزندان مسئول می باشد بی تفاوتی خانواده قابل قبول نیست، بحث کنترل جمعیت و اینکه پدر و مادر بخواهند چند فرزند داشته باشند با توجه به نیازهای روحی آنان و توان تغذیه ای و تعلیم و تربیت و نگهداری از نظر پوشاک، مسکن و سایر نیازها امر قابل قبول است یعنی پدر و مادر می توانند کنترل کنند و بی رویه به تعداد افراد جمعیت نیفزایند در حالی که قادر به کنترل و نگهداری و مسائل تربیتی آنان نیستند پس بهتر است کنترل وجود داشته باشد. قبل از بوجود آمدن کودک و تصمیم برای تولید مثل نیاز است که مراحل پزشکی مربوطه طی شود نباید در زاد و ولد افراد عقب افتاده ذهنی تولید شود وجود چنین کودکانی نه تنها اوقات پدر و مادر را بی جهت پر و انهارا پیر می کنند بلکه اینگونه افراد برای جامعه نیز سودمند نیستند و مراکز نگهداری اینگونه کودکان ضربه به اقتصاد

مملکت خواهد بود، نباید اجازه داد که والدین ناقص با یکدیگر ازدواج کنند زیرا ثمره چنین ازدواجی چیزی جز بچه های معلول و عقب افتاده ذهنی نخواهد بود اگر فرزند اول ناقص متولد شد نباید اصرار برای تولید مثل بعدی از این پدر و مادر داشت. باید مردان و زنانی که معلولیت جسمی یا ذهنی دارند در مراکز بهداشتی توان تولید مثل آنان گرفته شود و صرفاً برای ارضاء نیازهای جنسی ازدواج کنند فقط پدر و مادر سالم به تولید مثل پردازند اگر غیر از این شدو کودکی بوجود آمد مقصر اصلی پدر و مادر و هیئت حاکمه است تولید مثل اگر توسط پدر و مادرهای زیبا و خوش قیافه و دارای بهره هوشی مناسب انجام گیرد به مرور اجتماعی سالم و تندرست بوجود می آید اما نهایت امر از آمیزش زنان و مردان فرزند به وجود می آید، امروزه در حیوانات و گیاهان نیز اصلاح نژاد بوجود می آید و معمولاً حیوانات از نظر شیردهی، گوشت و از گیاهان محصول سالم و مطلوب می خواهند.

گاهی بدنیا آوردن فرزندان هدفمند است یعنی پدر و مادر تصمیم می گیرند که بچه دار شوند در نتیجه نهایت سعی و تلاش خود را جهت تعلیم و تربیت او بکار می گیرند گاهی هم تولید مثل هدفمند نیست و توجه به تغذیه، پوشاک، مسکن و تعلیم و تربیت ندارند و می گویند یک نفر کم است دو نفر بهتر است، دختر زیاد است پسر می خواهیم؟ پسر زیاد است دختر می خواهیم، تولید مثل می کنند یهو سر می اندازند که کنار سفره چندین بچه قد و نیم قد نشسته و آنگاه است که مشکلات

سرباز می کنند ، در روستاها و عشایر برای نگهداری گوسفندان و کارهای کشاورزی بی رویه تولید مثل می کنند اصولاً عده زیادی بلد نیستند این تولید مثل را کنترل کنند گاهی فرهنگها اجازه کنترل تولید مثل را نمی دهد، مشاهده شده بصورت غیر رسمی و از ارتباط نامشروع فرزندان بوجود می آیند و در کنار خیابان رها می شوند و یا تحویل بهزیستی داده می شوند و یاپس از بدنیآ آمدن توسط والدین سر به نیست می شوند گاهی مهر مادری موجب می شود که بخواهند از آنها نگهداری کنند در حالی که فاقد امکانات مناسب جهت نگهداری می باشند . در تمام این مراحل وظیفه دولت است که با برنامه ریزی مراکزی را بوجود آورد تا آگاهیهای لازم را به خانواده بدهند و خانواده ها شناسایی شوند تا آنهائیکه مشکل دارند نتوانند تولید مثل کنند . فرزندان که بدنیآ آمده اند در بوجود آمدن خود نقشی نداشته اند و سرنوشت آنها بوسیله دیگران رقم خورده است ، آنها را چگونه باید نگهداری کرد ؟ آنها چه حقوقی دارند ؟

چون کودکان نقشی در بوجود آمدن خود ندارند نمی دانند والدین چگونه و بر چه اساسی اقدام به تولید مثل آنها کرده اند و بصورت یک امر طبیعی که حاصل لقاح (تخمک و اسپرم) بوده است تولید شده اند و لازمه عمل لقاح هم چیزی جز این نیست از اینرو حقوقی بر خانواده و جامعه دارند و اگر خانواده و جامعه رعایت این حقوق را به عمل نیاورند ظلم مضاعف و آشکاری را نسبت به کودکان مرتکب شده اند .

حقوق کودکان در خانواده

خانواده‌ها بعنوان عامل تولید و عاملی که با میل و رغبت خواسته‌اند تا کودک بوجود آید و ظایفی در قبال کودکان دارند بهداشت جسمی: مثل مراقبت از چشم‌های آنان تا نزدیک بین و دوربین و استیگماتیسم نشوند، مراقبت از گوش‌های آنان تا به ناراحتی‌های گوش مثل کم‌شنوایی و کری مبتلا نگردند، مراقبت و نظافت موه‌های آنان تا بیماری قارچی نگیرند، شستشو و دفع آلودگی از پوست، واکسیناسیون به موقع تا بدن بتدریج دفاع در برابر ویروس‌ها و میکروب‌ها را یاد بگیرد، مراقبت از دندان‌ها تا پوسیدگی پیدا نکنند و همه در ردیف خود رشد کنند، کوتاه کردن ناخن‌ها تا بر اثر آلودگی موجب بیماری نشوند، نظافت شخصی از قبیل شستشوی لباس و دفع مدفوع و بول و آبریزش بینی، در موقع مریضی نزد پزشک بردن و در صورت نیاز به بیمارستان، اگر بستری شدند از آنها مراقبت کنند و پرداخت هزینه‌های پزشکی مربوطه.

بهداشت امنیت: جلوگیری از رسیدن آسیب بدنی به آنان، مراقبت در عبور و مرور در کوچه‌ها و خیابان‌ها، جلوگیری از سوختگی و برق‌گرفتگی و غرق شدن در آب، جلوگیری از مصرف داروهای غیر مجاز که ممکن است دسترسی داشته باشند، مراقبت از پرت شدن و سقوط از بلندیها، درگیری و دعوا با دیگران.

پوشاک و تغذیه : رساندن انواع غذاهای مورد نیاز به آنان مثل هیدراتهای کربن ، پروتئینها ، چربیها ، مواد معدنی ، ویتامین ها ، آب تصفیه و سالم ، خرید پوشاک مورد نیاز و...

ورزش و تفریح و سرگرمی و استراحت : تهیه اتاق مناسب جهت استراحت که در فصل سرما گرمای لازم را داشته باشد و در فصل گرما خنک ، نظافت به موقع اتاق و رختخواب ، خرید وسایل ورزشی ، کمک در یادگیری مهارتهای ورزشی ، خرید اسباب بازیهای مناسب ، تهیه وسایل مورد نیاز از قبیل تلویزیون ، ضبط صوت ، کامپیوتر ، مشاهده از نزدیک مسابقات ورزشی ، مسافرت و دیدن شهرهای کشور و زیباییهای طبیعت و...

اعتقادی : آموزش تکالیف دینی ، آموزش اخلاقیات و بار آوردن وی به صورت فرد معتقد به مبدا و معاد و شناخت مسائل دینی مربوطه و...

تعلیم و تربیت : آموزش یادگیری به وی با فرستادن به مدرسه و همکاری با مدرسه در جریان آموزش و یادگیری ، تهیه کتابهای مناسب جهت فراگیری ، کمک به یادگیری علوم مختلف و...

اجتماعی : شناخت قانون های اجتماعی و روابط فردی ، شناخت زیباییها و خوبیها و همچنین زشتیها و بدیها ، دادن هشدارهای اجتماعی مثل دزدی ، امانت ، حلال و حرام ، احترام به دیگران ، سلام کردن ، استفاده از وسایل شخصی و ...

اقتصادی: توجه به نقش پول در قبال خرید کالا، مالکیت، هرکس مالک چه چیزی است راههای بدست آوردن پول، هرکالا چقدر ارزش دارد و ...

اینها وظایفی هستند که پدران و مادران به عنوان خانواده در قبال فرزندان و کودکان دارند و اگر در وظایف خود کوتاهی کنند کودکان درست تربیت نخواهند شد اصولاً کودکان معصوم هستند و در اعمالی که انجام می دهند تکلیفی ندارند اگر بر اثر عدم مراقبت والدین عملی را مرتکب شده اند آنان را باکی نیست.

خانواده ها باید سعی کنند حتی الامکان این نیازها را برآورده سازند آشفتگی خانواده، استفاده نابجا، فریب کودکان، آزار و اذیت، ترس و ایجاد رعب، عدم دسترسی به نیازها، رها کردن در خیابانها، دوست نداشتن، ابراز محبت نکردن، کتک زدن آنان نیز موجب پایمال حقوق کودکان است.

حقوق کودکان در دولت

در واقع مسئولیت اصلی حمایت از کودکان دولت و قوانینی است که وضع کرده است دولت باید با ایجاد مراکز ورزشی، تفریحی، تعلیم و تربیت، راهنمایی مادران و پدران، بهداشتی و درمانی، وفور مواد غذایی، کنترل جمعیت و کنترل ازدواجها، حمایت خود را از کودکان به عمل آورد و با متخلفان برخورد جدی و قانونی نمایند.

شادی و مظاهر آن :

شادی به معنی فرح بخشی و خوشحالی و رضایت و داشتن انگیزه به فعالیت ،

امید به زندگی ، زدودن غم ، سرحال بودن ، تنوع ، لذت بخش بودن زندگی و داشتن خنده بر لب و ... معنا می شود لازمه حیات انسان هم چیزی جز موارد فوق نیست تلاش های بی وقفه انسان برای بدست آوردن خواسته خود ، رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ، برنامه ریزی برای رسیدن به هدف غایی (نهایی) طبعاً بی دردسر نیست و محال است که انسان بتواند بدون تحمل سختی و مشقت رشد کند اصولاً رشد انسان همراه با فعالیت و تحمل سختیها و شکیبائی است چرا که اگر انسان فعالیت نکند نمی تواند به مدارج بالا برسد . دانه های گندم وقتی در سیلوهها و انبارها و کیسه ها حبس هستند ، می مانند تا بپوسند اما همینکه این دانه ها را روی زمین پخش کردند و روی آنها خاک ریختند و کشت شدند در برابر فشار و تحمل و سختی مقاومت می کنند و سر از خاک بیرون می آورند و دانه های فراوان گندم را بوجود می آورند. انسانها هم برای رسیدن به اهداف ناگزیر از تحمل رنج و سختی و فشار می باشند ولی باید توجه داشت که تلاشهای انسان مداوم است و انسان موجودی است که هم می تواند غم بخود گیرد و تحمل غم کند و هم می تواند شاد باشد و از زندگی لذت ببرد، در غم هیچ چیزی رشد نخواهد کرد ناراحتی ، گرفتگی چهره ، افسردگی ، بی حوصلگی ، دل‌مردگی موجب امراض روحی و روانی و سوء هاضمه ، ناراحتی خانوادگی ، نزاعها و درگیریها ، کوتاهی

عمر و لذت نبردن از زندگی می شود . لازم است که اسباب شادی در بین مردم بوجود آید و مردم پس از انجام فعالیت‌های روزانه اوقاتی را تفریح کنند و با روحیه باز و شاد خود را آماده فعالیت آینده نمایند . بر دولت است که زمینه ساز شادی در بین مردم باشد تمامی ادیان در تعلیمات خود به مردم متذکر شدند که با پذیرش این دین زمینه شادی شما فراهم خواهد شد همه کسانی که می خواهند با مردم حرف بزنند بنوعی در گفتار خود می خواهند بگویند که اسباب شادی و خوشحالی را برای شما فراهم می کنیم .

خرد گردد اندر میان ناتوان چو شادی بکاهد بکاهد روان

خردمند مردم چرا غم خورد (فردوسی) چو روزی بشادی همی بگذرد

اما مظاهر شادی و زمینه هایی که انسانها را شاد و به دوام و قوام زندگی پایبند می کنند به شرح زیر می باشد .

۱- اشتغال : با اشتغال فرد در آمدی برای معاش خود دارد و برای بدست آوردن شادی می تواند هزینه کند افراد فاقد شغل نگرانی دارند از زندگی لذت نمی برند .

۲- علاقمندی به شغل : وقتی فردی در شغلی که به آن علاقه مند است مشغول باشد رضایت خاطر دارد .

۳- آزادی: افرادی که از آزادی برخوردار باشند و بتوانند آنچه را که فکر می کنند سازماندهی نمایند و به صورت گفتاری و نوشتاری بر جامعه عرضه کنند رضایت خاطر خواهند داشت و قدرت تفکر و اندیشه آنها تقویت می شود و بعضا مولد افکار جدید خواهند شد و بوسیله آن تغییرات مطلوب در جامعه بوجود خواهند آورد.

۴- زمینه های بروز استعداد: وقتی مردم یک جامعه احساس کردند که می توانند با تلاش و فعالیت به آنچه از قبل بعنوان هدف در نظر گرفته اند دست یابند تحمل سختی ها و مشقت را با تمام توان بکار می گیرند و برای رسیدن به هدف از بعضی تفریحات و استراحتها صرف نظر کرده و به مغز و جسم خود فشار مضاعف می آورند تا موفق شوند همین تلاش و سختی برای آنها لذت بخش است و از اینکه مشغول این نوع فعالیت هستند اظهار رضایت می کنند و گلایه ای هم ندارند اما اگر فعالیت آنها در پایان منتج به نتیجه و هدف از پیش تعیین شده نشود به جای شادی غم و غصه و ناراحتی و بیماریهای روحی و روانی جایگزین خواهد شد.

۵- امنیت: امنیت دو گونه است امنیت داخلی (انتظامی) و امنیت خارجی (استقلال) در امنیت داخلی فرد در محل زندگی خود و کشور احساس می کند که نیروهای امنیتی بیدار و با متخلفان قبل واز وقوع هر نوع جرم و حادثه پیشگیری می کنند دیگر کسی زورگوئی نمی کند در برابر قانون

همه جای کشور مجرم ، مجرم است و صالح ، صالح در دعوی های دادگاهی رسیدگی سریع است امنیت ترافیک وجود دارد امنیت سرمایه گذاری وجود دارد و با دزدان ، زور گوها ، انحصار طلبها ، رشوه گیران ، کم کارها ، سوء استفاده کنندگان ، توزیع کنندگان مواد مخدر ، محتکران ، قاچاقچیان ، گرانفروشان ، آلوده کنندگان محیط زیست و ... برخورد می شود و همه چیز حساب دارد. در نتیجه رضایت خاطر مردم همراه با نشاط و شادی بوجود خواهد آمد. اما در زمینه امنیت خارجی (استقلال) در زمینه استقلال وقتی مردم متوجه شدند که در کشوری زندگی می کنند که تصمیم گیرندگان آن منتخبین خودشان هستند مرزها و سرحدات به روی دشمنان و بیگانگان بسته است قدرت دفاعی کشور در برابر تجاوزها قابل قبول مسئولین مملکتی منطقی و آگاه و به موقع تصمیم می گیرند فکر همه جا را کرده اند ارتش منظم و آماده ای را دارند فکری از بیرون بر مسئولین تحمیل نمی شود خود باختة فرهنگ بیگانگان نیستند ملت خودشان را از سایر ملل بیشتر دوست دارند و با خوشحالی مردم خوشحال و با ناراحتی آنها غمگین می شوند از تکنولوژی و فن آوری روز دنیا بنحو مطلوب استفاده می کنند ، وقتی دیدند تلاش مسئولین از روابط سایر ملل صرفا برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی شهروندان کشوری باشد . در چنین موقعیتی مردم راضی از حکومت و پشتیبان آن و از تصمیمات

خوشحال و دغدغه نخواهند داشت ، شاد و خوشحال در مملکت خود زندگی می کنند .

۶- **زمینه های تعلیم و تربیت :** همه افراد ساکن در کشور به تعلیم و تربیت احتیاج دارند یعنی نیازمند آموزش و پرورش هستند چرا که تحصیل علم سن و موقعیت نمی شناسد تعلیمات کودکان و نوجوانان بطریقی انجام می شود و تعلیمات بزرگسالان به طرق دیگر ، مدارس بامدرسان مجرب در دسترس ، وفور مراکز آموزش عالی برای علاقه مندان ادامه تحصیل ، کیفیت مناسب مدارس ، وجود آموزشگاههایی که می توانند به علاقه مندان آموزشهای خاص بدهند ، کامپیوتر، خیاطی ، عکاسی ، کارهای هنری و ... استفاده از علوم و فنون که افراد در دوران تحصیل فرا گرفته اند در بازار کار (یعنی تعلیمات با فعالیتهای اجتماعی و بازار کار همخوانی داشته باشد) به این ترتیب ابزار خوشحالی فراهم می شود .

۷- **داشتن مسکن مناسب :** هر انسانی برای حفظ و نگهداری آسایش و استراحت و دفاع در برابر عوامل محیطی نیازمند فضایی امن است تا در آنجا سکونت گزیند مسکن موجب می شود که انسانها خود را از سرما و گرما حفظ کنند ، استراحت کنند ، کانون خانواده را حفظ ، بستر مناسب جهت گفتگوها با اعضاء خانواده داشته باشند ، بچه ها را نگهداری کنند و به تربیت آنها پردازند ، از رادیو و تلویزیون استفاده کنند ، کتاب بخوانند ،

بنویسند ، استحمام کنند و به نظافت شخصی پردازند ، به دیدار یکدیگر بروند ، غذا بپزند و دوری از نامحرم داشته باشند . البته داشتن خانه مجلل با امکانات مناسب خواسته همه است ولی ایجاد داشتن حداقل مسکن مد نظر است ، همه کسانی که تشکیل خانواده می دهند نیاز به مسکن دارند و می بایست تلاش کنند تا مسکن مناسب برای خود دست و پا کنند . وظیفه دولت است که همه سعی و تلاش خود را به کار گیرد تا امکان دسترسی به مسکن برای افراد وجود داشته باشد داشتن مسکن شادی و خوشحالی بین افراد بوجود خواهد آورد .

۸- اعتقادات دینی : هیچ انسانی را پیدا نمی کنید که اعتقاد نداشته باشد همه انسانها نوعی ایدئولوژی دارند و ایدئولوژیها در سه موضوع وحدت نظر دارند اعتقاد به آفرینش ، مبدا و معاد . آنها می دانند عبث آفریده نشده اند و خلقت اساس و هدف دارد و اعمال آنها پاداش و کیفر دارد و وجود این همه نظم و زیبایی نشان از قدرت لاینتاهی میدهد همه به تسبیح خداوند مشغولند یکی در مسجد یکی در دیر و یکی در کنیسه و یکی در کلیسا و یکی در معبد یکی در شب و یکی در روز در کوه و غار بتکده و ... همه به نوعی در حال پرستش هستند اما نگرش آنها به هستی و آفریدگار و خالق یکسان نیست و بقولی هر کسی از ظن خود شد یار من ، هرکس بر اساس اداب آموخته شد عبادت می کند یکی به کلیسا می رود و دعا می

خواند گروهی به نماز می ایستند و دست را در جلو می گیرند و گروهی دست باز و عده ای به بتکده می روند و برایش قربانی می کنند و او را واسطه قرار می دهند این فطرت خداجوی در وجود همه است (فطرت الله التي فطر الناس عليها) ، مهم این است که خدا پرستش شود حال اگر به بهترین وجه ممکن این مهم انجام شود بهتر است اما خدا پرستش می شود هرچند در بسیاری از جهات خرافه و کهنه پرستی است مردم انتظار دارند در انجام فرائض دینی و آداب و رسوم آزاد باشند بهتر است مملکت از نرمهای جامعه محل سکونت که خدشه ای به اعتقادات وارد نمی کند پیروی کنند اگر فضای اعتقادی توسط دولت بوجود بیاید از رضایتمندی بهتری برخوردار خواهند شد و رضایت مندی موجب خوشحالی و شادی است .

۹- **میادین ورزشی** : مراکز ورزشی از قبیل سالن ، زمین ، پیست ، استخر ، جاده و ... با داشتن مرییان مجرب و امکانات و تجهیزات لازم بگونه ای که همه بتوانند به فعالیت ورزشی پردازند علاوه بر سلامتی جسمانی رضایتمندی را نیز به همراه دارد همچنین پخش زنده مسابقات ورزشی که موجب ارضاء روحی و روانی افراد است خوشحالی زاید الوصفی را به همراه دارد ، تولید و در دسترس قرار دادن و ارزان لباسهای ورزشی مزید بر میل و رغبت به انجام تمرینات ورزشی است دیدن و تماشای مسابقات ورزشی بدون محدودیت جنسی نیز موجب شادی و سرور است .

۱۰- پارکهای زیبا جهت تفریح شهروندان با فضای سبز مناسب در اوقات فراغت و گردش دسته جمعی اعضای خانواده و دل به طبیعت سپردن جز شادی چیزی همراه نخواهد داشت ۱۰-سالنهای سینما و تئاتر و برنامه های متنوع تلویزیون و دیدن فیلمهای سرگرم کننده موجب رضایت مردم است

۱۱-موسیقی:شک نیست که آواز خوش یکی از بهترین نعمت هایی است که خداوند متعال به بشر ارزانی داشته است در محافل و مجالس مذهبی و غیر مذهبی وقتی وارد می شوید همیشه عده زیادی با میل و رغبت به صدای فردی که می خواند یا مداحی می کند گوش می دهند چرا این افراد به سخنان دیگران گوش نمی دهند؟ دلیل این است که صدای انها محبوب شان نیست از این موهبت الهی باید استفاده کرد خوانندگان و نوازندگان که میتوانند از صوتها آهنگ و شعرها را موزون سازند و ارائه کنند بواقع هنرمندند. مردم با گوش دادن به موسیقی آرامش روحی پیدا می کنند ، میلیونها نفر از این کار سود می برند ، سازندگان دستگاههای صوتی و تصویری (ویدئو ، رادیو ، ضبط صوت ، cd ، dvd بانند و ...) خوانندگان از حفظ کنندگان زبان رسمی کشور هستند . کلمات ، لغات و جملات را در قالب شعر و با صدای خوب خواندن زمزمه مردم می شود و استحاله فرهنگی بوجود خواهد آمد .

۱۲- زیبایی سواحل دریا، پارکهای جنگلی خیابانهای زیبا، هتلها، وسایل مصرفی در دسترس، ارج گذاشتن به انسانها، بهداشت محیط موجب خوشحالی مردم می شوند.

۱۳- بهداشت: وجود مراکز درمانی با پزشکان متخصص و داروخانه ها، واکسیناسیون به موقع، دستورالعملهای بهداشتی موجب رضایت مردم می شود هر چیز که مردم از آن رضایت داشته باشند خوشحالی به همراه دارد و تشکر خود از دولت را بطریق شرکت در انتخابات، حمایت از تصمیمات دولت، دفاع از مملکت، پرهیز از کار خلاف، عدم قانون شکنی نشان می دهند.

بخش خصوصی

فعالتهایی که در مملکت انجام می شود معمولاً بر دو گونه است این فعالیتها یا توسط بخش دولتی انجام می گیرد و یا توسط بخش خصوصی اما فعالتهایی که توسط بخش دولتی انجام می گیرد و کمتر بخش خصوصی در این قسمت فعالیت دارند.

۱- **فعالتهای نظامی:** وظیفه دولت است نیروهایی را بکار گیرد و امکانات و تجهیزات لازم را برای آنها فراهم آورد تا در بعد خارجی و حفظ و حدود مرزها و در برابر تجاوز بیگانگان آمادگی لازم را داشته باشند سلاحها و تجهیزات جدید نظامی را تهیه و تولید نماید کشور باید دارای یک ارتش

منظم باشد تا بتوانند در موقعیتهای استراتژیکی تصمیم گیری مشترکی داشته باشند .

۲- **فعالیت‌های انتظامی:** حفظ و حراست از شهرها و ایجاد امنیت داخلی از وظایف دولت است و بخش خصوصی جزء در موارد حفظ اموال شخصی خود وظیفه ای در قبال سایر ندارد .

۳- **شهرداریها:** درست که شورای شهر با رای مردم انتخاب می شوند شورای شهر شهردار را معین می کنند ولی باید توجه داشت که فعالیت‌های درون شهری نظیر دفع مواد زاید، رفتگری، نظارت بر شهر سازی، فضای سبز، کوچه و خیابانها، پارکینگها، نظارت بر رفت و آمد و ... از اموری هستند که ناچارا شهرداری باید انجام دهد .

۴- **برنامه و بودجه:** برنامه ریزی برای مشخص شدن منابع درآمد و نوع هزینه ها و نیازهای مملکت و ... باید توسط دولت انجام شود .

۵- **دادگستری:** قضاوت و داوری بین مردم و برخورد با خاطیان و احقاق حقوق قانونی مردم، امنیت شغلی و اجتماعی و عدم سلب آزادی دیگران و مبارزه با منکرات و مجرمان توسط هیئت حاکمه انجام پذیر است .

۶- مسئولیت اولیه تعلیم و تربیت نوبا و گان جامعه بعهدہ دولت است .

۷- **انرژی:** منابع انرژی مثل نفت، گاز می باید در دست دولت باشد تا در مسیر رفاهیات مردم از ان استفاده نماید .

۸- نیروگاههای ، اتمی ، آبی (سدها) بادی و ... در دست دولت باشد مناسب تر است .

۹- تربیت بدنی : توجه به این اصل که تربیت بدنی همگانی حق مردم و دولت مسئولیت احقاق این حق را دارد .

۱۰-وزارت امور خارجه : نصب سفیران و کاردارها و ایجاد روابط با ملل دیگر.

۱۱-وزارت کشور : نصب استانداران و فرمانداران و متولیان سیاست گذاری استانها و شهرستانها و شهرها .

۱۲-آموزش عالی برنامه ریزی آن باید توسط هیئت حاکمه باشد .

۱۳-بهداشت و درمان این هم باید در دست دولت باشد .

۱۴-مجلس ،قانون گذاری حق هیئت حاکمه است. همچنین

معادن ، جنگلها ، آبها، حق کشتیرانی ، توسعه جاده ها ، هواپیمائی ، راه آهن ،
و...

خلاصه تمامی فعالیتهایی که در مملکت انجام می شود باید تمرکز در تصمیم گیری دولتی داشته باشد .

فعالتهای غیر دولتی

فعالیت دولتها در طی چند هزار سال گذشته نشان داده است که دولت بازرگان خوبی نیست علاوه باید توجه کرد که دولت نمی تواند در همه ابعاد و فعالیتهای

اجتماعی دخالت مستقیم داشته باشد اگر چنین شد قدرت خلاقیت و فعالیت را از مردم سلب می کند و اصولاً اگر همه چیز دولتی پیش برود مردم انتظار دارند که دولت در تمامی ابعاد زندگی آنها برنامه ریزی کند در این صورت آب و برق و گاز و تلفن، شغل، مسکن، آموزش و پرورش، تغذیه و ... را از دولت می خواهند. و به فعالیتهای اجتماعی نمی پردازند، انتظار دارند که دولت برنامه ریزی این فعالیتهای و نحوه بکارگیری آنها را در شغل های مناسب فراهم آورد در این صورت قدرت خلاقیت، ابتکار، نوآوری، اتکا به خود، اعتماد بنفس و ... از مردم سلب می شود و به این ترتیب تغییرات بنیادی در زمینه های صنعت و کشاورزی، ارتباطات، تبلیغات به کندی طی خواهد شد. و دران صورت فعالیت دولت بدلیل عدم رقیب از حیطه رقابت خارج است و می دانیم پیشرفت در محدودیت و با رقابت امکان پذیر است بنابراین لازم است قسمتی از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی توسط مردم یا همان بخش خصوصی انجام پذیرد همانطور که قبلاً ذکر شد دولت موظف است که تصمیم گیری متمرکزی در تمامی زمینه ها داشته باشد و مسیر حرکت بخش خصوصی را معلوم کند تا آنها بدانند در چه زمینه های می توانند فعالیت کنند.

فعالیهایی مثل بازار و تجارت، آموزشگاههای حرفه ای، آموزش و پرورش، بنگاهها و موسسات تجاری، بیمارستانها و داروخانه ها، صنعت، کشاورزی، دامپروری، سرمایه گذاری، ایجاد شغل و ... می توانند خصوصی باشند. بخش

خصوصی می تواند پا به پای دولت و در چهار چوب قوانین کشوری فعالیت نماید و با کارگزاران دولتی به رقابت بر خیزد .

در این صورت سرمایه گذاران می توانند با امکانات مالی و فیزیکی و ماشینی و انسانی خود در جهت توسعه و خدمات رسانی به مردم فعالیت نمایند البته باید توجه داشت که هدف سرمایه گذاری بخش خصوصی بدست آوردن سود است و برای بدست آوردن سود بیشتر فعالیت انجام می دهند . به این ترتیب هم مملکت توسعه می یابد و هم عده ای مشغول به کار می شوند و با خرید کالا به سایر تولید کنندگان و فروشندگان سود می رسانند دولت برای سرمایه گذاری بخش خصوصی که معمولاً مبتنی به تولید می شود می بایست موانع را از پیش روی بردارد ولی در همه حال بهتر است نظارت و کنترل کند و ناظر خوبی باشد زیرا هرکس در فعالیتهای مملکت شرکت کند در حقیقت قسمتی از وظایف دولت را انجام می دهد در پایان باید متمرکز شد که تمرکز در سیاست گذاری و عدم تمرکز در اجرا می تواند موثر واقع شود وقتی فعالیتهای بخش خصوصی در زمینه شرکت های سرمایه گذاری ، باشگاه های ورزشی ، شرکتهای ساختمانی ، شرکت های تعاونی ، شرکتهای پروژه ای عمرانی مثل راه و نیروگاه ، شرکتهای تعاونی زراعی برای یک پارچه سازی اراضی و آبیاری تحت فشار و نوسازی ناوگان حمل و نقل و ... توسعه پیدا کردند از حرکت این شرکتهای چرخه فعالیت اقتصادی به جریان می افتد عده زیادی مشغول به کار و از خلاقیت و سرمایه خود استفاده می کنند درآمد

خانوارها افزایش می یابد به موازات فعالیتهای بخش خصوصی قسمتی از نیازمندی های مردم در داخل کشور تامین می شود به همین نسبت وابستگی اقتصادی به خارج از کشور کم می شود زمانی که شرکتها رونق اقتصادی پیدا کردند از درآمد این شرکتها و نیروهای انسانی که مشغول به کار هستند مالیات به خزانه دولت وارد می شود و بنیه مالی دولت برای اجرای طرحهای زیر بنائی و خدمات به مردم افزایش خواهد یافت البته بر قانونگذاران فرض است که زمینه های قانونی را فراهم کنند و مالکیت افراد را به رسمیت بشناسند تا افراد سرمایه گذار اطمینان حاصل کنند آنچه را که بدست آورده اند در مالکیت خود دارند. باید مملکت از ثبات سیاسی و استقلال برخوردار باشد قوانین تجارت و بازرگانی و فعالیتهای شرکت ها با نظارت کامل هر ساله انجام شود و اگر مشکلی وجود داشت در زمان مناسب بررسی و حل گردد اینطور نباشد که چشم طمع مردم و دولتیان به اموال بخش خصوصی باشد و بوسیله نهضت و انقلاب و غیره بخواهند صادره نمایند اگر بخش خصوصی مورد حمایت سیاست گذاران و قانونگذاران باشد سرمایه گذاری شرکتهای خارجی در مملکت افزایش می یابد تجربه نشان داده است زمانی که عده ای در فعالیتی مشغول باشند و مورد تکریم جامعه باشند و از این راه درآمد آنها افزایش یابد دیگران هم تشویق می شوند که در این زمینه ها فعالیت کنند و نوعی رقابت بوجود خواهد آمد. نمونه بارز در بازار است که فروشندگان با انواع و اقسام تبلیغات و تسهیلات سعی در جذب مشتری و فروش کالاهای خود دارند مسائل

مالیاتی و قانونی و ثبت شرکت ها و غیره در آغاز و فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی و همچنین در طی فعالیت این موسسات انجام گیرد و هر برخوردی با این موسسات فقط باید از جنبه حقوقی پیگیری شود .

مالکیت

بحث مالکیت از مباحث فلسفی و زیر بنای فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی است این درست است که همه موجودات و اشیاء و آسمان و زمین متعلق به خدا است و خدا مالک اصلی همه چیز است اما انسان با توجه به ظرفیت و تلاشی که انجام می دهد و آنچه را که در اختیار می گیرد ، مال خود محسوب می کند و انتظار دارد مالک باشد بحث مالکیت بسیاری از نزاع ها و تنشهای قومی و قبله ای ، شهروندی و جهانی را حل می کند عده ای روی زمین فعالیت می کنند و زمین را احیاء و آماده کشت محصولات می کنند آب را به زمین مورد نظر می رسانند زمین را تقویت می کنند اینان مالک زمین مورد نظر هستند گاهی اینگونه زمین ها را بفروش می رسانند و دیگری مالک می شود ، در نتیجه هر کس دلش خواست در هر زمینی کار کند ملغی می شود و بر اساس قراردادهای اجتماعی دیگری حق تعرض ندارد گاهی مالکیت بر ابزار تولید است در این صورت افراد صنعت و یا موسسه ای را بوجود می آورند و به کارهای خدماتی و تولیدی و عمرانی می پردازند اینان مالک ابزار خود هستند گاهی افراد فاقد ابزار و زمین هستند اما روی زمین موسسات و کارخانجات مشغول به کار می شوند و مبلغی به عنوان اجرت کار

دریافت می دارند مالک مبلغ دریافتی اند و از درآمد خود هر چه را تهیه می کنند مالک اند اساس مالکیت مملکت نیز همینطور است یعنی حد و مرزی مشخص شده است و مردمی که در محدوده این حد و مرز هستند مالک همه زمین ها ، کوهها ، منابع و آنچه در این محدوده وجود دارد می باشند برای این کار مردم از بین خود گروهی را به عنوان هیئت حاکمه معلوم و سرزمینشان را به آنان می سپارند .

و اگر کشوری چشم طمع داشت بوسیله ارتشی که از قبل مهیا کرده اند جلوگیری می کنند و اجازه سلب مالکیت را نمی دهند در خانواده نیز بحث جزئی تر است هر کس آنچه را که دارد و یا به خانه می برد اجازه دخل و تصرف به اعضای خانواده را می دهد برای پیشرفت تک تک اعضاء خانواده سرمایه گذاری می شود و هزینه می گردد . و در فرهنگ مردم جا افتاده است که نباید آنچه را که دیگران دارند از آنها به جبر گرفت قانونهایی وضع شده است تا جلوگیری از دزدی ، ارتشاء ، غضب و ... بعمل آید و به کسانی که با مالکیت خصوصی افراد و یا عامه (دولت) تجاوز کنند به شدت برخورد می شود . اینکه در اسلام برای دزد حد جاری می شود نشان از مالکیت است چرا که اگر بحث مالکیت نبود اصولاً عمل دزدی شناخته نمی شد ، حدود مالکیت چه مقدار است ؟ هر کس به چه میزان می تواند از منابع طبیعی استفاده کند ؟ به قوانین رایج در مملکت و یا اعتقادات دینی بستگی دارد ، چیزی که معمول و در بین مردم جا افتاده است و اصولاً با فطرت انسانها سازگاری دارد تلاش برای بدست آوردن و رفع نیاز است معمولاً با مفاهیم و واژه های روزمرگی

مردم دنیا آشنا هستیم تکرار کلمات و جملاتی مثل پیراهن من ، کتاب من ، خودکار من ، دوچرخه ام ، ماشینم ، فرشم ، خانه ام ، مزرعه ام ، زمینم ، شهرم ، کشورم ، دینم ، پیامبرم ، باشگاهم ، مدرسه ام ، دانشگاهم ، کارخانه ام ، باغم و یا در بازار فروشندگی در جواب مشتری ، دارم به این قیمت ، به آن قیمت نمی دهم ، نمی فروشم و همچنین در مراودات اجتماعی از ماشینم پیاده شو ، از خانه ام بیرون برو ، و اصطلاحاتی از این قبیل اینها نشانه وجود مالکیت است اصولا اگر مالکیت وجود نداشته باشد تلاش انسانها بی فایده است و انسانها از خود تلاش نشان نمی دهند . بحثی که در حکومتها وجود دارد حدو حدود مالکیت است گاهی حکومتی بیشتر زمینها و صنایع و ابزار تولید را مال دولت می داند و بعضی دولتها کارخانجات و صنایع ، و بعضی از دولت ها زمین ها و جنگلها و آبها را مال خود می داند اما کشورهایی هم هستند که همه زمین ها و منابع را مال خود می دانند و به بخش خصوصی (مردم) جهت فعالیت واگذار می کنند پس در حکومت ها بحث دخالت دولت در اقتصاد دولتی و مالکیت خصوصی کم و اگر مالکیت خصوصی تقویت شود و دولت نظارت کند در این صورت اقتصاد آزاد است و مالکیت محترم .

دولت باید سعی کند زمینه های تلاش افراد را مهیا سازد تا افراد با تلاش و ابتکار و پشتکار به منابع ثروت دست رسی پیدا کنند ضمن اینکه باید توجه داشت نباید منابع عظیم ثروت در حالی که همه و یا تعداد زیادی از مردم می توانند استفاده

کنند بی جهت در اختیار عده خاصی قرار گیرد وقتی همه می توانند از منابع و ابزار استفاده کنند طریقه مساوات باید بین متقاضیان توزیع شود اما اگر برای بدست آوردن منابع و ایجاد موسسه زمینه برای همه نیست و باید عده ای تلاش کنند پس بهتر است همانهایی که تلاش می کنند و وقت می گذارند و از معلومات خود استفاده می کنند، و قدر فرصتها را می دانند و تنبل و تن پرور نیستند استفاده نمایند.

چرا که در همه جوامع نهایت افراد زیرک و زرنگ و فرصت طلب می توانند زمینه ظهور حرفه، ایجاد موسسه، بکارگیری سایر افراد واجد و... را بوجود آورند و این مالکیت باید به رسمیت شناخته شود تا افرادی که به دنبال کسب ثروت و سرمایه بیشتر هستند و حاضرند سرمایه گذاری کنند بدون دغدغه این کار را انجام دهند.

قضاوت

برای جلوگیری از هرج و مرج و خود رایی و اینکه هرکس بر اثر سلايق خود نخواهد تصمیم بگیرد تا کسی را گناهکار و مجرم معرفی کند نیاز به گروه و سازمانی است که وظیفه بررسی و تفحص و ریشه یابی عمیق مسائل مطروحه و نهایت قضاوت علمی و منطقی بر اساس قوانین شرعی و عرفی را برعهده گیرد.

برای قضاوت در اختلافات چه آنجایی که شاکی خصوصی وجود داشته باشد و چه مسائلی که در رابطه با عموم و امنیت کشور است ضرورت قضات خبره و آگاه به

قوانین لازم است برای این امر باید مراکز دانشگاهی به تربیت قضات پردازند
بدلیل گستردگی سازمانها و فعالیتهای اجتماعی و پیچیدگی کارها علم قضاوت نیز
باید تنوع داشته باشد .

یعنی در تربیت قاضی توجه به آموزشهای عمومی برای همه قضات بایدبه عمل آید
و در مرتبه بعد فراگیری علوم تخصصی مدنظر باشد .

دیگر قابل قبول نیست و جامعه هم نمی پذیرد و اصولا از توانایی های افراد هم
خارج است که بگوییم قضات در همه زمینه ها می توانند اظهار نظر کنند نهاد ها و
سازمانهای زیادی با آئین نامه و دستورالعمل های مربوطه مشغول فعالیت هستند و
آشنایی با این همه آیین نامه ها و دستورالعمل ها از عهده یکنفر بنام قاضی خارج
است و مضاعف بر اینکه مسائل جاری مملکت و امنیتی نیز به موارد فوق اضافه می
شود .

مسائلی مثل : فعالیت گروه های سیاسی و حزبی موافق و مخالف ، تولید کنندگان
مواد غذایی ، فروشندگان مواد غذایی ، پوشاک ، فعالیتهای مسکن ، موجر و
مستاجر ، عقد و ازدواج ، دزدی و اختلاس ، نزاعهای قومی و قبیله ای ، مسائل
حقوقی وزارتخانه ها ، نیروهای مسلح ، نشریات و کتاب ، شهرداریها ، ترافیک و
تخلفات رانندگان ، انتخابات ، مالکیت ، گران فروشی ، تجارت بین الملل ، جنایت

، قاچاق ، مواد مخدر ، قاچاق کالا ، روابط جنسی مشروع و غیر مشروع ، برنامه های رادیو و تلویزیون ،

باغ و زمین ، صنایع ، روابط بین المللی ، مسائل اعتقادی ، پول و بانک و تخصص خاص می خواهد باید برای امر قضاوت متخصص تربیت کرد تا در هر زمینه ای قاضی متخصص وجود داشته باشد . کلیه افرادی که در مملکت و در چهار چوب قانون اساسی زندگی می کنند در برابر قانون و قضاوت یکسان هستند و فرق نمی کند که در شمال باشند یا در جنوب ، مشرق باشند یا مغرب ، سیاه باشند یا سفید ، روستایی باشند یا شهری ، مهم این است که جرم از هر مجرمی سر بزند آن مجرم باید محاکمه شود و محلی برای نگهداری افراد مجرم و خلاف کار باید تدارک دیده شود .

و افراد خلافکار در آنجا نگهداری شوند تا هم تنبیه گردند و هم جامعه از فساد آنان در امان باشد و هم عبرت دیگران گردند . ضمن اینکه محیط نگهداری (زندان) باید بگونه ای باشد تا افراد در آنجا تغییر یابند اگر زندان نتواند افراد را تغییر دهد و احیاناً موقعیتهایی را نیز برای تجربه اندوزی در راههای خلاف باشد زندان بی اثر می شود زندان باید مکانی باشد برای محدودیت در رفتارهای افراد تا آزادانه نتوانند آنچه را که در موقعیتهای عادی داشته اند در آنجا هم داشته باشند ، هرچند محدودیت زمینه های یادگیری موثر در موقعیتهای اجتماعی نباید سلب شود ولی توجه داشته باشیم که زندان یعنی سلب آزادی ، نوع زندانیان با یکدیگر فرق دارند

بندهای سیاسی، قاچاق، پول و بانکی، دزدی، بزهکار، نشریات و کتب، جنایت

و ...

هر کدام باید محدودیت خاص خود را داشته باشند اصولاً باید بین زندانی و غیر زندانی تفاوت در امکانات وجود داشته باشد لازم است در هر کلاستری رئیس و معاونین حداقل در امور عمومی تخصص قضایی داشته باشند تا برای مدت کمی بتوانند برای بازجویی و اثبات جرم، مجرمان را در اختیار داشته باشند اگر تمامی مسائلی که نیاز به قضاوت دارد توسط قضات آگاه و خبره حل شود در آن صورت معلوم می شود قانون بر مملکت حکمفرماست و سرمایه گذاری در مملکت امنیت پیدا می کند مردم به آنچه دارند قانع و برای بدست آوردن منابع مالی بیشتر از راه صحیح تلاش می کنند چشم طمع به اموال و نوامیس مردم نمی کنند می دانند قانون حامی آنهاست اصولاً مردم ضابطه را بر رابطه ترجیح می دهند و قانون را می پذیرند هر چند به ضرر آنها باشد مراعات قانون هر چند ضعیف باشد بهتر از بی قانونی و هرج و مرج است باید تلاش شود تا مردم نسبت به قانون و اجرای آن از خود واکنش نشان دهند و خواستار اجرای قانون باشند.

وجود قوه قضائیه قوی و مدبر و پرکار و آینده نگر سلامت جامعه و مردم را حفظ خواهد کرد و اطمینان سایر جوامع را بدنبال خواهد داشت بهر حال وجود قانون و دادگاه جلوگیری از هرج و مرج و آشوب خواهد بود.

و باید همه احساس کنند که قانون زور آنان است ترس زورگویان و دزدان و خلافکاران باید از قانون و در راس آنها قضاوت قاطع و منطقی باشد .

لازم است ترتیبی اتخاذ شود تا پرونده ها در اسرع وقت رسیدگی شود قابل قبول نیست به بهانه ازدحام پرونده و قتهای طولانی جهت رسیدگی تعیین شود ضمن اینکه در آمد قضات باید مکفی باشد و به اندازه ای دریافت دارند که نخواهند از طریق غیر مشروع هدیه ای را قبول کنند و خدای نکرده رای را بر خلاف آنچه باید باشد صادر نمایند .

البته نظارت بر کار آنان لازم است و این نظارت باید در همه زمینه ها باشد و با متخلفان از حد و حریم قانون برخورد شود توجه داشته باشیم بدترین نوع فسادی که می تواند مردم را دلسرد و نا امید کند فساد قضایی است قضات نباید توصیه پذیر باشند بلکه آنچه قانون می گوید و از قانون استنباط کرده اند را اعمال نمایند فساد قضایی نابودی حکومت را بدنبال خواهد داشت محاکم در همه حال باید یار مظلوم و دشمن ظالم باشند .

فصل ششم

خدماتی

زمینه های توسعه روستاها و جلوگیری از مهاجرت :

مردمی که در یک کشور زندگی می کنند از نظر موقعیت مکانی یا در شهرها زندگی می کنند یا در روستاها و عده ای چادر نشین و عشایر هستند شهر دارای مد نیت است خانه ها تقریباً روی اسلوب ساخته شده است بین خانه ها کوچه های بزرگ برای رفت و آمد، خیابانها برای عبور خودروها، مغازه جهت خرید مایحتاج، تجمع زیاد مردم، تنوع فروشگاهها، باشگاه های ورزشی، پارکها، دوره های کامل آموزشی، رفاهیات، آب و برق و گاز و تلفن، پست، پلیس، دادگاه، تعمیرگاهها، روزنامه ها، کتابخانه ها، دانشگاهها، مراکز ادارات، شهرداری، مساجد، تالارها، در دسترس بودن رسانه ها، مراکز درمانی و بیمارستانی، داروخانه ها، پزشکان عمومی و متخصص، بانک ها... را شامل می شود.

افرادی که در شهر زندگی می کنند دارای ساختمان مسکونی تقریباً مطلوب با حداقل امکانات هستند مردم به دلیل رفتارهای متقابل با یکدیگر از آگاهی لازم برخوردارند، هرچند زندگی شهر نشینی مضراتی را نیز در پی دارد که بعداً به تعدادی از آنها اشاره می شود اما در مقایسه با زندگی روستاها و آسایش مردم مطلوب تر است، توجه داشته باشیم که کشور پهناور و وسیع است و اگر بنا باشد که روستاها خالی از سکنه شوند و مردم به سوی شهرها سرازیر گردند و مهاجرت از روستاها به شهرها باب شود بطور غیر مترقبه ای قسمتی از فضای زندگی مردم در کشور خالی و جای دیگری با ازدحام جمعیت روبرو خواهد شد.

این درست که روستاهای بزرگ به تدریج به شهر تبدیل می شوند و قسمتی از امکانات اولیه شهری را دریافت می دارند اما ریشه یابی و جلوگیری از مهاجرت روستاها به شهر برنامه ریزی می خواهد .

چه کنیم که انگیزه مهاجرت مردم از روستاها به شهرها کم شود؟ برای برنامه ریزی نیازاست که بدانیم روستاها:

۱_ چه دارند؟ ۲_ چه می خواهند؟ ۳_ از کجا باید بدست آورند؟

نیازهای روستائیان

- ۱- بهداشت ، درمانگاه ، پزشک دائم در دسترس ، داروخانه
- ۲- راه : راههای ارتباطی بین روستاها با یکدیگر و با شهر باید باشد تا راحتی بتوانند رفت و آمد به شهر را داشته باشند و محصولاتشان را به آسانی برای فروش با کمترین هزینه به شهر بیاورند .
- ۳- سیستم مخابرات داشته باشند .
- ۴- مدارس برای آموزش در دسترس آنها باشند .
- ۵- آب و برق و گاز و تلفن در اختیار داشته باشند .
- ۶- خیابان و کوچه های آنها زیر سازی و آسفالت باشند .
- ۷- فاضلاب و پس آبها درست دفع شود .
- ۸- زمینها و سالنهای ورزشی برای تربیت بدنی

- ۹- یکپارچه سازی زمین های کشاورزی .
- ۱۰- احیای زمین های کشاورزی .
- ۱۱- آب برای آبیاری زمین ها داشته باشند .
- ۱۲- امنیت محصولات و تولیدات را داشته باشند .
- ۱۳- بررسی دقیق و کارشناسی بعمل آید که هر روستا زمینه توسعه اش چه می باشد کشاورزی ، دامداری ، دامپروری ، صنعتی ، گردشگری ، تفریحی و ...
- ۱۴- در دسترس بودن مایحتاج زندگی به قیمتی که در شهرها می تواند آنها را خریداری کنند .
- ۱۵- زمینه های اشتغال برای آنها فراهم باشد زمینه های کشاورزی ، دامداری ، باغداری و احیانا کارخانجات مربوط به صنایع کشاورزی و دامداری .
- ۱۶- وجود ماشین آلات کشاورزی در دسترس .
- ۱۷- وسائل موتوری جهت جابجایی مسافر و محصولات .
- ۱۸- بیمه درمان و بیمه محصولات کشاورزی و دامی
- مردمی که در روستا زندگی می کنند دارای صداقت ، صفا، پاکی و پیوند قوم و خویشی مستحکمی می باشند جهت تداوم و استحکام بخشی هرچه بیشتر به این صفا و پاکی باید بگونه ای برنامه ریزی کرد که روستاها دارای امکانات مناسب نظیر آنچه در شهرهاست شوند. مردم روستا به این نوع زندگی عادت دارند توقع آنها کم و معقول است و اکثر درآمدها از زمین و احیانا پرورش دام و باغداری است برای

آنها سخت و دشوار نیست که روی زمین به کار و کشت و برداشت محصول پردازند، از دامها نگهداری کنند، محل نگهداری دامها را نظافت کنند، به باغ بروند و میوه درختان را بچینند، از درختان نگهداری کنند، آبیاری درخت و باغ را بنمایند، پوشش آنها مخصوص خودشان است فسادهای اجتماعی در بین آنان کم است همدیگر را می شناسند، در مراسم های شادی و سوگواری یکدیگر شرکت می کنند، به یکدیگر کمک می کنند، مهمان نوازی آنان بدلیل بافت جمعیتی و موقعیت مکانی بهتر از شهر هاست، اکثر آنان تولید کننده هستند، علاوه بر این که قسمتی از نیازهای خویش را تامین می کنند قسمتی از نیازهای کشور را هم تامین می کنند. آنها باید شرایط لازم برای احیای زمین و پرداختن به امورات کشاورزی و دامداری و باغداری را داشته باشند و امنیت شغلیشان حفظ شود و هوس آمدن به شهر و ایستادن در سر چهار راه ها و عملیه گری و خوابیدن در ساختمانهای غیر بهداشتی در حال ساخت و کار در جاده های دشوار را از سر بیرون کنند و به سیل بیکاران شهر اضافه نشوند، باینکار شخصیت اجتماعی آنها در محل سکونتشان حفظ می شود. توجه داشته باشیم که افراد در محل زندگی خویش یا محل کار خود و در بین عده ای که آنان را می شناسند از اعتبار و شخصیت اجتماعی خوبی برخوردارند اما زمانی که در سیل جمعیت وارد شدند ناشناخته می شوند و مقام و موقعیت اجتماعی خود را از دست می دهند و دیگر به آنان توجه نمی شود، آدمی که در چهار راه برای کار ایستاد برای کارفرما و سایر کارگران فرقی نمی کند که

این کی بوده و کی هست از دید آنان این فردی است که باید مانند سایر کارگران کار کند. عینکی که به چشم مردم است فرق می کند وقتی فردی سوار تاکسی شد از دید راننده این فرد مسافری مثل سایرین است، وقتی به فروشگاه‌های جهت خرید برود از دید فروشنده یک خریدار است، انسان در هر مکانی که وارد شود و به هر اجتماعی که داخل گردد از دید مردم اجتماع، این فرد مثل سایر افرادی است که در آن اجتماع هستند، هرچه انسان در محله‌های شناخته شده که او را بشناسند وارد شود از اعتبار بیشتری برخوردار است، مثلاً رئیس یک قبیله در بین قبیله خود دارای اعتبار و ارزش است و به او احترام می‌گذارند اما زمانی که به جمعیت دیگری با بافت فکری و شغلی خاصی وارد شد دیگر اعتبار قبلی را ندارد و اگر خواست کار کند ممکن است در اداره ای او را برای ابدارچی بخواهند، در حالی که در قبیله خود دهها ابدارچی داشت. وقتی روستایی به شهر می‌آید هویت خود را از دست می‌دهد و تا پیدا کردن هویت جدید صدها گرفتاری و مسئله جدید بوجود خواهد آمد بر دولت است که برنامه ریزی کند تا روستاها آباد و دارای انگیزه شوند باینکار هویت مردم ساکن در روستا حفظ خواهد شد.

شهرداریها

طبق قانون مسئولیت شهر از نظر ساختمانی، فضای سبز، توسعه شهر، امکانات شهری، نیازمندیهای شهری، ترافیک، موسسات تجاری، مکان ترمینال ها، اتوبوسهای شهری، تاکسیرانی، دفع مواد زاید، نظافت خیابانها و معابر، استاندارد

سازی ساختمانها ، دفع پس آبها (فاضلاب ، سیلاب ، بارندگی) ، پارک سازی و امکانات رفاهی ، تشخیص کمبودها ، تلاش برای رفع کمبودها ، برنامه ریزی درمورد شهر ، صدور مجوزهای مربوط به شهر ، آب آشامیدنی سالم ، تلاش برای ایجاد امنیت ، رسیدگی به درختان و فضای سبز ، جدول بندی و زیر سازی و آسفالت خیابان و کوچه ها ، تعیین کننده مکان هر موسسه و تعمیرگاه در نقاط مختلف شهر ، مکان های مخصوص قبرستان ، رفع سد معابر ، کمک به خاکسپاری مردگان ،.. و بطور کلی اکثریت فعالیتهای اجتماعی ، بهداشتی در شهر به عهده شهرداریها است . شهرداریها وظایف فوق الذکر را بر عهده گرفته اند و کم و بیش انجام می دهند ، در برنامه ریزی شهری توجه به مسائل زیر لازم است .

۱- ساختمان سازی

۲- کوچه سازی

۳- خیابان کشی

۴- لوله کشی آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن

۵- ترافیک

۶- فضای سبز و پارک

۷- موسسات تجاری و تعمیراتی

۸- مراکز ورزشی و هنری

۱- ساختمان سازی

نظارت شهرداری باید در زمینه های زیر باشد :

صدور پروانه ساخت ، توجه به نوع مصالح به کار رفته در ساختمان ، توجه به زیر سازی و مقاوم بودن ساختمان در برابر زلزله ، زیبا سازی و نما کاری ساختمان ، اصولی بودن ساخت ، جلوگیری از ساخت و سازهای بی رویه ، نظارت و دقت در تخلیه نخاله ها و ...

۲- کوچه سازی

کوچه ها نباید تنگ و باریک باشند که ماشین وارد آنها نشود بلکه باید عریض باشند تا مردم بتوانند خودرو خود را براحتی وارد حیاط یا پارکینگ خانه نمایند در تمامی کوچه ها تونل زیر زمین برای عبور فاضلاب و لوله های آب و برق و گاز و تلفن و ... وجود داشته باشد .

۳- خیابان سازی

- ۱- تمامی خیابانها به صورت بلواروچندباند باشند .
- ۲- کنار هر خیابان پیاده رو با فاصله ۳ متر از مغازه ها وجود داشته باشد .
- ۳- کنار خیابان جدول، جوی آب برای دفع آبهای زاید حاصل از بارندگی و شستشو وجود داشته باشد .

۴- عرض هر باند خیابان نباید کمتر از ۱۶ متر باشد .

۵- در کنار خیابان سطلهای مخصوص زباله با فاصله از هم وجود داشته باشد.

۶- در زیر خیابانها تونلی حفر شود که علاوه بر دفع فاضلابها ، محلی نیز برای

عبور لوله های آب و برق گاز و مخابرات و ... باشد به این ترتیب از

عملیات آسفالت برداری و تخریب خیابان جلوگیری به عمل می آید .

۷- پیاده روها در هر خیابان سنگ فرش و یا با موزائیک مفروش شود بطور

یکنواخت هیچ مغازه دار و فروشنده ای حق استفاده از پیاده رو جهت فروش

را نداشته باشد .

۸- ایستگاه تاکسی، مینی بوس و محل عبور عابر پیاده معلوم باشد .

۹- مکانهایی جهت پارکینگ خودروها در نظر گرفته شود .

۴-ترافیک

اگر خیابان ها از عرض مناسب و مسیرهای جداگانه رفت و آمد برخوردار باشند

ترافیک به درستی انجام می شود و اگر خیابانها نامناسب و تنگ باشد و مسیرهای

رفت و آمد باهم باشد شلوغی به وجود خواهد آمد، ترافیک سنگین موجب

ناراحتی های عصبی رانندگان و مسافران خواهد شد، و اتلاف در وقت

رابطه وجود خواهد آورد برای حل این مشکل وجود خیابان های عریض و مرتب

و استاندارد با تابلوهای جهت نما مشخص لازم است . همچنین مترو، زیر گذر، باندهای

مجزا اتوبوس شهری ، موتورسکلت و دوچرخه ، مشخص بودن محل عبور عابر پیاده

۵- فضای سبز و پارک سازی

فضای سبز عبارت از کاشت درخت در کناره های خیابان ، ایجاد مکانهای مخصوص کشت درخت مثل پارک ، فضای سبز و چمن کاری در میادین و ورودی های شهر و پارکهای کنار خیابان و داخل محلات . ب ایجاد فضای سبز محیطی از نظر آب و هوای سالم بوجود خواهد آمد چون درختان و سبزه ها آلودگی هوارا می گیرند و هوا را تصفیه می کنند و از آلودگی جلوگیری می نمایند و فضای روح بخشی را بوجود می آورند . ایجاد پارک و تجهیز آن به صندلیهای نشیمن ، سنگ کاری ، آب نما ، وسایل اسباب بازی ، محل مخصوص جهت نشیمن خانواده ها ، لوله کشی آب تصفیه جهت استفاده شهروندان ، ایجاد روشنائی در محوطه پارک ، پارکینگ جهت خودروها ، سرویس بهداشتی ، گل کاری ، گذاشتن سطل جهت جمع آوری زباله ها ، نگهداری از فضای سبز ، پارک و تاسیسات جزو و ظایف شهرداریهاست .

۵- موسسات صنعتی و تجاری و تعمیراتی

در شهر برای رفع نیازهای ساکنان ، موسسات خدماتی ، و تعمیراتی و تجاری و صنعتی بوجود آمده است و هر کدام به نوعی خدمات خاصی را به شهروندان ارائه می دهند . این موسسات در بعد تجاری شامل همه فروشگاهها می باشد ، فروشندگان باید مجوز فروش [پروانه کسب] داشته باشند در حفظ و نگهداری شهر با شهرداری

همکاری کنند مواد زاید و اضافی را در سطهای مخصوص بریزند و از آلودگی شهر جدا خودداری نمایند، به موقع عوارض شهرداری را پردازند از فضای عمومی استفاده نکنند مثل پیاده روها و کناره های خیابان ، سد معبر نمایند. موسسات صنعتی به دلیل آلودگی محیط شهری توسط شهرداری به خارج از شهر منتقل شوند و توجه داشته باشند که مردم هم باید زندگی کنند .

۶- تعمیر گاهها

در هر تعمیر گاهی یک تا چند تعمیر کار متخصص دارد و خدمات رسانی به تعدادی از شهروندان را بعمل می آورد مثلا تعمیر گاهای مکانیکی خودرو : باید مکان این نوع تعمیر گاهها مشخص باشد توجه داشته باشیم که تعمیر گاهها علاوه بر آلودگی محیطی، آلودگی صوتی که خطرناکتر از آلودگی محیطی است را نیز دارند، اگر در شهرهای بزرگ انواع خدمات و تعمیرات در مکان خاصی باشد از سرگردانی مردم جلوگیری می شود این کار دو مزیت دارد اولاً موجب رقابت در خدمات رسانی و کاهش قیمت می شود و ثانياً خدمات رسانی به مردم مطلوب تر انجام می شود .

۷- مراکز ورزشی و تفریحی و علمی

هر شهری برای پر کردن اوقات فراغت شهروندان و خصوصا جوانان نیاز به مراکز ورزشی و تفریحی دارد میادین ورزشی اعم از چمن فوتبال ، سالنهای بسکتبال و والیبال ، تشک های کشتی ، ورزشهای رزمی ، ورزشهای توپی ،... با توجه به

وسعت شهر و پراکندگی شهروندان، به نسبت این مراکز باید ایجاد شوند درست که وظیفه سازمان تربیت بدنی است تا زمینه های فعالیتهای ورزشی را ایجاد کند اما نباید از نظر دور داشت که شهرداری مسئولیت مستقیم شهر را بر عهده دارد و باید در بوجود آوردن این اماکن از هیچ تلاشی فرو نگذارد، یا خود و یا به کمک سازمان تربیت بدنی و سایر نهادهای مهم این است که تلاش کند که امکانات ورزشی باشد تا تخلیه انرژی به بهترین وجه ممکن صورت گیرد، ایجاد مراکز تفریحی مثل پارک، سینما، مراکز گردشگری، کتابخانه، فرهنگ سرا، سالنهای مخصوص نمایش فیلم، موسیقی و تئاتر.

۸- سالن اجتماع

در هر محله توسط شهرداری باید سالنی یا سالنهایی جهت اجتماع مردم محله بناگردد تا ساکنان محله در این سالنها جهت اجتماع سخنرانی، گردهمائی اهالی محل، توصیه های بهداشتی، اجتماع جهت فعالیتهای تبلیغی، عروسی، تجمع اهالی جهت برنامه ریزی محل سکونت، دعوت از روانشناسان، متخصصان، پزشکان، ورزشکاران، ائدولوژی و ... صورت گیرد.

۹- سرویسهای بهداشتی در فواصل مکانی مناسب در خیابانها: یکی از بیماریهایی که شیوع فراوان در بین مردم دارد بیماریهای کلیوی است اگر دفع به موقع صورت نگیرد سنگ کلیه و مثانه و ناراحتی های بیماری دفع ادرار بوجود می آید برای

جلوگیری از این ناراحتی لازم است در پارکها و بازارو خیابان هایی که مردم بیشتر برای خرید و تفریح رجوع می کنند سرویسهای بهداشتی دایر گردد .

۱۰- مترو: در بعضی از کشورهای اروپایی مثل انگلستان بیش از یک قرن است که مترو در زیر خیابان و معابر بوجود آورده اند بهتر است در شهرهای موجود که کاربری خیابانها و عریض کردن آنها با دشواری و صرف هزینه صورت می گیرد تونلهای عریضی در زیر خیابان ها ایجاد شود تا هم بوسیله ترن رفت و آمد صورت گیرد و هم محل عبور سیمهای مخابراتی ، برق و لوله های آب و گاز و فاضلاب باشد و هم در موقع ضروری به عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار گیرد در شهرهایی که جدیداً بوجود می آید رعایت نکات ذیل لازم و ضروری است .

۱- خیابانهای عریض و بلواری و فاصله مغازه ها تا جداول کناره های خیابان در حد نرمال باشد پیاده روها معلوم و آینده نگری حداقل برای رشد جمعیت و ازدحام آن در اینگونه خیابانها و بار ترافیک حداقل تا ۱۵ برابر باشد .

۲- مترو طراحی شود بصورت شمال و جنوب و شرق و غرب بحالت ضربدری.

۳- از نظر زلزله و حوادث طبیعی و پس آبها، ساختمانها استاندارد و مقاوم ساخته شوند .

۴- کوچه ها عریض و گنجایش جمعیت عبوری و وسایل خودرو را داشته باشند.

۵- فضای سبز و پارکها بگونه ای ایجاد شود که همه جای شهر در دسترس ساکنین محلی باشند .

۶- محلهای مخصوص کارگاههای تعمیراتی معلوم شود تا آلودگی محیطی و صوتی و شیمیائی برای ساکنین شهر را نداشته باشد .

۷- در محدوده شهر زمین لازم جهت توسعه وجود داشته باشد .

۸- مکانهای تاسیس مراکز ورزشی و آموزشی معلوم باشد .

۹- آتش نشانی و کارهای فوری و پلیسی پیش بینی شود .

۱۰- مراکز انتظامی ، دادگاهی و واردات مشخص شود .

۱۱- مکانهای هنری و کتابخانه ای معین شود .

۱۲- پارکینگهای وسایل موتوری سبک و سنگین پیش بینی شود .

۱۳- امکانات رفاهی مردم از قبیل آب تصفیه ، برق ، گاز ، مخابرات و ... فراهم شود .

۱۴- در موقع بارندگی و سیلابها شهر به گونه ای بنا شود که خسارت به تاسیسات ساختمانی و فضای سبز و جمع شدن آب در خیابان بوجود نیاید .

۱۵_ مکانهای تبلیغی جهت نصب اطلاعیه (سخنرانی ، مراسم ها ، هشدارها ، انتخابات، و ...) در محلها و با فواصل خاص پیش بینی شود .

۱۶- دیوارهای تبلیغی : در هر محله برای نصب انواع آگهی دیواره های بوجود می آورند به حداقل عرض ۱ متر و طول ۸ متر و ارتفاع ۴ متر که ممکن است بیشتر از این باشد این دیواره ها روی خود سایبان جهت جلوگیری از خیس شدن در موقع بارندگی و تابش آفتاب مستقیم دارند .

هر نوع اطلاعیه روی آن نصب شود یک نفر مسئولیت این تابلو را بر عهده دارد و مبلغی را در یافت می دارد حقوق او از این راه تامین می شود بالای تابلو موارد درشت تبلیغ می شود و در قسمت های میانی و پایین اطلاعیه هایی که به راحتی خوانده شوند نصب می شود برای مثال :

قسمت مربوط به آگهی تسلیتی ، قسمت مربوطه جشنها ، اطلاعیه های پزشکی ، اطلاعیه ورزشی ، اطلاعیه های انتخاباتی ، اطلاعیه های سیاسی ، سرخط اخبار سیاسی ، اطلاعیه های شهرداری و ...

مردم به تدریج یاد می گیرند که روزانه یا هفتگی به دیوار تبلیغاتی مراجع کنند و اخبار آن را مطالعه کنند یک طرف دیوار می تواند مخصوص آقایان و طرف دیگر مخصوص خانمها و یا مشترک بستگی به فرهنگ شهر دارد مدت زمان نصب اطلاعیه را معلوم می کنند از ۱ روز الی ۱ هفته و یا بیشتر می تواند باشد اینکار

موجب می شود که در سطح شهر هیچ گونه آگهی تبلیغی به در و دیوار و پایه های برق و تابلوهای راهنمایی و رانندگی نصب نشود و این فرهنگ بتدریج در مردم ایجاد می شود که در چه جایی باید تازه های جدید را مطالعه کنند .

۱۷- مکان قبرستان ، غسالخانه معلوم باشد . ۱۸- پیشنهاد می شود شهری باتمام امکانات به نام شهرک آموزشی ساخته شود و کسانی که می خواهند در شهرداریها (شهردار و سایر پرسنل تصمیم گیرنده آن) مشغول به کار شوند مدت ۳ ماه در این شهر آموزش تکنولوژی و عمل را ببینند و از نزدیک مشاهده کنند که یک شهر چه باید داشته باشد وقتی آموزش لازم دیدند با آگاهی به محل ماموریت خود می آیند و برنامه ریزی می کنند لازم به توضیح است که فوریتهای شهرداری در ۲۴ ساعت باید آمادگی خود را حفظ کنند و در دسترس مردم باشند البته با داشتن قدرت تصمیم گیری اگر قدرت تصمیم گیری نداشته باشند موجب بدبینی مردم و عدم کارائی خواهند بود .

راه

بارزترین زمینه های ارتباط بین شهر و روستا و کشور راه است ، راه مسیری است که رفت و آمد در آن جریان دارد می تواند هوایی ، دریایی ، زمینی وزیرزمینی باشد راههای هوایی شامل مسیرهایی است که هواپیماها در آن مسیر حرکت می کنند ترمینالهایی برای نشستن و برخاستن هواپیماها می سازند مسیرهای معینی را

طبق نقشه و گرا هواپیما ها طی می کنند تا به مقصد مورد نظر برسند این مسیرها می تواند فاصله شهر ها را در نوردد، برای این منظور نیاز است که فرودگاه دایر شود ایجاد فرودگاه و تهیه هواپیما برای حمل و نقل مسافر ضرورت دارد باید توجه کرد ترافیک هوایی با توجه به عدم محدودیت در صورتی که فرودگاهها مجهز باشند و پذیرای ورود و پرواز هواپیما باشند صرفه جویی در وقت مردم می شود، به شرطی که برنامه های پرواز موجب سرگردانی مردم نشود و به موقع خدمات دهی به ارباب رجوع صورت گیرد و هواپیماها مطلوب و کادر پرواز نیز از تخصص لازم برخوردار باشند. ضمن اینکه بهای بلیط باید با درآمد افراد همخوانی داشته باشد، همچنین ایجاد ارتباط هوایی با سایر کشورها موجب می شود که تبادلات اقتصادی، فرهنگی، تفریحی و بهداشتی و... برقرار شود، وقتی امکانات مهیا شد مسافران زیادی وارد کشور می شوند و از قبل آن منافع نصیب مردم و کشور خواهد شد چرا که مسافران از بازارها، شهرها، آثار تاریخی، آبشارها، سدها، جنگلها، آداب و سنن مردم، مراکز دانشگاهی دیدن خواهند کرد و طبعا هزینه هایی را نیز متقبل می شوند.

راه دریایی

با توجه به اینکه نزدیک هفتاد درصد سطح زمین را آب تشکیل می دهد و تقریبا همه کشورها به دریا راه دارند اقیانوس ها و دریاها و دریاچه های بزرگ و کانال و تونل های بین دریا، معبری برای حمل مواد معدنی، منسوجات، مواد سوختنی و

کالاهاست همه تجهیزات و کالاهای که حجم دارند به وسیله کشتی ها ، لنج ها ، قایقها جابه جا می شوند وجود اسکله ها در سواحل کنار دریا لازم و ضروری به نظر می رسد تا کشتی ها بتوانند به راحتی پهلو بگیرند ، و بارهای خود را تخلیه کنند همچنین برای حمل مسافر نیز از کشتی ها استفاده می کنند صنعت بزرگ صادرات و واردات توسط کشتی ها انجام می شود، مسیر رفت و آمد در محدوده آبهای داخلی و بین المللی فاقد ترافیک است دولت وظیفه دارد زمینه های ترانزیت کالاهای را به وسیله کشتی ها و راه های دریایی به بهترین وجه ممکن به وجود آورد، کشتی ها لنج ها و قایق ها به راحتی در دسترس باشند و هزینه های حمل برای افراد و موسسات ذینفع به صرفه باشد لازم است در گمرکات اسکله و امکانات رفاهی مناسب تدارک دیده شود ، ضمن اینکه لازم است برای حفظ حراست از مرزهای دریایی و حدود و ثغور مملکت و حفاظت دریایی از کشتی ها و بازرگانان و مسافران و ... تدارک کشتی ها و ناوهای جنگی با تجهیزات مناسب و پرسنل آموزش دیده لازم است تا همه ی راه ها و مسیرهای رفت و آمد کشتی های حمل بار و کشتی های دشمن و متجاوزان شناسایی شوند و با آمادگی کامل امنیت راه دریایی حفظ شود .

راه آهن

استفاده از لوکوموتیوها با واگن های مناسب و ایجاد ریل جهت حرکت قطارها امروزه در دنیا از صنایع مدرن محسوب می شود و مزایای بسیار خوبی دارد زیرا

لوکوموتیوها می توانند تعداد زیادی واگن را به دنبال خود بکشند و سنگهای معدنی ، کالاهای ساخته شده ، بارهای سنگین و همچنین تعداد زیادی مسافر را در داخل کشور جا به جا کنند و حتی با گسترش آن به کشورهای همجوار نیز حمل مسافر و صادرات و واردات انجام می گیرد ریلهای آهن در مسیر خود از روی پل های هوایی و گاهی به وسیله مترو از زیر دریا و رودخانه ها هم می گذرند بر دولت و مسئولین و سیاست گذاران فرض است که در این زمینه سرمایه گذاری نمایند و در توسعه راه آهن کوشا باشند زیرا اگر مراقبت ویژه صورت گیرد و برنامه ریزی درستی داشته باشند یکی از کم خطرین راه حمل مسافر و کالا می باشد. نوع انرژی که لوکوموتیوها را به حرکت در می آورد بستگی دارد به انرژی معمول و در دسترس کشور که می تواند جریان الکتریسیته ، سوختهای هسته ای ، فسیلی (نفت و گاز و بنزین و ...) باشند .

راه زمینی

جاده معمول ترین و در دسترس ترین مسیر رفت و آمد انسان ها و حمل بار می باشد سطح زمین با توجه به ناهمواریها در همه جای دنیا یکسان نیست سرزمینهای کوهستانی و صعب العبور ، سرزمینهای کویر و شنزار ، سرزمینهای صاف و هموار ، سرزمینهای پوشیده از جنگل و درخت ، سرزمینهای آبگیر و لجنزار ، سرزمینهای پست کنار دریا ، سرزمینهای ارتفاع دار، همچنین وجود رودخانه ، دره های عمیق ، پرتگاه و دیگر وضعیت آب و هوایی کشور ، برف و باران و باتلاق ، سرما و

گرمای زیاد و ... عواملی هستند که به صورت مانع و بازدارنده در راه سازی و جاده دخالت دارند برای نزدیک کردن مردم روستاها به شهر و شهرها به شهرهای دیگر سیستم ارتباطی و راه مناسب نقش اول را دارد مردم روستاها اگر راه مناسب و ماشین رو داشته باشند باز مان بسیار کم به شهرها می روند و برمی گردند بدین ترتیب از مهاجرت بی رویه آنها جلوگیری می شود محصولات آنان بدون واسطه به فروش می رسد انگیزه کاری آنان در روستاها زیاد می شود و بی جهت به شهرها مهاجرت نمی کنند تا نیاز به مسکن جدید داشته باشند، همچنین راه مناسب بین شهری موجب دلگرمی مردم به شهر و کاشانه خودشان می شود و با کمترین زمان به شهرها رفت و آمد می کنند . وقتی جاده مناسب با زیرسازی و پل سازی ، گشادگی لازم و نصب علائم راهنمایی و رانندگی و بانظارت پلیس راهنمایی و نگهداری و توجه کامل به ناهمواری های زمین و نوع آب و هوایی ایجاد شد رضایت مردم را به دنبال خواهد داشت ،نباید در مملکت روستا یا آبادی وجود داشته باشد که دسترسی به آن از طریق زمین و جاده غیر ممکن و یا دشوار باشد . یکی از مظاهر توسعه و رشد و تمدن وسایل نقلیه خودرویی می باشد و اکثر خانواده ها وسیله ای برای خود تدارک دیده اند که به راحتی در جاده ها حرکت کنند جاده ها می بایست دوبانده و با عرض مناسب چه در درون شهر و محدوده آن و چه راه های بین شهری باشند باید تلاش کرد تا به صورت اتوبان درآیند به هر حال مشکل ترافیک می تواند به وسیله جاده های دوبانده و مترو و قطار شهری

و یک طرفه کردن خیابان ها و باز کردن معابر جدید حل شود سرمایه گذاری در بخش راه و جاده هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی باید صورت گیرد .

دفع موادزاید

آن دسته ازباقی مانده مواد، کالا، فاضلاب و پساب و... که دیگر به آنها نیازی نیست و اضافه و موجب آلودگی محیط هستند موادزاید می گویند مثل کالای خانگی ، مواد غذایی که قسمتی از آنها مصرف شده ، در کارخانجات مواداضافه و غیرقابل مصرف که باید دفع شوند، استفاده از آب جهت شستشو و نظافت در منازل و کارگاهها و معابر و آلوده شدن این آبها به موادمسمی خطرناک و مواد غیر بهداشتی و بیماری زا، موادشیمیایی و مصنوعی، پلاستیکی که به راحتی به طبیعت بازگردانده نمیشوند، مواد حاصل از سوخت در ماشینها، کارگاهها، نیروگاهها، و منابع تبدیل انرژی، تبدیل مواد به یکدیگر، استخراج عناصر از درون سنگها و همچنین فاضلابهای انسانی و دامی، بیمارستانها، ادارات، و صدها موادزاید دیگر که بطریقی بوجود می آید در فضا و محیط زندگی انسان رها میشوند. امروزه از جمع آوری زباله ها و بازیافت مجددا حرکت دوباره آنها را برای استفاده مهیا میکنند اما عمومیت ندارد اگر انسانهای سالم میخواهیم، محیط سالم میخواهیم، کارگاه صنعتی، ادارات، معابر و خیابان های سالم میخواهیم باید برنامه ریزی دقیقی به عمل آید تا بطریق مطلوب این مواد دفع شوند، راههای دفع مواد زاید با توجه به نوع مواد چگونه است؟ این مواد چه جایی باید جمع آوری شوند؟ بازیافت آنها چگونه است؟ سیستم فاضلاب در چه جایی

است؟ آیا موجب سلب آسایش مردم نیست؟ وسایل نظیف چگونه اند؟ مطلوبند؟ وسایل حمل زباله؟ بکارگیری نیروی انسانی؟ لوله های دفع آب وفاضلاب؟ ازبازيافت آب درچه جاهایی بایداستفاده شود؟ چه نهادوسازمانی مسئول تنظيم برنامه ونظارت وکنترل بردفع موادزائد درهرشهرستان است.

با برنامه ریزی دقیق و توجه به حفظ بهداشت و سلامتی انسان ها و محیط ، میلیونها نفر می توانند از این راه امرار معاش کنند تصفیه خانه ها ، جمع آوری زباله ها ، بازیافت آنها ، ماشین آلات و کارخانجات تولید کننده وسایل و ماشین آلات دفع مواد زاید و صدها کارخانه تکمیلی دیگر و... می توانند عده زیادی را مشغول به کار کنند .

در این زمینه دولت به عنوان برنامه ریز و متولی امر نقش اصلی را باید ایفا کند.

پیشه وری

پیشه وری به دلیل گستردگی یک شغل نیست بلکه آکنده از میلیونها شغل است اینکه نیازهای مردم را از محل تولید به محل سکونت در دسترس آنها قرار دهند نوعی خدمت رسانی است ،فروشنندگی میوه ، خواروبار ، لوازم خانگی ، لوازم صنعتی ، لوازم کشاورزی ، البسه ، لبنیات ، لوازم یدکی ، لوازم ورزشی ، فرش و موکت ، کفش و کیف ، قصابی ، دام و طیور ، بستنی و فالوده ، لوازم برقی ، شیشه و مصالح ساختمانی ، کتاب و لوازم التحریر ، همچنین کارهای خدماتی نظیر

عکاسی، آرایشگری، لوله کشی، دوزندگی، کفاشی، نجاری، آهنگری، تعمیر کار ماشین آلات، در و پنجره، پرده دوزی، مطبوعات، داروخانه و لوازم بهداشتی، گل و گیاه، بنائی، مکانیک خودرو، آژانسهای مسافرتی شهری و بین شهری، تاکسی، مینی بوس، شرکت‌های حمل و نقل و ترابری و مسافرتی، و هزاران هزار شغل‌های دیگر. در برنامه ریزی جهت اشتغال ابتدا باید آماری از تعداد شغل‌های موجود در بازار که به بخش خصوصی معروفند معلوم و معین شوند که چه تعداد از نیروهای کاری در این بخش مشغول به کار هستند و هر ساله چه تعداد بر اینان افزوده خواهد شد این آمار کمک می‌کند که در برنامه ریزی دقت کافی به عمل آید و افرادی که به شغل خدماتی و پیشه‌وری مشغول هستند از آمار بیکاران کسر گردند اگر شغل پیشه‌وری طبق اصول منظمی تنظیم شود و افرادی که به این شغلها می‌پردازند معین باشند اولاً به طور دقیق آمار بیکاری معلوم می‌شود ثانیاً افرادی که در این حرفه مشغول به کار هستند در ادارات کار ثبت نام نمی‌کنند در حال حاضر همه افراد اعم از اینکه حرفه بازار را داشته باشند و یا اینکه بیکار باشند متقاضی اشتغال هستند. مشاهده می‌شود افراد درحالی که در بازار فعالیت می‌کنند متقاضی اشتغال در صنایع نیز هستند و بعضاً با شاگرد گرفتن و یا اداره مغازه (بنگاه اقتصادی) را به خانواده می‌سپارند به این ترتیب مسئولین امر آمار درست و دقیق از تعداد بیکاران و شاغلان ندارند و به همین ترتیب برنامه ریزی مشکل می‌شود این در حالی است که پرداختن به کارهای پیشه‌وری و خدماتی شغل محسوب

می شود. پیشنهاد می شود هر کس متقاضی مغازه داری است ب مدت چند ماه آموزش لازم را ببیند و افراد فاقد گواهی آموزشی به این حرفه وارد نشوند در آموزش بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی گفته و به اطلاع آنان رسانده شود افراد از شرایط معاملات و عقود آگاهی یابند، نحوه برخورد با مشتری را می آموزند، قوانین مالیاتی را یاد می گیرند، مقدار سود شرعی و قانونی را می آموزند، غش در معامله را می فهمند، در زمینه اجرت دستمزد رعایت حال مشتری و اینکه خدمات چقدر ارزش دارد را می آموزند و یاد می گیرند چگونه اجناس و کالاهای خود را در معرض دید مشتریان قرار دهند، چگونه آنها را بفروش برسانند در هر شغل چند نفر را می توانند بکار گیرند. در حال حاضر اکثریت مغازه داران و پیشه وران و کسبه از معاملات و عقود و احکام تجارت آگاهی کافی ندارند، در پرداخت دارایی چانه زنی را به کار می گیرند و به دنبال تخفیف هستند، به همین دلیل میزهای مالیاتی با دقت عمل نمی کنند و مبالغی اضافه مطالبه می کنند و به راحتی حاضرند قمستی را ببخشند این امر مستمسکی شده است برای فرار از مالیات.

دقت در برآورد درآمد مالیاتی باید با احتمال ۱۰٪ خطا تنظیم شود یعنی احتمال صحیح ۹۰ درصد وجود داشته باشد برآورد احتمالی بیش از ده درصد خطا قابل قبول نیست مملکت نباید در برنامه ریزی اش درصد احتمال خطایی بیش از ده درصد داشته باشد اگر چنین شد وجود سازمان برنامه و بودجه به چه کار می آید و البته در بحث درآمدهای دولت برای تنظیم بودجه می توان به صورت کلی گفت چه

مقدار از بودجه دولت از راه مالیاتها تامین می شود ولی جزئیات امر دیگر است در گرفتن مالیاتها اگر اشتباهی رخ داده شود و برای شغلی بیشتر از حد نصاب مالیات در نظر گرفته باشند و برای شغلی کمتر از درآمد برایش مالیات در نظر گرفته باشند مشکل ایجاد خواهد شد باید در حول و محور ۱۰٪ باشد نه چیز دیگر ممیز مالیاتی اختیار افزایش ۱۰٪ یا کاهش ۱۰٪ را داشته باشد نه ۹۰٪ اگر روال ذکر شده در رابطه با کارهای خدمات و پیشه وری و اصناف و ... به درستی انجام شود میلیونها نفر مشغول به کار خواهند شد. البته نباید از نظر دور داشت که شغل پیشه وری و کسبه از سایر شغل ها متنوع تر است و تمام نیازهای انسان از نظر خوراک، پوشاک، لوازم خانگی، تفریحی و ... را در بر می گیرد نکات مورد توجه:

۱- وجود مجتمع صنفی قوی که هم از صنف حمایت کند و هم از مشتری ها (خریداران) و با متخلفان برخورد نمایند.

۲- از نظر بهداشتی و سلامتی افراد و مکان مورد تایید باشد و فروشندگان و مغازه ها موجب آلودگی و ناقل بیماری نباشند. باید افراد هر شش ماه یکبار تست سلامتی بدهند و مغازه فروش هر کالایی که می خواهد باشد چه غذایی و چه غیر غذایی از نظر مصالح ساختمانی و رنگ آمیزی و تمیز بودن کاملا استاندارد باشد.

۳- موارد اضافی و دور ریز در سطهای مخصوص نگهداری و به موقع از محیط دفع شوند، مکان خود موجب آلودگی نباشد.

۴- مکانهای تولید مواد غذایی مثل نانوايي، شيريني پزي، لبنيات و مکانهای فروش مواد غذایی مرتب مورد بازدید شبکه بهداشت و افرادی که با تولید و فروش مواد غذایی سرو کار دارند کارت سلامت داشته باشند و از نظر شکل و قیافه، کوتاه بودن موی سر و صورت و ناخن، استحمام روزانه، تمیز بودن صورت و دستها، پوشیدن لباس مخصوص و تمیز، محفظه های سرپوشیده جهت نگهداری مواد غذایی، استفاده از یخچال، ویترينه های خاص، درهای توری دار، داشتن کولر، نظافت کف و سقف و دیوارهای فروشگاه و خلاصه از همه جهت نظافت رعایت شود و با متخلف نهایت برخورد به عمل آید و جلوگیری از افراد غیر بهداشتی و نامناسب و غیر مسئول بشود در سایر شغلهاي خدماتی نیز به همین منوال عمل شود. و هرکدام لباس مخصوص را بپوشند، به کرات مشاهده می شود افراد با همان لباسی که بیمار را می بینند و یا چیزی را می فروشند و یا کار خدماتی انجام می دهند و به طور کلی با همان لباسی که کار می کنند سایر روابط را نیز انجام می دهند مثلاً دید و بازدیدها، گردش ها، نشستن روی صندلی ماشین، غذا خوردن، بغل کردن بچه، خوابیدن، عبادت و ... و به نوعی خودشان منبع آلودگی هستند و آلودگی را شیوع می دهند.

فصل هفتم

زنان

زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل می دهند، بدون زن زندگی بی معنی است ، ابتدای کلمه زندگی واژه زن است برای تولید مثل و بوجود آوردن فرزند وجود زن و مردم لازم است و هر دو به یک نسبت در تولید مثل نقش دارند زنان مدیر خانواده وجودشان موجب آرامش و تکیه گاه اعضا خانواده هستند. وظایفی دارند که مردان در انجام آنها عاجزند مثل تر و خشک و نگهداری از فرزندان ، شیر دادن به فرزند ، محبت به اعضاء خانواده ، آشپزی ، حوصله ماندن در منزل و... زنان از نظر عاطفی از مردان برترند ، غمخوار تر از مردان هستند ، از نظر توان فکری نسبت به مردان چیزی کم ندارند و گاهادر مراکز دانشگاهی بیشتر از مردان پذیرفته می شوند به تحصیلات علاقه مند هستند با ظرافت و وسواس خاصی مطالعه می کنند بعضی از تخصصها را بهتر از مردان فرا می گیرند از نظر فیزیکی بدنی نسبت به مردان از مقاومت کمتری برخوردارند هرچند با ورزش و بدنسازی قادر به انجام کارهای خشن هم بعضا می باشند اما محدودیت بدنی خاصی دارند که به همین دلیل آنها را از پرداختن به همه فعالیت های مردان باز می دارد و شاید همین محدودیت جسمی موجب شده است که حقوقی برای آنها از جانب ادیان و قانونگذاران در نظر گرفته شده است اولاً نفقه آنان بر مردان واجب است ، برای آنها مهریه تعیین می کنند ، مسئول دخل و خرج خانواده مثل مردان نیستند هرچند بر اثر آشفتگی خانواد این مسئولیت را نیز انجام می دهند مسئولیت حفظ و حراست آنان بر مردان است ، و

بدلیل خشن نبودن توانای مبارزه با مردان را ندارند و از کارهای سنگین و کارهایی که نیاز به فیزیک بدنی وسخت است معاف می باشند ، در طول تاریخ بسیاری از جنگها بخاطر آنان رخ داده است باید قبول کرد که در بسیاری از زمینه ها نسبت به مردان از توانایی کمتری برخوردارند ، هرچند همانطور که ذکر شد در مواردی نیز برتری دارند عامل تحریک هستند می توانند لشکری را به پایداری در برابر دشمن استوار نگه دارند در طول تاریخ تمدن بشری ظمهایی به زنان شده است و بدلیل حریم بودن (ناموس) اجازه بروز استعدادشان به آنان داده نشده است مردان آنها را در حرمسرا نگه داشته و با پوشش از دید و نظر دیگران مخفی کردند . بعضی قائل به عقل ناقص برای زنانند، بعضی قوه عاطفی زن را ملاک قرار داده و اورا موجودی احساسی و غیر منطقی تصور کرده و از اختلاط با مردان حذر داشتند ،هرچند اختلاط بی رویه و غیر منطقی موجب فساد است اما باید توجه داشت که زنان در مدارس و دانشگاهها درس خوانده اند و معلوماتی را کسب و مهارتهای را یاد گرفته انداز این معلومات و مهارت باید در مراکز مخصوص استفاده کرد نباید به بهانه مسئله حجاب مانع اشتغال زنان شد و از تخصص و مهارت و استعداد نیمی از جمعیت کشور بی نصیب ماند ، کارهایی در کشور وجود دارد که زنان بهتر می توانند انجام دهند ، پزشکی ، بهداشتی ، فرهنگی ، خدماتی ، اقتصادی ، سیاسی و ... از اموری هستند که زنان می توانند نقش خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. باید فرهنگ سازی به عمل آید و بگونه ای در افکار جامعه این موضوع جا بیفتد

که زنان نیز مثل مردان قادر به کار هستند، در غیر این صورت هزینه های آموزش و پرورش و آموزش عالی و سایر موسسات هدر است. در کشورهای اسلامی مهم ترین مسئله حجاب است که توسط مراجع و دولت بطریقی باید با پوشش مناسب حل شود بهر حال هر کار برای شروع مشکلاتی دارد ولی به تدریج این مشکلات حل خواهد شد، انجام تمرینات ورزشی، مسابقات ورزشی، دیدن مسابقات ورزشی از نزدیک. جلوگیری از محدودیتهای بی اساس و اشتغال در بعضی از موسسات از اموری است که باید به آن پرداخت شود توجه داشته باشیم بر اثر عدم تحرک و ورزش بیماریهای به سراغ انسان می آید و این امر در بین زنان شایع تر است وظیفه دولت است که با برنامه ریزی نسبت به حقوق زنان و سواس از خود نشان دهد و قوانینی وضع کند تا بر اساس آن تفکر نادیده انگاشتن حقوق زنان و برتری مردان نسبت به آنان در اذعان جامعه قرار نگیرد توجه داشته باشیم هیچ آفریننده ای بدون حکمت نیست باید از همه توان افراد جامعه استفاده کرد و بی جهت جامعه را از خدمات نیمی از جمعیت کشور محروم نکرد.

ازدواج

ازدواج یعنی آغاز زندگی زن و مرد بصورت مشترک در ازدواج تلاشها بهم پیوند می خورد، سرنوشت مشترک می شود، دختران با هزاران امید به خانه بخت می روند خوشحال و مسرورند سرنوشت خود را بدست مرد زندگی خود می سپارند.

گردش ، تفریح ، بازار ، خیابان ، پخت غذا ، تهیه اثاثیه منزل ، نقشه کشیدن برای آینده ، آمادگی برای به دنیا آوردن فرزند ، مسئولیت تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان ، تلاش برای تهیه مسکن و بدست آوردن زندگی مطلوب در آینده از وظایف مشترک زن و مرد است . در هر قوم و قبیله و استان اعم از ترک ، فارس ، لر ، کرد ، بلوچ ، عرب ، ترکمن ، شمالی ، جنوبی ، شرقی ، غربی ، آداب و رسوم و وجود دارد و ازدواجها بر اساس این آداب و رسوم انجام می شود تفاوت درنوع خواستگاری ، شیربها ، جهیزیه ، ازدواج فامیلی ، مهریه ، مراسم جشن ، دین و مذهب ، خریدها و ... می باشد .

در اقصی نقاط کشور گاهی مراسم ازدواج ساده انجام می شود و گاهی بقدری مشکل که هفت خوان رستم را باید طی نمود ، اما همه ازدواجها در چند مورد وجه اشتراک دارند اولاً خواستگاری توسط مرد انجام می شود ثانیاً دختر نیاز به جهیزیه دارد که یا توسط والدین دختر و یا توسط داماد و یابه مرور توسط زوجین تهیه می شود ثالثاً مهریه معلوم می شود رابعاً مراسمی منعقد می گردد و بر اساس آیین مربوط صیغه عقد جاری می شود .

بنظرمی رسد قبل از ازدواج رعایت موارد زیر ضروری است .

۱ - پسرو دختر بطریقی یکدیگر را ببینند و صحبت کنند و توافق داشته باشند .

۲- پدر و مادر پسر به خواستگاری دختر بروند و توافق واحد بین هر دو جنس بدست آید .

۳- قبل از صیغه عقد مراحل پزشکی از نظر ژنتیک و آزمایش خون و اعتیاد به عمل آید تا در آینده مشکلی در تولید مثل آنان نداشته باشد ۴- دوره های آموزش مشاوره ای در زمینه های تعهد و مسیولیت، شناخت نیازهای جنس مخالف، حقوق کودک، آیین همسر داری بعمل آید

۵- توقع از طرفین بر مبنای وضعیت مالی آنان باشد .

۶- بخاطر فقر والدین پسر یا دختر چنانچه شایسته بودند اشکال تراشی نشود .

۷- درخواست مهریه معقول باشد و نباید بخاطر افزایش مهریه از وصلت جلوگیری شود .

۸- به سلامتی پسر و دختر بیشتر از همه موارد دقت لازم به عمل آید و اگر شایسته بودند از توقعات کم کنند در صورت مشکل ازدواج صحیح نیست .

۹- اگر والدین پسر یا دختر از نظر وضع مالی مطلوب هستند تقبل قسمتی از هزینه و مراسم عروسی را بر عهده بگیرند .

۱۰- توجه به آشنایی قبل از ازدواج مهم است باید پسران و دختران براحتی یکدیگر را ببینند در جوامع عشایری دیدن دختر براحتی صورت می گیرد گوسفند چرانی ، آب آوردن ، کوچ .

در جوامع روستایی نیز پسر براحتی دختر را می بیند کار کشاورزی ، باغداری ، کوچک بودن محیط .

رفت و آمدهای دختران در راه مدرسه نیز زمینه مناسبی جهت دیدن پسران است تا بخواستگاری بروند، در شهر ها رفت و آمد خانوادهها چه فامیل و چه همکاران باید مرتب انجام شود تا پسران ودختران در این دید و بازدید یکدیگر را ببینند .

بهرحال بطریقی دیدن وجود داشته باشد، نباید به بهانه های واهی دختران را در خانه زندانی کرد و مانع دیدن توسط پسران شوند و ... و زمینه ازدواج را از آنها سلب نمایند .

در هر شهر و روستا باید سالنهای مخصوص مراسم جشن تدارک دیده شود و اگر این سالنها دولتی باشند بهتر است و نباید هزینه های زیادی برای داماد داشته باشد در این سالنها مراسم جشن و شادی بنحو مطلوب برگزار شود، باید بین مراسم شادی و مراسم سوگواری تفاوت باشد، در سالن ها مردم به شادی پردازند، نوای دلنشین موسیقی طنین انداز شود، سالنها بگونه ای طراحی شوند که زنان برای خود شادی کنند و مردان برای خود. ساخت اینگونه سالنها از وظایف شهرداری است و از

طریق دولت به مزدوجین جایزه ای اهداء شود و برای آنها آرزوی موفقیت کنند دولت باید نهایت توجه خود را در امر ازدواج بکار گیرد تا افرادشایسته ازدواج کنند و افراد ناقص و معلول و کم ذهن فرصت تولید مثل را نداشته باشند .

زنان بی سرپرست و سرپرست خانواده

اولین نهاد اجتماعی خانواده است . هر خانواده متشکل از پدر و مادر و فرزندان و حیانا پدر بزرگ و مادر بزرگ می باشد در خانواده ها مرسوم است که پدر به عنوان نان آور خانواده و کسی که مسئولیت مستقیم در رابطه با تامین مسکن ، خوراک و پوشاک دارد ، قسمت مهمی از تعلیم و تربیت فرزندان بر عهده اوست ، بعضا مشاهده می شود که مادر هم به کار اشتغال دارد مادر بعنوان مدیر خانواده وظیفه کنترل و نظارت در محیط خانواده را به عهده دارد ، اولین مربی تعلیم و تربیت کودکان می باشد وظیفه تر و خشک فرزندان را در خانه بر عهده دارد مهربانترین فرد نسبت به افراد خانواده است نظافت کودکان ، پخت و پز ، خرید مواد غذایی ، سنگ صبور اعضا خانواده و خلاصه رکن اول زندگی است . بدلائل متعدد ممکن است پدر که تکیه گاه قدرتی خانواده است از دنیا برود مرگ طبیعی ، تصادفات ، مرضهای خاص ، جنگ ها ، نزاعها ، مسمومیتها و ... از جمله موارد از دنیا رفتن فرد است از دنیا رفتن ممکن است در سنین جوانی ، میانسالی یا بزرگسالی باشد ممکن است پدر در زمان حیات بدلیل تنوع اشتغال ، کار غیر دولتی ، بیمه نبودن ، نداشتن مسکن ، در آمد ناچیز مشکلاتی داشته و حال که از

دنیا رفته است باز هم ممکن است قسمت اعظم آنچه داشته است را صرف درمان خود کرده باشد، با این حال وقتی فرد از دنیا می رود خانواده ای بی سرپرست می شود مشکلات عدیده ای دامنگیر اعضا خانواده خواهد شد مشکلاتی از قبیل کمبود درآمد، آموزش و پرورش فرزندان، مسکن، تغذیه، پوشاک، عدم امنیت، ناراحتی های روحی، بیوه گی زن و ...

توجه داشته باشیم که ممر درآمد مشخص نیست، هزینه های خانواده بالا، مشاهده شده پس از چندی آوارگی، ترک تحصیل و احیاناً فسادهای اجتماعی بدرون خانواده نفوذ می کند در چنین مواقعی هم خانواده متلاشی می شود، هم زمینه تعلیم و تربیت و رشد افراد از بین می رود، و هم فسادهای اجتماعی بوجود می آید. بزهکاریها، دزدیها، نامردمی ها، قاچاقها و اعتیاد بوجود خواهد آمد و دولت هزینه های کلانی را متحمل می شود، بر تعداد نیروهای انتظامی می افزاید مراکز امر به معروف و نهی از منکر را بوجود می آورد، دادگاهها را افزایش می دهد، برنامه های تعلیم و تربیتی در رسانه ها را بوجود می آورد، زندانها ترتیب می دهد با پرسنل حقوق بگیر و صدها مراکز بازپرسی و باز توانی بوجود می آورد و هزینه هایی را متحمل می گردد، برای جلوگیری از مصون ماندن دیگر افراد جامعه دائما باید مراکز کنترل اجتماعی را افزایش دهد غافل از این که ریشه جای دیگری است هرچقدر هم کنترل اجتماعی را افزایش دهد باز هم بر تعداد این افراد افزوده می شود، در حالی که اگر ریشه یابی می شد و برنامه ریزی درستی انجام می گرفت

و وقتی کسی از دنیا می رفت و به وضعیت خانواده او رسیدگی می شد با صرف هزینه کمتر از هزینه های کنترل اجتماعی ، هم از هم گسیختگی خانواده جلوگیری می شد و هم جلوگیری از زمینه های بروز فساد اجتماعی می گردید .

البته باید توجه داشت مادران در غیاب شوهران سرپرست خانواده هستند ابتدا به مراکز خیریه و دولتی مراجعه می کنند ، به نزدیکان مراجعه می کنند ، حسرت می خورند افسوس می خورند، مهر مادری آنها را دیوانه کرده است از هیچ تلاش و کوششی فرو گذار نمی کنند وقتی می بینند فرزند کوچک آنها لباس کهنه دارد ، نوعی غذا می خواهد ، اسباب بازی می خواهد ، دخترش مانتو و لباس می خواهد ، پسر بزرگش فلان کفش را می خواهد و می بیند نمی تواند آنها را تامین کند چه پیش خواهد آمد ، چه کسی جوابگو خواهد بود ؟

یتیم اربگرید که نازش خورد و گر خشم گیرد که بارش برد (سعدی)

سعدی در قرن هفتم با توجه به وضعیت اجتماعی آن زمان تشخیص داد که سازمان یا مراکزی باید باشد تا جوابگوی این گونه خانواده باشند. دولت موظف است مراکزی را برای پاسخگویی به اینگونه خانواده ها تاسیس کند و هزینه هایی را به این امر اختصاص دهد هرچه به این گونه خانواده ها کمک شود به همان نسبت از هزینه های کنترل اجتماعی کسر خواهد شد ، زمینه ازدواج زنان بیوه باید فراهم شود و توجه داشته باشیم که اینکار فرهنگ می خواهد ، در صدا و سیما ، سینما و

روزنامه ها ، کتابها ، نویسندگان و هنرمندان ، فیلم سازان و... در این زمینه باید فعالیت کنند و فرهنگ سازی لازم را بعمل آورند توجه داشته باشیم که دولت باید خود را موظف و تمامی فرزندان جامعه را فرزند خود بداند و برای تک تک آنها برنامه داشته باشد و مسئولیت این فرزندان را بر عهده زنان بی سرپرست که خود هم نیاز به سرپرستی دارند نسپارد . بچه ها تا به دنیا نیامده اند تکلیفی نیست و زمانی که به دنیا آمدند مسئولیت حفظ و نگهداری بر عهده دولت است و توجه داشته باشیم که اینها فرزندان جامعه هستند و متعلق به کشورند و نباید رها شوند . چرا وقتی فردی در مسابقات علمی ، ورزشی، جهانی و ملی عنوانی را کسب می کند هم دولت و هم مردم خوشحال و افتخار می کنند به کسب این عناوین ، به همین نسبت دولت باید در شکست هم شریک باشد البته مراکزی در حال حاضر جهت نگهداری کودکان بی سرپرست وجود دارد ولی کفایت نمی کند این ها می توانند کسانی را نگهداری کنند که هم پدر و هم مادرشان از دنیا رفته اند و یا اینکه رها شده در جامعه هستند .متلاشی نکردن خانواده ها مهم است ، باید برنامه ریزی کرد ،نباید به موسسات خیریه دلخوش کرد پرورش افراد با کمکهای افراد خیر و موسسات خیریه جوابگو نیست و تضمینی هم ندارد .درست نیست در کشوری که بودجه دارد دولت از خود سلب مسئولیت کند و وظیفه خود را به دیگران بسپارد .عامل تولید (مرد و زن) وظیفه خود را از جهت تولید مثل بخوبی انجام دادند و اینها بر تعداد جمعیت افزودند برای اداره مملکت مهندس ، پزشک ، معلم ، ریاضی

دان ، فیلسوف ، فقیه ، استاد کار ، تکنسین ، سرباز ، افسر ، وزیر ، وکیل ، استنادار ، فرماندار، پیشه ور، کارگر، کشاورز، و... نیاز است و وظیفه دولت است که فرزندان جامعه را آموزش و پرورش دهد تا در جامعه زندگی کنند و فعالیت نمایند . تکلیف بر عهده دولت است ، اگر خانواده ها کمک می کنند و هر کدام خود را مسئول می دانند جای تقدیر و تشکر دارد وگرنه در کل وظیفه اصلی بر عهده دولت است بنظر می رسد اگر به گونه ای برنامه ریزی شود که همه آحاد مردم بیمه شوند و حداقل افراد بی سرپرست از این نعمت برخوردار باشند گوشه ای از مشکلات آنها مرتفع خواهد شد .

بیندیش از آن طفلک بی پدر و از آه دل دردمندش حذر

توجه باید کرد که افراد تهی دست در پیش مردم کم ارزش هستند و نباید به بهانه ای ارزش و اهمیت این گونه خانواده را کم کنیم .

تهی دست ، در خوبرویان میبچ که بی سیم مردم نیرزند هیچ

بدست تهی بر نیاید امید بزر بر کنی چشم دیو سفید

پدر مرده را سایه بر سرفکن غبارش بیفشان و خارش بکن

درون فرو ماندگان شاد کن زروز فروماندگی یاد کن (سعدی)

فصل هشتم

مدیریت

فعالیت‌هایی که یک نظام به عنوان مسئول اداره کشور بر عهده دارد، فعالیت‌های مدیریتی است که با لفظ مدیریت کشور، رهبریت نظام، رئیس جمهور، تصمیم گیرندگان، صاحبان اختیار، منبع قدرت قانونی، سیاست‌گذاران و ... نامبرده می‌شود. مدیریت در کشور چگونه انجام می‌شود؟ وقتی بناست معلوم کنند که هر سازمان چه وظایفی دارد و چگونه این وظایف را باید انجام دهد، بحث مدیریت پیش می‌آید، {تصمیم‌گیری مترادف با آینده‌نگری است} بحث بودجه و تامین منابع مالی پیش می‌آید، هر کدام از این سازمانها وظایفی را انجام می‌دهند برنامه ریزی در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش فرزندان جامعه، نوع آموزشی که باید داده شود، تقسیم بندی مدارس در مقاطع مختلف و نوع آموزش داده شده در هر مقطع فعالیت دانشگاهها و نیروهای که باید تدریس کنند چه مقدار آموزش دیده‌اند؟ چگونه باید آموزش بدهند؟ برنامه ریزی برای تامین انرژی از آب، باد، سوخت هسته‌ای و الکترونیته و سایر انرژی‌ها و توجه به وضعیت توان مالی مملکت، برنامه ریزی جهت تامین امنیت داخلی از قبیل نیروی انتظامی، دادگاهها و امنیت خارجی، حفظ و حدود و ثغور مملکت توسط قوای نظامی (ارتش) اسلحه و تجهیزات لازم و تصمیم‌گیری در ایجاد صنایع نظامی، پیش‌بینی بودجه نظامی، تصمیم‌گیری در ایجاد صنایع در محدوده شهرها و استانهای کشور با توجه به نوع آب و خاک و نیروی انسانی منطقه، ایجاد شغل برای آحاد مردم، زمینه تقویت

نظامی، بهداشتی، علمی، گردشگری، اشتغال، پیشگیری از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان در خارج و داخل مملکت، بررسی راه‌های تامین درآمد، چگونگی اداره شهرها، مایحتاج مردم، بازار، تصویب قوانین لازم جهت حل معضلات و مشکلات در کارهای اجرائی و رفع نیازمندیهای مردم و ... بطور کلی چون مملکت بصورت یک نظام است و باید دید و نگرش کلی (سیستمی) بصورت واحد به فعالیتها نگاه کرد طبعاً افراد فاقد توانائی و بینش مدیریت از عهده این کار خطیر بر نمی‌آیند بنابراین نیاز است در مملکت افرادی که می‌خواهند در راس سازمانها قرار گیرند و فعالیتهای سازمان را در جهت هدف از قبل تعیین شده هدایت کنند و نهایت تحقق این هدفها به هدف نهائی و کلی نظام منجر شود از تخصص و تجربه لازم مدیریتی برخوردار باشند. با توجه به تغییرات گسترده در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، نظامی، اعتقادی و ... قابل قبول نیست که دوباره کاری شود در تجربه مملکت داری دیگر فرصت آزمایش و خطا وجود ندارد، توجه داشته باشیم که اگر هر تجربه‌ای بخواهد حداقل یکبار با شکست مواجه شود سرمایه‌های مملکت به هدر خواهد رفت و زمان از دست می‌رود و به همین نسبت از قافله علم و توسعه که با سرعت در حال گذر است عقب خواهیم ماند، بنابراین در بکارگیری افراد باید دقت کامل بعمل آید و توجه داشته باشیم که هرکس در آنچه فراگرفته و فارغ التحصیل شده است تخصص دارد باید افراد با توجه به نوع مسئولیت و سلسله مراتب مدیریتی خود از توانائی و تخصص و در

فعالتهای متنوع وجود داشته باشد و از فارغ التحصیلان در بکارگیری نیروها نیاز استفاده شود و بگونه ای باشد که وقتی فرد در راس سازمان کوچک یا بزرگ قرار گرفت زیر مجموعه اعم از معاون و غیره در سمتهای مدیریتی حتما از تخصص لازم مدیریت برخوردار باشند تا با انتقال و یا ارتقاء مدیر، معاون بتواند جانشین شایسته ای برای وی باشد یعنی همه افراد بر اساس تخصص و تعهد بکار گرفته شوند و از همه لحاظ قدرت اداره سازمان را داشته باشند ضمن اینکه وجود خلاقیت در چنین افراد لازم است. وقتی در یک نظام بحث تقسیم کار بوجود می آید بوجود آوردن سازمانها برای انجام فعالتهای ضرورت پیدا می کند وقتی تصمیم گیری و برنامه ریزی وجود داشته باشد بحث مدیریت جدی می شود.

نیروها برای انجام فعالتهای خویش باید هدایت شوند و انگیزه لازم را داشته باشند. وقتی برای انجام فعالیت گروه در جهت رسیدن به اهداف هماهنگی لازم است، مدیریت به عنوان رکن و اساس اداره مملکت وجودش بیشتر احساس می شود.

علم مدیریت: کارشناس برتر، تعیین کننده، تضمین دهنده، حسابگر، هماهنگ کننده، آینده نگر، برنامه ریز، تصمیم گیرنده، کنترل و نظارت و علم برتراداره کشور است. بر دولت فرض است که در چیدمان نیروها توجه به نیازهای مملکت بنماید و با توجه به نیازهای مردم مدیریت کند و توجه داشته باشد ممالک فاقد مدیریت و توانمندی نیروهای انسانی از پیشرفت معمول برخوردار نخواهند شد.

کمیسیون خبرگان

بر رهبران و هیئت حاکمه فرض است که از همه علوم روز دنیا اطلاع کافی داشته باشند و به صورت هماهنگ در برنامه ریزی از آنها استفاده کنند. این درست که در حال حاضر وزارتخانه های تخصصی مشغول فعالیت در زمینه های تخصصی خویش می باشند و به کارهای تولیدی و خدماتی می پردازند اما باید توجه داشت که آن وزارتخانه ها و موسسات در زمینه های شغلی و هدفهای سازمانی خویش تخصص دارند و دور هم جمع شده اند مثلا در وزارت نفت متخصصان نفت مشغول فعالیت می باشند و یا در وزارت نیرو متخصصان آب و برق فعالیت می کنند و یا در وزارت آموزش و پرورش متخصصان تعلیم و تربیت مشغول فعالیت هستند.

با توجه به گستردگی فعالیتها و پیچیدگی سازمانها و تغییر و تحولات علمی در دنیا نیاز است که عده ای از جمیع متخصصان دور هم جمع شوند و بحث و تبادل نظر داشته باشند و شاید گفته شود مجلس این وظیفه را انجام می دهد باید توجه کرد که مجلس محل قانون گذاری و رسمیت بخشیدن به فعالیتهای دولت و قوه قضائیه می باشد بیش از ۷۰٪ فعالیت مجلس از لوایحی است که توسط قوه مجریه و قضائیه به مجلس آورده می شود آنها برای سهولت کار قوه مجریه و قضائیه و باز کردن گره مشکلات مجوز صادر می کنند در نتیجه اهم فعالیت نمایندگان به بررسی لوایحی صرف می شود که در موضوعات خاص و توسط دولت ارائه می شود ضمن اینکه باید توجه کرد در مجلس هرچند کمیسیونها تخصصی هستند و نمایندگان با توجه

به تجربه و مدارک علمی و تخصصی و تخصصی که دارند در این کمیسیونها شرکت دارند اما مشاهده می شود که گاهی از یک صنف مثل آموزش و پرورش بقدری نیرو وارد مجلس می شود که مجبورند مازاد اینها را در کمیسیونهای دیگری به کار مشغول دارند دیگر اینکه گاهی از همین علوم مختلف که مقدار آنها بسیار زیاد است فقط چند تخصص به مجلس راه پیدا می کند و بیشتر آنها هم ایده سیاسی دارند و وابستگی حزبی و گروهی و در تصمیمگیری چربش سیاست بر علوم و واقعیات علمی اشکار است و یا اینکه سیاست پر رنگ تر از واقعیات جامعه می شود و افراد در تصمیم گیری ها و نقطه نظرات ابتدا نظرات حزبی و گروهی و سیاسی خود را مد نظر دارند تا واقعیات طبیعی مملکت ، و بر اساس منافع به مسائل مملکت نگاه می کنند .

پایه زمینه جمع آوری دانشمندان و اندیشمندان از همه علوم روز فراهم شود و مکان و محل مناسبی با امکانات لازم را داشته باشند تا در فضای خارج از منافع و تنشهای سیاسی در قالب گروههای علمی فارغ البال به مطالعات علمی بپردازند این افراد بهتر می توانند فکر کنند و همه مسائل را با هم و در هم ببینند و همچنین به صورت نگرش سیستمی اندیشه کنند که اشکال و ایراد در هر کنش موجب اختلال در سایر کنش ها می شود ، این افراد می توانند از اندیشمندان و محققان در موضوعات علمی زیر باشند .

جغرافیا ، علوم پزشکی ، علوم تربیتی ، فیزیک ، شیمی ، الکترونیک ، الکترو
تکنیک ، زیست شناس ، زمین شناس ، اقتصاد دان ، مدیریت (صنعتی ، آموزشی ،
دولتی ، بازرگانی) ، روان شناس ، فلسفه و منطق ، انرژی هسته ای ، علوم دینی ،
زبان های خارجی ، صدا و سیما ، علوم ورزشی ، جامعه شناس ، تاریخ دان ، روابط
بین الملل ، تجارت جهانی ، حسابدار ، ادبیات ، فقه ، بهداشت محیط ، حقوق ،
ریاضیات ، ماهواره ، محصولات کشاورزی ، بوم شناس ، مسکن ، علوم ارتباطات ،
علوم نظامی (دریائی ، زمینی ، هوائی) مکانیک خودرو ، نفت و گاز ، زیست
محیطی ، سیاست خارجی ، سیاست داخلی ، امنیتی ، سد سازی ، آب و هوا ، صنایع
پتروشیمی ، شهر سازی ، نیروی انتظامی ، راههای منابع درآمد ، پول و ارز ، بازار
بورس ، دانشگاهها ، مدارس ، سیستم دفاعی کشور ، نمایشگاهها ، کشاورزی ، تغذیه
، دامداری ، آب شیرین ، علوم ژنتیک ، ادیان ، شخصیت ، آداب و سنن اجتماعی ،
دارو سازی ، راه آهن ، مخبرات ، کشتی رانی ، معادن ، معماری ، نقشه کشی ،
کتاب و نشر آن ، خبرنگاری ، روزنامه نگاری ، چاپ ، اطلاعات کنترل راهها ،
جاده و ترافیک ، ترمینال مسافربری ، سیستم های نظارت و کنترل ، خاک شناسی
، صنایع پارچه بافی ، جنگل داری ، بانکداری ، هنر ، بازار ، آمار ، گیاه شناس
،بزیان ،بازار،صنایع ،و ...

دولت می بایست حقوق مکفی ، مسکن و سایر امور رفاهی را در اختیار اندیشمندان
و دانشمندان و اهل علم و به طور کلی نخبگان قرار دهد تا این افراد دغدغه فراهم

کردن نیازهای زندگی را نداشته باشند و تمام وقت فعال آنها صرف مطالعه و تحقیق شود و به جای همه فکر کنند این افراد نیز می بایست .

۱- مملکت را از جمیع جهات بشناسند (تعداد زن و مرد، جمعیت شهری و

روستائی، سنین مختلف از یکساله تا بزرگسال، تحصیلات افراد، نوع زمین

کشاورزی که چه محصولی را بار می آورد و ...)

۲- نیازهای مردم را بدانند و بر اساس جنسیت و در سنین مختلف نیازهای شهری

، روستائی، بهداشتی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی، اقتصادی، اعتقادی،

نظامی، فرهنگی و ...

۳- راههای برآورده شدن این نیازها را بدانند .

۴- در مورد نوع زندگی مردم دیگر کشورها اطلاعات لازم را داشته باشند .

۵- نوع روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، بهداشتی،

ورزشی و کشور را با سایر کشورها مقایسه کنند .

۶- در هر شهر و روستا و استان می توان محصولی را تولید کرد پس همان

محصول یا محصولات را که می تواند ارزش افزوده داشته باشند را شناسائی و

توصیه کنند که در این مکان یا محل باید این نوع محصولات تولید شوند و

بررسی سایر موارد دیگر .

تصمیمات این کمیسیون برای قانونمندی به دولت و مجلس ارائه شود .

در روابط بین الملل و تجارت جهانی توجه کنند که مملکت به چه محصولاتی نیاز دارد از کجا بایدتامین شوند؟ با وارد کردن این گونه محصولات به داخل چه کسانی ضرر می کنند؟ چه کسانی سود می برند؟ این افراد باید در درجه اول معتقد و در درجه دوم وطن دوست باشند و برای حفظ بقاء سرزمین خود تلاش کنند و سربلندی کشور را خواستار و با چیزی معامله نکنند از قوانین دیگر کشورها اطلاع لازم و کافی داشته باشد نوع زندگی، منابع درآمد، راههای به دست آوردن ثروت، نوع حکومت کردن بر مردم، راههای کنترل اجتماعی، علوم روز، فن آوری و ... را بدانند و اطلاع داشته باشند تا هر کدام از این قوانین با شرایط و موقعیت کشور سازگاری دارد به کار بندند .

دولت و مجلس برای بررسی دقیق مسائل و مشکلات و بررسی کارشناسانه بایداز کمیسیون نخبگان درخواست پژوهش و اعلام نظر کنند

ساختار انسانی

با نگاهی کلی به ساختار جامعه انسانی در می یابیم که انسانها از نظر فعالیتهای اجتماعی، نگرش، توان فکری و اندیشه حداقل در سه بعد طبقه بندی می شوند .

طبقه اول

انسانهایی که بدلیل فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، وابسته به دیگران هستند این عده از نظر انجام کار یا توانائی ندارند و یا تلاشی برای انجام آن بعمل نمی آورند و

اکثریتی را در جامعه تشکیل می دهند کودکان تا رسیدن به سن بلوغ از نظر اقتصادی و بهداشتی وابسته به پدر و مادر و نزدیکان و تاثیر پذیر از مربیان ، هنرمندان ، ورزشکاران و دیگر افرادی که اسوه و الگوهای جامعه هستند این افراد به مرور می آموزند که چگونه خود را کنترل کنند علاوه بر کودکان افراد دیگر مثل سالخوردگان ، و افراد بالغ جسمی و کم ذهن نیز نیاز به کنترل بیرونی دارند .

طبقه دوم

انسانهای بظاهر مستقل ولی در بیشتر ابعاد فرهنگی ، اقتصادی ، بهداشتی وابسته به دیگرانند این افراد آموزش پذیر هستند این طبقه خیلی دوست دارند کاری انجام دهند ولی نمی دانند از کجا باید شروع کنند و اگر هم موقعیتی پیش آمد و مشغول کار شدند بندرت افراد خلاق در بین اینها پیدا می شود آنچه بدانها دیکته کرده اند انجام می دهند تلاشی کافی برای تغییرات اجتماعی و بهبود شرایط از خود بروز نمی دهند دائما محرک می خواهند این گروه به وضعیت موجود وابسته اند بزرگترین عامل در برابر تغییرات اجتماعی هستند کمتر از توان فکری خود استفاده می کنند از نظر فرهنگی به سنتها چسبیده اند و هر حرکت را مخالف فرهنگ و سنت خود می بینند همیشه فکر می کنند تغییرات علمی و جهانی موجب انحطاط اخلاقی است برای بهبود شرایط کار فعالیت انجام نمی دهند گاهی در مدیریت کلان قرار می گیرند ولی حرکت آنها بسوی پیشرفت لاک پشتی است معمولا در بدنه مدیریت اجرایی کشور قرار می گیرند و دائما چشم به نظرات مدیریتهای کلان

اجرای دارنده تاسف بار است که این گونه افراد در مصدر بالاترین امور اجرایی و قانونی و قضایی کشور قرار گیرند معمولا در حکومت‌های سلطنتی و استبدادی، خانوادگی از این گونه افراد فراوان دیده می‌شود.

طبقه سوم

انسانهایی هستند که از نظر فرهنگی و بهداشتی و سیاسی کاملا مستقل و ممکن است از نظر اقتصادی وابستگی داشته باشند اینگونه افراد هم آموزش پذیر هستند و هم آموزش دهنده.

این گروه نه تنها توانایی انجام کار را دارند بلکه خود کار آفریننده و می‌دانند چگونه و از کجا باید شروع کنند تعداد این گروه در جامعه کم است و اگر در مسئولیتهای مراکز تصمیم‌گیری قرار گیرند با برنامه ریزی، جامعه را به سمت و سوی پویایی و استقلال و غلبه بر مشکلات هدایت می‌کنند و باعث و بانی تغییرات اجتماعی هستند به آسانی از عهده کنترل اجتماعی جامعه بر می‌آیند اگر اینگونه افراد بر مصدر امور اجرایی، قضایی، قانونی قرار بگیرند مملکت در مسیر توسعه قرار می‌گیرد و بسوی پیشرفت قدم برخواهد داشت دولت باید با برنامه ریزی و شناخت، افراد نخبه را شناسائی کند تا در مسئولیتهای مهم قرار گیرند و مسائل و مشکلات مملکت را حل کنند.

در آگاهی‌های اجتماعی افراد جامعه انسانی دو گروه هستند: ۱- عوام ۲- خاص

عوام: قاطبه ساکنان کشور عوام هستند که به قشر سایه یا خاکستری معروفند
اگر بتوانیم انسانها را از حالت خاکستری و سایه خارج کنیم و به افراد آگاه و تاثیر
گذار و خاص تبدیل کنیم هم کنترل اجتماعی بهتر صورت می گیرد و هم هزینه
های تبلیغی جهت آگاهی افراد در مملکت کم می شود بهر اندازه که عوام آگاه
شوند بر تعداد خواص افزوده می گردد .

خواص: گروهی هستند که از آگاهی نسبتا بالایی برخوردارند این افراد عوام را در
جهت های دلخواه خود هدایت می کنند و در انتخابات و سایر مسائل اجتماعی از
رای و عقیده اینان برای رسیدن به مقاصد از قبل تعیین شده استفاده می کنند در
حقیقت خواص ، عوام را بدنبال خود می کشانند .

در جامعه همیشه خواص حاکمیت دارند و با قول و وعده وعید نظر عوام را بخود
جلب می کنند عوام همیشه انتظار معجزه از خواص دارند خواص در اقلیت جمعیتی
هستند ولی بدلیل رشد آگاهی و توانائی تجزیه و تحلیل ، بر عوام چربش دارند در
جوامع عوام پیاده خواص هستند وظیفه حکومت است که با برنامه ریزی مدون قشر
عظیمی از عوام را به خواص تبدیل کند .

فصل نهم

نظامی

آفت های نظام

هر نظام یا سیستم و یا حکومت تا زمانی که حاکم است مایل است به حکومت خود ادامه دهد و برای دوام و بقای خود ناچار است بر موانع و مشکلات غلبه کند راههای غلبه بر موانع و مشکلات اگر به درستی تشخیص داده نشوند بتدریج بر اثر انباشتگی این مسائل نارضایتی عمومی بوجود خواهد آمد. اصولاً انقلاب، کودتا، شکست احزاب، تغییر حکومتها، شکست سازمانها و ... نتیجه عدم توجه به نیازهای اساسی و زیر بنایی است.

عواملی که در حکومتها آسیب های جدی محسوب می شوند

۱- واگذاری کارهای بزرگ به افراد کوچک

۲- عدم توجه به استقلال کشور

۳- محدود شدن آزادی و ایجاد محیط بسته

۴- عدم پای بندی به اصول اعتقادی

۵- ناتوانی در ایجاد امنیت داخلی و خارجی

۶- عدم نظارت بر عملکرد دستگاههای اجرایی

۷- عدم شناخت از نیازهای کشور و مردم

۸- عدم رعایت عدالت اجتماعی

۹- نگهداشتن مردم در جهل و نا آگاهی

۱۰-دوری از توسعه و فن آوری و اصلاحات اجتماعی

۱۱-وجود تشریفات دست و پاگیر

۱۲-نارضایتی کارگزاران کشوری و لشکری

۱۳-عدم استفاده صحیح از منابع و امکانات

۱۴-عدم توجه به واقعیت‌های جامعه

۱۵-عدم برنامه ریزی در مورد نیازهای مملکت

۱۶-خروج نخبگان از کشور

۱۷-عدم شناخت از منابع انسانی ، فیزیکی و مادی در مملکت

۱۸-عدم توجه به اشتغال

۱۹-عدم توجه به توسعه فرهنگی و مراکز فرهنگی

۲۰-عدم توجه به بعد معیشتی مردم

۲۱-عدم توجه به ورزش و تربیت بدنی

۲۲-عدم توجه به بهداشت عمومی و مراکز درمانی و دارویی

۲۳-نداشتن برنامه برای اوقات فراغت مردم

۲۴-شفاف نبودن با مردم و دوری از آنها

۲۵-عدم وطن دوستی

۲۶-مردم محور نبودن و ...

سیستم دفاعی کشور

یکی از مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد حفظ حدود و ثغور مملکت است در حال حاضر در دنیا هر کشوری با تعداد جمعیت مشخص محدوده ای را به عنوان وطن خود برگزیده و در آنجا مشغول فعالیت و خدمت رسانی به ساکنان همان منطقه محدوده شده می باشد، حد و مرزی برای آنها معلوم است و مشخص می کند کشور آنها چند کیلومتر مربع وسعت دارد، تعداد جمعیت ، از شمال با چه کشورهایی مرز مشترک دارد از جنوب و شرق و غرب همینطور مشخص و معلوم است ، برای اینکه افراد سایر کشورها و همسایگان نتوانند وارد شوند و یا ساکنان کشور خودشان نتوانند خارج شوند قوانینی وضع شده است برای جلوگیری از تجاوزات کشورهای همسایه و یا متجاوزان دیگر و همچنین جلوگیری از جنایتکاران ، باندهای فساد ، قاچاق ، خروج سرمایه های مملکت و تاراج آنها و ...

از درآمدهای ملی هزینه های نگهداری این مرزها مشخص می شود عده ای از جوانان کشور با دیدن آموزشهای لازم از این حدود و ثغور حفاظت می کنند.

برای اینکه حفاظت به نحو مطلوب انجام شود لازم است به موارد زیر توجه شود

۱- مسیولیت به افراد وطن دوست و وطن خواه و سازش ناپذیر واگذار

شود.

۲- فرماندهان لایق برگزیده شوند که از نظر فکری سالم ، از نظر اعتقادی

راسخ ، از نظر وطن دوستی کاملاً شجاع و نترس باشند .

سپه را مکن پیشرو جز کسی که در جنگها بوده باشد بسی

این فرماندهان حدود و ثغور مملکت رابه خوبی بدانند دقت نظر در موقعیت جغرافیای زمین داشته باشند زیرا مرز آبی ، کوهستانی ، بیابانی ، کویری ، جنگلی در مملکت وجود دارد. هر منطقه دفاع مربوط به خود را دارد هم کشتی جنگی می خواهد و هم اسکله و ابزار لازم دفاعی ، هم سایت های موشکی نیاز دارد هم سنگر های لازم باید احداث شود ، ترکیب جمعیتی کشور در مرزها را بدانند گاهی مردم یک نژاد خاصی در مرز با کشوری دیگر همخوانی دارند، تجهیزات نظامی خود را مورد بررسی قرار دهند .

از نظر سیستم هوایی

هوایمای جنگی و تجسسی ، موشک اندازها و ...

از نظر زمینی

نیروهای پیاده و سلاح های لازم

از نظر دریائی

کشتی ها و ناوها

باید انواع و اقسام تجهیزات و مهمات جنگی را داشته باشند، توجه داشته باشند که سلاحهای مدرن در دنیا چه هستند چگونه باید آنها را بدست آورد، نیروهای لازم را جهت استفاده از این نوع مهمات آماده کنند با مانورها و رزمایشها آمادگی خود را حفظ کنند، از اوضاع و احوال کشورهای همسایه به خوبی اطلاع داشته باشند و اطلاعات لازم را بدست آورند چرا که اطلاعات نظامی مهمترین نوع اطلاعات است و فرماندهان نظامی یا تصمیم گیرندگان باید از احوال لشکریان و سربازان فرماندهان لشکر خود و حالات دشمنان همیشه بطور دقیق اطلاع داشته باشند در همه حال آمادگی کامل خود را حفظ کنند تا غافلگیر نشوند، تغییرات و تحولات منطقه و قاره و جهان را بدقت زیر نظر بگیرند.

دیدم که چه گفت زال با رستم گرد دیدیم بسی آب ز سرچشمه خورد

دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد چون بیشتر آمد شتر و بار ببرد (سعدی)

البته بر دولت و هیئت حاکمه لازم است که توجه کنند نباید افسران و درجه داران و سربازان در مضیقه مالی باشند که خدای نکرده بخواهند برای امرار معاش به شغلای دیگری پردازند. (مسافرکشی، تجارتی و ...) که اگر این امر تحقق پیدا کرد دیگر آن درجه دار و افسر را نباید کسی تصور کند که بتواند در مقابل

دشمنان ایستادگی کند این افراد باید بدون دغدغه زندگی فعالیت کاری و نظامی خود را انجام دهند تا انگیزه لازم جهت دفاع را داشته باشند .

سپاهی در آسودگی خوش بدار نواحی ملک از کف بدسگال

که در حالت سختی آید به کار به لشکر نگه دارو لشکر به مال

کنون دست مردان جنگی ببوس چو دارند گنج از سپاهی دریغ

نه آنگه که دشمن فرو کوفت کوس دریغ آیدش دست بردن به تیغ

((سعدی))

نیروهای مردمی (بسیج)

در مملکت مردمی زندگی می کنند که از اقشار مختلف هستند دانشجویان ، دانش آموزان ، کسبه و پیشه وران ، فرهنگیان ، پزشکان ، اساتید دانشگاه ، نظامیان ، ورزشکاران ، کشاورزان ، کارگران، عشایر ، کارمندان و سایر اقشار هر کدام فعالیت مخصوص به خود دارند و هر کدام در قالب دسته و گروه و صنف خود تواناییهایی دارند که سایر اقشار این نوع توانائی را ندارند دولتها باید از توان هر کدام از این اقشار استفاده بهینه را بنمایند باید از مجموع توان اقشار بتوان در مسائل مهم و ضرورتها استفاده بهینه را نمود، در این صورت همه توانها در رسیدن به اهداف از قبل تعیین شده هدایت می شوند که به آن بسیج می گویند .

یعنی فراخوانی نیروی انسانی از همه صنوف در جهت رفع مشکل پیش آمده برای مملکت وقتی لفظ بسیج به میان می آید نه اینکه همه مردم اسلحه در دست بگیرند و بسوی دشمن هجوم ببرند ضمن اینکه به دست گرفتن اسلحه توسط کسانی که توان دارند لازم است هنر دولت و تصمیم گیرندگان در این است که بتوانند مردم را سازماندهی کنند تا از تخصص آنها استفاده لازم به عمل آید. در هر اتفاق و جریانی که بوقوع می پیوندد نیاز به حمایت‌های مردمی احساس می شود مردم چه حمایتی می توانند به عمل آورند؟ در اینجا کلمه بسیج عمومی معنا پیدا می کند. گاهی مملکت در حال جنگ، گاهی در حالت صلح، گاهی در حالت آماده باش برای جلوگیری از حمله دشمن است، در هر سه صورت وجود بسیج مردمی ضرورت پیدا می کند برای آگاهی خوانندگان به توضیح هر یک از موارد سه گانه زیر می پردازیم.

الف) مملکت در حال جنگ

هر نظام حکومتی برای حفظ و صیانت از استقلال خود و دفاع از مرزهای آبی، خاکی و هوایی نیروهای را تدارک و تجهیزات لازم نظامی را مهیا نموده است، نیروها از آموزش لازم برخوردارند و در حد ضرورت و معمول تسلیحات نظامی و راههای استفاده از آنها تدارک شده است. ولی گاهی پیش می آید که نیروهای

نظامی توان مقابله با دشمن را ندارند و دشمن با نیروهای بیشتر و تحت حمایت کشورهای دیگر حمله می کند، و یا اینکه از غفلت نیروهای خودی استفاده کرده و با یورش همه جانبه کشور را درگیر جنگ می کند. در این صورت برای دفاع علاوه بر نیروهای نظامی مردم نیز باید کمک کنند، تا مملکت از خطر مصون بماند مثل جنگ ایران و عراق که در سال ۱۳۵۹ شمسی و بمدت هشت سال طول کشید. مردم در رده های مختلف سازماندهی می شوند، عده ای با دیدن آموزش نظامی به خطوط مقدم رفته و با دشمن می جنگند، عده ای حفظ و حراست از اموال و نوامیس مردم در داخل کشور را بر عهده می گیرند (امنیت داخلی)، عده ای در پست مهندسی اقدام به سنگر سازی، پشتیبانی، ایجاد خاکریز، امداد گری، درمان مجروحان، حمل و نقل مواد غذایی و مهمات به جبهه ها، تهیه مواد غذایی برای رزمندگان، دوخت لباسهای جنگی، رسیدگی و سرکشی به خانواده رزمندگان و جانبازان و شهدا، اطلاع رسانی خبری کارهای فرهنگی، جمع آوری کمک های مردمی، جلوگیری از تعطیلی کارخانجات، نگهبانی از مرزها، پیدا کردن نقاط ضعف دشمن در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، تقویت روحیه رزمندگان، ساختن فیلمهای سینمایی و تلویزیونی از رشادتها، آماده نگه داشتن مردم برای کمک به رزمندگان، پل زدن، تولید ملزومات مورد نیاز جبهه، بسته بندی آذوقه رزمندگان، جاده سازی، خدمات آشپزی، تولید محصولات کشاورزی و غذایی برای نیاز رزمندگان، مبارزه با ستون پنجم، خنثی کردن تبلیغات دشمن،

اعلام حمایت های همه جانبه از رزمندگان و تقویت روحیه آنان ، قدردانی از رزمندگان ، آماده بودن برای جایگزینی با نیروهایی که در جبهه مبارزه می کنند با توجه به تخصص خود و ...

بسیج فعالیتی در موارد فوق انجام می دهد و نقش بارزی در حفظ و حراست از مملکت دارد و دوش به دوش سایر رزمندگان در همه جبهه های داخلی و خارجی می جنگد که در این میان عده زیادی از آنها نیز جان خود را از دست می دهند و یا مجروح و معلول و اسیر می گردند چنانچه سیاستهای دولت شفاف و مردم محور باشد و دولت از دل مردم بیرون آمده باشد و نیروهای مردمی را برای روز مبادا سازماندهی کرده باشد مردم از خود ایشارگری و همراه با نیروهای نظامی از کیان کشور دفاع می کنند. این نوع دفاع وظیفه کاری مردم نیست ، مردم بر مبنای احساس مسئولیت این وظیفه را انجام می دهند و چشم داشتی هم به مسائل مادی و مالی ندارند در عین حال اوج ایثار و از خود گذشتگی را بروز می دهند.

ب) مملکت در حالت صلح

همه مردم فعال در کشور از تخصص برخوردار هستند استفاده از این تخصص خدمت به مردم و مملکت است اگر تفکر و روحیه بسیجی در مملکت حاکم شد مردم مملکت را از آن خود می دانند و برای عزت و سربلندی کشور نهایت سعی و تلاش را بعمل می آورند و بسیار خرسندند که از تخصص آنها قسمتی از مملکت و

مردم استفاده می کنند و از تجمیع تخصصهایی که در مبحث مملکت در حال جنگ بدانها ذکر شده و سازماندهی آنان مشکلات مملکت حل می شود اصولاً افراد بسیج علاقمند به توسعه و پیشرفت مملکت هستند و حاضرند با میل و رغبت برای مملکت کارکنند پس نیاز است که در حال صلح نیروهای مردمی سازماندهی شوند و آموزشهای لازم را ببینند تا از تخصص آنها در موقع لزوم استفاده شود نباید رها شوند اینان نیروهای پشتیبان نظام و دلسوز و امین مردم و جامعه هستند و نباید جامعه از وجود چنین نیروهایی بی بهره باشد .

ج) مملکت در حال آماده باش

انسان باید همیشه آماده رویارویی با مسائل و مشکلات جامعه را داشته باشد آمادگی برای دفاع نظامی ، آمادگی برای توسعه و فن آوری ، آمادگی برای کارهای فرهنگی ، آمادگی برای دفاع علمی از عقیده ، آمادگی برای ساخت تجهیزات نظامی ، آمادگی برای جاده سازی ، آمادگی برای بدست آوردن محصولات کشاورزی و غذایی و آمادگی مهندسی و ...

ممکن است کشورهای اطراف و یا سایر کشورهای ابر قدرت بدلیل دشمنی و یا قطع منافع خود و یا جلوگیری از نشر فرهنگ و آیین کشوری در کشور خود و بصورت بالقوه این اندیشه را در سر پروراند که با ضعیف شدن کشور بدلیل سیاسی ، نارضایتی مردم ، توانائی نظامی و تسلیحاتی و رکورد اقتصادی و ... بخواهند

از فرصت استفاده کنند و حمله کنند (مثل حمله عراق به ایران بدلیل ایجاد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹) در این صورت دولت باید آمادگی کامل را داشته باشد و با سازماندهی نیروهای مردمی (بسیج) در برابر توطئه ها ایستادگی کند .

در رابطه با نقش نیروهای مردمی ذکر چند نکته ضرورت دارد

۱-نیروهای بسیج بهیچ عنوان نباید جلو سایر مردم بایستند .

۲-نیروهای بسیج با آمادگی فکری در زمان صلح و قدرت تجزیه و تحلیل توان توجیه مردم را داشته باشند .

۳-هرچه نیروهای بسیج از آمادگی جسمانی و فکری برخوردار باشند به همان نسبت در ایجاد موج مثبت به نفع نظام و مملکت موفق تر خواهند بود .

۴-نباید در آماده سازی نیروهای بسیج مسائل خرافی آموزش داده شود و اینان بعنوان سدی در برابر تغییرات قرار بگیرند .

۵-بسیاری از تغییرات برای مملکت نیاز است و بهتر است این امر توسط نیروهای سازمان دهی شده (بسیج) صورت گیرد

۶-بسیجی در کشور زندگی می کند پس شرایط فرهنگی و زندگی مردم را باید درک کند و مثل آنها رفتار نماید چون از درون همین جمعیت بیرون آمده است .

فصل دهم

بهداشتی و سلامتی

زنیرو بود مرد را راستی

زستی کژی زاید و کاستی

« فردوسی »

انسان در طول تاریخ خلقت خود تا کنون به نوعی توجه به جسم و تن خود داشته است و بدن خود را بطریق ممکن برای مقابله با حوادث و کارهای روز مره زندگی پرورش و نیرومند کرده است ، کار در مزارع ، آمادگی بدن برای پرورش دام ، استفاده از چماق، گرز و شمشیر برای مقابله با دشمن ، پرورش ماهیچه های بدن ، پیدا کردن دستان و پاهای قوی ، تیراندازی و کمانگیری ، کوه پیمائی ، رفتن بالای کوه و بتدریج مهارت استفاده از ابزار را همراه با پرورش جسم فرا گرفت و متوجه شد که با جسم سالم بهتر به فعالیتها می رسد و اگر سالم باشد در برابر حوادث استقامت بیشتری خواهد داشت و اندامهای بدن در برابر بیماریها بهتر از خود دفاع می کنند . زندگی شهر نشینی امروزی و عدم فعالیت بدنی اکثریت زنان و مردان و جوانان و نوجوانان و خارج شدن کارها از یدی به الکترونیک و دیجیتال و بی تحرکی افراد موجب عدم تحرک افراد می شود، چاقی های مفرط ، ناتوانی بدن در برابر بیماریها ، و نتیجه آن ضعف ، سستی ، نخوت ، فشار خون ، دیابت ، ناراحتی قلب و صدها مرض دیگر است . یکی از راهکارهایی که می

توان به کار بست و از این مرضها تا اندازه ای کاست ورزش است که سالمترین نوع ایجاد تحرک در افراد است .

اینکه افراد به چه ورزشی پردازند مهم نیست مهم این است که افراد جامعه ورزش کنند برای ایجاد تحرک بدن و پرورش ماهیچه های آن جهت تعادل و نگهداری از اندامها ورزشهای گوناگون وجود دارد دو ، شنا ، رزمی ، فوتبال ، والیبال ، بسکتبال ، تنیس ، کشتی ، اسب سواری ، موتور سواری ، دوچرخه ، ماشین سواری ، وزنه برداری ، تیراندازی و ... صدها نوع ورزش دیگر همه اینها برای سلامتی بدن است و هر کدام بنوعی انسانها را به فعالیت جسمی خاص سوق می دهد و همه اینها برای سرگرم کردن انسانها هستند و هدف از بوجود آمدن این همه رشته ورزشی فعالیت بدنی انسان است بتدریج این تنوع ورزشها برای اینکه از یادها نروند و ماندگار باشند مسابقاتی را ترتیب دادند تا برترین ها مشخص شوند و به همین منظور قوانین و مقرراتی نیز برای هر یک از این رشته های متنوع وضع کردند و گفتند تحت شرایط خاص امتیاز داده می شود مثلا برای فوتبال استفاده از دست را قدغن کردند جز در شرایط خاص مثل پرتاب اوت یا در والیبال استفاده از دست مجاز است برای سایر ورزشها نیز قوانین خاص خودشان تدوین گردید همه این کارها برای این است که مردم ورزش کنند برای هر یک از این رشته های ورزشی ابزاری را ساختند و مکانهای مخصوص انجام تمرینات و مسابقات بوجود آوردند مثل زمین فوتبال ، والیبال ، تنیس ، هاکی و سالنهایی برای کشتی ، ورزشهای رزمی ، مشت زنی ،

زمینه‌هایی برای دو و میدانی، استخرهای شنا، میزهای جهت انجام مسابقات و تمرینات همچون وسایل مورد نیاز را بوجود آوردند مثل توپ، راکت، کفش، دستکش، کلاه، پیراهن، شورت، گرمکن، دوچرخه، موتور، ماشین و صدها وسیله مورد استفاده دیگر وقتی به اهداف اولیه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که فقط و فقط به خاطر پرورش جسم و تن بوده است و نه چیز دیگر بتدریج اهمیت ورزش کردن و متعاقب آن رقابت با افراد دیگر نیز در فکر انسانها بوجود آمد و این رقابتهای از شهرها و استانها به کشور و از آنجا به رقابت بین کشورها و پیدا کردن مردان و زنان نیرومند و قهرمان و شناساندن آنها به دیگر انسانها برای فهم اینکه در دنیا از میان میلیونها میلیون نفری که در این رشته ورزشی فعالیت می‌کنند این افراد از دیگران برترند در سطح شهرها هیئت‌ها و در کشورها فدراسیونها بوجود آمد و بین خود فدراسیون‌های جهانی بوجود آوردند و آن فدراسیونها ترتیب مسابقات بین کشورها را بوجود آوردند فدراسیونها با یکدیگر به مبارزه برخاستند و هر ساله در قاره‌ها این فدراسیونها ترتیب انجام مسابقات را دادند و مسابقات خود را هر ساله یا یکسال در میان یا دو سال در میان یا چهار سال در میان برگزار می‌کنند و برای اینکه بتوانند از همه فدراسیونها و تیمهای آنها استفاده کنند بصورت قاره‌ای منتخبین را انتخاب و در فعالیت و در زمان مشخص میان منتخبین مسابقه برقرار می‌کنند تا قهرمانان مشخص شوند. و برای اینکه کشورها در همه فعالیتهای ورزشی با سایر کشورها رقابت کنند المپیک را بوجود آوردند و هر ۴ سال یکبار

تمامی ورزشکاران نخبه یک کشور با سایر نخبگان کشورها به رقابت می پردازند تا برترین آنها مشخص شود. باز هم تاکید می شود که هدف انجام ورزش تندرستی است میلیونها کارخانه تولید وسایل ورزشی بوجود آمد رسانه های خبری زیادی در کشورها و سراسر جهان هر سال مسابقات را به تصویر می کشند در خبرنگارها به چاپ می رسانند از طریق رادیو و تلویزیون به اطلاع همگان می رسانند از این راه عده زیادی در سراسر دنیا مشغول به کار شده اند و از این راه امرار معاش می کنند کارخانه های تولید توپ، راکت، دستکش، کفش و جوراب، پیراهن و شورت و گرمکن، دوچرخه، موتور سیکلت و ماشین، میز، تور حلقه، طراحان لباس، فروشگاه وسایل ورزشی، ساختمان، ایجاد زمین فوتبال، والیبال، ساخت سالنها، پیستها، تبلیغات دور زمین، مکان مسابقات، پخش این بازیها از رادیو و تلویزیون و پر کردن وقت این رسانه ها، روزنامه نگاران و خبرنگاران، جهت تبلیغ و نشر مسابقات ورزشی، نیروی انسانی، دست اندرکاران ورزشی، مکانهای ورزشی، هیئت ها و فدراسیون ها، مربیان، داوران، ناشران چاپ کتاب در زمینه ورزشی، ترمینال مسافری جهت جابه جایی ورزشکاران و تماشاگران و ...

به این ترتیب مشاهده می شود که میلیونها نفر از این راه امرار معاش می کنند علاوه بر اینها میلیونها نفر در سراسر دنیا برای مشاهده فعالیتهای ورزشکاران با صرف هزینه از نزدیک شاهد رقابت ورزشکاران می شوند همچنین قسمتی از وقت

روزانه خود را صرف تماشای این مسابقات و یا خواندن خبرها بوسیله جراید می نمایند به این ترتیب وقت فراغت بسیاری از مردم از این طریق پر می شود. باید توجه داشت که جنگ بین ملتها دیگر جنگ سلاح نیست، قابل قبول نیست که دولتی با زور اسلحه و کشتار مردم، قدرت خود را به رخ دیگران بکشد این برداشت از فکر اکثریت قریب به اتفاق مردم دنیا خارج شده است و سازمانهای متعددی به وجود آمده است از جمله حقوق بشر سازمان ملل که اختلاف بین مردم و زمامداران و اختلاف بین کشورها را از راه مسالمت آمیز حل می کند، دیگر ابزار نظامی پسندیده نیست امروزه رقابت بین ملتها رقابت ورزشی، علمی، صنعتی و تکنولوژی است اما رقابت ورزشی چیز دیگری است اولاً همه آحاد مردم یک کشور وقتی ورزشکاری از کشورشان با ورزشکار کشور دیگر به رقابت برمی خیزد در پای گیرنده های خود با حرص و ولع خواهان پیروزی ورزشکار کشورشان هستند در این رقابت هدف نابودی انسان نیست بلکه پیروزی مهارت، فن و قدرت بدنی فرد بر فرد دیگری یا تیم بر تیم دیگری است و اگر ورزشکار رقیب توسط ورزشکاری خودی آسیب دید ناراحت می شوند نقش انسانی را بالاترین نوع ورزش می دانند اما در شرایط عادی خواهان پیروزی ورزشکار خودی هستند و افتخار می کنند. امروزه معروفیت کشورها بدلیل کسب عناوین قهرمانی بعضی از افراد آن کشورها است گاهی کشوری در قاره ای شناخته شده نیست اما به دلیل داشتن ورزشکار قهرمان و معروف تیم باشگاهی قوی، تیم ملی آن کشور

همه مردم دنیا آن کشور را می شناسند بعضی از کشورها هستند اگر در میادین ورزشی شناخته نشوند ، به ندرت مورد شناخت قرار می گیرند . توجه کنید به کشور آرژانتین تمام معروفیت این کشور بدلیل داشتن تیم فوتبال قوی و ورزشکاران شاخص در رشته فوتبال مثل مارادونا ، پله در برزیل ، علی دایی در ایران به دلیل کسب بهترین گلزن دینا در سطح ملی و حسین رضازاده قویترین وزنه بردار جهان .

دیگر جنگ جنگ ورزش است اگر توانستیم با آماده سازی افراد ورزشکار کشور با سایر کشورها رقابت کنیم و پیروز شویم آنگاه هم معروفیت داریم هم اعتبار داریم و هم از ما به نیکی یاد خواهند کرد ولی اگر توجه نکردیم باید بدانیم که جنگ را باخته ایم و پیروز نشده ایم.

باید به ورزش با دو دید نگاه کرد :

دیدگاه اول: همه باید بهر طریق ممکن و در یکی از انواع رشته های ورزشی فعالیت کنند و به توانمندی خویش پردازند زنان و مردان ، کودکان و نوجوانان باید به طریقی با توجه به علاقه خود ورزش کنند و دولت موظف است زمینه های لازم جهت انجام فعالیتهای ورزشی را فراهم آورد این کار با موارد زیر امکان پذیر است

۱- توسعه فضاهای ورزشی

۲- آموزش نیروی انسانی ماهر (مربی) جهت آموزش دادن مهارت های

ورزشی

۳- در دسترس قرار دادن وسایل ورزشی بگونه ای که بتوان با صرف

هزینه کم این وسایل را بدست آورد از این راه میلیونها نفر به کار

مشغول خواهند شد .

۴- تشویق و ترغیب آحاد مردم به انجام فعالیتهای ورزشی

دیدگاه دوم : قهرمان پروری

باید مربیان خاصی در رشته های متنوع ورزشی افراد ورزشکار را شناسائی کنند و

آموزش دهند و پس از انجام مسابقات داخلی آنها را انتخاب و پرورش دهند تا در

مسابقات جهانی بتوانند با ورزشکاران سایر کشورها به رقابت پردازند و توانائی

شکست آنها را داشته باشند بدین ترتیب هم مردم کشور احساس غرور می کنند و

هم کشور به درستی شناخته می شود و هم افرادی که دارای استعدادی هستند

شناسائی می گردند تا در جوامع جهانی سرافکنده نباشیم. چون با پیروزی

ورزشکاران همه مردم شاد می شوند و با شکست آنها غمگین می گردند باید با

جدیت به موضوع قهرمان پروری پرداخت و هزینه ها کرد تا افراد از توان جسمی

خودشان نهایت استفاده را ببرند .

انسانها در طی دوران زندگی بدلایلی تعادل خود را از دست می دهند و بنوعی بیمار می شوند پزشکان و دستورات عملهای پزشکی، روان شناسان، تمرینات ورزشی، علمای تعلیم و تربیت و تلاش می کنند تا انسانهایی را که از تعادل خارج شده اند را دوباره به حالت تعادل درآورند و شاید بزرگترین نعمتی که انسان از آن برخوردار است سلامتی است تلاش انسان برای تندرستی و سلامتی است. تغذیه مناسب، ورزش، گردش، تفریح و سرگرمی، اتومبیل، جاده، پارک، نیروی انتظامی، فروشگاهها، مسابقات ورزشی، پوشاک، تخت خواب، صندلی و مبل و فرش، آب تصفیه، دارو، شوینده ها، مصالح ساختمانی، خنک کننده ها و گرمابخشها و ... همه برای آسایش و راحتی انسانها بوجود آمده اند، انسان مشغول کار می شود و درآمدی را کسب می کند این درآمد برای حفظ سلامتی اوست ثروت مادی در اختیار سلامتی انسان است، اگر انسان به مرضی مبتلا شود برای بهبودی و تامین سلامتی آنچه سرمایه و ثروت دارد را خرج می کند تا سلامتی خود را باز یابد و حتی حاضر است وام بگیرد و خرج کند تا سلامتی داشته باشد. بالاترین سرمایه ای که انسانها دارند سلامتی است و همه چیز در خدمت سلامتی است وقتی صحبت از بهداشت و رعایت اصول آن در زندگی می شود هدف آن است که انسان بتواند سلامت خود را حفظ کرده و از بیماریها مصون بماند، شخص در اثر سلامت و نشاط از مواهب زندگی بهتر استفاده می کند. تندرستی عبارت از

آسایش کامل جسمی ، روانی و اجتماعی و بطور کلی حالت تعادل نسبی در شکل ظاهری و اعمال و ترکیبات شیمیائی بدن است. فردی که از تندرستی کاملاً برخوردار است در برابر حوادث توانا و بردبار مانده و می تواند بار سختیهای گوناگون زندگی را با نیرو و توانایی جسمی و روحی خود تحمل کند .

در اجتماع افراد سالم بهتر می توانند در راه رشد و ترقی و توسعه جامعه تلاش نمایند و اصولاً جامعه بیمار نمی تواند مسیر تعالی و ترقی را طی نماید وقتی انسانها اطلاع پیدا کردند که چه عامل یا عواملی موجب بیماری می شود و سلامتی را به خطر می اندازد تلاش می کنند تا پیشگیری کنند و دستورالعملهای بهداشتی را رعایت نمایند البته تحقق این امر فعالیت همگانی را می طلبد . بر قاطبه مردم لازم است که علم و فن پیشگیری از بیماریها را بدانند بر دولت و هیئت حاکمه فرض است که با ایجاد یک نظام اجتماعی (که در آن هر فرد دارای سطح زندگی مطلوبی برای تامین و نگهداری تندرستی خود باشد) همت گمارد بطوری که هر فردی در جامعه از حق طبیعی خود یعنی سلامتی و عمر طولانی بهره مند شود برای تحقق این امر اول باید عواملی که موجب بیماری می شوند را شناسائی کرد .

تعدادی از این عوامل عبارتند از : ویروسها ، باکتریها ، کرمها ، قارچها ، مواد شیمیایی ، ضربه ها ، تصادفات ، جنسیت ، وضع اقتصادی و اجتماعی ، سن ، نژاد و قومیت ، آلودگی محیطی ، آلودگی ناشی از کار ، نارسائیهای کلیوی ، قلبی ، مغزی ، اعتیاد ، سوء تغذیه ، آلودگی صوتی و ...

برای حفظ سلامتی باید اقداماتی صورت گیرد از جمله اقدامات مبارزه با بیماری و حفظ سلامتی می تواند، بهسازی محیط، آموزش افراد درباره بهداشت شخصی، جلوگیری از عفونتهای واگیردار، توسعه سیستم اجتماعی که در آن هر کس از داشتن وسائل لازم زندگی که متضمن بقا و سلامت اوست برخوردار باشد، تشکیل خدمات طبی و پرستاری برای تشخیص فوری و اقدام برای جلوگیری از بیماری، دفع صحیح مواد زائد، تغذیه مناسب، بهداشت فردی، استراحت کافی، سالم سازی محیط روانی انسان مثل آشفتگی روانی و عاطفی - سازگاری با محیط، درمان به موقع، توجه به علم ژنتیک، آب سالم و ... باشند.

بر دولت است که برنامه ریزی کند تا زمینه های بروز بیماریها به حداقل برسد برنامه ریزی مدون به وجود آورد تا اگر بیماری حاصل شد افراد بیمار بتوانند به درمان خود پردازند.

از توجه به گستردگی نیازهای بهداشتی و سلامتی انسان میلیونها نفر می توانند مشغول به کار شوند و از این راه نان بخورند، پزشکان، پرستاران، کارکنان بیمارستانها، داروسازان، داروخانه داران، تولید کنندگان شوینده ها، تولید کننده وسایل بهداشتی، تصفیه کنندگان آب شرب، یخچال سازان، دندان پزشکان، تولید کنندگان پوشاک، رختخواب و تختخواب، مبلمان و صندلی سازان، بافندگان فرش و موکت، ساختمان سازان، میادین ورزشی و ... همه و همه می توانند در خدمت بشر باشند.

بی شک تغذیه و تلاش برای بدست آوردن مواد غذایی یکی از مهم ترین دغدغه های همه مردم است و بقول سعدی :

عمر گران مایه در این صرف شد تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

فرمان بردن ، اطاعت کردن ، ناروژدن ، دزدی ، کار ، مهاجرت ، خطر ، کار آموزی ، درس خواندن ، تحصیلات عالی ، ایجاد کارخانه و موسسه ، ماهیگیری ، کشاورزی ، دامداری ، پاسداری ، بنائی ، جنگ ، فعالیت های اجتماعی ، اقتصادی ، علمی و هنری ، فرهنگی ، ورزشی ، بهداشتی ، خدماتی ، نظامی و ... اصلی ترین انگیزه این فعالیتها ریشه در نیازهای غذایی و تغذیه دارد بچه ها از زمانی که به دنیا می آیند حیاتشان بستگی به نوع تغذیه دارد و آنها در اولین گام به پستان مادر مک می زنند و بوسیله شیر مادر شروع به رشد می کنند و برای آن که بتوانند به زندگی خود ادامه دهند نیاز به مواد غذایی دارند و چنانچه مواد غذایی به بدن به آنها نرسد دچار سوء تغذیه می گردند و با سوء تغذیه مقاومت بدن کم می شود و فرد به مرضهای جسمی یا روانی مبتلا می گردد و یا از رشد طبیعی باز می ماند بحث تغذیه تنها در مورد انسان نیست که اصولا راز بقا سایر موجودات نیز ریشه در تغذیه دارد.

عقاب و شاهین تلاش روزمره شان برای بقا است و برای بقا ناچار و بر اساس ذات درونی خود به شکار سایر پرندگان و موجودات دیگر می پردازند سایر پرندگان از

دانه ها و پروانه ها و حشرات استفاده می کنند و اصولاً در دام افتادن آنان بوسیله نیاز غذایی است . آن نقدر مساله تغذیه مهم است که در احکام دینی روزه گرفتن و خودداری از خوردن و آشامیدن اجراخروی دارد و خداوند به این گونه بندگان که در برابر خواسته تغذیه ای مقاومت نشان می دهند پاداش و بهشت را وعده می دهد . حتی بحث کنترل جمعیت و جلوگیری از تولید مثل بخاطر بحث تغذیه ای است ، در احوالات رهبران دینی می خوانیم که به مستمندان کمک می کردند و گاهی مواد غذایی مورد لزوم خانواده و افراد نیازمند را خود بر دوش گرفته و به در خانه ها می برند مثل امام علی (ع) .

پرورش گاو و گوسفند برای استفاده تغذیه ای است کشت محصولات مثل گندم ، برنج ، و انواع و اقسام میوه ها برای تغذیه ، کمپوت کردن ، کنسرو کردن ، خشک کردن مواد غذایی ، فلسفه بوجود آمدن یخچال جهت نگهداری غذا ، ویتامینها و صدها مثال دیگر اینها برای پی بردن به اهمیت تغذیه است .

حال که معلوم شد بشر برای حیات خود نیازمند تغذیه است باید به مسائل مربوط به کمبود تغذیه ای پردازیم و آنگاه مسائل تغذیه کامل و سپس منابعی که می توان مواد غذایی را تامین کرد مشخص کرد و آنگاه نقش دولت ها در رابطه با مسائل تغذیه ای به چالش گذاشته شود .

کمبود تغذیه

همانطور که ذکر شد انسان و سایر موجودات برای رشد و تولید مثل و ازدیاد نیاز به مواد غذایی دارند ترکیب بدن به گونه ای است که به همه مواد غذایی نیازمند است چربیها، پروتئینها، هیدراتهای کربن، آب، مواد معدنی و ویتامینها غذاهای شناخته شده ای هستند که مورد نیاز بدن می باشند و اگر به مقدار لازم به بدن برسند با توجه به سنین متفاوت و فعالیت افراد، بدن سالم، و روی روال کار خواهد کرد ولی اگر به عناوینی کمبود یک یا چند نوع مواد غذایی به بدن نرسد آنگاه است که فرد دچار سوء تغذیه و آمادگی برای بیماریها را خواهد داشت. مثل پوکی استخوان، ضعف بینائی، هپاتیت، زخم معده، زخم روده، مرضهای پوستی، پوسیدگی دندان، ناراحتی های تنفسی، ناراحتی های گوارشی، گوش و حلق و بینی، مغز و اعصاب، رشد ناقص جسمی، ناراحتی های روانی، کم وزنی، عدم تحرک و... بی شک می توان اذعان کرد که محور حرکت های بشر در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بهداشتی تغذیه است. تلاش همه مسئولین و قانونگذاران و سرمایه گذاران برای بوجود آوردن فضایی است که سفره مردم پر شود، می توان گفت که انگیزه موثر برای بدست آوردن و پرداختن به کار مساله تغذیه است صدها میلیون نفر در سراسر جهان به فعالیت فراهم کردن مواد غذایی مشغول هستند کشاورزان، دامداران، صنایع تکمیل کننده مواد کشاورزی، تبدیل

مواد اولیه غذایی کشاورزی به مواد دیگر مثلاً از گندم صدها مواد غذایی دیگر درست می شود .

وقتی ملتی مشکل تغذیه نداشته باشد افراد کمتری بیمار می شوند چون بیشتر بیماریها به دلیل عدم مقاومت بدن در برابر ویروسها ، باکتری ها و عاملهای بیماری زا است با تغذیه مناسب فکر خوب کار می کند دغدغه ها کم است و به مراکز درمانی کمتری نیاز است ، وابستگی دارویی کم می شود ، وقت در زمینه درمان صرفه جویی می شود و بی خودی تلف نمی گردد اکثر نوابغ در میان کسانی یافت شده اند که از تغذیه مناسبی برخوردار بودند با تغذیه مناسب برنامه ریزی جهت رشد تحصیلی دانش آموزان همگون تر خواهد بود ، برنامه های تحصیلی و تربیتی ضمانت اجرایی پیدا خواهد کرد ، فکر خوب ، دغدغه های کم ، مراکز درمانی کمتر ، وابستگی دارویی کم ، صرفه جویی در زمان درمان می شود ، با توجه به این موضوع که اکثر نوابغ در میان کسانی یافت می شوند که از نظر تغذیه ای مشکلی ندارند ، برنامه ریزی جهت رشد تحصیلی دانش آموزان همگون تر خواهد بود برنامه های تحصیلی و تربیتی ضمانت اجرایی پیدا می کند فعالیتهای ملت فاقد سوء تغذیه در جهت توسعه در زمینه های فرهنگی و تربیتی و اقتصادی ، پیشرفت تکنولوژی ، الکترونیک ، ماهواره ای و ... تداوم خواهد داشت . بر دولت و قانونگذار فرض است که زمینه هایی را بوجود آورد تا مردم کشور بتوانند به راحتی به مواد غذایی مورد لزوم خود دست یابند .

تسطیح و آماده سازی زمین های کشاورزی ، اصلاح بذر ، پرورش دام ، کشت مکانیزه ، فراهم کردن آب جهت آبیاری ، ساخت سیلوها ، سردخانه ها ، ماهیگیری و ... از اقداماتی است که می تواند به تولیدات محصولات غذایی کمک کند .

افراد غیر نرمال

به کسانی که بهره هوشی آنان کمتر از حد نرمال، افرادی که به دلیل صدمات اتفاقات دوران بارداری مادران و کسانی که بنوعی معلولیت جسمی و فکری دارند اطلاق می شود .

دولت موکلف است زمینه های باز پروری و نگهداری این افراد را فراهم آورد و اگر خانواده ای خود متقبل کند که نگهداری این افراد را بر عهده گیرد به خانواد کمکهای بهداشتی (پزشکی ، روانشناسی ، داروی و ...) و مالی بنماید و اماکنی را برای نگهداری اینان فراهم آورد .

نباید اجازه داده شود که اینگونه افراد چه مرد و چه زن ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند زیرا بچه هایی که از اینگونه ازدواجها حاصل شوند بدلیل ژنتیک ناقص ، اگر سالم هم به دنیا آیند بدلیل عدم نگهداری و تربیت صحیح توسط والدین نابهنجار خواهند شد .

در جوامع مشاهده شده است که به ندرت افراد سالم حاضر به ازدواج با اینگونه افراد هستند و به طور معمول اینگونه افراد با هم ازدواج می کنند که ثمره ازدواج آنان

نتیجه ای مطلوب نخواهد بود اما برای ارضاء جنسی اینگونه افراد باید فکری کرد و قدرت تولید مثل را از آنها گرفت تا حتی الامکان در حد ارضای نیازهای جنسی اقدام به دفع شهوت نمایند.

پزشک خانواده

سلامتی نعمتی است که اگر انسان از آن غافل شود به خطر می افتد و دچار بیماری و عدم تعادل می گردد، برگرداندن تعادل به بدن مستلزم صرف وقت و هزینه است، گاهی عضوی از تعادل خارج می شود و اگر به موقع و یا قبل از خارج شدن از تعادل انسان بررسی و پیشگیری کند آن عضو به فعالیت خود ادامه می دهد اما اگر انسان متوجه عدم تعادل خود در اعضا مختلف بدن نشود یکباره کارایی عضو کم شود این عدم کارایی عضوهای دیگر راتحت تاثیر قرار می دهد و در نهایت فرد که از یک عضو بیمار است مجبور است همه اعضای بدن خود را در اختیار بگیرد تا عضو مورد نظر بصورت طبیعی فعالیت کند، چه بسیار کسانی هستند که بیماری مزمن دارند ولی به دلیل عدم مراجعه به پزشک و چکاب بدن متوجه ان بیماری نمی شوند و روزی این بیماری عود می کند و فرد را از فعالیت باز می دارد در حالی که اگر قبل از علنی شدن بیماری فرد اطلاع پیدا کند با کمترین وقت و کمترین هزینه درمان می شد.

هستند کسانی که نمی دانند در موقع بیماری به چه متخصصی باید مراجعه کنند حال اگر ترتیبی اتخاذ شود که از بین فارغ التحصیلان علوم پزشکی هر کدام حداقل ۱۰۰ خانوار را به صورت ماهیانه ، فصلی و یا حداقل سالی یکبار مورد آزمایشهای مختلفی قرار دهند و اینگونه افراد را قبل از اینکه به بیماری مبتلا شوند معاینه و درمان ویابه پزشک متخصص معرفی کنند مراکز درمانی اشغال نمی شوند، صرف جویی در هزینه بوجود خواهد آمد، وقت بیمار و نزدیکان هدر نمی رود و افراد جامعه سالمتر خواهند زیست .

مرضهایی مثل : فشار خون ، قند ، دیابت ، چاقی ، سوء تغذیه ، روماتیسم ، پوکی استخوان ، قلب ، ناراحتی کلیوی ، پوسیدگی دندان ، بتدریج ظرفیت بیمارستانها ، وقت خانواده ها و نزدیکان را اشغال می کند .

اگر در زمان سالم بودن دستورات بهداشتی و سلامتی به فرد تجویز می شد افراد بصورت طبیعی زندگی می کردند و بطور طبیعی نیز از دنیا می رفتند .

پزشک خانواده هزینه ای برای دولت ندارد و مردم به آسانی به پزشک خود مراجعه و در صورت ناراحتی از وی کمک می خواهند پزشک نیز برای تمام افرادی که تحت پوشش هستند پرونده پزشکی و معاینات تشکیل می دهد و از سابقه بیماری افراد اطلاع کامل دارد به آسانی به درمان می پردازند و چون در سبب درآمدهای مردم قسمتی برای معاینات پزشکی و چکاب و بهداشتی در نظر گرفته می شود هم

پزشک ارباب رجوع خود را معلوم و برای خود اشتغال زایی کرده است و هم خانواده ها به صورت سالیانه مبلغی را به این امر اختصاص می دهند کم کم این فرهنگ در بین خانواده ها شیوع پیدا می کند بگونه ای که هر فرد باید به پزشک خانوادگی مراجعه داشته باشد.

پزشک خانواده باید در همان محله ای که عضو پذیرفته است زندگی کند و به آسانی در دسترس افراد آن محله باشد به این ترتیب تمامی مردم می توانند حداقل یک پزشک عمومی خانوادگی داشته باشند و به تدریج برای متخصصین سایر اعضا نیز پزشکان از افراد ثبت نام کرده و هر کدام در تخصص خود تعداد معینی عضو گرفته و مورد معاینات پزشکی و درمان قرار می دهند بتدریج روستاها نیز از داشتن پزشک خانواده برخوردار می شوند با اجرای این طرح دیگر پزشک بیکاری نخواهد بود.

دولت و سیاستگذاران برنامه ریزی مدونی را جهت آموزش پزشک تنظیم می کنند با اجرای این طرح هزینه های دارویی بشدت کاهش پیدا می کند ارباب رجوع بیمارستانها کم می شود و مردم یاد می گیرند که بدانند چگونه از بدن خود مراقبت کنند اهمیت سلامتی را بدانند باید توجه کرد که اگر عضوی از بدن دچار ناراحتی شد دیگر اعضا هم نمی توانند به فعالیت عادی خود پردازند چرا که :

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر اعضا را نماند قرار «سعدی»

انسان هر چه هم از خود مراقبت نماید و به تغذیه و رعایت بهداشت و نگهداری از اسکلت بدن، دوری از کارهای خطرناک و ... مبادرت و رزد و سعی کند خود را از خطرهای حفظ نماید با این حال باز هم بر اثر عوامل غیر مترقبه و ناخواسته و قرار گرفتن در محیط کار و زندگی آلوده و عوارضی ناشی از جنگ و عوامل طبیعی، مسمومیت‌های جوی و ... قرار می‌گیرد مضاعف به اینکه عوامل ارثی و ژنتیک و ناراحتی‌های روحی و روانی نیز وجود دارد به‌رحال درصدهای از جمعیت در معرض بیماری‌هایی قرار می‌گیرند که به آسانی معالجه نمی‌شوند بیماری‌هایی نظیر هموفیلی، از کار افتادن کلیه‌ها، تالاسمی، انواع سرطان، ایدز، ناراحتی‌های روانی، قطع نخاع و عصب، ضربات مغزی و... به آسانی قابل درمان نیستند و نیاز به درمان طولی‌المدت و صرف هزینه‌های دارویی و نگهداری دارد اکثریت قریب به اتفاق بیماران از توانایی مالی لازم برخوردار نیستند و از عهده مخارج مربوطه بر نمی‌آیند دائما درد دارند اعضاء خانواده و نزدیکان دائما باید از آنها مراقبت کنند زندگی خانواده یا خانواده‌هایی را برای مدتی دچار بحران می‌کنند اگر هم نزدیکان رغبت به نگهداری و تحمل بیمار بنمایند مشاهده می‌شود از هزینه درمان ناتوان می‌باشند بردولت است که اولاً با برنامه‌ریزی اصولی و دقیق از بوجود آمدن اینگونه بیماری‌ها جلوگیری کند و با روشهای تبلیغی مناسب اطلاعات کافی به شهروندان داده شود و حتی الامکان باعث و بانی این نوع بیماری‌ها نباشد، ثانیاً مراکز

نگهداری جهت اینگونه بیماران بوجود آورد تا اینان در مکانهای خاص نگهداری شوند ، ثالثا نحوه نگهداری اینگونه بیماران را به خانواده های آنان آموزش دهند .

رابعا زمینه تامین دارو و هزینه های درمانی و دارویی راز سرانه ملی در بودجه پیش بینی کند .

آب

بیش از ۷۰٪ سطح کره زمین را آب فرا گرفته است باید توجه داشت که قسمت اعظم بخش خاکی زمین هم بصورت کویر و نیمه کویر و صحرا و کوهستان هستند که اکثر خالی از سکنه می باشند و جانوران خاصی در آنجا زندگی می کنند و این زمین ها مساعد کشاورزی و دامپروری نیستند مردم ساکن کویرها هر جا که آب وجود دارد در آنجا سکونت گزیده اند و در نتیجه فاصله بین شهرها و روستاها بسیار زیاد است شرایط آب و هوایی و بارندگی تاثیر مستقیم در آبخیزی این گونه زمین ها دارد .

انواع آبها و موارد استفاده

الف - آب شیرین : چشمه ها ، رودخانه ها

هرچند که رودخانه ها سرچشمه دارند و از آب شدن برفها به وجود می آیند و بعضی از آنها هم از چشمه ها به وجود می آیند ولی باید توجه کرد آبی که از

دامنه کوهها و یا در نقاطی از زمین بصورت خودجوش بیرون می آید چشمه است در بعضی از نقاط کشور چشمه های فراوان وجود دارد که آب آنها زیاد نیست و بعضی هم نهرهایی را بوجود می آورند که در آبیاری مزارع از آنها استفاده می کنند قناتها نیز مسیرهای زیر زمینی هستند برای رساندن آب به مزارع و...باشیب منطقه ای ، رودخانه ها هم مسیر مخصوص به خود را دارند منابع آب شیرین در جهان بسیار کم است و هر کشوری ظرفیت محدودی از آب شیرین را دارد هر جا آب باشد آبادانی نیز خواهد بود چرا که حرف اول آبادانی از آب گرفته شده است.

شناسائی منابع آب شیرین در هر مملکت وظیفه دولت است ولی باید توجه کرد که آبیاری زمینهای کشاورزی ، آب آشامیدنی ، آب مراکز صنعتی ، و کلا آب مورد استفاده کشور از همین منابع آبهای شیرین است رودخانه ها در مسیر خود شهر ها و روستاهای زیادی را آبیاری می کنند ساکنان شهرها و روستاهای کنار رودخانه نه تنها به مقدار نیاز از این آبها استفاده می کنند که به مقدار لازم آنها را نیز آلوده می کنند پسابهای صنعتی ، آلودگی فاضلابی ، استحمامها ، شستن ظروف و لباسها و سایر وسایل شستنی و ... این سرمایه ملی را با ریختن آشغال و مواد زائد واردن شدن حیوانات و ... از بین می برند رودخانه ها در بستر خود زیبایی خاصی را به محیط می دهند گیاهان زیادی رشد می کنند سرسبزی ایجاد می کنند ، بر روی آن پل نصب می کنند مزارع را آبیاری می کند از سد سازی تامین انرژی الکتریسیته (برق) و آبیاری زمین ها استفاده می کنند .

علت اصلی بقای انسان و موجودات اب می باشد باید برنامه ریزی دقیق تنظیم شود تا این آبها که منبع عظیم حیات بشری هستند اولاً آلوده نشوند که برای تصفیه آنها مبالغ کلانی باید صرف گردد و تازه وقتی هم که تصفیه شدند باز هم عاری از میکروبها و آلودگی نیستند ثانیاً از هدر رفتن آنها جلوگیری شود ثالثاً به تمام نقاط کشور رسانده شوند تا استفاده کنند .

بنظر می رسد در سالهای آینده مشکل اصلی مردم منابع آب شیرین باشد البته آبی که طبیعتاً نرمال و شیرین باشد رابعاً آب چشمه ها که صرفاً معدنی با درجات مختلف هستند بوسیله بطری یا شیشه در اختیار مردم قرار گیرد .

آب دریاها (آب شور)

از دریا استفاده زیادی می شود استفاده از ماهی های موجود در آن و تامین قسمتی از منابع غذایی مردم ارتباط جهانی و کشوری به وسیله کشتی و قایق و لنج و کلا وسایلی که در دریا شناورند و بدینوسیله مرزهای مشترک دریایی بهم نزدیک می شود کشتی های چند میلیون تنی که می توانند صدها برابر وسایل حمل و نقل خشکی بار و مسافر حمل کننده از مزایای دریاست باید برای شستشو از این آب استفاده کرد و به فکر تاسیس کارخانجات و صنایع تبدیل آب شور به شیرین بود تا در کشاورزی از آن استفاده کرد و یا حتی المقدور آب با املاح کم در مراکز صنعتی استفاده شود گاهی می توان بوسیله کانال آب چند دریا را به هم نزدیک

کرد و از خشکیها گذرانند به این ترتیب حمل و نقل بهتر صورت می گیرد و هم آب جاری در کویرها و مناطق خشک در کنار مسیر خود می تواند حیوانات و موجودات و اکوسیستم محیط را حفظ کند باید توجه داشت که مایعات در هر دمایی تبخیر می شوند و در موقع تبخیر فقط آب خالص عاری از مواد و املاح محلول تبخیر می شود زمانی که آب تبخیر شد تشکیل ابر می دهد و موجب بارندگی در محیط می شود باید توجه داشت باروری ابرها از آب تبخیر شده ای است که از اقیانوس حاصل گردیده و باد این ابرها را به مکانها و مناطق می برد وقتی ابرها مملو از آب شدند بارندگی حاصل خواهد شد برای نمونه در مکانهای که دریا وجود دارد و کوه های بلندی در کنار این دریاها هستند از تبخیر آب این دریاها و تشکیل ابر نهایت در مناطق کنار دریا بصورت باران فرو می ریزد نمونه می توان به استانهای شمالی ایران مازندران، گیلان و گلستان اشاره کرد ارتفاعات مشرف به دریای مازندران تا ساحل دریا پوشیده از جنگلها و مراتع سرسبز و بارندگی مداوم است و در قسمت جنوبی پشت کوه البرز به سمت تهران بارندگی کم و عاری از درختان جنگلی است یا اروپا که اطراف آن را اقیانوسها و دریا احاطه کرده اند از بارندگی نسبتا خوبی برخوردارند، همچنین کشور هندوستان که اطراف آن را اقیانوس هند احاطه کرده است می بینیم که بارندگی نسبتا خوبی دارد و مزارع سرسبز و جنگلهای وسیعی دارد.

یکی از راههای کویرزدایی و بیابان زدایی در کشورها استفاده از آب دریا و اقیانوسها می باشد اگر بتوان آب ها را با حفر تونل و معبر وسیع به این مناطق کشاند از ارتباط آب دریاها با یکدیگر سرزمین های غیر حاصل خیز به سرزمین های حاصلخیز تبدیل می شوند بر دولت و قانونگذاری و هیئت حاکمه فرض است تا مسائل مربوط به آب را جدی گیرند و برای استفاده از آن قانون مخصوص تدوین نمایند.

فصل یازدهم

اشتغال

اشتغال و زمینه های آن

در هر کشور عده ای مشغول انجام کار هستند که این کارها بوسیله پدران به آنها رسیده است مثل: پیشه وری، نجاری، آهنگری، دامداری، کشاورزی و... و یا مشغول کارهای دولتی و وابسته به وزارتخانه می باشند و یا مشغول کارهای خدماتی اند. به هر حال با زحمت این شغل را بدست آورده اند، دیگر افراد جامعه یا کودکانند یا جوانان که مشغول فراگیری تحصیلات در مدارس و آموزش عالی، افرادی هستند که به دلایلی نتوانسته اند برای خود کاری دست و پا کنند این افراد تحصیلاتی دارند از نظر جنسیت نیز هر دو جنس زن و مرد را شامل می شوند آنان انتظار دارند بر اساس علم و تخصصی که فرا گرفته اند مشغول به کار شوند. مردم دولت را به عنوان نماینده خود برگزیده اند تا بجای آنها برنامه ریزی کند و دولت هم تشخیص داده است که افراد برای گرفتن دیپلم های مختلف، که سیستم آموزش و پرورش معین کرده است می توانند در جامعه خدمت کننده و همچنین در مرتبه ای بالاتر رشته های دانشگاهی ایجاد کرده است که فارغ التحصیلان دانشگاهی با گرفتن تخصص فعالیت های اجتماعی را در مملکت انجام دهند حال این سوال پیش می آید اگر فارغ التحصیل دبیرستانی تخصص لازم را ندارند چرا دولت به عنوان نماینده مردم، دوازده سال آنها را تحت آموزش قرار می دهد؟ اگر رشته های دانشگاهی مورد نیاز چرخه فعالیت های دولت است چرا به کار گمارده نمی شوند؟ اینان فارغ التحصیلان رشته های دانشگاهی هستند و اکثر کاردان،

کارشناس و فوق کارشناس و دکتری هستند در این زمینه باید توجه کرد که دولت در یک بعد برنامه ریزی کرده است و آنهم بعد آموزش است در بعد نیروی کار و ایجاد اشتغال به ندرت فکر کرده است در حالی که باید شالوده دولت بر این اصول استوار باشد ابتدا زمینه های اشتغال را بوجود آورد و آنگاه نیروی انسانی برای این شغل ها تربیت کند کاری غیر از این عبث و بیهوده است .

زمینه های کلی اشتغال زایی

دولت باید در زمینه اشتغال و اشتغالزایی نهایت تلاش خود را بکار گیرد و مسئولیت تک تک آحاد مردم را بر دوش داشته باشد و به هیچ عنوان شانه خالی نکند و برای همه مردم برنامه ریزی کند و کسی فراموش نشود و بداند هرکس در مملکت مشغول چه کاری است و چند وقت است که بیکار است و کی باید به کار گرفته شود . و از هدر رفتن نیروها و بیکاری جوانان که پیش زمینه بی بند و باری و بی تعهدی نسبت به سرنوشت خود و جامعه و کشور می باشد جلوگیری کند . زمینه های اشتغال در جوامع متنوع و گوناگونند در کشورهای در حال توسعه بهتر می توان این زمینه ها را گسترش داد و با برنامه ریزی حتی می توان از سایر کشورها نیروی انسانی جهت انجام کارها وارد کرد .

۱- جاده و راه سازی

با ایجاد راه و جاده مطلوب اولاً فاصله بین شهرها و روستاها کم می شود. ثانیاً تمایل افراد روستا برای هجوم به شهرها کاهش می یابد ثالثاً رفت و آمد بین شهرها و روستاها زیاد می شود و افراد ساکن در شهرها به روستاها و شهرهای دیگر جهت دیدن و تفریح کردن از خود تمایل نشان می دهند و مزایایی برای روستاها و شهرها دارد رابعاً محصولات شهرها و روستاها بهتر در معرض فروش قرار می گیرد خامساً خودروها کمتر آسیب می بینند و لوازم یدکی کمتری را لازم دارند سادساً تصادف کم و از مرگ و میرهای ناشی از تصادفات کاسته می شود. صنعت جاده سازی و راه و نگهداری آن افراد زیادی را به کار می گیرد از ماشین حمل شن و خاک، آسفالت، ماشین های راه سازی بلودزر، غلتک، گریدر و ... آسفالت سازها، کارخانجات سیمان، فلزات استفاده شده، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، نقشه بردارها و مواد اولیه مورد لزوم که می باست صنایع دیگر آنها را تولید کنند به این وسیله عده کثیری به کار مشغول می شوند.

۲- صنایع تولید خودرو

با تولید انواع خودرو عده زیادی به کار مشغول می شوند که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱- مکانیک های خودرو با توجه با نوع خودرو .

۲- کارخانه جات تولید لوازم یدکی .

۳- فروشندگان لوازم یدکی .

۴- روغن و سوخت خودروها .

۵- رانندگانی که از اینها استفاده می کنند در جهت حمل مسافر یا

حمل بار .

۶- استفاده شخصی مردم .

۳- صنایع تولید فلزات و ورق

فلزات مورد نیاز مملکت مثل : آهن ، مس ، آلومینیوم ، روی ، منیزیم ، منگنز ، نقره ، و ... از تولید این نوع فلزات هزاران هزار شغل ایجاد می شود . مثلاً ورق فولادی در قسمت ماشین سازی ، سماور ، بخاری ، یخچال ، اجاق های غذا پزی ، در و پنجره ، صندلی و میز کولر و ...

که هر کدام می توانند عده زیادی از جوانان کشور را به کار گمارند .

۴- راه آهن

به عنوان یک صنعت و یک زمینه اشتغال زائی مورد توجه است و بعد از سیستم هوایی می توان گفت راحتترین وسیله ایاب و ذهاب راه آهن است فاصله بین شهرهای کشور با خطوط ریل و ترن ارتباط پیدا می کنند درآمد قابل توجهی به همراه دارد در بوجود آمدن آن از خط ریلها گرفته تا زیر سازی آنها و واگن سازی

، موتور سوخت ، مهماندار ، بلیط فروش ، کنترل و نگهداری و عده بسیاری را می توان به کار مشغول کرد .

۵- تسطیح و آماده سازی و احیای زمینهای کشاورزی

با توجه به وجود آب شیرین و اینکه از هدر رفتن آن باید به نحوی جلوگیری شود در مملکت باید هیئتی کارشان شناسائی زمینهای کشاورزی باشد گاهی از زمینی باید خاکبرداری کرد ، گاهی تپه ای را باید صاف کرد ، گاهی به زمینی باید خاک اضافه کرد ، بهرحال به نوعی باید این زمینها مسطح و قابل کشت و از نظر آبیاری بی مشکل باشند بدین وسیله عده زیادی مشغول به کار می شوند .

۶- کشت محصولات کشاورزی

محصولات کشاورزی کم نیستند از گندم و برنج که قوت لایموت مردم هستند تا حبوبات و میوه ها و ... البته باید توجه داشت همانطور که در بخش وظایف نخبه گان گفته شد آنان باید بررسی کنند و معلوم دارند که در هر منطقه با توجه به موقعیت جغرافیائی و آب و هوایی چه محصولی بیشتر بار می دهد و در آن مناطق فقط به کشت همان محصول پردازند برای مثال در ایران وقتی در شهرهای رفسنجان و دامغان محصول پسته خوب بار می دهد پرداختن به کارهای کشاورزی در زمینه محصولات دیگر نیازی نیست و وقت و سرمایه تلف کردن است قرآن

مجید هم می فرماید: هر زمینی مستعد محصولی است گاهی در زمینی گندم خوب به بار می نشیند پس کشت گندم باید در آنجا توصیه شود.

سوره رعد آیه ۴: در زمین قطعاتی مجاور و متصل است (معدن، نفت، طلا، فیروزه، زغال و غیره) زمینی برای تاکستان و باغ انگور قابل است و زمینی برای زراعت غلات و زمینی برای نخلستان آنهم نخلهای گوناگون و با آنکه همه از یک آب مشرب میشوند ما بعضی را برای خوردن بر بعضی برتری دادیم عاقلان را ادله واضحی بر حکمت صانع است یعنی هر کس فکر و عقل بکار بندد خواهد فهمید که این نظام و ترتیب در آسمان و زمین با این خواص مذکور بدست طبیعت نیست بلکه به امر خدای با علم و قدرت و حکمت است.

مسلم و معلوم است که سرمایه گذاری در محصولات کشاورزی شکست به همراه ندارد انسانها و دامها نیاز به تغذیه دارند و به جرات می توان گفت تنها سرمایه گذاری که همیشه سوددهی و بازار آن وجود دارد محصولات کشاورزی است. صدها کارخانه تبدیل مواد غذایی به یکدیگر و یا به طریقی که در دسترس مردم قرار گیرد می تواند بوجود آید از کارخانجات کنسرو و کمپوت، ماکارونی، بیسکویت، رستورانها، پارچه، علوفه و توزیع محصولات و ... بدین وسیله میلیاردها انسان مشغول کار می شوند.

۷- مسکن

هر انسانی برای آرامش و استراحت و برای اینکه وسایل و لوازم خود را در جایی قرار دهد و در برابر گرما و سرما مقاومت کند و همراه خانواده خود زندگی کند و به تعلیم و تربیت فرزندان پردازد و از وسایل و لوازم استفاده کند و در برابر عوامل مزاحم مثل سارقان و ... مصونیت داشته باشد نیاز به مسکن دارد صنعت مسکن می تواند در هر کشور میلیونها نفر را مشغول کار کند معماران و نقشه برداران، بناها و کارگران، برقکارها، کانال سازها، لوله کشها، در و پنجره سازان، شیشه سازان، کارخانجات تولید آهن و میلگرد و نبشی، کارخانجات تولید سیمان، کارخانجات تولید شن و ماسه، نقاشان، آسفالت کارها، کارخانجات تولید سیمان، کارخانجات رنگ سازی، تولیدات وسایل برقی و الکترونیکی و مخابرات، فروشندگان این همه وسایل: وسایل حمل و نقل، کارخانجات لوله سازی آب و گاز و فاضلاب، زمین داران و زمین فروشان، آجر، تیرچه بلوک، کاشی و ... همه از پرتو ساخت مسکن بهره مند می شوند بدین وسیله افراد زیادی را می توان مشغول به کار کرد.

۸- معادن

کشورهای در حال توسعه معادن بسیاری دارند که بدلیل کمبود تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص و عدم سرمایه لازم و ضعف مدیریت نتوانسته اند به بهره برداری برسانند بسیاری از کشورها مواد اولیه استخراج شده از معادن را بدلیل ناتوانی از

تجزیه آنان به فروش میرسانند در حالی که برای خرید وسایل مورد نیاز خود از جمله وسایلی که قسمت اعم آن از همین مواد استخراجی که به صورت خام فروخته اند، چندین برابر باید پول بدهند تا محصول ساخته شده را به دست آورند. حال اگر قدرت استخراج و پالایش و تجزیه را داشته و تکنولوژی را در کشور فراهم می کردند از مواد ساخته شده می توانستند هم نیازهای کشور را بر آورده کنند هم معادن دیگر را به بهره برداری برسانند و هم عده زیادی را مشغول به کار کنند. چه بسیار معادنی در کشور وجود دارد که به دلیل عدم دسترسی به آنها سالیان زیادی طول می کشد تا شناسائی و به بهره برداری برسد. وظیفه دولت است که بوسیله نخبگان همه خاکهای کشور را مورد آزمایش قرار دهد و کوهها شناسائی شوند و در عمق کوهها و خاکهی حفاری لازم جهت شناسائی مواد معدنی به عمل آید از راه فعال کردن معادن و به طبع آن کارخانجات متعددی که می تواند در نزدیکی این معادن ایجاد شود میلیونها نفر را به کار گمارد.

۹- دامداری

بشر نیاز به پروتئین دارد و قسمت اعظم مواد غذایی انسان را گوشت تشکیل می دهد پرورش حیوانات اهلی مثل گوسفند، بز، گاو، شتر، مرغ، شتر مرغ عده ای را می تواند مشغول به کار کند عشایری که در مناطق خاصی از مملکت به حرفه دامداری می پردازند به نوعی دارند کار تولید را انجام می دهند آنها دارند منبع مواد غذایی را پرورش می دهند و نگهداری می کنند و آنگاه آنها را در دسترس مردم

قرار می دهند در حقیقت تولید کنندگان صرف می باشند. مشکلات این گروه از مردم توسط دولت باید حل شود چون این گروه کوچ می کنند راههای کوهستانی باید آماده شوند و برای عبور و مرور مشکلی نداشته باشند، در مکانهای ییلاق و قشلاق امکانات بهداشتی برایشان فراهم شود گوسفندان اینان رایگان معاینه شوند علوفه به راحتی در دسترس شان قرار گیرد. باید به گونه ای برنامه ریزی شود که فرزندان اینان به سیل بیکاران جامعه اضافه نشوند بلکه فرزندان هم شغل پدران را انتخاب کنند در حال حاضر به دلیل جاذبه های شهری و عدم توجه به عشایر که به حق ذخایر هستند از تعداد اینان کاسته می شود و سیل جمعیت اینان به سوی شهرها روانه شده اند. این تفکر که عشایر در یک مکان اسکان پیدا کنند فکر مناسبی نیست حیات عشایر در کوچ است اسکان عشایر یعنی زندگی روستائی و شهری و عادت به این نوع زندگی دیگر توان کوه و صحرا و تحمل سختیها و عشق و علاقه به دام را در بین آنان از بین می برد البته لازم است که در مکانهای خاص گرمسیری و سردسیری در هر کجا که هستند خانه ای داشته باشند بگونه ای که وقتی خانه ای در یک منطقه کوهستانی بنا می شود و در فاصله دو کیلومتری او نیز خانه دیگری جهت فرد دیگری که احشام و بنه او آنجاست بنا می شود بدین ترتیب هر کس در مکان خاص خود صاحب خانه می شود و به فعالیت خویش می پردازد به قول ادام اسمیت: کسی که گاوی را پرورش می دهد و قسمتی از شیر آن را به بازار می دهد تا دیگران استفاده کنند آدم ارزشمندی است چرا که حداقل

به اندازه نیاز خود متقاضی این محصول نیست ضمن اینکه عده دیگری را هم بی نیاز می کند و هرچه تعداد متقاضی کم باشد دولت بهتر می تواند جهت برآوردن نیازها اقدام کند .

پرورش طیور نیز باید برنامه ریزی شود پرورش گاو بصورت متمرکز لازم است چون بدین وسیله هم گوشت تامین می شود و هم شیر باید منابع شیر و گوشت برنامه ریزی شود تا میلیونها نفر از درآمد شیرو گوشت و فروش آنها استفاده کنند و بهره مند شوند و مشغول به کار گردند صنعت عظیم چرم سازی که بوسیله آن صدها شغل ایجاد شده است مثل صنایع کیف و کفش و استفاده از چرم در مواردی دیگر نتیجه پرورش دام و توجه به دامداری است .

۱۰- صنایع نساجی

بشر اولیه ابتدای خلقت که هنوز نتوانسته بود صنعت پارچه را کشف و از پارچه استفاده کند بوسیله برگ درختان خود را پوشش می داد بعدها بوسیله چرم حیوانات و کم کم یاد گرفت از موی حیوانات و بافتن آنها برای خود پوشاک تهیه کند و یاد گرفت که از گیاهان مثل کتان ، کنف ، پنبه و ابریشم لباس درست کند. آنچه مسلم است انسانها نیاز به پوشاک دارند پوشاکها متنوع و گوناگونند کلاه ، کت ، شلوار ، پیراهن ، دامن ، روسری ، چادر ، ملحفه ، پرده ، لحاف و خلاصه انواع و اقسام لباسهای موجود و انواع و اقسام پارچه های که بشر از آنها استفاده می کند .

امروزه بشر به درجه ای از تولیدات پارچه رسیده است که آنها را خوب و بد می کند جنس آنها را با مواد شیمیایی مخلوط می کند بعضی از آنها نسوزند ، بعضی در برابر گرما نازک ، بعضی در برابر سردی هوا مقاوم ، کارخانجات متعددی برای تولید پلی اکریل بوجود آمده است و خلاصه اینکه بشر به پارچه نیازمند است . مدل سازان ، خیاطان ، پرده دوزان و ... شغلایشان ریشه در صنعت نساجی دارد بدولت لازم است که این صنعت را گسترش دهد زمینه های بکارگیری افراد را فراهم آورده زیرا با توسعه و گسترش این صنعت می توان میلیونها نفر را مشغول به کار کرد .

۱۱- ترابری و حمل و نقل مسافر

بی شک همه مایحتاج مردم در دسترسشان قرار نمی گیرند الا اینکه بوسیله ماشینهای مخصوص حمل این وسایل از محل تولید و توزیع به محلهای مورد نظر در شهرستانها و روستاها برده شوند . همچنین مردم برای دیدار از شهرهای کشور (گردش و تفریح) خریدوسایل مورد نیاز ، انجام کارهای اداری ، رفتن به محل کار ، دیدار از قوم و خویشها ، مسافرت به سایر کشورها از وسایل حمل و نقل استفاده می کنند .

اتوبوسها ، مینی بوسها ، تاکسی ها ، تریلرها ، کامیونها، هواپیماها، هلی کوپترها، کشتی ها، لنج ها، یدک کشها، و... نیاز دارند که عده ای روی اینها کار

کنند اگر برنامه ریزی دقیق صورت گیرد عده ای بدین وسیله مشغول فعالیتهای اجتماعی و خدماتی می شوند . به این وسیله از تعداد بیکاران کاسته می شود در حا حاضر عده ای علاوه بر شغل معمول خود که اکثر کارمند دولت و ارتش و یا کارمند بخش خصوصی می باشند بوسیله ماشین خود اقدام به حمل مسافر می نمایند وموجب بیکاری عده زیادی می شوند ، عده ای که مشغول به کار هستند کار دوم برای خود ایجاد کرده اند اگر برنامه ریزی دقیق انجام شود و به کارمندان دولت به اندازه لازم پرداخت نمایند و از فعالیت به شغل دوم جلوگیری کنند به همین تعداد برای افراد بیکار کار ایجاد می شود دولت باید ماشین های حمل مسافر را بطریقی در اختیار گروه بیکاران و واجد شرایط قرار دهد .

۱۲- باغ داری

باغ مکانی است که در آن درختان پرورش می یابند تا به بار بنشینند و محصول بگیرند و مردم از میوه های آنان استفاده نمایند تمامی میوه های موجود در روی کره حاکی حاصل تلاش کسانی است که کارشان باغ داری است باغ انار ، انگور ، پرتغال ، لیمو ، آلوچه ، زردآلو ، گیلاس ، نارنگی ، گلابی ، موز ، بادام ، گردو ، خرما ، سیب ، انجیر ، الو ، هلو ، پسته ، فندق ، نارگیل و ... میوه ها یا به صورت خام در دسترس مردم قرار می گیرند و فروشندگان آنها را عرضه میدارند مثل انگور ، فندق ، گردو ، پسته ، زردآلو و یا بصورت کمپوت برای همه ایام سال در قوطی های مخصوص نگهداری می شوند و یا مازاد آنها خشک می شود و در مغازه های

خوارو بار فروشی در دسترس مردم قرار می گیرند بعضی از آنها فشرده می شوند و از آب آنها استفاده می شود مثل انگور ، پرتغال ، سیب ، انار و بعضی هم حالتی به حالت دیگر در می آیند مثل انگور که هم سرکه از آن درست می شود و هم شراب .

شغل باغ داری شغل سودمند و در عین حال پردردسری است وضعیت آب و هوایی تاثیر مستقیمی در بار گیری درختان دارد عواملی چون سرمازدگی ، بادهای شدید و ... تاثیر دارند . اما باید توجه داشت همانطور که در مبحث کشت محصولات کشاورزی بیان شد هر زمینی محصول خاص خود را بهتر می تواند به عمل آورد جایی پسته خوب می روید جایی پرتغال ، جایی سیب ، جایی انار . باید صنعت باغ داری در تمامی مملکت توسعه و گسترش یابد ، با کمکهای علمی می توان محصولات میوه ای کشور را به وفور تامین کرده علاوه بر باغ داری که درصد قابل توجهی را مشغول می کند .

فروشندگان ، ماشینهای ایاب و ذهاب ، میوه چین ها ، کارخانجات ساندریس ، کمپوت سازی ، واسطه های می توانند از این راه مشغول و امرار معاش نمایند . همچنین می توان مازاد محصولات میوه ای را به سایر کشورها صادر کرد و برای این کار نیز عده ای مشغول به کار خواهند شد تنها باغ و باغ داری نیست بلکه صدها نوع شغل که از این صنعت بوجود می آید می تواند بسیاری از افراد بیکار را مشغول به کار کند .

همه حیوانات چه حلال گوشت و چه حرام گوشت برای حیات خود نیاز به مواد غذایی دارند قسمت اعظم مواد غذایی اینان علوفه (شبدر ، یونجه ، گاه و ...) و برای طیور هم دان می باشد. . گاو ، گوسفند ، بز ، شتر ، اسب و ... نیاز به علوفه دامی دارند با توجه به قانون تنازع بقا هرچه مواد غذایی بیشتر باشد به همان نسبت موجوداتی که از این مواد غذایی استفاده می کنند تعدادشان افزایش می یابد یعنی اگر برنامه ریزی توسط دولت برای بخش خصوصی و کشاورزان به گونه ای انجام شود که کشاورزان در حالی که محصولات غذایی انسان را می کارند علوفه نیز کشت کنند و کشت آنها وفور داشته باشد تعداد محصولات دامی افزوده خواهد شد هم جثه قوی پیدا می کنند و هم از تعداد مرگ و میرهای آنها کاسته می شود و هم توانائی مبارزه با بیماریهای دامی را خواهند داشت همچنین اگر در زمینهای که می شود دان مخصوص طیور کشت شود این دانهها به اندازه لازم کشت شوند و کارخانه های خاصی ترکیب شیمیائی این دان ها را تولید کنند صنعت مرغداری روبه رو به تزیاید خواهد رفت با توسعه صنعت کشاورزی حداقل دو نیاز اساسی جامعه بشری حل خواهد شد (دام و طیور) و بدینوسیله عده زیادی به این کار مشغول و درصدی از بیکاران جذب خواهند شد .

۱۴- صنایع تبدیلی و تکمیلی

در جوار کارخانجات مادر و صنایع کشاورزی و باغات نیاز است که صنایع تبدیلی و تکمیلی بوجود آید تا محصولات تولیدی محصولات

تبدیلی و تکمیلی ایجاد شود برای مثال در صنعت محصولات کشاورزی کارخانه های تبدیل این مواد به مواد نوع دیگر هر چند خاصیت مواد بوجود آمده درصد خاصی از مواد اولیه را دارد ولی چیز جدیدی به وجود آمده است. مثلا در کنار کارخانه نیشکر و محصولات کشاورزی مثل گندم کارخانجات بیسکویت سازی ماکارانی، یا کارخانجاتی که ورق تولید می کنند.

کارخانه تبدیل و تکمیلی بوجود آید مثل صنایع خودرو، بخاری، و کارخانجاتی که مواد اولیه آنها ورق است یا در کنار باغهای بزرگ کارخانجات کنسرو سازی و کمپوت سازی و آب میوه گیری و ... بوجود آید، در کنار پالایشگاه نفت، پتروشیمی برای فرآورده های نفتی بوجود آید بدین وسیله هم عده زیادی مشغول به کار می شوند و هم لازم نیست که مواد اولیه را بدون پرورش و پالایش مستقیما به خارج صادر کنند با توسعه این گونه کارخانجات و صنایع میلیونها نفر مشغول به کار می شوند.

۱۵- جنگلداری و صنایع چوب

جنگلها علاوه بر این که به حاصلخیزی خاک کمک و از فرسایش آن جلوگیری می کنند و اکسیژن لازم را جهت تنفس موجودات زنده بوجود می آورند منبع انرژی نیز به حساب می آیند قسمت اعظم سوخته های فسیلی چوب هستند همچنین جنگلها مناظر زیبایی را بوجود می آورند و زیستگاه موجودات زنده نیز می باشند و به نوعی ذخایر عظیم ملی و مملکتی می باشند که در موقع لزوم از آنها استفاده می شود حفظ و نگهداری جنگلها لازم و ضروری است نه تنها باید کنترل کرد که بی رویه قطع نشوند و دچار آتش سوزی نگردند بلکه باید وظیفه جنگل بانی این هم باشد که منتظر نماند تا درختان خودشان خود رو بوجود آیند و رشد کنند بلکه بدلیل اینکه خاک آن مناطق استعداد پرورش درختان خاص خود را دارد باید در فصل مناسب اقدام به درختکاری در بین جنگل و جاهای گه احتمالا بعضی از درختان آن قطع شده اند و یا مورد استفاده قرار گرفته اند نمود توجه داشته باشیم که صنعت عظیم کاغذ و کارتن از درختان است درها و پنجره ها و مبلمان ها و کمد ها ، صندلیها و میزهای چوبی تیرهای برق ریشه در جنگل دارند اگر جنگل ها بدرستی نگهداری و پرورش یابند از ماحاصل تولیدات آنها میلیونها نفر مشغول به کار می شوند در حال حاضر کشورهای نظیر مالزی و اندونزی از صنعت چوب و کاغذ بنحو ممکن استفاده می کنند و قسمتی از بازار دنیا را بخود اختصاص داده اند.

در تاریخ تمدن بشر تحولات برجسته ای مثل اختراع و توسعه ابزارها، کشف آتش، کاربرد چرخ برای حمل و نقل، اهلی کردن حیوانات، توسعه کشاورزی و اختراع خط به منظور تبادل اطلاعات و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر به چشم می خورد و هر یک دگرگونی چشمگیری در زندگی انسانها پدید آورند استفاده از منابع نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ، چوب برای تولید انرژی و حرکت چرخهای صنایع رشد قابل ملاحظه ای پیدا کرده است ولی باید توجه داشت که سوختهای فسیلی به همان سرعتی که مصرف می شوند تولید نمی شوند و معادن بسرعت در حال مصرف هستند انرژی های دیگر، الکتروسیته، الکترونیک و انرژی هسته ای که از ۲۰۰ سال گذشته بوقوع پیوسته است بیشترین سهم را در توسعه تکنولوژی داشته اند با توجه به منابع موجود انرژی باید برنامه ریزی کرد در حال حاضر بیشتر برای حرکت خودروها و موتورها و لوکوموتیوها از منابع سوخت فسیلی حاصل از مشتقات نفت و گاز استفاده می شود از این منابع باید به بهترین وجه ممکن استفاده کرد. اینکه این منابع عظیم انرژی به صورت خام به سایر کشورها صادر شود و نتوانیم با ساخت پالایشگاه پتروشیمی، بجای فروش خام آنها مشتقات بوجود آمده را بفروش رسانیم کم توجهی است. استفاده از انرژی گاز برای حرکت چرخ عظیم اقتصادی کاری مطلوب و سزاوار است استفاده از منابع انرژی هسته ای و ساخت نیروگاههایی که بتوانند انرژی هسته ای را آزاد و در فعالیتهای

انرژی خواهی استفاده نمود کاری در خور تحسین است و نباید به بهانه داشتن منبع سوخت فسیلی از سایر انرژی ها چشم پوشی کرد ضمن اینکه انرژی برق و الکترونیک برای بوجود آمدن شدیداً نیاز به سایر انرژی ها دارند که از آن جمله انرژی هسته ای یکی از گزینه های اصلی باید باشد سد سازی نیز موجب می شود که از انرژی آب جریان الکتریسیته تولید شود در نتیجه ساخت پالایشگاه، پتروشیمی، سد، نیروگاه و هزاران موسسه صنعتی و کارخانه های تکمیلی و تبدیلی در کنار اینان بوجود می آید و میلیونها نفر مشغول به کار خواهند شد.

۱۷- توزیع محصولات صنعتی و کشاورزی

نهایت تولید مصرف است. مصرف کنندگان در سراسر کشور پراکنده اند هر موسسه تولیدی و خدماتی موظف است که هزینه هایی را در ارتباط با تبلیغ کالا یا خدمات و راه کارهای توزیع در سراسر کشور را در نظر بگیرد گاهی محصولی از کیفیت مطلوب برخوردار است اما تولید کننده زمینه های لازم جهت توزیع کالا را ندارد حال ممکن است این محصول غذایی باشد مثل میوه ها، غلات، علت عدم آگاهی افراد کشور می تواند در دسترس نبودن محصول و یا عدم اطلاع از کیفیت محصول باشد گاهی موسسه ای کالای صنعتی تولید می کند ولی نمی تواند مشتری یابی کند گاهی کارخانه ماشین تولید دارد اما در رابطه با توزیع تفکر لازم را ندارد در چنین کارخانجاتی انبارهای وسیع جهت نگهداری درست می شود خودروها در آنجا بدون اینکه به جریان بیفتد را کد می مانند تلاش در جهت تعمیر

و مرمت و ایجاد راههای روستایی کاهش هزینه های حمل مواد ، تبلیغات لازم جهت معرفی کالا یا محصولات تولیدی از اموری است که باید مد نظر قرار گیرد بعضی معتقدند هزینه معرفی (تبلیغ) کالا یا محصول یا خدمات حتی اگر نزدیک به هزینه تولید هم باشد اشکالی ندارد در معرفی کالا توجه به موارد زیر ضروری است .

۱- در دسترس بودن کالا

۲- ارزان بودن : مردم محل توزیع باید قدرت خرید محصول یا کالا را داشته باشند .

۳- وفور کالا در محل توزیع به صورت مستمر

اگر کالا برای یک یا چند بار در ماه یا سال عرضه شود مشتریان پرو پا قرصی که دائما بخواهند از این محصول استفاده کنند پیدا نخواهند کرد کالاها باید به صورت مستمر در محل توزیع وجود داشته باشند تا مردم هر زمان که مایل بودند خریداری و مصرف نمایند .

۴- فرهنگ سازی

فرهنگ سازی موجب می شود که مردم با خصوصیات کالا آشنا شوند کالا را بشناسند و از مصرف آن ابایی نداشته باشند گاهی محصولی که برای اولین بار انسان آن را می خرد با شک و تردید مواجه است و پرس و جویی بسیار می کند

اما اگر کالا یا محصول شناخته شده باشد بی دغدغه آنرا تهیه می کند. در فرهنگ سازی موارد زیر باید مدنظر قرار گیرد:

- ۱- تبلیغ و معرفی کالا (از طریق رسانه ها ، بروشورها ، افراد و...) یا خدمات .
 - ۲- آموزش استفاده از کالا (خصوصا کالاهای صنعتی) .
 - ۳- قیمت گذاری واحد در سراسر محلهای توزیع
 - ۴- در دسترس بودن و فور داشتن کالا .
 - ۵- بسته بندی مطلوب کالا .
 - ۶- کیفیت بخشی در مراحل تولید بعدی .
 - ۷- توجه به امکان جانشینی برای کالا .
- یعنی باید به گونه ای عمل کرد که بدلائل کیفیت ، قیمت و در دسترس بودن، مردم بخواهند از کالای مشابه به جای این کالا استفاده نمایند ، همچنین اگر محصول تولیدی قدرت رقابت با محصولات مشابه در سایر کشورها را دارد باید به طریق ممکن بازاریابی به عمل آید در بازاریابی جهانی باید توجه به پورسانت در دستور کار باشد زیرا خریداران اگر متوجه شوند صرفا جنسی را خریده اند و بهای آنرا پرداخت کرده اند برای خرید به جایی مراجعه خواهند کرد که علاوه بر قیمت جاری و معامله انجام شده چیزی هم نصیب آنان بصورت هدیه ، سرخرید یا همان پورسانت داده شود بقولی نباید فقط برای یکبار خرید کنند در قیمت گذاری

دولت موظف است نظارت قیمتها را بر اساس هزینه های تولید (توزیع ، استهلاک دستگاهها ، نیروی انسانی ، زمین ، ساختمان و ماشین آلات و ...) افزایش دهد .

مثلا تعداد نیروی انسانی موسسه چند نفر هستند ؟ چه مبلغ حقوق دریافت می دارند ؟ هزینه دستگاهها و استهلاک آنها چقدر است ؟ ظرف چند سال باید سرمایه اولیه تامین شود؟ (زمین و ساختمان ، هزینه فروش و بازگشتی و کاهش قیمتها و ...) .

همچنین در آمدی که صاحب یا صاحبان موسسات باید داشته باشند بصورت معقول نظارت و کنترل شود تا بی جهت موسسات و کارخانجات و سایر مراکز تولیدی و خدماتی به سودهای کلان و باد آورده دست پیدانکنند ، اگر سیاست توزیع محصولات رعایت شود و زیاد خواهی صاحبان مراکز تولیدی نیز کنترل گردد در هر کشور میلیونها نفر مشغول به کار خواهند شد بعضا مشاهده می شود که فرو شندگان محصولات سودهایی در پایان سال می برند که ۵۰ نفر کارمند دولت با مدارج عالی تحصیلات در یکسال دریافت نمی دارند این عدم کنترل و نظارت و ناهماهنگی در درآمدها موجب نارضایتی عمومی خواهد بود و همچنین فاصله طبقاتی را سرعت افزایش می دهد .

۱۸- نیروهای نظامی

برای امنیت داخلی و همچنین امنیت خارجی و بر حسب ضرورت لازم است از بین جوانان کشور عده ای آموزش لازم را دیده و در مسئولیتهای نظامی مشغول وظیفه شوند این درست است که به صورت اجباری جوانان ذکور هر کشور مدتی را صرف

تعلیمات نظامی می کنند و در پادگانها آموزشهای نظامی را می گذرانند و سپس در مرزها (آبی، خاکی، هوایی، برون مرزی و ...) به حفظ و حراست کشور نهایت تلاش خود را بعمل می آورند و درست است که اکثریت بدنه نظامی کشور را سربازان تشکیل می دهند اما برای بکارگیری سربازان و تشکیل شاخه ارتش و نیروی انتظامی و دیدن دوره های تخصصی نظامی در رشته های گوناگون و همچنین آموزش نیروهای سرباز و داوطلب سربازی و تعمیر و نگهداری تجهیزات نظامی، ساختمانها و بدست آوردن اطلاعات نظامی و فرماندهی در زمان حوادث و آمادگی هرچه بیشتر و حفظ و امنیت داخلی از قبیل محافظت از اجتماعات، اماکن، مبارزه با فساد، مواد مخدر، دزدی، اختلاس، قاچاق، زورگوئی، امنیت جاده ها و مرزها، اختلافات فامیلی و خانوادگی، مسائل حقوقی، ضابطه قضائی، نگهداری افراد مجرم در زندان، راهنمائی و رانندگی، ورود و خروج از کشور و ... استخدام نیروهای کادر لازم است. دولت با توجه به قوانین و مقررات نیروهای را استخدام می کند این نیروها به عنوان نیروی کادر رسمی وظایف محوله را انجام می دهند درصد قابل توجهی از جوانان مملکت مشغول کار می شوند و به این ترتیب استخدام در نیروهای نظامی ضمن اینکه حفظ و حراست مملکت از نظر مرزی و داخلی است در واقع محل اشتغال و بکارگیری بخشی از جوانان کشور است گاهی مشاهده می شود که ارتش و نیروی انتظامی وسایل و تجهیزاتی دارند که در زمینه اقتصادی و صنعتی و کشاورزی از آنها استفاده می شود و گاهی قراردادی را جهت

تسطیح راهها، سدها و غیره با ارتش منعقد می شود به نظر می رسد که این کار درست نیست اگر ارتش و نیروی انتظامی توانی دارند از نظر تجهیزات و پرسنل می بایست در جهت تسهیل کارهای خودشان بکار گیرند مثلاً جاده سازی مرزی، اردوگاههای مرزی، ساختمان سازی مخصوص خودشان، صنایع نظامی، ایجاد رفاه برای پرسنل نظامی، تجهیزات نظامی، ساخت امکانات و تاسیسات نظامی برای جلوگیری از حمله احتمالی دشمن و آماده سازی و آماده نگه داشتن خودشان نباید این توان در مسیری غیر از فعالیت نظامی صرف شود اگر چنین شد ممکن است در کوتاه مدت سود دهی داشته باشد و بازدهی آن مطلوب ولی در دراز مدت خطرناک است بخشی از نیروهای نظامی که باید محور فکری آنان مسائل نظامی باشد مسائل اقتصادی و غیره جایگزین خواهد شد و به مرور طرز تفکر پرورش نظامی جایش را به طرز تفکر اقتصادی و... خواهد داد. باید بدانیم هر چیز جای خود نکوست پرداختن نظامیان به امور غیر نظامی بیکاری پنهان است از هدف خود دور شدن است در این صورت نمی توان ارزشیابی به عمل آورد اگر بگوئیم وظیفه نظامی تو چه شد می گوید من به کار غیر نظامی مشغول بودم اگر بگویند وظیفه اقتصادی و... تو چه شد می گوید من نظامی هستم چرا باید کاری کنیم که اثرات بد آن دامنگیر کل مجموعه شود از نظامی جزء مسائل نظامی نباید خواست و اگر غیر از این شد کوتاهی کردن و بی توجهی است همانطور که از بنگاههای اقتصادی انتظار نمی رود در زمینه های امنیت داخلی و خارجی فعالیت کنند.

یکی از منابع عظیم غذایی بشر منابعی است که از دریا بدست می آید انواع ماهی و میگو و... کشورهای که در کنار دریا هستند باید بدانند که می توان با برنامه ریزی درست از دریا و موهاب آن استفاده کرد امروزه گوشت ماهی می تواند یک سوم گوشت مصرفی خانواده ها را تامین کند برای استفاده مطلوب و بهینه لازم است شرکت شیلات در سراسر مراکز دریایی بصورت مدرن اقدام به ماهیگیری کنند و ماهیهای که وارد بازار نمی شوند را بصورت تن درآورده و در دسترس خانواده ها جهت مصرف قرار دهند. البته علاوه بر شیلات، لنج داران و سایر کسانی که می خواهند از راه ماهیگیری امرار معاش نمایند نیز باید تحت کنترل شیلات و با برنامه ریزی و شناخت ماهیها به این فعالیت پردازند اینکه چه ماهیهای باید صید شود جثه و اندازه آن چقدر باشند چه ماهیهای را باید به دریا بازگرداند از جمله مسائلی است که ماهی گیران باید بدانند. اما در رابطه با پرورش ماهی و حوضچه هایی که از منابع آب شیرین استفاده می شود توجه به نکات ذیل ضروری است.

۱- در محل خروج آبها یا چشمه ها حوضچه هایی ایجاد شود.

۲- بر نظافت آب و بهداشتی بودن دقت نظر بعمل آید.

۳- آموزش لازم جهت پرورش ماهی را صاحبان حوضچه ها یاد گرفته باشند.

۴- امکان فروش برای آنها فراهم باشد.

گاهی از آبی که در جریان است به تناوب می توان مکانهای پرورش ماهی در مسیر حرکت آنها بوجود آورد .

۵- تبلیغات لازم و فرهنگ سازی جهت استفاده از ماهی در غذای روزانه به عمل آید بعضا مشاهده می شود به غیر از مردمی که در حاشیه دریا زندگی می کنند بندرت مردم دور از سواحل دریا در غذای هفتگی از ماهی استفاده می نمایند با صنعت ماهی گیری و بوجود آوردن موسسات تکمیلی آن و همچنین پرورش ماهی می توان عده کثیری را به کار مشغول کرد البته دولت باید در استانهایی که به دریا راه دارند با توجه به علاقمندی جوانان جویای کار برای امر ماهیگیری استفاده نماید گاهی باید ابزار را داد و دریغ نکرد و گاهی هم باید آموزش داده شود چون مشاهده میشود که افراد علاقه به این نوع شغل دارند ولی امکانات لازم جهت اشتغال را ندارند ضرب المثل چینی می گوید :

دادن ماهی به فرد ممکن است یک وعده غذایی او را سیر کند اما دادن تور و آموزش ماهیگیری او را همیشه سیر می کند .

۲۰ - پرورش گل ، دانه های روغنی

بعضی از زمینها استعداد محصولات کشاورزی خاصی دارند بعضی برای تولید غلات مناسب ، بعضی برای تولید حبوبات ، درختان ، دانه های روغنی ، علوفه و ... باید زمینها را امتحان کرد ممکن است زمینی محصول گندم و برنج یا علوفه را خوب پرورش دهد اما همین زمین محصول دیگری مثل دانه های روغنی را بهتر از سایر

محصولات پرورش دهد. گاهی نوع آب و هوای مساعد پرورش محصولی مثل انواع گل است. ما در مملکت وزارتخانه ای بنام کشاورزی داریم این وزارتخانه در درجه اول موظف است که شناخت کاملی از زمینها را داشته باشد و با آزمایشهای متنوع معلوم کند که هر زمینی چه محصولی را خوب پرورش می دهد در درجه دوم موظف است به کشاورزان آموزش دهد که چگونه محصول را بکارند چگونه آبیاری کنند و چگونه جمع آوری نمایند و در درجه سوم موظف است آنها را راهنمایی کند که اضافه محصول را چگونه بفروشند مراکز دولتی باید در تمام مدت کشت و برداشت نظارت لازم را داشته باشند هر زمینی باید دارای شناسنامه باشد و کارشناسان کشاورزی مرتب از نحوه کشت و بعمل آمدن محصول و جمع آوری آن بازدید کنند و راهنماییهای لازم را بعمل آورند. اینکه ادارات کشاورزی در جایی مستقر باشند و منتظر باشند که کشاورزان به آنها مراجعه کنند کار مفیدی نیست زیرا اکثریت کشاورزان به ادارات مراجعه نمی کنند باید به اندازه لازم کارشناس وجود داشته باشد و جزء وظیفه خود بدانند که مرتب از زمینهای زیر کشت که قبلا شناسنامه داشته اند بازدید به عمل آورند با توجه به نیاز مملکت به روغن نباتی کشت دانه های روغنی و نظارت و آموزش به کشاورزان در اولویت کاری قرار گیرد کارخانجات روغن سازی افراد زیادی را به کار مشغول می دارند. پرورش گل: گل واژه خوش یمنی است زیباترین توصیف انسان: گل باشی، توگلی، گل بگو و گل بشنو. عیادت بیماران، بدرقه نزدیکان، خوشامدگوئی،

هدیه داماد به عروس ، هدیه دانش آموز به معلم ، هدیه زایمان ها ، زیبا سازی راهروها ، زیبا سازی فضای خانه ، زیبا سازی حیاط ، زیباسازی فضای سبز و پارکها ، زیبا سازی مغازه ها ، صفت بوی خوش ، عطر سازی ، خوش بو کردن صابون و شامپو ، خمیر دندان ، آدامس ، رایحه دل انگیز ، گلاب ، صفت همه خوبیها ، همه شادیها ، عروسیها ، مراسم ها ، غم ها ، روی قبرها ، آویز گردن ورزشکاران ، عالمان محقق ، جایزه ، اهدا جهت : محبت ، دوستی ، علاقه ، عاشق و معشوق و ... نقش گل نمایان است .

بی شک در فرهنگ بشریت هیچ چیز زیباتر و قشنگ تر و دلرباتر و سوسه انگیز تر و شادتر از گل نیست هرچیزی که خوب باشد شبیه گل است. گل انواع و اقسامی دارد در مورد گلها و پرورش آنها کتابهای زیادی نوشته شده است گلها روان شناسی خاص خود را دارند آراستن خانه ها به گل حتی از نوع مصنوعی که دوام بیشتری دارد بر زیبایی خانه می افزاید مسافرت به سرزمینهای زیبا و خوش آب و هوا لذت بردن از گل و گیاه است اینها مقدمه است که بدانیم سرمایه گذاری در زمینه پرورش گل شکست در بر ندارد بلکه همه اش منفعت است. اگر به گونه ای برنامه ریزی شود که کشاورزان و پرورش دهندگان گل و علاقه مندان در تولید و تکثیر و توزیع فعالیت نمایند عده کثیری مشغول به کار خواهند شد .

بیوگرافی مولف :



استاد عبدالحسین سلحشور در سال ۱۳۳۶ در شهرستان ایذه متولد شد وی دیپلم طبیعی را در شهر زرین شهر اصفهان گرفت . با شروع جنگ تحمیلی به کمک رزمندگان اسلام شتافت و در بسیج زرین شهر ابتدا بصورت مربی نظامی مشغول آموزش شد و آنگاه مسئولیت پرسنلی بسیج و

تامین نیرو جهت اعزام به جبهه و دفاع از مملکت را بر عهده گرفت وی لیسانس علوم تربیتی را از دانشگاه اصفهان و فوق لیسانس مدیریت آموزشی را از دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران دریافت نمود . در حال حاضر استخدام آموزش و پرورش است و همزمان در دانشگاه نیز تدریس دارند . بدلیل نیاز مملکت به توسعه و رشد یکنواخت و جلوگیری از خود محوری و بی برنامهگی و آزمایش و خطا توسط دست اندرکاران و وجود یک برنامه مدون برای انجام فعالیتها اقدام به تالیف کتاب فرصتهای آشنا نمود . این کتاب دستورالعمل تقریبا کاملی است برای همه کسانی که می خواهند نقشی در تحولات اجتماعی کشور خود داشته باشند به همین دلیل مطالعه این کتاب را به همه اقشار جامعه بویژه اساتید دانشگاه ، فرهنگیان ، دانشجویان ، نیروهای نظامی و کشوری ... توصیه می کنیم .

نقش حکومتها در توسعه و پیشرفت جامعه و برآوردن نیازهای مردم و توانمندی در اجرای وظایف محوله از مسائل بسیار مهم و حیاتی است

امروزه کشورها را بر اساس نوع حکومت ، دین ، زبان ، فرهنگ نیروی انسانی ماهر ، سابقه تاریخی ، موقعیت جغرافیائی ، منابع طبیعی ، توسعه اقتصادی ، قهرمانان ، دانشمندان و یا محصولات برتر شناسائی و معرفی می کنند